



خیمه یاد تو بهشت من است
مهرت ای ماه در سرشت من است
شکر گویم خدای را شب و روز
پای بوسیت سرنوشت من است

خیمه

شماره ۱۱۲، اردیبهشت ۱۳۹۴
نشریه هیئت‌ها و مجالس حسینی

هیئت قرآنی احیا

علاوه بر تولید و انتشار کتاب و محصولات فرهنگی، ناشر مجلات خیمه، محیا و جدید است.
ehyaonline.ir, info@ehyaonline.ir

نشانی ماهنامه خیمه: تهران، خیابان سمیه، نرسیده به تقاطع استاد نجات‌اللهی، ساختمان مجامع، پلاک ۲۴۱
طبقه چهارم، واحد ۹، تلفن دفتر تهران: ۸۸۹۳۴۹۷۰ - ۰۲۱، صندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۹۴۱

صاحب امتیاز و مدیر مسئول

محمد رضا زائری

زیر نظر شورای سردبیری

همکاران تحریریه: محسن حسام‌مظاهری

عطاء الله اسماعیلی، احسان رضایی

سعیده محبی، روح الله حمیدیان

ابوالفضل الله دادی، صدیقه سادات بهشتی

جعفر پاکزاد، حامد جبرودی، مرجان خسروی

علی سیف‌اللهی، مرضیه صاحبی، زینب صفاری

نسیم کاهیرده، محمد گرشاسبی

منصوره مصطفی‌زاده، احسان ناظم‌بکایی

حسین وهابیان، غلامرضا هزاوه‌ای

گرافیک: مسلم علمزاده

طراح نامواره: حمید عجمی

عکس جلد: مرضیه موسوی (از مجموعه

«تغزیه‌خوانان در نقش‌های واقعی»)



عکس پشت جلد: آنتون سوروگین (عکاس روسی

که در دوران ناصرالدین‌شاه در تهران عکاسخانه

داشت)

با سپاس از: روح‌الله حمیدیان، امین جعفری،

حامد جلیلی، رضا دشتی، احمد ذوعلم، محمد

صفرزاده، مهدی نوری

چاپ و صحافی: هنر سرزمین سبز

تشکیلات در اسلام

قتراح

بهترین اتفاق و بدترین آسیب ۱۳۹۲ ۴
در حوزه فرهنگ عاشورایی

جامعه

مداحی؛ از فرصت‌های بزرگ ۱۶
تا نقطه‌های سبک

دعوتی برای ژرف‌نگری ۱۸
و اندیشه‌ورزی

درباره شورای هماهنگی تشکل‌های ۲۰
ستایشگران

«شرح مدح» ۲۲

روز رسالت‌ناخیز ۲۴

فقط برای سیصد نفر؟ ۲۷

اربعمین از روی عدد ۲۸

از بدعت تا افراط ۳۰

من عاشق محمدم ۳۲

تابستان سخت غزه ۳۴

فرهنگ و هنر

آیین درویشی نبود ۳۶

فرزند آسمان ۳۸

همچنان مختار ۳۹

عاشورا با سه روایت ۴۰

هر کسی مثل خودش عزاداری می‌کند ۴۷

هر روز عاشورا ۵۰

گریه بر مقتل خوانی امروز ما ۵۲

یادبودها

کس نیپچیده از اشک زلال خویشتن ۵۶

در میان شعله آتش ۵۹

مرگ در صحنه ۶۰

حاج‌علی آهی؛ از شاگردی بزرگان ۶۱
تا دستگیری شاگردان

کتاب‌نامه

نگاهی به مقتل ابومخنف ۶۴

منظری معقول بر اولین مقتل مکتوب ۶۶

برای شش گوشه‌ها می‌دهم جان ۷۱

پاسخ به ۱۶ سوال ۷۴
درباره انتشارات خیمه

رونمایی از کتاب حمد ۷۸



ضایعه درگذشت پرچم‌دار ستایشگری
اهل بیت (ع)، استاد حاج علی آهی را به خاندان
آهی، جامعه ستایشگران و عموم مردم تسلیت
می‌گوییم.

هیئت قرآنی احیا، ماهنامه خیمه، مجموعه فرهنگی
سرچشمه، شورای هماهنگی تشکل‌های ستایشگران
اهل بیت (ع)، هیئت‌مدیره، کارکنان و هیئت‌علمی
بنیاد دعبل

تشکیلات در اسلام

این مقاله در سال ۱۳۴۰ در مجله «مجموعه حکمت» منتشر شده است.

مدت‌هاست در این مجله درباره موضوع «تشکیلات در اسلام» گفت‌وگو صورت می‌گیرد؛ اما با این وصف، بسیاری از خوانندگان محترم به مقصود واقعی اطلاع کامل پیدا نکرده‌اند و شاید چنین تصور می‌کنند که مقصود، پر کردن صفحات مجله و در مقابل استفاده مادی است در صورتی که موضوع، مهم‌تر از این است، برای همین مطلب را روشن‌تر بیان می‌کنیم به این امید که به ریشه جمیع مفاسد اجتماعی برخورد نماییم. این موضوع حائز اهمیت است؛ زیرا تا مریض درک نکند که مریض است و تا طبیب مرض را تشخیص ندهد محال است که مریض صحت یابد. از این لحاظ با تقدیم دو مقدمه به نتیجه خواهیم رسید.

مقدمه اول آن است که عالم بشریت اصلاح نمی‌شود مگر در زیر سایه دین و بدیهی است مقصود ما از دین، دین مقدس اسلام است که کامل‌ترین ادیان و شامل همه قوانین فردی و اجتماعی است و در این باره به قدری تاکنون بحث و تحقیق شده است که از جمله مسائل بدیهی به شمار می‌آید.

مقدمه دوم آن است که مسلمین بالغ بر ششصد میلیون جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند و از لحاظ وضعیت زندگی در منتها درجه رنج و فشار مادی و معنوی و حتی پست‌تر از کسانی زندگانی می‌کنند که با اساسا منکر خدا و تمام ادیان هستند یا آنکه متدین به ادیان دیگر. چرا و به چه دلیل اجتماع اسلامی تا این حد ضعیف و رو به انحطاط است؟! در پاسخ به این سؤال یا باید گفت که این ادعا که دین اسلام شامل قوانین و مقررات کامله است، (نعوذ بالله) صحیح نیست یا متأسفانه باید اعتراف کرد که اجتماع صحیح اسلامی وجود خارجی ندارد؛ در صورتی که شاهد هستیم که در ایران، عراق، افغانستان، پاکستان، ترکیه، حجاز و سایر کشورها مسلمانان بسیاری زندگی می‌کنند که هر ساله به مکه سفر می‌کنند، نماز می‌خوانند، روزه می‌گیرند و زکات می‌دهند.

در ایران مطابق قانون اساسی، دین رسمی، اسلام

و طریقه حقه، جعفریه است و اغلب مساجد پر از نماز جماعت‌خوان است در ماه مبارک رمضان رسماً کسی متظاهر به خوردن روزه نیست مگر عده کمی. هر سال بسیاری در این هوای گرم به مکه سفر می‌کنند و با کسالت و حتی مرگ مواجه می‌شوند و در دو ماه محرم و صفر در هر شهر و قریه چادرهایی برپا و بالغ بر میلیون‌ها تومان در



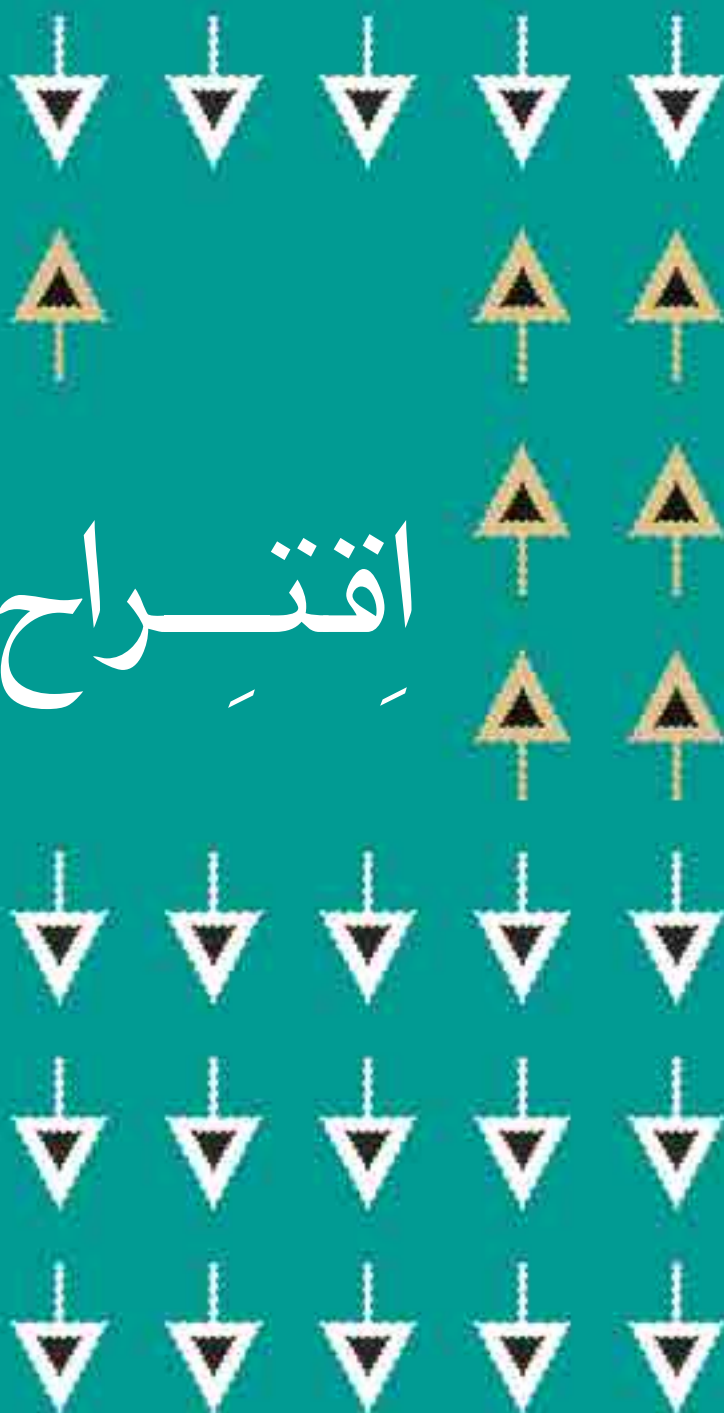
راه تعزیه‌داری حسین بن علی علیه‌السلام صرف می‌شود و ده‌ها هزار مبلغ، منبری و مرثیه‌خوان مبالغی از این راه دریافت می‌کنند؛ همچنین علما و روحانیون در شهرها و قصبات با کمال عزت و احترام زندگی می‌کنند و موقوفه آنها از مزارع، مستغلات، مغازه‌ها، قنات‌ها و غیره پرداخت می‌شود. علاوه بر این مردم مسلمان نیکوکار در مراحل ساخت پل‌ها، آب‌انبارها، قبرستان‌ها،

مدارس، کتابخانه‌ها، چاپ کتاب‌ها و غیره کمک‌ها و مساعدت‌هایی می‌کنند که در هیچ کشوری چنین نیست و این از خصایص مردم کشور ایران است؛ حتی ساختمان‌های دینی نجف، کربلا، سامرا و غیره در کشور عراق به وسیله بزرگان مذهبی این کشور برپا شده است. با وجود این به چه دلیل مردم از وضع حاضر ناراضی هستند. وضعیت در ایران نسبت به سایر کشورها بهتر و امنیت بر حسب صورت برقرار است و همه نویسندگان و گویندگان قلم‌فرسایی و برای بهبودی وضع کشور اظهارنظر می‌کنند و غالباً هم حسن‌نیت دارند.

ما در این باره نظر خاصی داریم و راه اصلاح را نشان می‌دهیم و فقط به اظهار درد قناعت نمی‌کنیم؛ زیرا از اظهار درد درد مداوا نمی‌شود؛ چنان که غالب نویسندگان و گویندگانی که انتقاد می‌کنند راه اصلاح را نشان نمی‌دهند. عده‌ای نیز فقط به گفتن کلیات از قبیل مسلمان یا تابع قرآن شوید و غیره قناعت می‌کنند یا به موضوعات اخلاقی مانند دروغ نگویند، غیبت نکنید، ظلم نکنید و غیره که اثر عملی ندارند، می‌پردازند؛ اما راه خوب شدن چیست؟ و راه مسلمان شدن کدام است؟

آنچه می‌گوییم این است که همه چیز داریم و آنچه نداریم تشکیلات صحیح و اساسی اسلامی است! درست است که در همه شهرها و در تهران انجمن‌ها، هیئت‌ها، مجالس و محافل درس تفسیر و بیان مسائل و احکام و اخلاق، فراوان وجود دارند؛ ولی اینها تشکیلات نیستند؛ زیرا مدیران این اجتماعات با یکدیگر همکاری ندارند و یکدیگر را نمی‌شناسند. مانند امامان نماز جماعت که هر کدام مریدان خود را دارند آنها نیز مریدان ویژه خود را دارند. در شهر تهران در هر محله چادرهایی برای عزاداری امام حسین علیه‌السلام برپا می‌شوند و در روز عاشورا نیز دسته‌ها حرکت می‌کنند، درست است اینها یک هدف دارند؛ اما با پایان ایام عزاداری همه آنها دنبال کار خود می‌روند و نتیجه مثبت گرفته نمی‌شود! ۶۶

اِقْتِرَاح



یک سال با حسین

اقتراح درباره وضعیت فرهنگ عاشورا در سال ۱۳۹۳



۹۹ یاسر احمدپور

مدیر اجرایی مجمع ناشران انقلاب اسلامی و

مدیر عامل شرکت ترنج

گسترده شدن و تجلی بیشتر پیاده‌روی اربعین که با توجه به اتفاقات و اوضاع و احوال منطقه و مشکلاتی که تکفیری‌ها و سلفی‌ها پیش آوردند، اتفاق ویژه‌ای در سال ۹۳ بود که نشان‌دهنده انسجام شیعه در جهان اسلام بود.

آسیب‌های حوزه عاشورایی را علما بارها متذکر شدند. ما آسیب‌هایی را در سال‌های گذشته در نحوه عزاداری‌ها و شکل و فرم برپایی هیأت‌ها داشتیم که هنوز نیز برطرف نشده است. اگرچه به همت بزرگان خیلی کمتر شده، ولی مرتفع نشده است. شاید مهم‌ترین آسیب در این حوزه پرداخت کلیشه‌ای به حادثه عاشورا باشد و هنوز استفاده خوبی از امکانات رسانه‌ای برای پرداخت دقیق به حادثه عاشورا صورت نمی‌گیرد و صرفاً به گزارش تصویری از برپایی مراسم و آیین‌های عاشورایی و یا احیاناً پخش برخی منابر چهره‌های شاخص اکتفا می‌شود و بیش از این چیز جدی‌ای را از رسانه‌ها بخصوص صداوسیما نمی‌بینیم. در رسانه‌های مجازی هم آنچه که دیده می‌شود، حرکت خودجوش مردم و ارادتمندان اهل بیت (ع) است که آنها نسبت به رسانه‌های عمومی و جمعی پیشروتر هستند. به نظرم در حوزه رسانه‌ها ما با آسیب جدی مواجه هستیم و برای انتقال پیام

۹۹ پایان هر سال، فرصت مناسبی است برای بازگشت به عقب و بررسی مسیر و مرور مهم‌ترین اتفاقات رخ داده در طول آن سال. ما هم با همین انگیزه از کارشناسان خواستیم تا سال ۱۳۹۳ را که به نام «اقتصاد و فرهنگ» نامگذاری شده بود، در حوزه فرهنگ و علی‌الخصوص فرهنگ عاشورایی و حسینی بررسی کنند. برای محدود کردن حوزه بررسی، با سه سوال مشخص در حوزه فرهنگ عاشورایی به سراغ نویسندگان، عاشورا پژوهان، شاعران آیینی، مداحان و برخی مسوولان فرهنگی کشور رفتیم و این سوالات را در میان آن‌ها به اقتراح گذاشتیم: اول اینکه؛ به اعتقاد و نظر کارشناسان ما مهم‌ترین رویداد سال ۱۳۹۳ در حوزه فرهنگ عاشورایی چه بوده است؟ دوم؛ به نظر آن‌ها مهم‌ترین آسیب‌های حوزه فرهنگ عاشورایی در سال ۱۳۹۳ چه مواردی بوده است و سوم اینکه؛ خود آن‌ها یا مجموعه تحت مدیریتشان در سال ۱۳۹۳ چه اقدام مهم و شاخصی در حوزه فرهنگ عاشورایی انجام داده‌اند. برخی از بزرگواران پاسخ‌هایشان را به این سه سوال به فراخور حوزه تخصصی کار و فعالیت خود، معطوف به همان حوزه کرده‌اند. مانند جناب حمیدرضا شکارسری، شاعر و منتقد ادبی که به این سوالات در حوزه ادبیات عاشورایی پاسخ داد و یا استاد اسفندیاری که فقط به حوزه کتابشناسی پرداختند و در پاسخ خود، به کتاب‌های منتشره در این حوزه توجه دارند.

به هر حال آنچه می‌خوانید پاسخ‌هایی است به سوالات ما در حوزه فرهنگ عاشورایی به روایت این عزیزان که لطف کردند و علیرغم همه مشغله و گرفتاری‌های روزهای آخر سال که همه درگیرش هستند، با خیمه از دغدغه‌ها و امیدهای سال گذشته گفتند. ۹۹

عاشورا در رسانه کاری نکردیم. شاید انبوه بودن تصاویر، گزارش‌ها و اختصاص ساعات زیادی از برنامه‌ها به حادثه عاشورا مدیران را نسبت به اینکه دارند روی مفهوم عاشورا و حادثه کربلا کار می‌کنند، اقناع می‌کند. باید سنجش دقیقی از اثرگذاری این برنامه‌ها انجام داد و آنچه مشخص است اینکه حرکت صدا و سیما در این مسیر تغییری را نشان نمی‌دهد.

۳ مجمع ناشران انقلاب اسلامی در ایام محرم و صفر چند بسته پیشنهادی از کتاب‌های مربوط به حادثه عاشورا را از طریق صدا و سیما به مردم معرفی کرد. این بسته‌ها شامل مقاتل معتبر و مستند مکتوب و اشعار عاشورایی بود.



محمد اسفندیاری

نویسنده و عاشورا پژوه

نهری در کتاب «نگاهی به تاریخ جهان» به نقل از یکی از نویسندگان می‌گوید که بزرگ‌ترین واقعه قرن نوزدهم در انگلستان این بود که انقلابی رخ نداد. بر همین قیاس می‌توان گفت که در سال ۱۳۹۳ مهم‌ترین رخداد در عرصه عاشورا پژوهی این بود که کتابی مهم منتشر نشد. بدتر اینکه در این عرصه حتی چندان کتاب‌های مفیدی هم به چاپ نرسید. من بر آنم که می‌توان همه کتاب‌ها را در یک تقسیم‌بندی کلی به کتاب‌های مهم و مفید تقسیم کرد. برخی کتاب‌ها مهم‌اند ولی مفید نیستند، همچنین بعضی کتاب‌ها مفیدند ولی مهم

آن جمع کردن مداحان نخبه و پیروان اهل بیت (ع) در کنار جوانان شورخوآن بود. رهنمودهای خوبی در این جلسه ارائه شد و کار بسیار قشنگی بود که به اعتقاد من بی‌تأثیر نیست. چرا که به فرموده مقام معظم رهبری، ما باید دفع حداقلی و جذب حداکثری داشته باشیم.

۲ نقاط ضعف و آفت‌ها، مدت هاست که در حوزه فرهنگ عاشورایی وجود دارد که باید هرچه سریع‌تر فکری به حال آن‌ها کرد. یکی از این آسیب‌ها، همین آهنگ‌هایی است که در مداحی‌های جدید شنیده می‌شود. به هر حال، مداحان ما

سخنان امام (ع) تماماً از عزت، آزادگی، حریت، اخلاق و انصاف می‌گوید. اگر مرثیه‌خوانان این نکات را مورد توجه قرار دهند، سراغ مسائل سطحی که پایه و مایه ندارد، نمی‌روند

باید مراقب گفتار خود باشند. چرا که دشمن همیشه می‌خواهد آسیب برساند و یکی از راه‌هایی که در نظر می‌گیرد، نفوذ از طریق آهنگ‌های بی‌محتوایی است که متأسفانه در بعضی از مجالس خوانده می‌شود.

۳ ما در سال ۹۳، کلاس‌هایی را برای آقایان و بانوان در خانه مداحان و هیأت رزمندگان با هدف پررنگ کردن روضه‌های خانگی برپا کردیم. همانطور که الان کلیساهای خانگی راه افتاده و روضه‌های خانگی داشته باشیم. من تجربه این روضه‌های خانگی را از نوجوانی دارم و می‌دانم که این جلسات، چقدر تأثیرگذار است. در روضه‌های خانگی، پسر یا دختری که شاید احتمالاً رغبتی نسبت به مسائل دینی نداشته باشند، با دیدن این برنامه‌ها در منازلشان، ترغیب شوند.



حجت‌الله جودکی

کارشناس تاریخ و مسایل خاورمیانه

۱ مهم‌ترین رویدادی که در سال ۹۳ داشتیم موضوع راهپیمایی اربعین بود که با سالهای قبل متفاوت بود. اما در این خصوص نکته‌ای وجود دارد. در آیه ۳۲ سوره حج آمده است: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» کسانی که شعائر خدا را پامس می‌دارند، این کار نشانه تقوای دل‌ها (آن‌ها) است. ما مفهوم شعائر الله را در سطحی بسیار گسترده از راهپیمایی اربعین تا سینه زنی، قمه زنی، زنجیرزنی، مداحی‌ها و... در عزاداری

متن مقتل را بخوانید.

موضوع دیگر اینکه ما باید مجالس سوگواری و عاشورایی را ممزوج کنیم. یعنی هم مرثیه‌خوان باشد و هم منبری، تا منبری از تحلیل بگوید و مرثیه‌خوان از تعزیه. به عبارتی یکی از عواطف استفاده کند و یکی از خرد و برهان. اگر سخنان امام حسین (ع) را در طول نهضت عاشورا که بیش از ۵ ماه به طول انجامید، مطالعه کنیم، می‌بینیم که تماماً از عزت، آزادگی، حریت، حاکمیت، حاکم، اخلاق و انصاف می‌گوید. اگر مرثیه‌خوانان و مداحان این نکات را مورد توجه قرار دهند، انصافاً سراغ مسائل سطحی که پایه و مایه ندارد، نمی‌روند. شهید استاد مطهری سه جلد کتاب با عنوان «حماسه حسینی» نوشته که در آنجا به برخی از آسیب‌ها اشاره کرده که باید با مطالعه آن به این موضوع توجه کرد که گاهی می‌بینیم عاشورا به جای اینکه دارای جاذبه باشد، دارای دافعه می‌شود.

۳ برپایی مراسم عاشورا صد درصد مردمی است و ما نمی‌توانیم بگوییم که برگزاری مراسم آن توسط دولت و حکومت است و اگر هم دولت میدان داراست و حتی مراسم برگزار می‌کند، آن هم به عنوان جزئی از مردم مطرح است نه اینکه دولت خط و جهت بدهد و مردم کار کنند. عاشورا کاملاً مردمی است و در همین تهران که هزار و یک مشکل دارد، قبل از آمدن محرم جوان‌ها جمع می‌شوند و جلوتر از مساجد تکیه برپا می‌کنند. این نشان می‌دهد که عاشورا صد درصد مردمی است و دولت نظارت، مراقبت و حمایت می‌کند و حق هم همین است. مانند انقلاب اسلامی ما که از مثلثی به نام مکتب، ولایت و امت یعنی مردم، دین اسلام و رهبری و ولایت فقیه تشکیل شده است.



حاج یدالله بهتاش

مداح اهل بیت

۱ به اعتقاد من، رهنمودهایی که رهبر بزرگوار انقلاب در دیداری که با جمعی از مداحان ارائه دادند، مهم‌ترین رویداد سال ۹۳ در حوزه فرهنگ عاشورایی بود. اینکه ایشان اینقدر به موضوع مدیحه‌سرایی اهل بیت (ع) اهمیت می‌دهند و تذکراتی که در این خصوص می‌دهند و تقید و اهتمام ایشان به درست برگزار شدن مراسم‌های عزاداری بسیار جالب توجه است. یک اتفاق مهم دیگر هم در هیأت رزمندگان اسلام افتاد و

نیستند. مثلاً کسی که قرآن را با حروف بدون نقطه تفسیر کرده کتابی مهم آفریده است اما هیچ گره‌ای نگشوده و کتابی مفید پدید نیاورده است اما برعکس، کتاب «آری این چنین بود برادر» از دکتر علی شریعتی اثری مهم نیست ولی مفید است و صدها هزار خواننده داشته است. با این مقدمه می‌خواهم عرض کنم که در سال ۱۳۹۳ نه تنها شاهد آثاری مهم در عرصه عاشورا پژوهی نبوده‌ایم، بلکه چندان آثار مفیدی هم منتشر نشده است.



حجت الاسلام سیدرضا اکرمی

رئیس شورای فرهنگی نهاد ریاست جمهوری

۱ فرهنگ عاشورا در مکتب تشیع و در ایران اسلامی به ویژه هنگامی که جمهوری اسلامی به وجود آمده، موضوعی بسیار عزیز و مورد ارزش و احترام است و ما مشاهده می‌کنیم که مردم نسبت به فرهنگ عاشورا آن قدر حساس هستند که اگر خدای ناکرده کمترین بی‌توجهی یا کمترین اتهامی به فرهنگ عاشورا وارد شود، بلافاصله عکس‌العمل نشان می‌دهند که ما در سال ۱۳۸۸ آن را به وضوح مشاهده کردیم. فرهنگ عاشورا متن اسلام است و چراغ هدایت است برای همه انسان‌هایی که می‌خواهند آزاده، عزیز و محترم زندگی کنند و ذلت نپذیر باشند. از این رو واقعه عاشورا جاذبه دارد به طوری که گاندی یا جواهر لعل نهرو امام حسین (ع) را اسوه خود می‌دانند و ما شخصیت‌های غیرمسلمانی داریم که درباره امام حسین (ع) و عاشورا کتاب نوشتند و اخیراً این توجه به وجود آمده که عاشورا را به انقلاب امام عصر (عج) پیوند زدند. بنابراین فرهنگ عاشورا در کشور ما ارزشمند و مورد توجه مجامع بین‌المللی است و مشاهده می‌کنیم که عاشورا برای کشورهای غیراسلامی و غربی نیز جاذبه دارد و برای آن مراسم می‌گیرند.

۲ یکی از نکاتی که در این زمینه دیده می‌شود اینکه واقعا در بخش مرثیه‌خوانی آن طور که باید و شاید متن و محتوای مقتل مورد توجه مرثیه‌خوانان نیست. اشکال آن این است که متأسفانه مداح‌ها و مرثیه‌خوان‌های ما کمتر با ادبیات عرب آشنا هستند تا از متن مقتل استفاده کنند و بیشتر به ترجمه‌های مقاتل و زندگی‌نامه توجه می‌کنند و به آنها می‌پردازند. چنین نقضی وجود دارد که من یک زمانی به برخی از آنها پیشنهاد کردم که حداقل یک دوره جامع المقدمات را بخوانید تا صرف و نحو و ادبیات عرب را بدانید و بتوانید



۳ چاپ چهارم مقتل ابی‌مخنف با ترجمه من سال ۹۳ توسط انتشارات خیمه منتشر شد و تفاوتی که با چاپ‌های قبلی داشت این بود که برای اولین بار متن عربی این مقتل را همراه با ترجمه فارسی چاپ کردم. ضمن اینکه تعدادی مقالات هم در چاپ‌های دوم و سوم به کتاب اضافه کرده بودم که آن مقالات در چاپ جدید حذف شدند. من این کتاب را دوست دارم، از این جهت که علیرغم حجم کم مقتل ابی‌مخنف، مقتل جامع و مانعی است که پیام‌های درستی را از واقعه دریافت کرده و مستقیماً به خواننده منتقل می‌کند. نکته خلاف شرع، عرف و عقل در آن دیده نمی‌شود. در حالی که در بسیاری از مقاتل این نکات به وفور یافت می‌شود. کار دیگری که در سال ۹۳ انجام دادم مقالاتی است که درخصوص تحریفات عاشورا نوشتم که منتشر شد.



ابوالقاسم حسینیجانی

پژوهشگر، نویسنده و شاعر دینی و صاحب آثار عاشورایی

۱ اصلاً اتفاق خوبی نمی‌بینم تا اینکه بخواهم بگویم بهترین آنچه بود. اتفاقاً در خصوص مسائلی که در حوزه فرهنگ عاشورا رخ می‌دهد، نگرانم. من برای اسلام و تشیع جغرافیا قائل نیستم و یک تاریخ قائلم که حتماً به انسان و جهان ربط پیدا می‌کند و اگر این‌گونه نبینیم در واقع به عاشورا و امام حسین (ع) و اسلام و قرآن ظلم و جفا می‌کنیم.

خیلی از تحریفات نخواهد بود. امروز این میراث عظیم نیاز به پالایش دارد، مانند کاری که شهید مطهری در بخش اول کتاب «حماسه حسینی» به نقد تحریفات عاشورا پرداخت یا کاری که مرحوم محدث نوری در کتاب «لؤلؤ و مرجان» انجام داده است. در حوزه عاشورا باید بهترین کارها را انجام داد، نه تکرار مکرراتی که یقینی نیست. خداوند از ما خواسته در انجام هر کاری تفکر، تدبیر و تفقه کنیم و بهترین‌ها را انتخاب کنیم. خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» اگر در کاری به علم و یقین نرسیدی، پیروی نکنید و براساس ظن و گمان کاری انجام ندهید. متأسفانه معرفتی که در خصوص عاشورا به ما رسیده معرفت ظن و گمانی است که: «إِنَّ الظَّنَّ لَا يَغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً» به راستی که گمان و خیالات موهوم کسی را بی‌نیاز از حق نمی‌گرداند. ممکن است در صورت پالایش کتاب‌هایی که در مورد امام حسین (ع) نوشته شده، آنچه که باقی می‌ماند اندک باشد؛

فکر می‌کنم تاکنون بیش از ۱۰ هزار جلد کتاب درباره واقعه عاشورا نوشته شده باشد اما از مجموع این ۱۰ هزار جلد، روی چند جلد آن کار تحقیقی شده است؟ بسیاری از این کتاب‌ها تکرار حرف‌هایی است که دیگران در کتاب‌های قبل گفته‌اند

اما اندکی که درست و صحیح است و می‌توان به آن ایمان داشت و یقین کنیم که گمراه‌کننده نیست. الان نگاه کنیم ببینیم در پاسداشت عاشورا چه کارهایی می‌کنیم و چند درصد آنها مطابق با آنچه که خدا می‌خواهد است و با قرآن در تضاد نیست. بخش‌هایی که در تضاد است باید کنار گذاشت. احساس و شور خوب است، اما در کنار عقل. یعنی اگر عقل راهنمای احساس و شور و حماسه نباشد، خطرناک است و ره به جایی نخواهد برد.

عاشورا توسعه دادیم. شعائر جمع شعیره و به معنی علامت و نشانه است که در قرآن چند بار به شعائر الله اشاره شده و از جمله اینکه آمده است صفا و مروه از شعائر الله است. حال اگر ما از شعائر الله تعریف درستی نداشته باشیم، باعث سوء تفاهم می‌شود. به طوری که اگر کسی با قمه زنی مخالفت کرد گمان می‌کنیم که او با شعائر الله مخالفت می‌کند، در نتیجه جبهه بندی‌هایی به وجود می‌آید که خطرناک است. راهپیمایی اربعین اتفاق خوبی بود؛ اما باید ببینیم با چه نیت و هدفی آن را برگزار می‌کنیم. هدف پاسداشت و تعظیم امام حسین (ع) است یا عرصه‌ای برای قدرت‌نمایی است؟ اگر منظور ما از برگزاری راهپیمایی اربعین هدف دوم باشد، جالب نخواهد بود و مسائل اجتماعی بدی را در پی خواهد داشت. به نظر من باید یک بار دیگر در مفهوم شعائر الله دقت کنیم و ببینیم که چه کارهایی واقعاً شعائر الله است و آنها را انجام دهیم.

۲ درباره امام حسین (ع) زیاد صحبت شده، اما حق مطلب اداء نشده است و نسبت به آن خوب نیندیشیدیم. ما میراث عظیمی درباره امام حسین (ع) داریم. مثلاً فکر می‌کنم تاکنون بیش از ۱۰ هزار جلد کتاب درباره واقعه عاشورا نوشته شده باشد اما از مجموع این ۱۰ هزار جلد، روی چند جلد آن کار تحقیقی شده است؟ بسیاری از این کتاب‌ها تکرار حرف‌هایی است که دیگران در کتاب‌های قبل گفته‌اند و یا نکاتی به آنها اضافه کرده‌اند. کاری که ما درخصوص امام حسین (ع) به آن نیاز داریم، پالایشگاهی برای پالایش تمام کتاب‌هایی است که درباره امام حسین (ع) نوشته شده تا آنچه که درست و واقعی است باقی بماند. والا چاپ دوباره همان مباحث در قالب‌ها و فرم‌های جدید، چیزی جز تکرار مکررات و جالفتاده کردن



۲ بزرگ‌ترین آسیب و آفتی که امروز به جان عاشورا افتاده و امام حسین(ع) را زیر سم‌های ماشینینی خود خرد می‌کند، انحرافی است که ما به عاشورا تحمیل کردیم. عاشورا این نیست. عاشورا یعنی نجات بشر و محرومیت‌زدایی و اینکه خدا را در جای جای زندگی، خانه، سیره و مساجد مردم بباوریم و اگر غیر از این اتفاق بیفتد در واقع به عاشورا ظلم می‌کنیم. عاشورا به همان دردی دچار شده که خود برای درمان همان درد آمده بود. عاشورا در واقع ظلم‌ستیزی و ستم‌ستیزی است. هر جایی که به نام عاشورا کارهایی این‌چنینی انجام شود، خیانت به عاشورا است. کجا در کربلا و روز عاشورا قمه‌زنی اتفاق افتاد؟ قمه‌زنی نهایت خشونت و حماقت است و در برابر جهان چه پاسخی می‌توانیم بدهیم. با کارهایی که اکثر مداحان انجام می‌دهند فرهنگ امامت در حال تغییر است. مداحان سراغ امام حسین(ع) می‌روند و می‌گویند ارباب ما امام حسین(ع) است و خود را به عنوان نوکر معرفی می‌کنند. در حالی که ما اصلاً ارباب و نوکر و ارباب و رعیت نداریم، ما امامت امت داریم. در فرهنگ قرآن و فرهنگ شیعه امامت است نه اربابی‌گری. ما یک مردمی‌گری داریم و یک عوامی‌گری. بسیاری از کارهایی که در حوزه فرهنگ عاشورا انجام می‌شود عوامی‌گری است و بزرگ‌ترین آسیبی که به جان عاشورا افتاده از همین عوام‌زدگی‌ها و خرافاتی‌گری‌ها است. امام حسین(ع) آمده که ما آگاه شویم، امام حسین(ع) تنها کسی روی زمین است که درباره سلام که ارتباطی‌ترین کلید واژه در فرهنگ ارتباطات است، فرموده: اگر سلام ۷۰ ثواب داشته باشد، ۶۹ ثواب آن برای کسی است که سلام می‌دهد. سلام یعنی صلح، یعنی آرامش، یعنی بیاییم با هم زندگی کنیم و با هم در ارتباط تنگاتنگ انسانی و خدایی باشیم. ایشان می‌فرماید: ۶۹ ثواب برای کسی است که پیشنهاد

سلام می‌دهد، یعنی پیشنهاد صلح را داده است. من وقتی به عاشورا می‌روم، در آن فرهنگ صلح و سازش و جنگ نکردن می‌بینم و اصلاً در آن خشونت نیست. حسین(ع) روز عاشورا برای جنگ نیامده بود و در یک جمله می‌خواهم بگویم هم جنگ و هم کربلا را به امام حسین(ع) تحمیل کردند. بنابراین بسیاری از قرائت‌هایی که در کتاب‌های مختلف ما هست همه زیر سوال می‌رود. ما باید بسیار تحلیل‌گرایانه و عاقلانه به وقایع بپردازیم. بزرگ‌ترین آسیبی که به جان فرهنگ عاشورا افتاده خرافاتی‌گری و برخورد‌های غیرعاقلانه است. در همین راستا می‌خواهم از مراسم اربعین نام ببرم. خیلی‌ها اربعین پارسال برای زیارت به کربلا رفتند که من اسم این زیارت‌ها را زیارت فله‌ای می‌گذارم. زیارت باید توأم با دیدار باشد و در آن ملاقات اتفاق بیفتد. باید این دیدار منجر به یک دستاورد شود. حضور این جمعیت بسیار زیاد برای زیارت اربعین در کربلا منجر به چه اتفاقی شد؟ این مسئله را منصفانه تحلیل کنیم و ببینیم در مقابل این همه حضور جمعیت در کربلا و عرض ارادت و صرف وقت و انرژی چه دستاوردی نصیب ما شد. در زیارت اربعین می‌خوانیم: «لَيْسَتْ نَفْدٌ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَتُ الضَّلَالَةِ» تا بتواند مردمان را از نادانی و سرگشتگی نجات دهد. آیا این دو قضیه اتفاق افتاد؟ اگر اتفاق افتاده که درست است و اگر نیفتاده پس راه را اشتباه می‌رویم. در زیارت عاشورا آمده است: «وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَشْرَجَتْ وَ الْجَمْتُ وَ تَنَقَّبَتْ لِقِتَالِكَ». در این فراز به سه نکته اشاره می‌کند و می‌گوید ننگ بر آن گروهی باد که اسب‌ها را برای جنگ با شما زین و لگام کردند. آیا فقط به اسب‌ها لگام زدند یا به خلق هم زدند؟ یعنی جلوی دهان‌ها را بستند، یعنی یک زمینه فرهنگی و ابزاری فراهم

کردند. و بعد می‌گویند: وَ تَنَقَّبَتْ. یعنی آنهایی که نقاب زدند. نقاب، نقاب را به میان می‌آورد. کسانی که برای جنگ با حسین(ع) آمدند، داخل جامعه اسلامی بودند که یا از روی خجالت به چهره‌های خود نقاب زدند یا به خاطر مسائل امنیتی. تحلیل این نکات ما را به فرهنگ واقعی عاشورا می‌رساند. **۳** بسیاری از مفاهیمی که من روی آنها کار می‌کنم با عاشورا و فرهنگ عاشورا و اسلام و قرآن در ارتباط است و می‌توانم بگویم ۸۰ درصد کارم مربوط به همین موضوعات است. منتهی من عاشورا را تنها نمی‌بینم. به عاشورا سیستمی نگاه می‌کنم و می‌گویم بعثت، غدیر، عاشورا، انتظار، ظهور. اگر بتوانیم این وقایع را به صورت سیستماتیک و شبکه‌مند تعریف

در زیارت اربعین می‌خوانیم: «لَيْسَتْ نَفْدٌ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَتُ الضَّلَالَةِ» تا بتواند مردمان را از نادانی و سرگشتگی نجات دهد. آیا این دو قضیه اتفاق افتاد؟ اگر اتفاق افتاده که درست است و اگر نیفتاده پس راه را اشتباه می‌رویم

کنیم به خیلی چیزها می‌رسیم که هم جمع‌بندی سال ۹۳ است و هم چشم‌انداز سال ۹۴. اگر ما بودن خوبی نداشته باشیم، نمی‌توانیم شدن خوبی هم داشته باشیم. ما اگر بتوانیم گذشته‌مان

را خوب تحلیل کنیم و از گذشته‌مان به درستی برای حالمان استفاده کنیم، حتماً خواهیم توانست طراحی و مهندسی درست و صحیحی برای آینده داشته باشیم. همه حرف من این است که اگر انتظار نتواند به خوبی از عاشورا عبور کند، نمی‌تواند به ظهور بیانجامد. من همیشه در باره عاشورا این جمله را می‌گویم که حضرت اباعبدالله(ع) در عاشورا یا شکست خورد و یا پیروز شد؛ اگر شکست خورد، بنشینیم دلایل شکست را پیدا کنیم و اگر

پیروشد آنها را تقویت کنیم. بسیاری از کارهایی که امروز به عنوان تعزیه، روضه و... بدون فکر و بدون مدیریت و مهندسی انجام می‌دهیم، وقت ما را تلف می‌کند. ما باید خیلی جدی روی مسائل اساسی و زیربنایی کار کنیم. ما برای دوران ظهور حضرت مهدی (عج) به عنوان حکومت جهانی واحد، نیاز به شناخت زمان و جهان و داشتن مدیریت قوی و فراهم کردن ابزارمندی‌های لازم داریم. نمی‌شود در بن‌بست گیر کرد و ادعاهای جهانی داشت. این فکر اساسی من است و کار اساسی‌ام هم در همین زمینه هاست.



حجت‌الاسلام سید مرتضی حسینی

دبیر کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی

۱ مهم‌ترین اتفاق سال ۹۳ در حوزه فرهنگ عاشورا راهپیمایی اربعین بود که بیش از ۲۵ میلیون نفر در آن شرکت کردند. من هم در این راهپیمایی شرکت کردم و به قدری باعظمت بود که قابل توصیف نیست. البته تعداد جمعیت ایرانی‌ها در سال‌های گذشته کم بود ولی این‌بار حضور ایرانی‌ها نمود بالایی داشت. نکته جالب اینکه عکس‌هایی از شخصیت‌های ایرانی مانند امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری و سردار سلیمانی در مسیر راهپیمایی نصب شده بود که نشان از علاقه عراقی‌ها به این شخصیت‌ها داشت. اسم سردار سلیمانی که برده می‌شد، عراقی به نشانه احترام دستشان را به سر می‌گرفتند و احساس می‌کردند عزتشان به واسطه سردار سلیمانی است که در مقابل داعش استقامت و پایداری کرده است. این اتفاق یک اتفاق مهم عاشورایی بود که من در آنجا مفهوم جمله امام را که فرمود راه قدس از کربلا می‌گذرد، به عینه احساس کردم که امیدوارم این راهپیمایی زمینه‌ساز آزادی قدس شریف شود. من سال گذشته هم در راهپیمایی اربعین حضور داشتم ولی سال ۹۳ با عظمت بیشتری برگزار شد. بخصوص حضور جوانان که برخلاف تبلیغات انجام‌شده، بسیار چشمگیر بود. فشردگی جمعیت در روز اربعین در اطراف حرم امام حسین (ع) به قدری بود که آدم هر لحظه احساس می‌کرد، نفس‌ها قطع می‌شود. نکته دیگری که در حاشیه راهپیمایی اربعین متوجه آن شدم اینکه بعد از فتوای مقام معظم رهبری مبنی بر حرمت قمه‌زنی، این موضوع در عراق نیز کاهش پیدا کرده و خود عراقی‌ها می‌گفتند قمه‌زنی در عراق نسبت به سال‌های گذشته یک‌سوم شده است.

۲ رواج برخی خرافات که جزء عاشورا نیست، مهم‌ترین آسیبی است که ما در این حوزه با آن مواجه هستیم. قمه‌زنی یکی از خرافاتی است که در فرهنگ عزاداری عاشورا در میان شیعیان به وجود آوردند. چنین کاری نه در سیره اهل بیت (ع) بوده و نه علمای ما. برداشتن علم، آیین خرافی دیگری است که در مسلک ما نبوده. در احکام هر چیزی که برای جان ضرر دارد، حکم به پرهیز و خودداری از انجام آن داده شده است. آن وقت عمل جوانی که علم چند کیلویی را به دوش می‌کشد و قطعاً این کار برای او ضرر دارد را جایز می‌دانند! متأسفانه از این نوع خرافات در فرهنگ عاشورا زیاد وارد شده است. این آسیب در شعرهایی که در مداحی‌ها و روضه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، نیز دیده می‌شود. بعضی از روضه‌ها و شعرها در شأن اهل بیت (ع) و امام حسین (ع) و اصحاب ایشان نیست و این روضه‌ها و شعرها برای اهل بیت (ع) خفت می‌آورد.

۳ کار کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی قانون‌گذاری است و از این جهت در راستای کمک به مبانی فرهنگ عاشورا، با تخصیص بودجه به نهادهایی مانند سازمان تبلیغات و سازمان‌های مرتبط با این امر، اقداماتی را انجام داده است. در ردیف بودجه امسال نیز کمک به هیأت‌ها و مداحان، مراکز و موسساتی که در جهت فرهنگ عاشورا حرکت می‌کنند و همچنین حمایت از تولید و نشر کتاب‌های حوزه عاشورایی در نظر گرفته شده است.



حجت‌الاسلام محمد تقی سبحانی نیا

معاون فرهنگی، ارتباطات و بین‌الملل مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

۱ فکر می‌کنم یکی از اتفاقات خوب سال ۹۳ در حوزه فرهنگ عاشورایی کارهای جدیدی بود که در این حوزه شد و یکی از برجسته‌ترین‌ها تولید نرم‌افزار چند رسانه‌ای «نارالله» بود. تولید و رونمایی از این نرم‌افزار مسبوق به سابقه نبود و در نوع خود اولین بود. نرم‌افزار چند رسانه‌ای «نارالله» می‌تواند به نشر معارف عاشورایی و آشنایی عموم مردم اعم از نوجوان و جوان و بزرگسال با عاشورا و فرهنگ سید الشهداء (ع)، سبک زندگی امام حسین (ع) و شهادت ایشان کمک کند. این نرم‌افزار را مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث با تلاش بسیار و ابداع و خلاقیت همکاران خود تولید کرد و به دست آیت‌الله مکارم شیرازی رونمایی شد و الحمدلله استقبال خوبی نیز از این نرم‌افزار شد و به گواه

کسانی که آن را دیدند هم زیباست و هم در نوع خود اولین است. خدا را شاکریم که توفیق تولید این نرم‌افزار نصیب مؤسسه دارالحدیث و مجموعه همکاران ما شد.

۲ آسیب‌ها در حوزه فرهنگ عاشورا زیاد است که به یکی دو نمونه از آنها اشاره می‌کنم. یکی از این آسیب‌ها، آسیب‌هایی است که منجر به بروز برخی انحرافات در مسیر بزرگداشت مقام و قیام آن حضرت می‌شود. انحرافات که گاهی بعضی از دلسوزان موجب آن می‌شوند. مثلاً انحرافات که در حوزه مرثیه‌سرایی و حتی گاهی در منابع اتفاق می‌افتد منجر به این می‌شود که یک سری خرافات و اتفاقات غیرواقعی در بیان مقتل امام حسین (ع) بالای منابع و برای مردم صورت بگیرد و شنیدن این حرف‌ها برای مردم عادت شود و گمان کنند که این‌ها واقعیت دارد. به عبارتی آسیب که در حوزه فرهنگ عاشورا این است که ما باید بیابیم خرافات و غیرواقعیت‌ها را در زندگی حضرت سیدالشهداء (ع) وارد کنیم که این آسیب به انگیزه مداحان برای تحریک احساسات مردم برمی‌گردد. چون عاشورا با احساسات مردم و اشک و عزاداری گره خورده، آنهایی که تلاش دارند مردم را بیشتر به شور و هیجان بیندازند برخی غیرواقعیت‌ها را برای مردم واقعیت جلوه می‌دهند و این به مرور در باور و اذهان مردم به عنوان واقعیت جا می‌افتد و بنابراین به نظر من یکی از آسیب‌های مهم این است که انحرافات را وارد صحنه عاشورا کنیم. یکی دیگر از آسیب‌ها، آسیبی است که برای خود مردم تحقق پیدا می‌کند. یعنی اینکه مردم تصور کنند اگر برای سیدالشهداء (ع) عزاداری کنند و به سینه بزنند سعادت‌مند اخروی خواهند شد و بعد به فرائض و تکالیف شرعی کم‌توجهی و کم‌عنایتی شود. ما معتقدیم که سیدالشهداء (ع) یکی از شفیعیان عرصه قیامت است و این مقام را اهل بیت (ع) دارند و ما افتخار محبت اهل بیت (ع) را در دل داریم و امیدوار هستیم که این محبت ما



که وقتی مخاطب آن را می‌شنود به یاد ترانه‌ای خاص می‌افتد که این ارج کار را فرو می‌کشد و خود نوعی اهانت به ساحت اهل بیت (ع) است. آسیب سوم اینکه آن غنای فرهنگی عاشورا در قلمرو نوحه‌ها و شعرهای ما هنوز جایگاه خود را به درستی پیدا نکرده است، البته تلاش‌هایی شده، اما ابعاد فرهنگی و معنوی عاشورا، درس‌ها و پیام‌های عاشورا و عبرت‌های عاشورا را در درون این سروده‌ها کمتر می‌بینیم. به زبان دیگر این سروده‌ها و نوحه‌ها کلاس نیستند، و آموزش نمی‌دهد، صرفاً سوز و اشک و مرثیه است هرچند جایگاه مرثیه بسیار بالاست و ما باید به مرثیه بپردازیم اما اگر تنها تکیه بر سوز و مرثیه باشد، خود نوعی جفا به کربلای حضرت اباعبدالله (ع) است.

نکته مهم شب شعر شیراز این است که هر سال یک شخصیت کمتر شناخته شده محور قرار می‌گیرد و شاعران براساس آن اشعار خود را می‌سرایند. مثلاً سال گذشته حضرت فاطمه صغری (س) محور بود

۳ من در سال ۹۳ چند اثر تألیفی داشتم. یکی از آنها نگارش کتاب «فاطمه عاشورا» پیرامون بررسی زندگی فاطمه صغری (س)، دختر امام حسین (ع) بود که طی آن کوشش کردم به بازشناسی این شخصیت بپردازم و تحریف‌ها و غبارهای برانگیخته در اطراف شخصیت ایشان و دیگر فرزندان حضرت اباعبدالله (ع) را بزدایم و روشن کنم. تألیف این مجموعه چندین ماه از من زمان گرفت.

انجام یک مجموعه سخنرانی در گوشه و کنار کشور از دیگر کارهایی بود که در سال ۹۳ انجام دادم. حداقل در ماه‌های محرم و صفر به بیش از ۱۶ استان کشور سفر کردم و در جمع ذاکران و مداحان بحث‌هایی داشتم که عمده آنها متوجه شناخت آفاق ناگلویده عاشورا بود. یعنی قلمروهایی که کمتر طی کرده‌ایم و کمتر در آن زمینه‌ها بحث شده است. بخشی دیگری از فعالیت‌های من در حوزه فرهنگ عاشورایی در سال ۹۳ نوشته‌های متعدد و پراکنده‌ای بود که در این زمینه داشتم و البته حضور در محافل و نشست‌های نقد کتاب‌ها و منابع عاشورایی.

موفق در این زمینه برگزار شد و طی آن ابعاد این کتاب‌ها کاویده و بررسی شد که به گمان من راهنمای بسیار خوب و مناسبی برای ذاکران و مداحان اهل بیت (ع) می‌تواند باشد و پیشنهاد می‌دهم مجموعه این نشست‌ها و نقد و بررسی‌ها را انتشارات خیمه به صورت یک کتاب مستقل چاپ کند.

اتفاق سوم، برپایی شب شعر عاشورایی شیراز است که نزدیک ۳۰ سال است برگزار می‌شود و از جریان‌های موفق و تأثیرگذار در حوزه ادبیات عاشورایی است که همراه با طرح متنی برای شاعران در جهت شناسایی موضوع است تا براساس آن سروده‌های خود را در شب شعر عاشورایی شیراز عرضه کنند. این برنامه هر سال یک موضوع و محور دارد که باعث غنای فرهنگ عاشورایی برای ذاکران و مداحان می‌شود. نکته مهم درباره این شب شعر اینکه، هر سال یک شخصیت کمتر شناخته شده محور قرار می‌گیرد و شاعران براساس آن اشعار خود را می‌سرایند. مثلاً سال گذشته حضرت فاطمه صغری (س) محور بود و شاعران درباره ایشان شعر گفتند. اما هر سال در حاشیه این شب شعر کتابی چاپ می‌شود که در اختیار شاعران قرار می‌گیرد تا آن موضوع را به درستی بشناسند.

۲ آسیب همیشگی هست و هر جریان خوب، ارزشمند و شتابنده‌ای نمی‌تواند به دور از آسیب و آفت باشد. اما می‌توانیم از چند آفت در کنار کار مداحی و ذاکری و فرهنگ عاشورا نام ببریم. نکته اول رفتن به سوی شور محض و برگزاری محافل و مجالسی که گاهی ممکن است از سخنرانی و طرح مفاهیم و ارزش‌ها و فرهنگ عاشورا و حتی شاید از روضه خواندن هم در آنها نشانی نبینیم و صرفاً به این بپردازند که آن محفل گرم و پرشور باشد. مخاطب این مجالس عموماً طیف جوان است و در کنار خود آسیب‌هایی را دارد. از جمله اینکه از مسجد و حسینیه و محافل مذهبی فاصله می‌گیرند و به سمت خانه‌ها و فضاهای زیرزمینی کشیده می‌شود و تحت تأثیر فرهنگ غیرعاشورایی قرار می‌گیرند. گاهی از نوحه‌هایی استفاده می‌شود

را رهایی دهد و در قیامت منجر به شفاعت ما شود، اما این به معنای این نیست که‌ای محبت می‌تواند به تمام معنا گره‌گشا باشد. یعنی نسبت به فرائض و تکالیف الهی بی‌توجهی شود به این بهانه که محبت امیرالمومنین (ع) هستم و برای سیدالشهداء (ع) گریه می‌کنم. اهل بیت (ع) این‌ها را به هیچ وجهی نپذیرفتند و تأیید نکردند و بارها و بارها در روایات خود این نکته را انعکاس دادند و بیان کردند که مثلاً شفاعت ما به کسی که تارک الصلوه است یا نسبت به نماز سهل‌انگاری می‌کند، نخواهد رسید. بنابراین اگر ما محبت اهل بیت (ع) و دوستدار امام حسین (ع) هستیم باید بدانیم که رضایت سیدالشهداء (ع) در این است که ما تابع امر پروردگار متعال باشیم و پس از اطاعت خدا، محبت اهل بیت (ع) و دنباله‌رو آنها باشیم.



محمد رضا سنگری؛

نویسنده، عاشورا پژوه و استاد دانشگاه

۱ برای پاسخ به این سوال می‌توانم سه موضوع و نکته را مطرح کنم که از اتفاقات مناسب و مبارکی است که در حوزه فرهنگ عاشورایی افتاده است. برگزاری تجلیل از پیرغلامان یکی از این برنامه‌هاست که البته ضعف‌های جدی و اساسی هم دارد. اما در مجموع اتفاق بسیار مبارکی است، چون برنامه‌ای مستمر و تأثیرگذار است که طی آن گوشه‌چشمی به پیرغلامان به عنوان خدمت‌گزاران فرهنگ عاشورا که سال‌های سال در این مسیر خدمت کردند، می‌شود. امیدوارم با بازنگری و اصلاح جهت کار و دقت در محتوای مناسب‌تر بتواند اعتلاء پیدا کند.

رویداد دوم، رویدادی است که بانی آن ماهنامه خیمه و بنیاد دعبیل خزاعی است و آن نشست نقد و بررسی کتاب‌های مرجع و مأخذ عاشورایی است که خوشبختانه در سال ۹۳ چند نشست





حاج حسین سیب سرخی

مداح اهل بیت

۱ تجمع هیأت‌های مذهبی و اتحاد بین آنها که نسبت به گذشته بیشتر شده است و علاقمندی جوان‌ها به حضور در این هیأت‌ها و مجالس، اتفاق بسیار مهم و خوبی است که در سال ۹۳ شاهد آن بودیم. امیدوارم که این روند در سال جدید و ادامه برگزاری هیأت‌ها و مراسم بیشتر شود تا شاهد برگزاری با شکوه‌تر مراسم عزاداری در سراسر کشور باشیم.

۲ در حوزه فرهنگ عاشورا نقطه ضعف خاصی وجود ندارد. فقط امیدوارم که بزرگ‌ترها بیشتر بزرگی کنند و به جوان‌ها هم راه بدهند تا داخل این گود بیایند تا با اتحادی که در کنار آن به وجود می‌آید، مراسم‌های عزاداری پربارتر از گذشته برگزار شود.

۳ فکر می‌کنم برای رشد فرهنگ عاشورایی به تنهایی نمی‌توان کاری انجام داد. بازهم تاکید می‌کنم که اتحاد افراد هیأتی و کسانی که در این حوزه فعالیت می‌کنند، باید بیشتر از گذشته شود و تعامل بیشتری بین بزرگ‌ترها و کوچک‌ترها صورت بگیرد و از حرف‌های ضد و نقیض که باعث ایجاد حاشیه می‌شود، پرهیز شود و شفاف‌سازی صورت بگیرد تا همه بتوانند در کنارهم شرایط خوبی برای رشد فرهنگ عاشورایی به وجود آورند.



حمیدرضا شکارسری

شاعر، پژوهشگر و منتقد ادبی

۱ پاسخ به این سوال را با عبارت «تقریبا هیچ» شروع می‌کنم. تقریبا هیچ به این معنی است که کار شده، اما این‌طور کار یا این‌قدر کار همیشه بوده است. به گمان من درارتباط با ادبیات عاشورایی ما باید کاری کنیم که تا به حال نکردیم. باید با وسعت و کیفیت تازه قدمی رو به جلو برداریم نه اینکه درجا بنشینیم و کارهای قبلی را تکرار کنیم. بنابراین به اعتقاد

من کار شگفت و متفاوتی که به نظر برسد برای اولین بار آن را می‌بینیم، انجام نشده. درحیطه ادبیات عاشورایی مثل همیشه و هر سال خلق اثر داریم، غزل‌ها، رباعی‌ها، دوبیتی‌ها، مثنوی‌ها، ترکیب‌بندها و ترجیع‌بندها و حتی بعضا شعر نوه‌ای خوب پیدا می‌شود، حتی می‌توانیم شب‌های شعری را پیدا کنیم که در گوشه و کنار برگزار می‌شود؛ اما من به کاری می‌گویم کارستان که باعث شود ادبیات عاشورایی تکانی به خود بدهد و فضاها، فرم‌ها و ساختارهای تازه را تعریف کند. چنین کاری تا به حال انجام نشده و پژوهشی درباره ادبیات عاشورایی، کنگره یا جشنواره‌ای راجع به ادبیات عاشورایی که بیاید افق‌های تازه را ببیند و ادبیات عاشورایی را آسیب‌شناسی کند، صورت نگرفته است. بنابراین به گمان من اگر ما ده‌ها و صدها سال دیگر با همین شیوه حرکت کنیم در حقیقت همان فرم‌ها و ساختارهای از پیش تجربه‌شده را مجدد تجربه می‌کنیم. به عبارتی داریم انجام وظیفه یا رفع تکلیف می‌کنیم، ولی افق‌های تازه را متأسفانه پیدا نکردیم.



ما راجع به حادثه عاشورا و شخصیت‌های مثبت و منفی کربلا خیلی اطلاعات جزئی و دقیق نداریم. در حوزه سینما این کار تا حدی با سریال مختارنامه انجام شد اما در حیطه ادبیات عاشورایی این کار نشده. شاعران ما باید با پرداختن به دو کتابی که در این زمینه طی یکی دو سال گذشته منتشر شده مثل

«آینه در کربلا» و «آینه‌داران آفتاب» توسط دکترسنجری در این مسیر حرکت کنند. این دو کتاب منبعی بسیار غنی است که ما تا پیش از این نداشتیم و شاعران نمی‌توانستند بگویند که به‌طور دقیق در فلان صحنه چه اتفاقی افتاده است. این دو کتاب منبع است و اگر ما بتوانیم از آنها استفاده کنیم و به شیوه شعر مدرن، عملا یک جزئی‌نگری و عینی‌گرایی را به شعر عاشورایی ارائه دهیم، قدمی به جلو برداشتیم و کاری تازه کردیم ولی به گمان من هنوز این کار نشده و ادبیات عاشورایی ما روی کاکل شب‌های شعری می‌چرخد که همان روال و فرم‌های سابق را دارند و تکرار می‌کنند و البته این صرفا انجام وظیفه است، نه اینکه بد باشد و ارزش نداشته باشد. در جای خود ارزش دارد، اما اینکه بگوییم اتفاقی است در ادبیات عاشورایی، به گمان من نیست.

۲ طی سال‌های گذشته تلاش‌های داشتیم که این فضاهای تازه در حوزه ادبیات و شعر عاشورایی دیده شود. اما مهم‌ترین آسیب این است که ما فضاها و افق‌های تازه نداریم و شعرعاشورایی تکرار مکررات است و براساس

سنت ادب عاشورایی قدم می‌زنیم. بنابراین فضاهای تازه را تجربه نمی‌کنیم. طی دو، سه سال گذشته تجربه‌هایی وجود دارد مثلا کتاب «چند مجلس از دهه اول» از سیدعلی اکبر میرجعفری که به حق به عنوان کتاب برگزیده جشنواره شعر فجر انتخاب شد. تجربه‌هایی از این دست محدود و محدود است و باید فراگیر شود.

آسیب دوم در این حوزه این است که عملاً بخش بسیار عمده‌ای از شعر عاشوایی ما معطوف به نوعی فجع‌نویسی شده که تحت عنوان عزاداری ابعادالله(ع) و آثار مربوط به جلسات و تکایا و هیئات سروده می‌شوند که باید فکری برای آن کرد. یعنی

عملاد ادبیات جای خود را به نگارش منظوم صحنه‌های بعضا مجعولی داده که صرفا برای گریاندن مخاطبان مورد استفاده قرار می‌گیرد و به لحاظ ادبی فاقد ارزش‌های واقعی و استانداردهای یک اثر ارزشمند ادبی است. این آثار به تدریج با کمک فضاهای مجازی روز به‌روز رشد بیشتری هم پیدا می‌کنند و اگر چه تردیدی نیست که ما برای هیئات و تکایا نیازمند نوحه و مرثیه هستیم؛ اما این نوع نگارش، نگارشی است که جایی در ادبیات جدی روزگار ما نمی‌تواند داشته باشد و متأسفانه با تکیه بر متن‌ها و مقتل‌های غیرمطمئن مطالبی را به مخاطب منعکس و منتقل می‌کند که وجود خارجی ندارند. غلوه‌ها و اغراق‌هایی که در آثارعاشورایی روزگار ما وجود دارد، موارد نامستندی که خود را وارد این آثار کردند و همین‌طور شعارگونه‌ای که در این آثار به کرات دیده می‌شود، نکاتی است که آسیب محسوب می‌شود و باید در خلق آثارعاشورایی بعدی مورد توجه قرار گیرد.

۳ چیزی برای انکار کردن ندارم و شاید خود من هم در این وادی اسیر باشم، اما طی صحبتی که با یکی دو ناشر انجام دادم، در تلاش هستم مجموعه شعرهای دینی و ازجمله شعرهای عاشورایی خودم را که به گمان خودم فضاها و افق‌های تازه را در حد توانم نشانه گرفته‌اند را سال آینده منتشر کنم. همه این آثار ظرف یک سال گذشته سروده شدند و بیشتر آنها آثار چاپ‌نشده است.

چیزی برای انکار کردن ندارم و شاید خود من هم در این وادی اسیر باشم، اما طی صحبتی که با یکی دو ناشر انجام دادم، در تلاش هستم مجموعه شعرهای دینی و ازجمله شعرهای عاشورایی خودم را که به گمان خودم فضاها و افق‌های تازه را در حد توانم نشانه گرفته‌اند را سال آینده منتشر کنم. همه این آثار ظرف یک سال گذشته سروده شدند و بیشتر آنها آثار چاپ‌نشده است.

از ۲۰ سال گذشته جمع آوری کردم، اما بیشتر آنها تکراری هستند. در عین اینکه بیشتر این کتاب‌ها تکراری هستند ولی کارهای انجام نشده بسیاری روی زمین مانده که جای کار دارند.



رضا صیادی

مدیر مسئول سایت عقیق و ماهنامه همشهری آیه
 ۱ به اعتقاد من راهپیمایی اربعین مهم‌ترین اتفاق حوزه عاشورایی سال ۹۳ بود و حضور ۲۰ میلیون زائر در ایام اربعین در کربلا و اینکه امکاناتی از قبیل غذا و مکان استراحت و نیازهای اولیه ضروری این خیل عظیم جمعیت در یک دوره زمانی ۱۰ روزه تأمین می‌شود، چیزی نیست جز معجزه امام حسین(ع) و فکرمی کنم آمار این جمعیت برای سال‌های بعد به شکل تصاعدی بالا برود. یعنی آمار زائر ایرانی که سال ۹۳ در راهپیمایی اربعین حضور داشت سه تا چهار برابر آمار سال گذشته بود و این آمار قطعاً در سال‌های آینده افزایش پیدا خواهد کرد. به اعتقاد من راهپیمایی اربعین می‌تواند در قواره و اندازه حج تمتع در عرصه بین‌الملل خودش را نشان دهد، هر چند که کارکرد آن همین الان هم برای شیعیان کمتر از مراسم حج نیست.

۲ چند سالی است آسیب‌شناسی عزاداری امام حسین(ع) و ورود با نگاه آسیب‌شناسانه به محرم توسط عده‌ای باب شده، اما فکرمی کنم این نگاه آسیب‌شناسانه خود به یک آسیب تبدیل شده است. آسیب‌شناسی خود شأنی لازم دارد و کسی که می‌خواهد آسیب‌شناسی باید علم این کار را داشته باشد و فضای آن محافل را دیده باشد. مثلاً شاهد بودیم که آقایی که شخص محترمی هم هست در یک برنامه تلویزیونی گفت: «این همه هر سال برای تاسوعا و عاشورا خرج می‌کنید، چه فایده‌ای دارد؟» البته بعد توضیح داد که منظور

برای اولین بار پسر خودش یزید را ولی‌عهد خودش کرد و این اولین بار بود که خلافت موروثی می‌شد، کسی نباید بگوید قبل از آن امام علی(ع) امام حسن(ع) را برای بعد از خودش نصب کرده بود و حضرت علی(ع) خلافت را موروثی کرد. در اینجا بحث امامت مطرح است، حضرت علی(ع)، امام حسن(ع) را بعد از خودش حاکم تعیین نکرد، بلکه خلافت امام حسن(ع) به معنی حکومت از آنجایی مشروعیت یافت که اکثریت با ایشان بیعت کردند. در «تهج البلاغه» هم حکومت همیشه به بیعت اکثریت مستند می‌شود؛ اما امامت مقوله‌ای الهی است که خداوند آن را تعیین می‌کند و به پیامبرش می‌گوید و پیامبر هم نصب و تعیین می‌کند. این نمونه‌ای از تحریف مبنایی است که این مفاهیم را از هم جدا نمی‌کنند و با این خلط مبحث، جلدها کتاب هم

آسیب‌هایی که در حوزه فرهنگ عاشورا از قبل بوده، باز هم تداوم داشت و رفته رفته تثبیت می‌شود. تحریف‌هایی که متداول بود، همچنان هست

می‌نویسند و چون از بنا دچار انحراف و تحریف شدند در آخر حاصل درستی به دست نمی‌آید. این نکات در تألیفات دیگر ادامه دارد و متأسفانه کسی نیست از این تحریفات جلوگیری کند و این تحریفات دائم در حال تکثیر هستند.

۳ کاری را با عنوان «منطق عاشوراپژوهی» در تکمیل و تداوم «کتاب عاشوراپژوهی با رویکردی به تحریف‌شناسی تاریخ امام حسین(ع)» از چند سال پیش داشتم که سال گذشته آن را مورد بازبینی و ویرایش قرار دادم. این کتاب هنوز منتشر نشده و الان چهار سال است که روی میزم است و کسی جرأت نمی‌کند آن را چاپ کند. دیگر اینکه کتابخانه مفصلی را که به طور اختصاصی درباره امام حسین(ع) دارم، بررسی کردم و متأسفانه دیدم مطالب خیلی از این کتاب‌ها تکراری است و کتابی که حرف تازه داشته باشد مثل کیمیا می‌ماند و به ندرت پیدا می‌شود. با اینکه من در کتابخانه شخصی‌ام بیش از ۵ هزار جلد کتاب در بیش از ۴ هزار عنوان در رابطه با امام حسین(ع)



حجت الاسلام محمد صحتی سردرودی نویسنده و عاشورا پژوه

۱ من کتاب‌ها و مقالاتی را که در رابطه با امام حسین(ع) و عاشورا منتشر می‌شود را تهیه و مطالعه می‌کنم. اما هر چه می‌اندیشم می‌بینم در سال ۹۳ کار مهم و چشمگیری در حوزه کار عاشوراپژوهی و امام حسین‌شناسی ندیدیم. کتاب‌های کمی در این حوزه منتشر شده و آنچه منتشر شده، بیشتر تکرار مکررات و یا باز چاپ بوده است.

۲ آسیب‌هایی که در حوزه فرهنگ عاشورا از قبل بوده، باز هم تداوم داشت و رفته رفته تثبیت می‌شود. تحریف‌هایی که متداول بود، همچنان هست. نویسندگان کتاب‌هایی که درباره امامت و خلافت می‌نویسند که حوزه عاشوراپژوهی و امام حسین‌شناسی

نیز در همین دایره امام‌شناسی می‌گنجد، هرگز نمی‌آیند مفاهیمی مانند امامت، ولایت، خلافت و حکومت را از همدیگر جدا کنند. یعنی همه این مفاهیم را یکی می‌کنند و بسیاری ولایت را در پای خلافت ذبح می‌کنند. بسیاری می‌پندارند که امامت و ولایت و خلافت همان حکومت است و این مفاهیم را همدیگر جدا نمی‌کنند و این خلط بحث همچنان ادامه دارد. من ندیدم نویسنده‌ای بیاورد این مفاهیم را از هم جدا کند. در صورتی که اگر کسی اندک مطالعه‌ای در «تهج البلاغه» داشته باشد، خواهد دید که اینها از هم جدا هستند. امامت مقوله‌ای است در تداوم نبوت که کاملاً جنبه تربیتی و دینی مذهبی دارد. همچنین ولایت نیز بیشتر جنبه ارتباط درونی میان مربی و تربیت‌شونده دارد. اما خلافت و حکومت معنای دیگری دارد که پیداست. به هرحال باید این مفاهیم از همدیگر تفکیک شوند. مثلاً موقعی که می‌گوییم معاویه بن ابی سفیان



از بیان این حرف چه بوده است، اما دلیل این اتفاق این است که ما دایره آسیب‌شناسی را آن قدر باز کردیم که هر کسی بدون اینکه مقدماتی را در خود بررسی کند، وارد این حوزه می‌شود. از این جهت نیاز به تجدید نظر داریم، چون الان فضای هیأت‌ها و محافل مذهبی و دینی ما تحت تأثیر این نگاه‌ها قرار می‌گیرد. معتقدم مهم‌ترین آسیب‌شناس حوزه عاشورا رهبر انقلاب است؛ اما آسیب‌شناس عالمانه. ایشان بارها و بارها به نقد و آسیب‌شناسی هیأت‌ها پرداختند و تذکر دادند و بسیار هم موثر واقع شده است. متأسفانه این روزها آسیب‌شناسی جاهلانه باب شده است که لزوماً آدم‌های بی‌سوادی هم نیستند، اما ایام محرم و صفر و فاطمیه که اوج شور حسینی و اهل بیتی مردم است یک عده ذره‌بین دست می‌گیرند و شروع به ایجاد محدودیت‌های جاهلانه می‌کنند. به نظرم باید افراد واجد صلاحیت به عرصه آسیب‌شناسی محافل مذهبی و هیأت‌ها ورود پیدا کنند و آسیب‌شناسی عالمانه توسط خبرگان این حوزه انجام شود، نه هر کسی.

۲ سال ۹۳ ما از چند سایت زیرمجموعه سایت عقیق رونمایی کردیم. یکی از کارهای مهمی که انجام دادیم، راه اندازی سایت تی‌وی عقیق؛ پایگاه اختصاصی اشتراک ویدئو هیأت‌هاست که در روزهای پایانی سال رونمایی می‌شود. حضور درنمایشگاه رسانه‌های انقلاب اسلامی که بسیار مورد استقبال جامعه مداحان و روحانیون سرشناس قرار گرفت، اتفاق خوب دیگری برای مجموعه سایت عقیق بود که دو سال از فعالیت آن می‌گذرد. عقیق رسانه‌ای است که به شکل خبری هیأت‌ها را دنبال می‌کند و به عنوان اولین پایگاه اطلاع‌رسانی محافل مذهبی در فضای مجازی فعالیت می‌کند. اتفاق دیگر اینکه قرار است سایت عقیق ساخت مستندهایی در حوزه هیأت‌ها را کلید بزند و مقدمات آن در سال ۹۳ فراهم شده و امیدواریم در سال آینده به بهره‌برداری و نتایج مطلوب در این حوزه برسیم.



حاج محسن طاهری

مداح اهل بیت

۱ به اعتقاد من، گرایش عمیق و روزافزون جوانان به جلسات عزاداری امام حسین علیه السلام، یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی است که هر سال در حوزه فرهنگ عاشورایی رخ می‌دهد. استقبال پرشور

جوان‌ها، باعث می‌شود که این مراسم‌ها همیشه پربرتر و بهتر از گذشته برگزار شود.

۲ موضوع بررسی آسیب‌های حوزه فرهنگ عاشورایی، موضوعی است که مطلب سوال اول را تکمیل می‌کند. سال‌های سال است که در بعضی از جلسات عزاداری، افراد هنگام سینه‌زنی پیراهن‌های خود را درمی‌آورند؛ اما در بعضی جلسات دیگر، عزاداران به صورت عادی عزاداری می‌کنند. این موضوع نشان می‌دهد که در بین سینه‌زنان، الگویی وجود ندارد و این مسئله می‌تواند آسیب‌هایی را به این حوزه وارد کند. آسیب‌هایی که متأسفانه به خاطر منیت‌های بعضی از افراد به وجود می‌آید. اما ما در این مسائل می‌توانیم به حرف و نظر بزرگان و مانعند مقام معظم رهبری توجه کنیم که حرفشان برای همه اهمیت دارد و به قول معروف، آخرین کلام را ایشان بیان می‌کنند. در اینکه بیشتر افراد ولایتی و دلسوز هستند، هیچ شکی نیست اما به هر حال، ما باید به نظر رهبر انقلاب توجه کنیم که خودشان هم این شرایط را از نزدیک تجربه کرده‌اند و نظرات کاملی دارند. ایشان می‌فرمودند که در مشهد هم چنین رسم و رسوماتی وجود داشت و افراد در عزاداری‌ها لباس خود را درمی‌آوردند اما ایشان توصیه کردند که اگر این کار انجام نشود بهتر است. در این شرایط، ما باید به حرف ایشان توجه کنیم و اگر چه رهبر انقلاب، فتوایی در این زمینه صادر نکرده‌اند؛ اما آنچه مشخص است این است که ایشان به عنوان یک بزرگ‌تر دینی شخصیتی دارند که نباید صحبتشان را تفسیر به رأی کرد و هر چه که می‌گویند، باید فصل الخطاب باشد.

۳ ما در جلساتمان معمولاً یا پیش از منبر و یا بعد از منبر، همیشه در خصوص حفظ فرهنگ عاشورا صحبت می‌کنیم و اگر موضوعی باشد بیان می‌کنیم که بیشتر تأکید بر همان نظرات مقام معظم رهبری است. اما فکر می‌کنم که تأکید ایشان بیشتر روی جلساتی است که تعداد دیگری از عزیزان مداح ما دارند و به قول معروف، پاتوق جوانان است. ما هم بنا به فرصتی که در اختیارمان هست نسبت به اهتمام بر روی نظرات رهبر انقلاب تأکید داریم و آنچه شرط بلاغ است می‌گوییم؛ خواه پند گیرند و خواه ملال.

چند سالی است

آسیب‌شناسی عزاداری

امام حسین(ع) و ورود

با نگاه آسیب‌شناسانه

به محرم توسط

عده‌ای باب شده، اما

فکر می‌کنم این نگاه

آسیب‌شناسانه خود به

یک آسیب تبدیل شده

است. آسیب‌شناسی

خود شأنی لازم دارد

و کسی که می‌خواهد

آسیب‌شناسی باید علم

این کار را داشته باشد



حاج مرتضی طاهری

مداح اهل بیت

۱ به نظر من پیاده‌روی عزاداران حسینی از شهرهای مختلف ایران تا کربلا به مناسبت اربعین، رویدادی بی‌سابقه بود که تأثیری بسیار عمیق در رشد فرهنگ عاشورایی در سال ۹۳ داشت.

۲ معتقدم صحبت‌های غیرمعقول و غیرکارشناسانه همیشه آثار مخربی را در حوزه‌های مختلف می‌گذارد. در حوزه فرهنگ عاشورایی هم هستند افرادی که با صحبت‌های غیرمنطقی، به این حوزه ضربه وارد می‌کنند. یکی از نقاط ضعفی که ما شاهد آن هستیم، نبود یک رویه واحد، یک سیاست منسجم و تشکیلاتی مردم‌نهاد و مردم‌پسند است. این شرایط باعث شده تا جلسات ما چندقطبی باشد و افرادی بی‌بصیرت، زمام امور را به دست بگیرند. در این میان، بیگانگان هم در صدد اختلاف‌افکنی و تشنیت در صف عزاداران حسینی هستند و در این شرایط، افرادی هم هستند که اگر چه ولایت‌مدارند؛ اما سلیقه‌ای عمل می‌کنند. مانند برهنه شدن یا نشدن در مراسم سینه‌زنی که عده‌ای این کار را درست می‌دانند و یک سری هم غلط و این اشتباهات باعث می‌شود که چنددستگی به وجود بیاید.

۳ ما در حد تبلیغ و امر به معروف و نهی از منکر و با اشعار مناسب که بتواند پیام‌ها را به خوبی منتقل کند، سعی می‌کنیم به رشد فرهنگ عاشورایی کمک کنیم. به اعتقاد من، مداحان با شعرخوانی مناسب و گفتن جملاتی کوتاه و اثر گذار، به خوبی می‌توانند امر به معروف و نهی از منکر کنند. دوستان باید از سخنرانی‌های مفصل که بعضاً دارای موضع است و بعضی مواقع ادبیات ناپسندی هم در آنها به کار رود، پرهیز کنند که این موضوع تأثیراتی شکننده و منفی دارد.



محمدعلی مجاهدی

شاعر و پژوهشگر شعر آیینی

۱ بزرگداشت و پاسداشت از زحمات پیشکسوتان شعر عاشورایی که توسط نهادهای مختلف

مشغول انجام آن هستم. این اثر جنبه پژوهشی میدانی دارد و بسیار وقت‌گیر است که تاکنون انجام نشده و مورد نیاز شاعران متعهد آیینی‌سرا و جامعه ستایشگران آل‌الله (ع) است که وقتی می‌خواهند یک شعر نیایشی یا پرستشی نسبت به ذات ربوبی بخوانند، بتوانند از بهترین‌ها انتخاب کنند. سعی کردم به لحاظ تاریخی هر مقطع صد ساله را به صورت جداگانه به معرفی شعرای مطرح و پرآوازه‌ای که دارای اشعار توحیدی قابل ملاحظه‌ای بودند، اختصاص دهم. کار در شرف اتمام است ولی چاپ آن تا یک سال آینده طول خواهد کشید که قرار است موسسه فرهنگی علمی دارالحدیث آن را منتشر کند.

کار دیگر که در شرف اتمام است و احتمالاً در سال آینده شاهد چاپ آن خواهیم بود، اثری است با عنوان «تذکره شاعران روحانی» یعنی روحانیانی که از سده سوم و چهارم تا دوران معاصر، دارای طبع شعر بودند و آثار منظومی به زبان فارسی دارند. سعی کردم با مراجعه به منابع تاریخی و ادبی دست اول و و تذکره‌های مختلف آنها را شناسایی کنم و بعد ذوقی، ادبی و هنری روحانیت شیعه را که کمتر مطرح‌شده معرفی کنم. قرار است این کتاب توسط دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم منتشر شود. همچنین پیشنهاد انجام مجموعه شعر عاشورای دیگری که قرار است به صورت موضوعی و تفکیکی انجام بگیرد به من شده که ان‌شاءالله سال آینده شروع خواهم کرد.



دکتر مرضیه محمدزاده

محقق، نویسنده و پژوهشگر تاریخ اسلام

۱ به اعتقاد من سال قبل اتفاقی که منجر به شناخت بهتر امام حسین (ع) شده باشد، نیفتاده است و من چیز خاصی ندیدم و نمی‌توانم بگویم عاشورای ۹۳ از سال قبل بهتر نشان داده شد. نه تنها سال ۹۳ که سال گذشته هم نسبت به سال قبل‌تر تغییر دگرگونی اساسی نسبت به عاشورا و حتی ایام فاطمیه، ایام رحلت رسول اکرم (ص) و امام حسن (ع) ندیدم.

۲ من بسیاری از آنچه که در رادیو و تلویزیون و مطالبی که در برخی سایت‌ها منتشر می‌شود را تحریف در حوزه فرهنگ عاشورا می‌بینم و آن چیزی نیست که امام حسین (ع) به خاطر آن قیام کرد و نهضتش را شکل داد. اتفاقاتی که از طریق این رسانه‌ها بیان می‌شود اصلاً

هستند با دقت بیشتری این کار را انجام دهند، زیرا در پنج، شش سال گذشته این‌قدر مجموعه شعر آسیب‌زده داشتیم که خوراک‌های مناسبی را برای دشمنان قسم‌خورده آماده کرد و وهابیت از همین نقطه ضعف بر ضد فرهنگ عاشورایی استفاده‌های بسیاری برد. البته این عزیزان روی صفای باطن و از روی علاقه و ارادت که به سالار شهیدان و اصحاب عاشورا داشتند، آثاری را سروده بودند و هیچ‌کس در صداقت و اخلاص این عزیزان که آثار و اشعار عاشوراییشان دچار اشکالاتی بود، تردیدی ندارد. اما مسئله این است که حریم، حریمی مقدس، محترم و ارزشمند است و باید ناگفته‌ها و ناشنیده‌های فرهنگ عاشورا مخصوصاً ابعاد حماسی، ارزشی، اخلاقی مداری، استقامت و پایداری، بیداری و ایستادگی در برابر ستمگری‌هایی که وجود داشته و دارد در شعر عاشورایی امروز پاسخ داده شود و شعر عاشورایی که صرفاً جنبه ماتمی محض داشته باشد، پاسخگوی نیازهای معنوی این توده‌ها نیست و باید به ابعاد حماسی، ارزشی عرفانی، اخلاقی، حکمی، پایداری، رهایی و ایستادگی که در شعر عاشورایی گذشته ما مورد غفلت قرار گرفته، پرداخت. خوشبختانه شاهد کاهش چشمگیر این‌گونه آثار بودیم و خوشبختانه ناشران و مسئولان وزارت ارشاد که مسئول بررسی و صدور مجوز چاپ و انتشار مجموعه شعر ولایی و آیینی هستند با دقت بیشتری این مسئله را دنبال کردند و این تعامل باعث

انصافاً در مجموعه‌های شعر عاشورایی که در ۹۳ چاپ شده است، کارهای آفت‌زده و پر آسیب کمتر دیدیم. انتشار این آثار پیامدها و نتایج بسیار خوبی در درازمدت و کوتاه‌مدت خواهد داشت

گذشته قرار گرفته، بتوانیم در این مقطع حساس تاریخی رسالت خطیری که بر عهده یک شاعر متعهد آیینی و عاشورایی است را تا حد امکان به سرانجام برسانیم. در مجموع ارزیابی مثبتی نسبت به آثار تولیدشده در حوزه شعر عاشورایی در سال ۹۳ دارم.

۳ سال پیش یک مجموعه شعر عاشورایی توسط موسسه دارالحدیث در اختیار من گذاشته شد که مورد بازنگری قرار گرفت و بعضی از اشعار حذف شد، تعدادی از اشعار که احساس می‌شد جای آن‌ها در این مجموعه خالی است اضافه شد که ان‌شاءالله تا دو سه‌ماه آینده با عنوان «بال سرخ قنوت» منتشر می‌شود.

بجز این، «سیری در قلمرو شعر توحیدی در زبان فارسی» یکی از دو کاری است که الان



فرهنگی در روزهای پایانی سال ۹۳ در تهران و مراکز استان‌ها برگزار شد، می‌تواند در شمار اتفاقات و رخداد‌های مهمی باشد که در قلمرو شعر عاشورا رخ داد. چرا که تعداد این جلسات و پاسداشت‌ها از لحاظ کمی و کیفی قابل مقایسه با سال‌های گذشته نبود. افزایش تعداد این جلسات، ارایه نگاه‌های انتقادی و ارتقای محتوای آثار و معرفی شخصیت‌های مطرح شعر عاشورایی معاصر از نقاط قوت این جلسات بود.

کارمهم دیگری که در زمینه شعر عاشورایی اتفاق افتاد، انتشار کارهایی است که دکتر سنگری در زمینه شعر هیأت انجام دادند، پژوهش‌های جامع و فراگیری که در زمینه شعر هیأت انجام شد، کاری بود که برای اولین بار اتفاق می‌افتاد و ایشان با یک نگاه علمی و در عین حال هیأتی، فضایی را در مقابل چشم مخاطبان و شیفتگان شعر عاشورا تصویر کرد که برای بسیاری از عزیزان حتی کسانی که در زمینه شعر

هیأت تجربه‌های مفیدی داشتند، کار ارزشمندی بود. همین‌طور چاپ مجموعه‌های شعر عاشورایی در سال ۹۳ نسبت به سال‌های گذشته، هم به لحاظ تعداد کتاب و تیراژ کتاب‌ها افزایش داشت و انصافاً در مجموعه‌های شعر عاشورایی که سال ۹۳ چاپ شد، کارهای آفت‌زده و پرآسیب کمتر دیدیم. انتشار این آثار پیامدها و نتایج بسیار خوبی در درازمدت و کوتاه‌مدت خواهد داشت.

۲ خوشبختانه پس از هشدارهایی که در مناسبت‌ها، مراسم‌ها و مصاحبه‌ها و میزگردهای مختلف پیرامون مولفه‌های الزامی و پرهیزی شعر آیینی معاصر، از جمله عاشورایی داشتیم و مصادیق این نوع اشعار پرآسیب و پرافت را معرفی کردم و از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و دکتر صالحی، معاون فرهنگی ایشان رسماً درخواست کردم که هیأتی که مأمور بررسی مجموعه‌های شعر عاشورایی

در کربلا رخ نداده است. اینکه امام(ع) فرزند خود را روی دست بلند کند و تقاضای آب کند، اینکه ناراحت باشد که چرا فرزندش داماد نشد، اینکه زینب(س) سرش را به محمل بکوبد و سرش بشکند، تحریف است. زینبی که می‌گوید «ما رأیت الا جمیلاً» و یا می‌گوید «اللهم تقبل منا هذا القربان»، نمی‌تواند زنی باشد که سر به محمل بکوبد. من تحریفات و آسیب‌ها در حوزه عاشورا را زیاد می‌بینم. نوحه‌های غیرواقعی و مبتذل در ایام دهه اول محرم و دهه نزدیک به اربعین زیاد گفته می‌شود. نمی‌دانم چه بگویم و از کدام دلخونی حرف بزنم؛ بعضاً می‌شنیند مقابل مرجعی و هرچه دلشان می‌خواهد بیان می‌کنند و هیچ‌کس نمی‌گوید این حرف‌هایی که شما می‌زنید، صحت ندارد. کتاب «لهوف» را مقابل خود می‌گیرند و می‌گویند ابن طاووس گفته حضرت، علی‌اصغر(ع) را روی دست بلند کرد و این گونه گفت. در حالیکه اگر متن عربی را بخوانیم ابن طاووس نوشته: بچه را بلند کرد تا با او وداع کند. بعد آن مترجم برای همان یک کلمه «وداع» شش خط ترجمه فارسی نوشته که امام(ع) فرزندش را بلند کرد و برد کنار سپاه دشمن و دستش را بلند کرد و گفت اگر به من رحم نمی‌کنید به بچه‌ام رحم کنید. حسین شجاع، حسین دلیر، حسین فرزند علی(ع) این گونه با ذلت و خفت حرف می‌زند؟! واقعا آسیب‌ها در طول دهه اول و دهه آخر محرم در هر جایی که صحبت می‌شود، خیلی زیاد است. بزرگان باید وارد میدان شوند و آستین بالا بزنند و سینه‌سپر کنند. واقعا زمان بلند شدن علمای دین رسیده است تا بگویند این همه ذلت و خفت را از اهل بیت(ع) دور کنید.

۳ سال پیش چند کتاب عاشورایی از من منتشر شد. یکی از آنها کتاب «فرزندان امام حسین(ع)» بود که انتشارات امیر بیر چاپ کرد و مضمون آن هم همان‌طور که از عنوان آن مشخص است به فرزندان آن حضرت و تحلیل زندگی هر یک از آن، اختصاص دارد. «دریای تشنه» پژوهش در زمانه و زندگی حضرت عباس(ع) کتاب دیگری بود که در سال ۹۳ توسط انتشارات دلیل ما منتشر شد. همچنین کار تألیف کتاب «مقتل الحسین(ع)» را به پایان رساندم که همین امسال آن را به دست چاپ می‌دهم تا در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران ارائه شود. «مقتل الحسین(ع)» کتابی است به دور از تحریفات عاشورایی که اصل آن از مقتل ابی‌مخنف است و طبق نقل‌های از ابی‌مخنف در کتاب ارشاد و طبری آدمم همه اخبار را کنار هم گذاشتم و تا جایی که در توانم بود یک مقتل بدون تحریف عاشورایی را نوشتم که به زودی آن را برای چاپ به ناشر می‌سپارم.



حجت الاسلام رضا مختاری

پژوهشگر و مدیر موسسه کتاب‌شناسی شیعه راهپیمایی اربعین و شرکت زیاد زوآر ایرانی و زائرانی از دیگر کشورهای جهان، مهم‌ترین رویداد سال ۹۳ در حوزه فرهنگ عاشورا بود. شاید اولین همایش عمومی با این مقدار جمعیت در طول تاریخ اسلام بود که روز اربعین در کربلا برگزار شد. ۲ برخی آسیب‌های این حوزه ممکن است صرفاً مربوط با سال ۹۳ نباشد و در سال‌های قبل هم با آن مواجه بودیم، ولی به هر حال در سال پیش نیز اتفاق افتاده است. یکی سطحی شدن شعارها و نوحه‌ها و مداحی‌ها است. یعنی از سطح حماسی و علمی و آموزنده به سطح احساسی و عوامانه تنزل کرده که هدف آن فقط جذب مردم است نه آموزش و دمیدن روح حماسه و جهاد و تعلیم اهداف عاشورا. آسیب دوم، سبک هم در بسیاری جاها، سبک متناسب با عاشورا و سیدالشهدا(ع) نبوده و این حرف غلطی که بعضاً سر زبان‌ها افتاده که ماجرای کربلا و عاشورا کار عشق و دل است و کاری به شرع و قانون ندارد، حرف بی‌ربطی است. همه کارهای ما باید

اگر متن عربی را بخوانیم ابن طاووس نوشته: بچه را بلند کرد تا با او وداع کند. بعد آن مترجم برای همان یک کلمه «وداع» شش خط ترجمه فارسی نوشته

منطبق با ضوابط شرع باشد بخصوص در امور عزاداری. اصلاً شهادت سیدالشهدا(ع) برای اجرای دستورات شرع است، بنابراین معنا ندارد که ما به بهانه اینکه عاشورا کار عشق است و دل، ضوابط و محرمات شرع را زیر پا بگذاریم. اصلاً چون مربوط به عاشورا است باید بیشتر قوانین شرع مقدس را رعایت کنیم. لذا خواندن‌های غنایی و بعضی حرکاتی که متناسب با عاشورا نیست از آسیب‌هایی است که اتفاق افتاده و درغیرایران مانند کربلا هم بوده که تا حدودی در مسئله قمه‌زنی سازماندهی شد که البته این موضوع هم منحصر به سال ۹۳ نبوده و از قبل وجود داشته است.

۳ چون کارهای ما در حوزه کتاب‌شناسی زیربنایی و مبنایی است، مشخصاً در حوزه عاشورا کاری انجام ندادیم. منتهی زندگی‌نامه مفصلی درباره یکی از اصحاب خاص امیرالمومنین(ع) به نام «الحارث الهمدانی» که از قبیله همدان عده‌ای در عاشورا بودند، منتشر کردیم.



محسن حسام مظاهری

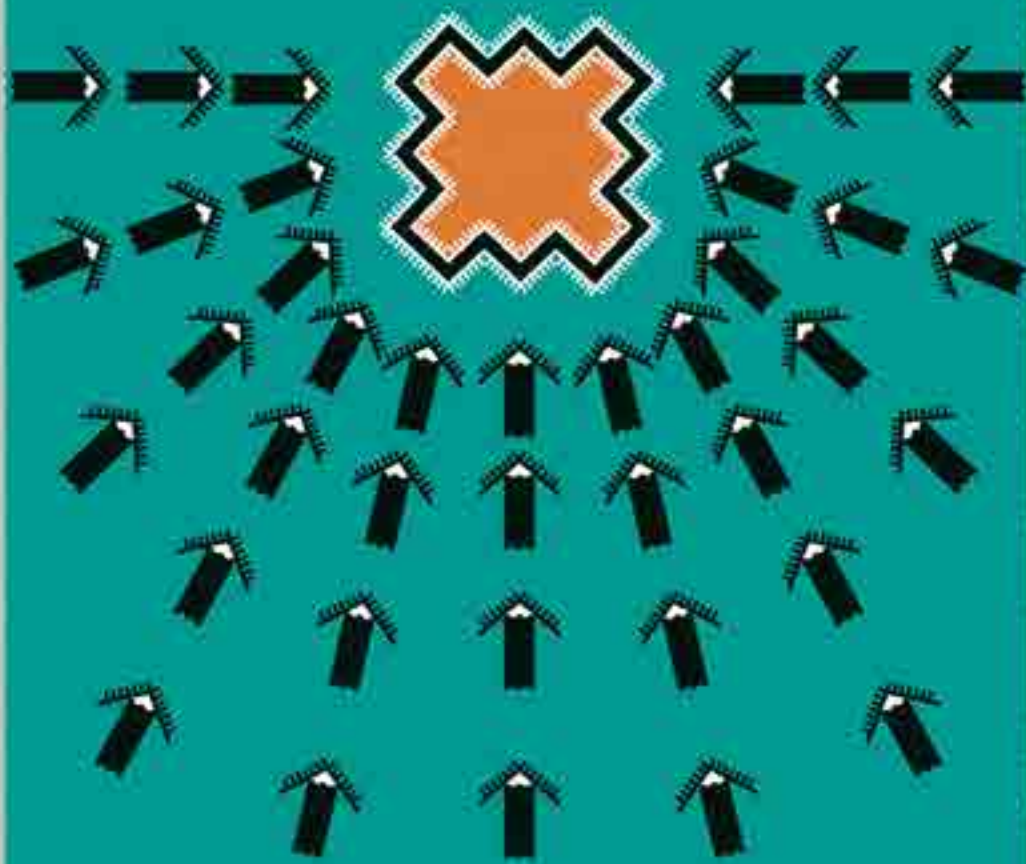
مدیر نشر خیمه و هیأت علمی بنیاد دعبیل خزاعی ۱ بدون اغراق یکی از اتفاقات مهم سال ۹۳ در حوزه فرهنگ عاشورا راهپیمایی اربعین بود که در ابعاد وسیع‌تری نسبت به سال‌های قبل برگزار شد و بعد رسانه‌ای پیدا کرد و با توجه به حواشی و حساسیت‌هایی که داشت به شکل ویژه‌ای جلوه کرد و برگزار شد.

اتفاق دیگری که از ۹۲ شروع شد، تشکیل شورای هماهنگی تشکلهای فعال در عرصه ستایشگری بود. از آنجایی که در دهه اخیر تشکلهای مختلفی برای ساماندهی و مدیریت امور مداحی و مجالس مذهبی تشکیل شده بود و هم‌پوشانی این تشکلهای اشکالاتی به وجود می‌آورد، شورایی متشکل از بنیاد دعبیل خزاعی، هیأت رزمندگان اسلام، بسیج مداحان، خانه مداحان و جامعه ایمانی مشعر تشکیل شد و تشکلهای اصلی و عمده کشور به عضویت این شورا درآمدند و فعالیت‌های خود را با هم هماهنگ کردند.

۲ انتشارات خیمه عناوینی با موضوع عاشورا در سال ۹۳ منتشر کرد. از جمله چند عنوان دیگر از مجموعه «صاحب‌دلان» که به زندگی چهره‌ها و فعالان شاخص دوران معاصر در عرصه فرهنگ عاشورا و مجالس مذهبی اختصاص دارد و انتشار آن از سال ۹۲ شروع شده بود. یکی دیگر از آثار منتشرشده توسط انتشارات خیمه «مقتل ابی‌مخنف» بود که با ویرایش جدیدی، به دو زبان عربی و فارسی چاپ شد. کتاب دیگر، کتاب «لبیک یا حسین» شامل مجموعه سخنرانی‌های سیدحسین نصرالله بود که با استقبال خوبی از سوی مخاطبان مواجه شد.

در بنیاد دعبیل خزاعی هم در سال ۹۳ مراحل برگزاری جشنواره کتاب سال عاشورا، ویژه شناسایی و تقدیر از آثار برگزیده در حوزه عاشورا، به همت هیأت علمی بنیاد دعبیل کلید زده شد و فراخوان آن اعلام شد تا در سال ۹۴ اولین دوره آن برگزار شود. اتفاق دیگر در این حوزه برگزاری جلسات نقد و بررسی منابع عاشورایی بود که سال ۹۳ در بنیاد دعبیل آغاز شد که با حضور استادانی چون دکتر محمدرضا سنگری، محمد اسفندیاری، دکتر ساکت و سایر عزیزان منابع مهم عاشورا مانند کتاب لهوف، نفس المهموم و مقتل ابی‌مخنف و کتاب‌شناسی تاریخی امام حسین(ع) مورد نقد و بررسی قرار گرفت و ادامه این جلسات امسال برگزار خواهد شد. ۶۶

جامعه





چند نکته از هزار معنی بیانات رهبر انقلاب در دیدار مداحان

مداحی از فرصت‌های بزرگ تا نقطه‌های سبک

انقلاب درباره اهمیت مقام مداحی اهل بیت علیهم‌السلام و برخی فرصت‌ها تهدیدهای مرتبط با آن بود. کلام ایشان در این باب، شامل چهار محور اصلی و توصیه مهم بود:

مداح خورشید مداح خود است

۱. اهمیت و شرافت مداحی: حرفه مداحی، حرفه بسیار باشرافتی است؛ چون زبان، نفس، حنجره و قدرت هنری مداح در خدمت مدح فضیلت و خاندان سراپا فضیلت پیغمبر صلی الله علیه و آله قرار می‌گیرد. «مداح خورشید مداح خود است» و مداح خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در واقع با مدح فضیلت این خاندان، مدح خود می‌کند و همین امر حاکی از شرافت این شغل است که باید قدر آن را دانسته و فرصتش را مغتنم بشمارند.

۲. مداحی و فرصت‌های بزرگ: امروز جامعه مداح کشور، فرصت بسیار بزرگی در اختیار دارد و

نظر رهبر انقلاب

درباره مرحوم حاج علی آهی

رهبر معظم انقلاب اسلامی در ابتدای بیانات خود با گرمی داشت یاد مرحوم علی آهی به سابقه آشنایی خود با ایشان پرداخت و گفت: «بنده مرحوم آهی را از سال‌های اوایل دهه ۴۰ می‌شناسم. در مشهد یک جمعی از مداحان اهل بیت علیهم‌السلام آمده بودند و ایشان فعال بود؛ البته آشنایی‌ای پیدا نکردیم، اما من ایشان را شناختم و دیدم. سال‌های متمادی ایشان را از دور می‌شناختم؛ بعد هم از نزدیک خدمت ایشان رسیده بودیم. خدا ان شاء الله درجاتش را عالی کند به معنای حقیقی کلمه، پایمند و متعهد و علاقه‌مند و بخصوص نسبت به جامعه مداح دارای احساس تعهد و مسئولیت بود و هر سال ما ایشان را در اینجا زیارت می‌کردیم. رحمت خدا بر او باد؛ خدا ایشان را بیامرزد؛ خدا ما را هم بیامرزد!». یکی از محورهای اصلی سخنان رهبر معظم

۲۰ فروردین ماه مطابق روال هر ساله، همزمان با ایام ولادت بانوی دو عالم، حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها جمع کثیری از مداحان و ذاکران اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام از سراسر کشور با رهبر معظم انقلاب دیدار کردند. آن روزها با رخدادهای مهم و سرنوشت‌سازی همراه بود؛ از سویی جامعه مداحی به تازگی داغدار فقدان پرچمدار ستایشگری اهل بیت علیهم‌السلام و فخرالمادحین حاج علی آهی شده بود و از سویی در فضای عمومی کشور واکنش‌های مثبت و منفی به توافق هسته‌ای لوزان نقل محافل شده بود و همه منتظر بودند تا از مواضع رهبری در این زمینه مطلع شوند. حادثه مهم دیگر تحولات یمن و تداوم جنایات آل سعود در کشتار مردم مظلوم و بی‌دفاع دیار لویس قرن بود. با توجه به همزمانی این سه رخداد مهم، مشروح سخنان رهبر انقلاب نیز در این دیدار به سه محور اصلی توصیه‌هایی درباره مداحی، مذاکرات هسته‌ای و تحولات یمن اختصاص یافته بود.



و بی‌توجهی به این اصول، مجلس مدح و عزای اهل بیت علیهم‌السلام و تبیین معارف ایشان را تا بدان‌جا تنزل دهند که «تعدادی جوان لخت بشوند، بپرند هوا، بپرند پایین و ندانند چه می‌گویند».

بازتاب‌های بیانات رهبری در میان اهالی هیئت

انتقاد اخیر رهبر معظم انقلاب نسبت به «لخت شدن» و بالا و پایین پریدن در برخی مجالس عزاداری، بازتاب‌های گوناگونی در میان اهالی هیئت داشت؛ برخی مواضع ایشان را صرفاً انتقاد به عمل لغو «لخت شدن» و بالا و پایین پریدن و نهی از آن تفسیر کردند و برخی دیگر در معنایی موسع‌تر، مغز کلام ایشان را علاوه بر پرهیز از این حرکات ناصحیح، توجه به روح و عمق عزاداری دانستند و گفتند؛ این بیانات، بیشتر ناظر به ضرورت تغییر نوع نگاه به عزاداری است تا اعمالی مانند لخت شدن و ...؛ هر چند کلام ایشان ظاهری سلبی دارد و در آن، ظاهراً از برخی رفتارهای ناصحیح نهی شده، اما در واقع توصیه‌هایی برای اثبات و رشد معنوی مجالس سوگواری است؛ توصیه‌هایی که با افزایش کارکرد معنوی و اجتماعی عزاداری، آن را از حاشیه‌های بی‌ثمر دور ساخته و به مجرای اصلی خویش باز می‌گرداند.

البته این نخستین بار نیست که رهبر انقلاب شخصاً به برخی از مصادیق آسیب‌های عزاداری تصریح می‌کند؛ چه ایشان پیش‌تر نیز درباره برخی دیگر از مصادیق این مباحث، مانند قمه‌زنی و تیغ‌زنی، غلو، سینه‌خیز حرکت کردن در حرم مطهر ائمه علیهم‌السلام و حرمت توهین به مقدسات اهل سنت نیز نظر مخالف خود را ابراز داشته‌اند. رفتارهایی که هر کدام نتایج و عواقب سوئی چون فساد عقیده، وهن مذهب در انتظار جهانیان و ایجاد تفرقه در میان امت اسلامی در پی دارند. ^{۶۶}

بپرند پایین و ندانند چه می‌گویند»؛ بنابراین مداحان باید با توجه داشتن به این مسائل، شکر نعمت‌هایی را که خداوند به آنان داده - مانند صدای خوش، توانایی اداره مجلس و ... - را به جای آورند. به علاوه اینکه انتظارات از جامعه مداح، امروز در جامعه ایرانی و در کل نگاه منطقه‌ای، انتظار بالایی است.

بیانات اخیر رهبر معظم انقلاب اسلامی را باید به گونه‌ای منظومه‌وار در راستای رهنمودها و توصیه‌های مکرر سه دهه گذشته ایشان به هر یک از اصناف حاضر در مجالس و هیئات حسینی فهم کرد. ایشان طی سه ارتباط و دیدار صمیمانه با جامعه مداحی کشور از وجوه مختلف به تشریح بایسته‌های هیئت، مداحی، روضه و وعظ پرداخته‌اند و بر لزوم پیرایه‌زدایی نامعقول از حوادث مهم تاریخ اسلام و به ویژه واقعه عاشورا، مقابله با تحریفات و خرافات و نیز توجه به هم‌دوشی و توأمانی سه عنصر حماسه، فکر و عاطفه در اندیشه شیعی تأکید کرده‌اند. مداحان و ذاکران و نیز جماعت و عاظم باید با شناخت مقام و جایگاه خود و اشراف به مسائل روز و فرصت‌های مغتنمی که در دسترس آنان است، بایسته‌های منبر و مداحی و نیز مسئولیت‌های جدید خود را به خوبی شناخته، معارف و حقایق دین را با شیوه‌های متنوع و برتر، تبلیغ و ترویج کنند.

رهنمودهای اخیر رهبر انقلاب از سویی نشان‌دهنده مقام والای ستایشگری اهل بیت علیهم‌السلام و مرجعیت و جایگاه مهم مداحان در جامعه امروز و نقش مهم آنان در جریان‌سازی فرهنگی، تبلیغ و ترویج معارف دین و هدایت و تربیت نفوس مستعد است و از سوی دیگر، به‌ویژه در فقره آخر، نگرانی‌ها و دغدغه‌های معظم‌له را نسبت به غفلت از روح و فلسفه عزاداری نشان می‌دهد که اتفاقاً از این لحاظ نیز مداحان نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارند و ممکن است با غفلت

مخاطبان بسیار و گاهی جمعیت‌های هزاران نفری و غالباً هم جوان، در پای مجلس و منبر مدیحه و مرثیه مداحان جمع می‌شوند. مداحان باید از فرصت بسیار مهم و مغتنم اجتماع این همه نفوس آماده تربیت و مهیای شنیدن و نیوشیدن به بهترین نحو ممکن استفاده کنند.

۳. تبلیغ معارف دین: بهترین استفاده جامعه مداح از آن فرصت بزرگ، تبلیغ معارف دین است. همان چیزی که بزرگان دین و نشانه‌های عظمت و فضیلت، به خاطر آن جان‌شان را کف دست گرفتند، این همه رنج بردند و مصیبت کشیدند. تبلیغ و ترویج دین همان چیزی که حادثه عاشورا و حوادث گریه‌آور صدر اسلام به خاطر آن به وجود آمد. مداحان باید برای سوق دادن نسل جوان به عمل به دین و شریعت و مسئولیت‌های بزرگ این دوران استفاده کنند. در طول تاریخ هیچ‌گاه این همه مجلس نبوده که این همه جوان در آن جمع شده و دل‌های‌شان را در اختیار مداحان بگذارند. امروز جمعیت‌های هزاران نفری از جوانان در اختیار مداحان هستند و «به یک معنا، موتور حرکت دنیای اسلام زیر کلید آنهاست» و آنان باید با استفاده از این فرصت استثنایی و مغتنم، معارف دین را برای این مخاطبان مستعد تبلیغ کنند.

انتظارات از جامعه مداح بالاست

۴. پرهیز از انحراف، خرافه‌گرایی و مشکل‌تراشی در عقاید جوانان: گاهی با بی‌توجهی و بی‌مسئولیتی، گفتن کلمه یا کلامی در مجالس، با بیانی ناقص یا غلط موجب ایجاد گریه در ذهن جوان مخاطب می‌شود و عقیده او را دچار مشکل می‌کند. این گره را چه کسی و چگونه می‌خواهد باز کند؟ همچنین باید بسیار مراقب بود که مجلس عزاداری و مدح حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام و نهضت عظیم و ذو‌جوه ایشان به «نقطه سبکی» تبدیل نشود که «یک جایی تعدادی جوان لخت بشوند، بپرند هوا،



دعوتی برای ژرف‌نگری و اندیشه‌ورزی

بیانیهٔ شورای هماهنگی تشکلهای ستایشگران اهل بیت علیهم‌السلام
دربارهٔ بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مداحان

جایگاه رفیع و تأثیر ژرف ستایشگران و ذاکران اهل بیت علیهم‌السلام در تبیین و روشنگری، رسوا کردن دشمنان و شناساندن چهره و شخصیت اهل بیت علیهم‌السلام از پشت پرده‌ها و غبار تبلیغات و تحریفات، انکارناپذیر است؛ این سفیران فرهنگی و منادیان و مبلغان معرفت و محبت خانوادهٔ خدا، صادقانه و عاشقانه کوشیده‌اند تا همهٔ هنر و توان و گاه، حتی جان خویش را بر سر آرمان و باور خویش بگذارند و در راه دفاع از حریم ارزش‌ها و عظمت‌ها، دمی غفلت روا ندارند.

بازشناسی این رسالت عظیم، بایسته‌ها، آسیب‌ها و خطرگاه‌ها و پیوستارهای کار ذاکری و مداحی، همراه امری شایسته و ضروری است که پژوهشگران و صاحب‌نظران باید به آن اهتمام ورزند و این راه روشن را از بیراهه‌ها و دام‌چاله‌ها و کژراهه‌ها بازشناسند و بازشناسند. در روزگار ما کمتر شخصیت و مرجعی به دقت، عمق، روشن‌بینی و موشکافی رهبر فرزانه و اندیشه‌ور انقلاب - امام خامنه‌ای - به این مهم پرداخته است. رهنمودها و هدایت‌های سترگ و ارجمند ایشان از چند جهت قابل تأمل و درنگ است:

۱. جامعیت کلام:

کلام روشنگرانه و نورانی رهبر فرزانه، همهٔ ساخت‌ها و قلمروهای ستایشگری و ذاکری را شامل می‌شود؛ مقوله‌های شعر، نحوهٔ اجرا، موسیقی، اخلاق مداحی، مجلس‌داری، مخاطب‌شناسی، مرثیه، مدیحه، سیر تاریخی مداحی و ذاکری و آسیب‌شناسی از مقوله‌هایی هستند که در طول حدود نیم قرن و به ویژه در دو دههٔ اخیر به آنها پرداخته و نکات و دقایق و ظرایفی را مطرح کرده‌اند.

۲. جامعیت زمان، مکان و مخاطب:

این سخنان در طول سال‌ها و در محافل گوناگون دیدار با شاعران، مداحان و ذاکران، هیئت‌های مذهبی، مجالس سرور و جشن اهل بیت علیهم‌السلام و محافل سوگ و حزن گفته شده است. تنوع مخاطب، تنوع زمان و تنوع موضوع، نوعی جامعیت به این سخنان بخشیده است.

۳. جامعیت و تجربه:

رهبر فرزانهٔ انقلاب به سبب جامعیت در حوزه‌های گوناگون فقهی، هنری، سیاسی، فرهنگی، ذوقی و ادبی و تجربه‌های بارز و درخشان سخنوری، شاعری، مدیریتی، به موضوع ذاکری و مداحی از مناظر گوناگون نگریسته است. ایشان خود ذاکر و مصداق اتم ستایشگری در روزگار ما هستند و به همین سبب سخنان ایشان نه فقط چراغ راه ستایشگران و ذاکران که تکیه‌گاه همهٔ مبلغان، پژوهشگران، صاحب‌نظران و رهپویان طریق نشر فرهنگ و معارف اهل بیت علیهم‌السلام است.

۴. پیوستگی به کلام و سیرهٔ معصوم:

خاستگاه کلام رهبری، منابع اصیل فرهنگ اسلامی به ویژه قرآن و روایات است. مطالعات ژرف، روشن‌بینی و ویژه و قدرت استنباط لطایف و ظرایف و دقایق، پشتوانهٔ این سخنان متین و مبین است و همین است که مطالعهٔ دقیق این سخنان همواره راهنما و راهگشا خواهند بود. از منظر رهبر انقلاب، ستایشگری منبع دعوت جامعه به نیکی، معنویت و جهاد است و ذاکران،

معلمان و مربیان مخاطبان و مستمعان خویش‌اند که با پیوند عاطفه و عقلانیت آنان، کارکردی فرهنگ‌ساز داشته و در حفظ ایمان و معرفت شیعی نقش‌آفرینی می‌کنند؛ بنابراین ایشان پیش از هر چیز، همگان و به ویژه مداحان و ذاکران را به شناخت جایگاه مهم ستایشگری اهل بیت علیهم‌السلام و بهره‌گیری مناسب از این فرصت و مسئولیت مهم دعوت کرده‌اند. بی‌تردید بیانات حضرت ایشان تذکری هشداردهنده و هشیارکننده به جامعهٔ شاعران و مداحان اهل بیت علیهم‌السلام است تا به مرتبت بی‌بدیل خویش در جامعهٔ اسلامی توجه بیشتری داشته باشند و برای حفظ و رفعت‌بخشی هر چه بیشتر آن، کوشش والا‌تری را مصروف سازند.

رهبر انقلاب توجه و عنایت خاصی به سازمان‌دهی و تعیین حدود و ثغور سمت مداحی دارند. هر چند در این باب تلاش‌هایی به‌صورت پراکنده صورت گرفته، لیکن به نظر می‌رسد که برای جلوگیری از تحلیل منابع و هدر رفت زمان و امکانات، ضروری است که همهٔ این فعالیت‌ها به صورت یکپارچه و هماهنگ انجام گیرد و با تقسیم وظایف و تعیین حدود و مرزهای کاری، شاهد حرکتی نوین در راستای حسن اجرای این رهنمود باشیم. ایشان مسئولیت‌های اصلی مداحان و ذاکران را در دو بخش اصلی تکالیف و وظایف درونی و تکالیف و وظایف برونی بیان کرده‌اند.

در بخش تکالیف درونی یک شاعر و مداح، مواردی همچون ضرورت تزکیه نفس و پالایش درون، طهارت دل و اخلاص، ضرورت تلاش برای کسب شایستگی انتساب به اهل بیت علیهم‌السلام، افزایش سرمایه‌های معنوی با توسل به ذوات



ناب و ارزشمند دیگر است که فهرست بلندی از خواسته‌های رهبری از ذاکران و مداحان را به همگان می‌نمایاند.

دیگر اینکه تشکیل و راه‌اندازی محافل نقد شعر دینی و نیز بارور کردن جلسات مداحی با ارزیابی نکات مثبت و منفی برنامه‌ها در مجالس اهل بیت علیهم‌السلام و نیز حضور فعال و دامن‌دار «پیشکسوتان» در این جلسات نقد و بررسی و بهره‌گیری جوانان از دانش و تجربه عملی آنان، از خواسته‌های ایشان است که انتظار می‌رود مخاطبان این خواسته مقام ولایت، بیش از این بدان بپردازند. تردیدی نیست که بهره‌گیری از دیدگاه‌های آن رهبر فرزانه در حوزه ستایشگری و مداحی، نیازمند نگاهی دقیق و موشکافانه به آنهاست. این نگاه به مخاطبان کمک می‌کند تا همه ابعاد و زوایای سخن را بهتر بیابند و روشن‌تر دریابند.

شورای هماهنگی تشکلهای ستایشگران اهل بیت علیهم‌السلام با دعوت از همه صاحب‌نظران، پیشکسوتان و فعالان حوزه ستایشگری اهل بیت علیهم‌السلام برای ژرف‌نگری و اندیشه‌ورزی پیرامون فرمایشات مقام معظم رهبری، اعلام می‌دارد که این شورا، فرمایشات عالمانه معظم‌له را نصب‌العین قرار داده و حداکثر توان خود را برای عملیاتی شدن این خواسته‌ها به کار خواهد بست. شورای هماهنگی تشکلهای ستایشگران اهل بیت علیهم‌السلام:

- بسیج مداحان ● بنیاد دعبل خزاعی ● کانون مداحان و شاعران ● هیئت رزمندگان ● خانه مداحان ● جامعه ایمانی مشعر ۶۶

علیهم‌السلام قرار دارد، بیان فرمودند، تأکید ایشان بر رعایت شئون عزاداری و عزاداری توأم با معرفت بود؛ آنجا که فرمودند: «از این فرصت برای ترویج معارف دین برای سوق دادن نسل جوان به عمل به دین، به عمل به شریعت، به عمل به مسئولیت‌های بزرگ این دوران استفاده کنید. امروز کشور ما، ملت ما و دنیای اسلام محتاج درست فهمیدن، درست عمل کردن و ایستادگی کردن است. ... اینکه ما مجلس عزاداری و مدح سیدالشهدا علیه‌السلام را - که عظمت او به دلیل شهادت است، عظمت او دلیل فداکاری در راه خدا است، عظمت او به دلیل گذشت است؛ گذشت از همه چیز، از همه خواسته‌ها، از همه مطلوب‌ها - تبدیل کنیم به یک نقطه سبک، به یک جایی که یک تعدادی جوان لخت بشوند، بپرند هوا، بپرند پایین و ندانند چه می‌گویند، درست است؟ این شکر این نعمت است؟»

از دیگر موارد مرتبط با این موضوع، وظایف شاعران و مداحان در سُرایش یا انتخاب اشعار مناسب مجالس اهل بیت علیهم‌السلام، توجه به پیام‌دار بودن و محتوای اشعار، دوری گزیدن از تعریف و تمجیدهای بی‌محتوا درباره شأن و مقام اهل بیت علیهم‌السلام، آگاهی بخشی به مخاطبان نسبت به اهداف و نتایج و آثار و عبرت‌های عاشورا، بهره‌گیری از پیام نهضت امام حسین علیه‌السلام برای مشخص کردن راه جامعه اسلامی در برابر توطئه‌های دشمنان، تذکر به حفظ اخلاق و ترویج شعائر اخلاقی در جامعه، دوری گزیدن از پیرایه‌های دروغین و تحریف‌های خطرناک در عزاداری‌ها، توجه دادن مخاطبان به ویژه نسل جوان به معنویت و خودسازی و ارتقای کمالات روحی و دهها نکته

مقدسه اهل بیت علیهم‌السلام، خشوع در برابر حضرت حق تعالی با دعا و مناجات و مراقبت جدی برای تأثیر نگرفتن از محیط ناسالم را مورد تأکید قرار داده‌اند. از منظر رهبر انقلاب، تنها دل‌های پاک و چشم‌های با بصیرت و پالایش شده از دنیاطلبی، تماشاگران رمز و راز معارف اهل بیت علیهم‌السلام‌اند که می‌توانند انوار قدسیه اهل بیت علیهم‌السلام و از جمله صدیقه کبری سلام الله علیها را تا حدودی از نزدیک ببینند و مقامات آنها را درک کنند.

رهبر معظم انقلاب، ستایشگری را مجموعه‌ای از هنر، دانش و آگاهی‌های لازم در زمینه تبلیغ و عناصر گوناگون دیگری می‌دانند که یک مداح و ذاکر اهل بیت علیهم‌السلام، باید در کنار صلاحیت‌های فردی و اجتماعی از آنها برخوردار باشد. از منظر ایشان بهترین روش انتقال پیام به مخاطب، گذر از کوچه‌باغ‌های هنر است که خوشبختانه فرهنگ شیعی با دارا بودن ظرفیت بی‌مثال مجالس ذکر و سوره و سوگ اهل بیت علیهم‌السلام زمینه بسیار مساعدی را برای ارائه هنرمندانه این پیام ایجاد می‌کند. «بایدها و نبایدها در چگونگی اداره مجالس» نیز مکرراً در سخنان ایشان مورد بررسی قرار گرفته است. در این فرمایشات وظایف و تکالیف برونی مداحان و ستایشگران که به نوع و چگونگی اداره مجالس سوگ و شادی اهل بیت علیهم‌السلام بازمی‌گردد، بیان شده است.

یکی از مهم‌ترین فرازهای سخنان امسال ایشان نیز که پس از تبیین جایگاه رفیع ستایشگری و فرصت عظیمی که در اختیار ستایشگران اهل بیت



درباره شورای هماهنگی تشکل‌های ستایشگران

تا اواسط دهه ۸۰، جامعه ستایشگری اهل بیت علیهم‌السلام تشکل سازمان‌یافته و فراگیری نداشت؛ البته تشکل‌های منطقه‌ای و محلی جدی و با سابقه‌ای وجود داشت؛ اما تشکلی که در سراسر کشور گسترده باشد و طیف وسیعی از مخاطبان را مورد خطاب قرار دهد و قدرت راهبری، سازمان‌دهی و ساماندهی داشته باشد و بتواند به نمایندگی از جامعه ستایشگران طرف گفت‌وگو با سایر بخش‌های جامعه یا نظام شود، وجود نداشت.

از اواسط دهه ۸۰ برخی شخصیت‌های حقوقی یا مردمی برای رفع این خلأ اقداماتی را انجام دادند و نتیجه این اقدامات تأسیس بنیاد دعبل خزاعی، کانون مداحان، بسیج مداحان، خانه مداحان و ... بود.

غرض اولیه مؤسسان در طراحی ساختار، علاوه بر اهداف تخصصی رسیدن به تشکلی با ویژگی‌های فوق، تأکید بر فراگیر بودن و داشتن قدرت راهبری، سازمان‌دهی و ساماندهی بود. پس از گذشت چند سال، دغدغه دیگری به دغدغه‌های فوق اضافه شد و آن چگونگی هماهنگی و هم‌افزایی میان این تشکل‌ها و جلوگیری از موازی‌کاری آنها بود.

طبیعتاً و با توجه به نوپا بودن این تشکل‌ها زمان و راه طولانی برای رسیدن به دو راهبرد اصلی «فراگیری» و «قدرت راهبری» داشتند؛

اما این موازی‌کاری‌ها طی کردن این مسیر را دشوارتر کرد.

در پاسخ به این دغدغه، بزرگان این جامعه دو پیشنهاد اصلی را در محافل و مجالس مطرح می‌کردند:

۱. تلفیق همه این نهادها با هم
۲. تعیین یکی از این نهادها به عنوان متصدی اصلی و تعریف سایر نهادها به عنوان زیرمجموعه

این دو پیشنهاد به صورت تنها راه‌حل به صورت جدی پیگیری می‌شد؛ ولی به نتیجه عملی نرسید؛ اما در بهمن سال ۹۰ راه‌حل سومی مبنی بر برگزاری جلسات مشترک میان مدیران این تشکل‌ها با هدف تأسیس «شورای هماهنگی تشکل‌های ستایشگران» پیشنهاد شد.

این پیشنهاد به صورت جدی مورد استقبال این تشکل‌ها قرار گرفت و از آن تاریخ تا به امروز جلسات این شورا به صورت مستمر و منظم و با شرکت فعال همه تشکل‌ها از جمله بنیاد دعبل خزاعی، بسیج مداحان، کانون مداحان و شاعران آیینی، هیئت رزمندگان، خانه مداحان و جامعه ایمانی مشعر برگزار شده است.

در این جلسات که براساس تأکید بر مشترکات و همکاری مشترک در عین حفظ استقلال

تشکل‌ها برگزار می‌شود هیچ تشکلی بر دیگری تفوق نداشته و حتی میزبانی جلسات را نیز به صورت دوره‌ای هر یک از این تشکل‌ها بر عهده دارند.

گزارش برگزاری این جلسات به صورت منظم به بزرگان این جامعه از جمله استاد آهی و همچنین مدیران ارشد ارائه می‌شود. موضوعات اصلی جلسات اولیه این محورها بودند:

۱. ارائه گزارش عملکرد تشکل‌ها برای اطلاع سایر اعضا
۲. بررسی چالش‌های اصلی جامعه ستایشگری
۳. طراحی روش‌های راهبری فکری و عملی این جامعه

درباره چند پروژه عملیاتی نیز به صورت جدی بحث شده است از جمله:

۱. طراحی مکانیسمی برای دیدبانی فرهنگی و رصد
۲. موضوع استفاده از اهرم قانونی و قضایی برای برخورد با برخی آسیب‌ها
۳. موضوع نظام استاندارد و علمی آموزش
۴. موضوع طراحی مکانیسمی برای افکارسنجی و استفاده مستمر از نظرات نخبگان

پس از برگزاری چند جلسه این شورا یک



فعالیت عملی مشترک یعنی «همکاری تشکیل‌ها در برگزاری چهارمین هم‌اندیشی نخبگان ستایشگری در سال ۹۲» را نیز تجربه کرد.

البته این هم‌اندیشی به همت هیئت رزمندگان و بسیج مداحان در سنوات قبل برگزار می‌شد؛ اما بهمن سال ۹۲ سایر تشکلهای نیز در این برنامه مشارکت فکری و عملی کردند. بیانیه پایانی این همایش نیز با امضای مشترک تشکل اصلی صادر شد.

پس از آن زمینه برای گفت‌وگوی مستقیم با قرارگاه فرهنگی کشور یعنی شورای عالی انقلاب فرهنگی آماده شد.

این اقدام بر اساس چند راهبرد اساسی مقام معظم رهبری انجام شد. از جمله:

۱. قرارگاه فرهنگی کشور، مقر مرکزی فرماندهی و برنامه‌ریزی فرهنگی کشور، شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

۲. همه دستگاه‌های ریز و درشت و فعالان فرهنگی باید بر اساس اسناد بالادستی نظام مثل چشم‌اندازی و سند مهندسی فرهنگی کشور عمل کنند.

۳. هر عملی در کشور (اعم از اقتصادی، سیاسی و نظامی) مستلزم داشتن پیوست فرهنگی است.

۴. برای هر کار فرهنگی کلان نیاز به دیدبانی فرهنگی است.

۵. برای هر کار فرهنگی نیاز به مخاطب‌پژوهی و نیازسنجی است.

جلسات با کارشناسان شورای عالی انقلاب فرهنگی برای پاسخ به این سؤالات بود:

۱. آیا موضوع ستایشگری اهل بیت علیهم‌السلام در اسناد بالادستی نظام دیده شده است؟
۲. آیا اقداماتی که این تشکلهای انجام می‌دهند پیوست فرهنگی دارد و آیا هماهنگ با سند مهندسی کشور است؟

در حال حاضر ثبت رسمی این شورا برای تحقق اهداف ذیل در دستور کار قرار دارد.

۱. نمایش هماهنگی، انسجام، اتحاد، اهمیت و ظرفیت فرهنگی تشکلهای ستایشگران اهل بیت علیهم‌السلام

۲. هماهنگی میان عملکرد اعضا برای جلوگیری از موازی‌کاری و هم‌افزایی میان اعضا از طریق تعمیق روابط

۳. برنامه‌ریزی و همکاری مشترک برای تعریف دقیق مخاطبان با استفاده از شیوه‌های علمی افکارسنجی

۴. برنامه‌ریزی و همکاری مشترک برای اخذ نظرات نخبگان، صاحب‌نظران، کارشناسان، پیشکسوتان

۵. دیدبانی فرهنگی در سطح ملی، جمع‌آوری و تحلیل آمار و اطلاعات، تدوین پیشنهادهای فرهنگی برای نهادهای سیاست‌گذار فرهنگی در موضوع ستایشگری اهل بیت علیهم‌السلام
۶. برنامه‌ریزی و همکاری مشترک برای طراحی و تدوین سند ملی

۷. برنامه‌ریزی و همکاری مشترک برای طراحی و تدوین سند چشم‌انداز، مأموریت، اهداف و راهبرد، ساختارها و ... برای تشکلهای فعال

۸. برنامه‌ریزی و همکاری مشترک برای اجرای برنامه‌های مشترک برای تعالی سازمانی (بهبود وضعیت منابع انسانی، برنامه‌ریزی راهبردی و عملیاتی و ...)

۹. برنامه‌ریزی برای اجرای طرح‌های مشترک برای سنجش میزان اثربخشی برنامه‌ها و خدمات فرهنگی اعضا

۱۰. برنامه‌ریزی برای اجرای برنامه‌های مشترک فرهنگی در سطح ملی

۱۱. برنامه‌ریزی برای تدوین برنامه ملی آموزش، استانداردهای ملی «تولید متون و منابع»، «روش آموزش و سنجش»، «تربیت مربی» و «سازمان آموزشی»

۱۲. برنامه‌ریزی برای برگزاری جایزه سال ستایشگری اهل بیت علیهم‌السلام و معرفی، تکریم، تجلیل از چهره‌ها، الگوها، صاحبان اثر، اندیشه و محصول^{۲۶}

گزارشی از متن و حاشیه یک مستند

«شرح مدح»

بازخوانی سه دهه ارتباط صمیمانه رهبر انقلاب با جامعه مداحی

را چنین توصیف می‌کند: «ایشان قبل از انقلاب توجه ویژه‌ای به جامعه مداحان که خادم اجداد طاهرین بوده‌اند، داشته و بعد از انقلاب هم آنها را از رهنمودهای حکیمانه خود بهره‌مند ساخته‌اند». نوع نگاه رهبر انقلاب به شاعران و فعالان عرصه ادبیات با بسیاری از اهل علم متفاوت است. به گفته مرتضی طاهری، ایشان از زمانی که در مشهد بودند، شاعران را تشویق می‌کردند و در دوره ریاست جمهوری هم این لطف را به جامعه ستایشگران اهل بیت علیهم السلام داشتند.

رهبر انقلاب در دوره‌های مختلف دیدار مداحان با توجه به حوادث، شرایط و مقتضیات زمانه، نکاتی را به ستایشگران خاندان نبوت علیهم السلام گوشزد کرده‌اند که توجه به هر یک از آنها، هیئت را در حفظ اصالت‌ها و گشوده شدن دریچه‌های جدید یاری رسانده است. حاج منصور ارضی که خود از پیشکسوتان و موسسین این طایفه است، می‌گوید: نمی‌شود مجلسی برگزار شود و ایشان درسی به ستایشگران ندهد.

محتوای فاخر و در خور اهل بیت علیهم السلام

میثم مطیعی از مداحان جوان، اما نام‌آشنای تهران که در سال‌های اخیر رونق و شور مجالس‌اش کمتر از پیشکسوتان نبوده، می‌گوید: «یک ساعت



جلسه مداحی در پیوند زدن قلوب مردن با معارف دینی و در نهادینه کردن این باورها تأثیر به سزایی دارد و این نکته‌ای است که رهبر معظم انقلاب بارها، چه در دیدار شاعران و چه در دیدار مداحان، به آن اشاره داشته‌اند. ایشان تأکید دارند که اگر این کار (مداحی) با «شیوه هنرمندانه» و «با مضمون» انجام شود، تأثیری به مراتب بیشتر

جان کلام «شرح مدح» با سخنان رهبر معظم انقلاب آغاز می‌شود. ساخته شعبانی بر آن است تا مغز کلام رهبر انقلاب را در این دیدارها در موضوعات مختلف گزینش کرده و آن را در نظر بزرگانی که خود از شنوندگان و حاضران و مخاطبان اصلی این دیدارها بوده‌اند، بازروی می‌کند. برخی از رهنمودهای رهبر انقلاب که در این مستند گنجانده شده، تذکر تأکیدات قبلی است و پاره‌ای دیگر از سخنان، برای اولین بار مطرح می‌شود. به لحاظ موضوع و محتوا، می‌توان کلمات رهبر انقلاب در این مستند را در چند بخش ذیل دسته‌بندی کرد:



ادب‌دوستی رهبر انقلاب

مستند با نقب زدن به پیشینه ادب‌دوستی رهبر انقلاب و دیدار ایشان با شاعران، چه در دوران ریاست جمهوری و چه در دوران زعامت، آغاز می‌شود و به شکلی گذرا به سابقه برگزاری جلسات دیدار ستایشگران اهل بیت علیهم السلام با رهبر انقلاب می‌پردازد؛ البته سابقه اتمام ویژه رهبر انقلاب در برگزاری این جلسات به سال‌های اخیر یا سال‌های دورتر یعنی دوران ریاست جمهوری ایشان محدود و منحصر نمی‌شود. برخی آن را به ادب‌دوستی رهبر انقلاب منسوب می‌کنند و برخی دیگر چون غلامرضا سازگار علاقه ایشان به مادر بزرگوارشان را سبب برگزاری پیاپی چنین جلساتی برمی‌شمارند. به هر حال، پیشینه حضور ایشان در مجامع ادبی از همان زمان طلبگی در مشهد مشهور است؛ به علاوه اینکه ایشان در خانواده‌ای ادب‌دوست دیده به جهان گشودند و نشو و نما یافتند.

مرحوم حاج علی آهی ارادت رهبر انقلاب به خاندان نبوت و توجه ایشان به جامعه مداحان

«شرح مدح» روایتی است مستند از سه دهه ارتباط صمیمانه رهبر انقلاب با جامعه مداحان و ستایشگران اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که گزیده و گلچینی از دیدارهای مداحان با معظم‌له را از سال ۶۸ تا ۹۳ به تصویر می‌کشد. این مستند ۴۰ دقیقه‌ای با طرحی از رضا صیادی، به کارگردانی حمید شعبانی و تهیه‌کنندگی سید فرشاد حسینی از سوی مؤسسه فرهنگی عقیق و با مشارکت مؤسسه فرهنگی اکسیر پژوهش تولید شده است. مستند با تصاویری از هیئت آغاز می‌شود، از آداب و سنت‌هایی که سال‌ها گرمابخش محافل عاشقان آل‌الله بوده است؛ از کندن پای‌افزار هنگام ورود به وادی مقدس عشق که می‌تواند رمزی از بریدن از تعلقات دست و پا گیر باشد تا ذکر و مناجات با مبدأ هستی و اندک چشم‌تری که امید است مایه آبرو باشد و سرانجام جای هیئت که عطر و طعمش بدیلی ندارد.

یکی از ویژگی‌های خوب و مؤثر «شرح مدح»، ترکیب متقن و مناسب منویات رهبر معظم انقلاب در باب بایسته‌های هیئت و مداحی با کلام مداحان برجسته و خوش‌نام کشور است که هر یک از آنها از مرجعیت و محبوبیت خاصی در میان اقشار مختلف به‌ویژه جوانان برخوردارند و صداها و بلکه هزاران مخاطب و مستمع ثابت و پر و پا قرص در مجلس و پای منبر خود دارند؛ پیرغلامان و مداحان خوشنامی چون حاج غلامرضا سازگار، حاج منصور ارضی، حاج میثم مطیعی، حاج ولی‌الله کلامی زنجانی، حاج مرتضی طاهری و ... نکته تأثیر «شرح مدح» دقیقاً از همین جا آغاز می‌شود. سال‌هاست که علاقه‌مندان عادت کرده‌اند تا صدای ذکر و مدیحه این مشاهیر را از پشت تریبون‌های هیئت بشنوند و کمتر در باب مسائل مختلف ظاهری و محتوایی هیئت و بایسته‌ها و نبایسته‌های آن از زبان ایشان شنیده‌اند. این مستند به ویژه با گردآوری آرای چند چهره تأثیرگذار عرصه مداحی در قالب یک مستند، چنین فرصت مغتنمی را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد؛ به ویژه مخاطبان نوجوان و جوانی که به تازگی وارد این محافل شده و گاه ممکن است از سرب‌بی‌اطلاعی در شناخت راه از بیراه دچار اشتباه شوند.

گونه‌ای زندگی کند که شیوه آن، زندگی اهل بیت علیهم‌السلام را در نظر آورد». بنابراین الگوپذیری جوانان و مهم‌تر از آن متعلق بودن به هیئت اهل بیت علیهم‌السلام سختی کار را بر اهالی این دستگاه دوچندان می‌کند.

نوآوری همراه با امتداد کار گذشتگان

«به جوان‌ها توصیه می‌کنم شیوه‌های پیشکسوت‌ها را به کلی کنار نگذارند؛ دست نکشند. من با نوآوری موافقم؛ نوآوری هیچ اشکالی ندارد؛ اما اگر بخواهید در این نوآوری کمال پیدا کنید، باید این نوآوری در امتداد شیوه گذشتگان باشد». راهی طی شده و طبقه‌ای بنا گشته است، آنچه امروز مداح و شاعر اهل بیت علیهم‌السلام وظیفه دارد، گذاشتن بنایی جدید با نگاه به عقبه این کار است.

تأثیرات و نتایج جلسات

خبرگان فن مداحی که مخاطبان کلام رهبری بوده‌اند بارها به نکته‌سنجی‌ها و دقت رهبر انقلاب در این دیدارها اذعان کرده‌اند. به قول مرتضی طاهری ایشان نقشه راه را نشان می‌دهند. نصایح پدانه و نقدهای خیرخواهانه، سبب شده تا جان کلام این جلسات بر دل بنشینند؛ اما نکته مهم، خلاصه نشدن این نکات در همان جلسه و استمرار در پیشبرد تأکیدات ایشان است که همچنان که حاج ولی‌الله کلامی زنجانی می‌گوید؛ اگر رهنمودهای ایشان مطالعه شود، بسیاری از مشکلات رفع خواهد شد.

«شرح مدح» هر چند کوتاه، اما مستندی تقریباً جامع و جذاب است که با نگاهی جدید به موضوع دیدار مداحان با رهبر انقلاب پرداخته است. هر کس که شوق مداحی و هیئت دارد؛ اما به دلیل ضیق وقت یا محدودیت‌های دیگر از بیانات رهبر انقلاب و نیز از نظرات خبرگان فن در این زمینه بی‌بهره مانده با مشاهده این مستند ۴۰ دقیقه‌ای می‌تواند، گوشه‌های مهمی از آنچه رخ داده را دریابد. تهیه و تولید مستندهایی از نوع «شرح مدح» بی‌شک در ارتقای سطح معرفت و معنویت مخاطبان در حوزه‌های دینی و معرفتی بسیار مهم است. این مستند با استقبال چشمگیر اهالی هیئت روبه‌رو شد و بازتاب‌هایی در میان مداحان داشت. حاج یدالله بهتاش استفاده از چهره‌های خوشنام و مؤثر را از دلایل توفیق این مستند دانسته و افرادی چون مرتضی طاهری و علی‌اکبر مداحی معتقدند که «شرح مدح» برنامه خوبی بود؛ اما تسلسل آن مهم است؛ در عین اینکه نباید خیلی به حواشی بپردازد.

مستند «شرح مدح» در آستانه دیدار سالیانه ستایشگران اهل بیت علیهم‌السلام با رهبر انقلاب اسلامی در روز میلاد حضرت زهرا سلام‌الله علیها از شبکه اول سیما پخش و چندی بعد از شبکه پنج سیما بازپخش شد. ۶۶

آینده‌هیئتی نیز هست تا امانت‌دار میراثی باشد که با فداکاری‌ها و رنج‌ها و فراز و فرودهای بسیار، طی دوران‌ها به دست امروزیان رسیده است. به قول حاج منصور ارضی «ز اهل کسا شروع شده و به ما ارث رسیده» و محافظت از این میراث وظیفه‌ای است که بزرگان بارها بر آن تأکید کرده‌اند. حاج منصور می‌گوید: هیئت جایی است که همه خودشان را در آن پاک می‌کنند؛ مجموعه‌ای که نه تا به حال دست خورده و نه لازم است چیزی بدان بیفزایند، همه چیز تمام و تمام‌عیار است؛ چون وابسته به نعمت عظیم ولایت است و هر آنچه در آن پیدا شود، منحصربه‌فرد است. حاج احمد شمس، یکی از آثار و برکات دیدارهای اخیر



مداحان با رهبر انقلاب را همین تربیت نسل جوان مداح می‌داند که در آن مداحان، هم با اصول آشنا می‌شوند و هم با حواشی و بدعت‌های بی‌ثمری که عزاداری را از روح و فلسفه حقیقی خود تهی می‌کند. مداح، به نوعی نماد بیرونی هیئت است و به قول غلامرضا سازگار همه حرکات او باید الگو باشد، به طوری که اگر او را از دور ببینند، به یاد امام حسین علیه‌السلام بیفتند.

حفظ اصالت هیئت و تربیت صحیح نسلی که قرار است پا جا پای بزرگان بگذارند، نکته‌ای است که رهبر انقلاب بر آن تأکید دارند: «نکته مهم دیگر، همین مسئله تربیت نیروها یا حراست از نیروهای گوینده و خواننده از خطاها و اشتباهات است؛ این خیلی مهم است. واقعاً یکی از گرفتاری‌های ما این است؛ حالا اسم مداح‌ها بد در رفته، مخصوص مداح‌ها نیست، مداح و غیر مداح ندارد...». مطیعی در این باره می‌گوید: فقط به خاطر اهل بیت علیهم‌السلام به مداح امام علیه‌السلام نگاه می‌شود؛ یعنی اگر ذوات مقدسه از پشت او بروند، مداح چه ارزشی دارد؟ بنابراین، حفظ شئون مداحی از آراستگی ظاهری تا جملاتی که استفاده می‌کند، مهم است. مداحان به دلیل تأثیر مداحی، امروز یکی از الگوهای جوان‌ها هستند.

رهبر انقلاب در باب این موضوع بر «هوشیاری» مداحان اهل بیت علیهم‌السلام تأکید دارند و آنها را به شناسایی «دام‌ها» و «غزشگاه‌ها» فرامی‌خوانند. به قول کلامی زنجانی، «گر شاعر یا مداح به دنبال تجملات برود، معنویتش کاهش می‌یابد. مداح و شاعر دستگاه اهل بیت علیهم‌السلام باید به

از یک سخنران دینی بر مخاطب دارد. به عبارت دیگر ایشان به حضور «عاطفه» همراه با «محتوا و معنا» اشاره دارند. متأسفانه هستند اشعاری که در سال‌های اخیر قرائت می‌شوند؛ اما به خط و خال و ابروی ائمه علیهم‌السلام اشاره دارند و از معنا دور افتاده‌اند.

البته در کنار رعایت دو مقوله «شیوه هنرمندانه» و «مضمون» علاوه بر توانایی شاعر و شعرشناسی مداح، مؤلفه مهم دیگری نیز نهفته است: «اخلاص». به گفته مرتضی طاهری هر آنچه به این زینت مزین نباشد، از بین خواهد رفت. شرط ماندگاری هر کاری اخلاص است و اصلاً دلیل اصلی حفظ نهضت امام حسین علیه‌السلام تا به امروز همین موضوع بوده است.

توجه به نسل جوان

«نصیحت پدانه» بهترین عنوانی است که می‌توان به تأکیدات ایشان در دیدارهای مختلف با مداحان اهل بیت علیهم‌السلام گذاشت. نصایحی که از سر خیرخواهی و از روی عمق دوستی و محبت به هیئت اهل بیت علیهم‌السلام بیان شده است. یکی از مخاطبان اصلی نکات و تذکرات رهبری در این دیدارها، نسل جوانی است که در جلسات حضور دارند و به قول مرتضی طاهری، ایشان بیشتر امور را برای جوان‌ترها تبیین می‌کنند و قلوب ایشان را نشانه می‌گیرند.

رهبر انقلاب هیئت را فرصت مغتنمی می‌دانند که باید از ظرفیت آن استفاده کرد؛ این ظرفیت هم شامل مداحان است و هم شامل مخاطبان و



به ویژه مخاطبان جوان. بازخوانی بیانات ایشان در «شرح مدح» نکات متعددی را به این دست از مخاطبان تأکید می‌کند که همه آنها را می‌توان به قول حاج ولی‌الله کلامی زنجانی در سه مقوله «انسان‌سازی»، «مداح‌سازی» و «شاعر‌سازی» خلاصه کرد. او می‌گوید: نفس رهبر انقلاب طوری است که جوانان به دنبال اهداف ایشان می‌روند و برقی‌ها از خروجی‌های همین جلسات، هستند.

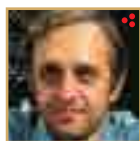
تربیت نسل جدید هیئت

یکی از نتایج و برکات این دیدارها آشنایی مداحان و اهالی هیئت با رسالت‌های هیئت است. رسالت هیئت در کنار انسان‌سازی، تربیت نسل



روز رستاخیز

اربعین سال ۹۳ بزرگترین تجمع مذهبی جهان امروز در کربلا شکل گرفت. ۲۰ میلیون عاشق از ۵ قاره و ۶۰ کشور مختلف جهان چگونه به یابوس تارالله رفتند، آن هم با وجود تهدیدی به نام داعش؟



احسان ناظم‌یکایی
روزنامه‌نگار و نویسنده

۱۳۷۵ سال می‌گذرد از روزی که امام حسین(ع) و یارانش در کربلا با لب تشنه، غریب و تنها به شهادت رسیدند. از محرم و صفر سال شصت و یکم هجری قمری تا محرم و صفر سال هزار و چهارصد و سی و شش هجری قمری، زمان زیادی گذشته است. بیشتر از ۴۸۸ هزار روز. اما خون شهیدان کربلا و عشق به امام شهیدان، روز به روز سوزان‌تر می‌شود. معجزه حسین(ع) پارسال، حال و هوایی دیگر داشت. اربعین حسین، اتفاقی افتاد که در طول برگزاری مراسم



گوناگون مذهبی و ملی در سراسر جهان، کم نظیر و درست تر بخواهیم بگوییم بی نظیر بود. حدود ۲۰ میلیون زائر با پای پیاده خودشان را به کربلا رساندند. این رویداد بزرگ چگونه اتفاق افتاد؟



خردادماه بود که گروه تروریستی دولت اسلامی عراق و شام با اسم اختصاری داعش، از سوریه به عراق ریخت. گروه تروریستی با حدود ۲۰ هزار تروریست وارداتی از اروپا و آمریکا که با استفاده

از ضعف ارتش عراق و همکاری بعضی‌ها، پیشروی قابل توجهی کردند.

Islamic State of Iraq and Syria که مخفشیش isis می‌شد، بعد از سرخوردگی از براندازی حکومت بشار اسد در سوریه وارد عراق شدند تا با استفاده از شرایط ویژه این کشور به حیاتشان ادامه بدهند. آنها موصل را گرفتند و رویای فتح سریع عراق را در سر می‌پروراندند. انهدام مقابر مذهبی و نبش قبر حجرین عدی از کارهای آنها بود. در

کشمکش داعش و نیروهای مردمی و ارتش عراق، محرم در نیمه پاییز فرا رسید. تروریست‌های داعش بر طبل انهدام کربلا و حمله به شیعیان می‌کوبیدند اما در مقابلشان نیروی منسجم مردمی ایستادند. آنها می‌گفتند کربلا را هدف حملات تروریستی قرار می‌دهند اما عراقی‌ها با کمک سردار قاسم سلیمانی، تروریست‌ها را از جرف الصخر در جنوب بغداد راندند تا التهاب هجوم داعش فرو بنشیند. آذر که رسید، شور اربعین در دل‌ها به پا شد.



راهپیمایی اربعین، سنتی قدیمی است که عاشقان ابا عبدالله به پیروی از بازگشت کاروان اسرا به کربلا و حضور جابرین عبدالله انصاری، اولین زائر قبر امام حسین(ع) در روز اربعین به کربلا می‌روند. سنتی که کربلا را شلوغ‌تر از تاسوعا و عاشورا می‌کند. سنت اربعین اگر چه در طول دیکتاتوری ۳۰ ساله صدام قدغن شده بود اما با سقوط رژیم بعث صدام در بهار ۱۳۸۲ شمسی، اولین راهپیمایی اربعین چند روز بعد از این سقوط، با حضور حدود ۳ میلیون زائر انجام شد تا شیعیان نشان بدهند حتی در شرایط اشغال کشورشان توسط غربی‌ها، دست از عقادیشان نخواهند کشید. انفجار سال بعد، در ظهر عاشورا و در بین‌الحرمین هم نتوانست هیجان راهپیمایی اربعین را سرد کند. در ۱۱ سال بعدی هم علیرغم برخی تهدیدات و حتی انفجارهای پی در پی، راهپیمایی اربعین برگزار شد و بین مناسک مذهبی و بین دوستداران اهل بیت جایی باز کرد. اسمال هم از همان ایام عاشورا، زمزمه سفر اربعین بین هیأتی‌ها شنیده می‌شد. ابتدا کاروان‌ها برای سفر اربعین ثبت‌نام می‌کردند و بعد که ظرفیت کاروان‌های مختلف پر شد، افراد خودشان به سمت مرز حرکت کردند.

طوری که مسوولان مجبور شدند از طریق صداوسیما اعلام کنند که مبادی کنترل در مرزهای غربی دیگر گنجایش پذیرش ندارد و «لطفاً نایبید». چیزی که بعدها و بعد از اعلام خبر تعداد شرکت‌کنندگان در این همایش بزرگ معنوی معلوم شد که درست

بوده. عددی که برای تعداد زائران اربعین تخمین زده شد، بیست میلیون نفر در قالب هفت هزار کاروان بود که حداقل مسیر نجف تا کربلا را با پای پیاده طی کرده بودند. این عدد، آن هم در بحرانی‌ترین مقطع زمانی که داعش شمال و غرب کشور عراق را تحت تأثیر قرار بودند، پیامی واضح داشت. یک قدرت‌نمایی تمام عیار علیه تندروهای تکفیری بعثی که می‌توانست نشانه ثبات دولت جدید حیدرالعبادی باشد. حدود پانزده میلیون عراقی در کنار پنج میلیون غیرعراقی از شصت کشور که حدود یک میلیون و پانصد هزار نفرشان ایرانی بودند عازم کربلا شدند. زائران ایرانی در قالب کاروان‌های بزرگ از سراسر ایران به سه استان کرمانشاه، ایلام و خوزستان آمده بودند تا از طریق سه گذرگاه مرزی خسروی، مهران و چزابه به سوی نجف بروند و از آنجا راهپیمایی اربعین را تا کربلا پشت سر بگذارند. در میان این سه مسیر، مسیری که از مهران در استان ایلام آغاز می‌شد با مسافتی در حدود ۲۵۰ کیلومتر نزدیک‌ترین مسیر بود و دورترین مسیر، مسیر خسروی در استان کرمانشاه بود که بیشتر از ۴۰۰ کیلومتر از کربلا فاصله دارد هرچند مسیر خسروی به نجف، مسیر تاریخی حرکت کاروان‌های زوار ایران به کربلا و نجف در طول تاریخ بوده است. علاوه بر صدها هزار زائر پای

پیاده، مقامات مسئول کشورمان مثل غلامحسین محسنی اژه‌ای معاون اول رییس قوه قضاییه، محمدرضا باهنر نایب رییس مجلس، محمدباقر قالیباف شهردار تهران و احمد مسجدجامعی وزیر سابق ارشاد و... هم راهی عراق شده بودند. ۴۰ هزار نیروی امنیتی عراقی وظیفه تامین امنیت را برعهده داشتند و حدود ۳ هزار نفر از عوامل شهرداری تهران هم بطور افتخاری مسئول رتق و فتق امور شهری کربلا بودند که در حالت عادی جمعیتی حدود یک میلیون نفر دارد. مسیر اصلی پیاده‌روی کربلا که از کوفه و نجف بود، چیزی حدود ۸۰ کیلومتر بود که در این مسیر، تعداد ۱۴۵۲ ستون برای راهپیمایان پیش‌بینی شد که فاصله بین هر ستون ۵۰ متر بود. برای پیاده‌روی کل مسیر زمانی در حدود ۲۰ تا ۲۵ ساعت لازم بود (متوسط روزی ۷ تا ۸ ساعت). زمان تخمینی سفر پیاده هم ۳ تا ۴ روز بود که طبق پیش‌بینی‌ها بهترین زمان شروع سفر هم ۱۶ صفر بود. هرچه به ۲۰ صفر و روز اربعین که با ۲۲ آذر مصادف شده بود، نزدیک‌تر می‌شدیم، حجم حضور زائران بیشتر می‌شد به خصوص

این جمعیت، آن هم در بحرانی‌ترین مقطع زمانی که داعش شمال و غرب کشور عراق را تحت تأثیر قرار بودند، پیامی واضح داشت

که شبکه ۳ تلویزیون ایران هم کل مسیر ۵۵۰ کیلومتری بصره کربلا را زنده پخش می‌کرد و همین هیجان را بالا می‌برد. نهایتاً هجوم عاشقان به مرز باعث شد تا مساله روادید و عبور مرزی برداشته شود تا مردم بدون دردسر وارد عراق شوند. مردم عراق هم آنچه داشتند در طبق اخلاص گذاشتند طوری که یک ضرب و جمع ساده، بخشی از عظمت راهپیمایی اربعین ۹۳ را نشان می‌دهد. سال گذشته بیست میلیون نفر در این مراسم شرکت کرده‌اند و هر کدام متوسط پنج روز در این مراسم حضور داشته‌اند و برای هر روز ۳ وعده غذا خورده‌اند. می‌شود گفت مجموعاً ۳۰۰ میلیون غذا در این مراسم توزیع شده که اگر به‌طور متوسط هزینه هر غذا را ۲۰۰۰ تومان در نظر بگیریم در مجموع ۶۰۰ میلیارد تومان هزینه غذایی بوده که برای زوار تهیه شده است. اگر فرض کنیم در مدت ۵ روز برای اسکان و بهداشت و حمل و نقل هر زائر ۱۰۰۰۰۰ تومان هزینه شده برای بیست میلیون نفر ۲۰۰۰ میلیارد تومان هزینه شده است. راهپیمایی اربعین علاوه بر این هزینه‌ها و اعداد و ارقام، پیامی مهم برای دنیا داشت و آن هم اینکه اسلام واقعی و تشیع علوی و حسینی، تفاوتی فاحش با اسلام بی‌منطق تکفیری داعشی دارد. تصویر راهپیمایی اربعین، نشانی از مهربانی عمومی، عشقی الهی و آسمانی را به دنیا نشان داد. حالا خیلی‌ها از همین الان قرار گذاشته‌اند؛ وعده دیدار، اربعین ۹۴.

فقط برای سیصد نفر؟

روایتی عینی از انبوه مشتاقان و موکب های پذیرایی از زوار



احمد دوعلم

مدیرعامل مرکز
رسانه ای شیرازه

«شب صبحی که قرار است از هتل محل اقامتمان در نجف اشرف حرکت کنیم به سمت کربلای معلی کمی نگرانم. رئیس کاروان صدایم می کند و می خواهد که به عنوان پیش آهنگ یا پیش تاز یا هرچه به همراه دو سه نفر

دیگر از دوستان، صبح زود به جست و جوی مکانی برای استراحت شبانه ۳۰۰ عضو کاروان بزنیم به راه! باید حوالی ظهر موکبی بیابیم و تا حدود مغرب که بچه ها از راه می رسند نگرهبانی بدهیم که کسی وارد نشود! با روحیه ای که از عراقی ها سراغ دارم در «نه» گفتن به هیچ میهمانی - فارغ از اینکه امکان پذیرایی از آن میهمان را داشته باشند یا نه - و اخباری که از جمعیت حاضر در مراسم اربعین می رسد و تجربه سفرهای قبل، این کار کمی برایم دور از ذهن و غیرمنطقی است. با این حال می پذیرم. آخرین بار سه سال پیش به این سفر آمده ام. آن موقع تقریباً همه چیز با حالا متفاوت بود. این را از جمعیت انبوهی که چند روز پیش، پشت مرز مهران ازدحام کرده بودند هم می شد فهمید.

صبح زود هول هولکی کوله نونوارم را می بندم و بدوبدو پله های هتل را دوتا، یکی می کنم برای خوردن صبحانه و حرکت. خدا خدا می کنم که بتوانم یک جوری از شر سنگینی این کوله خلاص شوم و بی بار و بنه پیاده روی را شروع کنم. وقتی می فهمم بعضی از خانم های کاروان وسایلشان را در هتل نجف می گذارند، من هم از خدا خواسته کوله ام را تحویل می دهم. و البته این آخرین باری است که کوله پستی ام را می بینم!

دو سه همراهم آن قدر عجله دارند و کار را جدی گرفته اند که مجبور می شوم صبحانه خورده و نخورده آماده حرکت شوم. می دانم تا این سیصد نفر بخواهند مهیای سفر شوند، دو سه ساعتی طول می کشد و از طرفی امید زیادی به کاری که به آن مامور شده ام ندارم. انبوه جمعیت و آنتن ندادن موبایل ها... بر این عقیده استوارترم می کند. از در هتل بیرون می زنیم و می پیچیم سمت باب القبله تا سلامی بدهیم به امیرالمومنین (ع) و اجازتی بگیریم برای راهی شدن به سوی قتلگاه فرزندشان. جمعیت آن قدر زیاد است که حرکت در کوچه ها و خیابان های تنگ و باریک اطراف حرم را سخت می کند. انگار اینجا و آنجا آدم از زمین می جوشد و می پیوندد به رودی که به کربلا ختم می شود...



ساعت حدود ۹ صبح است و گرمای خورشید کم کم خودش را به رخ می کشد. جمعیت بیش از آن چیزی است که فکرش را می کردم. چهره ها و ترکیب جمعیت اما همان است که تصور می کردم. زن تنها و کودک و پیرمرد و معلول و... نقطه به نقطه دیده می شوند. یقین می کنم که بعید است بتوان جایی برای سیصد نفر یکجا یافت. به ستاد خبر می دهم و پیشنهاد می دهم که بچه ها را به دسته های کوچک ده دوازده نفره تقسیم کنند و در مقصد تحویل بگیرند! تعداد ایرانی ها به وضوح از دو سال پیش بیشتر است. بعضی کوله پستی دارند و بعضی سربند و بعضی پیکسل های تبلیغاتی و پرچم و عکس آقا و امام و... بعضی هم عکس شهیدی را بر روی کوله پستی یا پیراهن خود زده اند. نمی دانم دیدن عکس شهدای جنگ ایران و عراق چه حسی در عراقی ها برمی انگیزد، ولی می فهمم که مردم عراق نسبت به گذشته خیلی مهربان تر و صمیمی تر هستند. این شاید از نتایج پیروزی کمتر از دو ماه قبل ارتش عراق بر نیروهای داعش به کمک نیروهای مردمی در جرف الصخر باشد. حالا عراقی ها قاسم سلیمانی را نسبتاً خوب می شناسند و معمولاً با شنیدن نام او لبخندی به چهره هایشان می نشیند. اگر بدانیم جرف الصخر - که حالا دیگر عراقی ها آن را جرف النصر می خوانند - تنها حدود ۴۰ کیلومتر با شهر کربلا فاصله دارد و در مسیر اصلی حرکت شیعیان بغداد برای حضور در مراسم اربعین است، معنی این لبخندها و تحویل گرفتن های بیش از حد را بهتر می فهمیم. این را بگذارید کنار اینکه مردم عراق به معنای واقعی کلمه تمام داروندانشان را به پای زوار اربعین می ریزند، بی آنکه چشم داشت کوچک ترین تشکری داشته باشند. ظاهراً معامله آنها با دیگری است.

حوالی ظهر است و بچه ها خسته شده اند. خستگی و شادی توأمان را به وضوح از چهره کوچک و بزرگ جمعیت می شود خواند. حسینه ای می یابیم و متوقف می شویم. مسئول حسینه را پیدا می کنم و ته مانده امیدم را خرج سوال از او برای امکان پذیرایی از سیصد میهمان می کنم. همان طور که انتظار دارم تحویل می گیرد و البته می فهمم که نمی تواند تا رسیدن کاروانی که لابد تا حالا در میان سیل جمعیت پاره پاره شده سیصد غذا نگه دارد. می مانیم برای نماز و کمی استراحت. دو روز دیگه با این جمعیت همراهیم.»



اربعین از روی عدد

چرا راهپیمایی اربعین این قدر مهم بود؟
منصوره مصطفی زاده

پرجمعیت‌ترین



در فهرست بزرگ‌ترین اجتماع‌های صلح‌آمیز بشری رتبه اول به «کومبه میلا» تعلق می‌گیرد. در این مراسم مذهبی بیش از ۵۰ میلیون هندو با رفتن به حاشیه رود گنگ خودشان را در آب این رود شستشو می‌دهند. منتها از آنجا که این مراسم هر دوازده سال یک بار انجام می‌شود و ۴۵ روز هم طول می‌کشد، تمام این جمعیت در یک روز و یک جا دور هم جمع نمی‌شوند. رتبه دوم تا هشتم فهرست ده اجتماع بزرگ تاریخ جهان، برای روز اربعین در کربلاست. اربعین ۹۳ با ۲۰ میلیون شرکت‌کننده بزرگ‌ترین اجتماع یک روز و یک مکان جهان در طول تاریخ است. اربعین سال‌های قبل از آن هم با جمعیت ۱۹ تا ۱۵ میلیونی‌شان رتبه‌های بعدی را دارند. نکته جالب این فهرست این است که رتبه دهم، برای ۱۱ میلیون تشیع‌کننده حضرت امام خمینی (ره) است.

«یکی دو هفته قبل از اربعین، وقتی بازار تماس‌های حلالیت و خداحافظی داغ شده بود، می‌شد حدس زد که اربعین سال پیش با سال‌های قبل کمی فرق دارد. مرزهای ایران و عراق که غلغله شد، دیگر کسی شک نداشت که یک اتفاق

بزرگ و تاریخی در حال رخ دادن است. منابع مختلف، آماری بین ۱۷ تا ۲۴ میلیون نفر از جمعیت راهپیمایان را تخمین زدند و با وجود شهر کوچک کربلا و این همه آدم، نه کسی بی جا ماند و نه بی غذا. اتفاقی که اگر در هر شرایط دیگری قرار بود رخ بدهد، دست کم کلی همایش و ستاد و برنامه‌ریزی و بودجه و نیرو داشت؛ اما راهپیمایی اربعین بدون همه این‌ها رخ داد. فقط برای رسیدن به حرم سیدالشهدا (ع).»

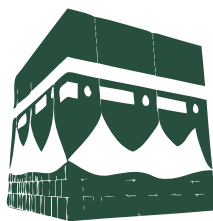




تلفن بی تلفن



اپراتورهای ایرانی و عراقی زیادی تعرفه‌های با تخفیف و بسته‌های سودمند برای مکالمه و ارسال پیامک بین ایران و عراق در روزهای دور و بر اربعین اعلام کرده بودند، اما درنهایت هیچ کدام آن‌ها به دردی نخوردند! کسانی که در کربلای اربعین ۹۳ حضور داشتند، خیلی زود متوجه شدند که هیچ گونه تماس و پیامک به مقصد نمی‌رسد و هیچ کس هم نمی‌تواند با شما تماس بگیرد. اگر جایی اینترنت رایگان گیر می‌آمد، بهترین راه استفاده از شبکه‌های مجازی و فرستادن پیغام‌های متنی و تصویری از طریق آن‌ها بود.



۵ برابر حج

جمعیت زائرین اربعین کربلا ۵ برابر جمعیت حاجیان است که هر سال در مکه جمع می‌شوند. نکته اینجاست که حج واجب است و زیارت اربعین مستحب و تنها مختص به یکی از مذاهب اسلام.

۳۰۰ میلیون وعده غذا



۲۰ میلیون نفر، ضرب در ۵ روز، ضرب در ۳ وعده غذا می‌شود ۳۰۰ میلیون وعده غذا. اگر هر پرس غذا را ۵ هزار تومان حساب کنیم، حساب هزینه خوراک این همه زائر ۱۵۰۰ میلیارد تومان می‌شود! تازه این بدون حساب میان‌وعده و چای و آب و این طور چیزهاست که آن هم خودش کم نخواهد بود. برای این که عظمت ماجرا دست‌تان بیاید این را خوب است بدانید که بعد از زلزله مرگبار هایتی، برنامه جهانی غذای سازمان ملل توانست نیم میلیون وعده غذا در بین بازماندگان توزیع کند و ارتش امریکا در ۵ ماه پس از زلزله با افتخار از توزیع ۴.۵ میلیون وعده غذا بین زلزله‌زدگان صحبت می‌کرد! اما در مسیر نجف به کربلا در هر روز حدود ۶۰ میلیون وعده غذای رایگان توزیع می‌شد، آن هم نه با کمک‌های جهانی و از طریق خیرین و با کلی منت و هوچی‌گری، بلکه از سفره روستایان عراقی و با کلی افتخار و التماس!

۶۰ موکب ایرانی



۳۰ موکب توسط سازمان حج و زیارت و ۳۰ موکب هم توسط شهرداری تهران و سایر نهادها در عراق تشکیل شده بود. این موکب‌ها بیشتر امکانات خواب و اسکان و درمان را تدارک می‌دیدند، چون از نظر خورد و خوراک خود عراقی‌های هیچ جای خالی‌ای نگذاشته بودند. در مسیر نجف تا کربلا هم ۲۵ آمبولانس هلال‌احمر در هر ۵ کیلومتر مستقر شده بودند تا اگر مشکلی پیش آمد، درمان کنند.

ویزای یک دلاری



تا یک هفته مانده به اربعین روزی ۴۵ هزار ویزا برای ایرانی‌ها از طریق عراق صادر می‌شد، ما ناگهان عراق اعلام کرد که ویزای یک دلاری آسان به ایرانی‌ها می‌دهد. تا قبل از آن دریافت ویزا از طریق کارگزاری‌ها ۴۳ دلار هزینه داشت. به این ترتیب ناگهان مرزها پر شد از کسانی که ویزا گرفته بودند و عازم رفتن. ظرفیت مرزهای ایرانی و عراق برای تردد روزانه ۲۵ هزار نفر است، اما در روزهای منتهی به اربعین این رقم به ۱۵ برابر ظرفیت رسید.

رفت هیچ، برگشت یک میلیون



قرار بود همه پیاده از نجف به کربلا بروند، اما بسیاری از افراد توانایی برگشتن با پای پیاده را هم نداشتند. با این حال یک روز بعد از اربعین از آن همه موکب و سواری صلواتی و آب و غذای رایگان خبری نبود! عرب‌ها فردای اربعین بساط را جمع کردند و ایرانی‌های مانده برای برگشت یا باید روی پای خودشان می‌ایستادند یا گرفتار کرایه‌های هنگفت کربلا به نجف و نجف تا مرز می‌شدند. این کرایه گاهی حتی تا ۳۰۰ دلار برای رسیدن تا مرز هم رسیده، که می‌شود حدود یک میلیون تومان!

کالسکه فروشی سیار



عرب‌ها خیلی راحتی با بچه‌های کوچک آمده بودند. ایرانی‌ها هم تک و توک ممکن بود با بچه رفته باشند. خراب شدن کالسکه‌ها در مسیر پیاده‌روی نجف تا کربلا آن قدر عادی بود که در هر کیلومتر دست کم می‌شد یک بساط فروش کالسکه پیدا کرد و در گوشه و کنار مسیر، کالسکه‌های خراب شده و از کار افتاده!

۱۴ هزار اتوبوس مسیر



با وجودی که صدها دستگاه اتوبوس در مرزها مستقر شده بودند تا مردم را به شهرهای مرزی برسانند، باز هم کلی آدم دم مرز معطل ماندند و اسیر کرایه‌های سرسام‌آور راننده‌هایی شدند که می‌خواستند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. اتوبوس‌های اطراف مرز ۱۴ هزار بار رفتند و آمدند، اما هنوز کلی آدم مانده بود.

۴۰ هزار خودرو



خیلی از زائران با خودروی شخصی تا مرز می‌رفتند و بعد از آنجا پیاده عازم عراق می‌شدند. این طوری شد که در شهر ۱۵ هزار نفری مهران، ناگهان ۴۰ هزار خودرو پارک شد که عملاً خیابان‌های شهر را بست! با همکاری سپاه به سرعت یک جاده خاکی فرعی از مهران به مرز کشیده شد که اقلاً اتوبوس‌ها از بیرون شهر تردد کنند.

۲۴ فوتی



طی روزهای راهپیمایی ۲۴ نفر ایرانی فوت کردند. ۸ نفر از این تعداد در اثر تصادف در جاده‌های مرزی جان خود را از دست دادند و بقیه به خاطر مشکلات قلبی و فشار جمعیت در بین‌الحرمین فوت کردند. هیچ کس در طول این مراسم در اثر حمله تروریستی آسیبی ندید.

۱/۱۵ میلیون نفر



تعداد افرادی که از مرزهای زمینی از ایران به عراق رفتند، یک و نیم میلیون نفر بود. این تعداد، تقریباً دو برابر پارسال بود و پیش‌بینی می‌شود سال بعد هم دوبرابر شود.

عراقی، ایرانی، افغانی



بعد از خود عراقی‌ها که طبیعتاً بیشترین تعداد زوار را داشتند، ایرانی‌ها و افغانی‌ها در همه جای مسیر حضور داشتند. شیعیانی از لبنان و بحرین هم در راهپیمایی بودند که کمتر دیده شدند.



از بدعت تا افراط

طرح بحث استاد رحیم‌پور ازغدی درباره مناسبت‌سازی، باعث واکنش‌های بسیاری شد

✚ جواد حسین خانی

«سالی که شش ماهش عزاداری است، آن عزاداری دیگر ارزشی ندارد! هی ایام خلق می‌کنند؛ ایام محسنیه جدیداً خلق شده. آن روز دیدم یک کتاب قطور برای حضرت محسن نوشته‌اند، کسی که به دنیا نیامده! بعد از همان شخص پرسیدم شما کل کتاب‌هایی که برای حضرت زهرا(س) چاپ کرده‌اید به این قطر نمی‌رسد، چطور برای حضرت محسن با این قطر کتاب درآوردید؟ این جور که شما ایام درست می‌کنید آقایان، باید کل سال که عزاداری کنیم و مردم به کارشان نمی‌رسند... اگر نصف سال را در تقویم به بهانه‌های مختلف شروع کنیم به عزاداری، کمترین ضررش این است که کسی رغبتی برای آمدن در مجلس عزاداری نخواهد داشت و برایش عادی می‌شود. این موضوع از ایام اهل بیت قداست زدایی می‌کند. چیزی که نادر نباشد، دیگر مرغوب نیست. به نظر بنده این وهن اهل بیت است. باید کاری کنیم تا گفتیم مراسم عزاداری شخص بدود، نه اینکه بگویند ای بابا باز هم مجلس عزاء! آبان ماه بود که این سخنان استاد حسن رحیم‌پور ازغدی خبرساز شد و کلید بحثی مفصل را درباره برخی عزاداری‌ها زد.

تذکر عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی نسبت به برگزاری دهه‌های متوالی عزاداری و خسته کردن مخاطب، باعث رنجش برخی افراد در جامعه مذهبی کشور شد و در پی آن عده‌ای به او تاختند و عده‌ای هم در مقام دفاع از وی برآمدند. نقل ناقص این سخنان در شبکه‌های اجتماعی رحیم‌پور ازغدی را با موجی از هجمه‌ها مواجه کرد تا آنجا که در خطبه‌های پیش از نماز جمعه ۲۳ آبان موضوع سخنرانی خود را به توضیح این مفاهیم و جنجال‌هایی که پیرامون سخنانش ایجاد شد، اختصاص داد. رحیم‌پور ازغدی در آن سخنرانی از نقش شبکه‌های ماهواره‌ای خاص در ایجاد این جنجال گفت: «حرف‌هایی را بنده زدم که عده‌ای جاهل و عده‌ای که اسلام‌شان اسلام آمریکایی و تشیع لندن است درباره آن جنجال به راه انداختند. به جای آن که حرف‌ها را به طور کامل از

صداسیمای پیگیری کنند، تکه‌های گزینش شده‌ای از آن حرف‌ها را در شبکه‌های ماهواره ای پخش کردند. ۹۰ درصد هیأت‌های

ما برای خدا و به عشق اباعبدالله کار می‌کنند و اگر هیأت‌های عزاداری نبودند؛ اصلاً عزاداری اباعبدالله فراموش می‌شد. اما مجالسی هست که آبروی شیعه را می‌برد که آن شالاه ریشه این هیأت‌ها خشک شود.»

رحی‌پور ازغدی از ارقام دریافتی ۳۰ و ۴۰ میلیونی برخی مداحان برای یک دهه عزاداری خبر داد و گفت: «اینها اگر روز عاشورا بودند به صحنه نمی‌آمدند. اینهایی که در مجالس‌شان می‌گویند من رقاصه عباسم هیچ کدام حاضر نیستند با داعش بجنگند. امام حسین(ع) فرمود الناس عبید الدنیا و الدین لعق علی السنتهم... فاذا محصوا بالبلاء قل الدیانون. هنگامی که باید از جان و آبرو بگذرند فرار می‌کنند. آن کسانی که اباعبدالله(ع) و حضرت محسن ارادت واقعی داشتند که در بدر و خیبر و زیر آتش و بمباران ایستادگی کردند و جنگیدند نه شما شیعه‌های انگلیسی که کمک می‌کنید به وهابیت و فیلم عزاداری‌هایتان را در شبکه‌های ماهواره‌ای پخش می‌کنند. شماها طرفدار حضرت محسن نیستید، کاسب‌اید.»

رحیم‌پور ازغدی از هشدار دو تن از مراجع عظام تقلید نسبت به ساختن دهه‌های مختلف عزاداری هم خبر داد تا بحثی که به راه انداخته بود داغ‌تر هم بشود. طبق استدلال رحی‌پور و موافقان او، چیزی که از طریق روایات به ما رسیده، اقامه عزاری اباعبدالله الحسین(ع) است و اگر بخواهیم دهه‌های عزاداری دیگری درست کنیم، عزاداری عاشورا تحت الشعاع قرار می‌گیرد. موافقان برگزاری ایام محسنیه معتقدند به علت صدماتی که

حضرت زهرا(ع) پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) از ۲۸ صفر دیدند و جنین شش ماهه ایشان در اثر ضربات وارده به پهلو سقط شد، بنابراین باید به عزاداری پرداخت، به همین منظور حد فاصل ۲۸ ماه صفر تا ۸ ربیع‌الاول را به نام «ایام محسنیه» هیأت

می‌گیرند.

در این میان، طبیعتاً بحث‌هایی هم درباره میزان اطلاعات مذهبی هر کدام از طرفین هم درگرفت، چنان‌که رحیم‌پور ازغدی گفت: «به آنهایی که به ما گفتند به کوری چشم مراجعی که اهل ولایت نیستند ما دهه محسنیه و اصلاً شهر محسنیه می‌گیریم، گفتیم یک روایت از حضرت زهرا(س) بخوانید، بلد نبودند.» از آن طرف، برخی از طرفداران برگزاری دهه محسنیه هم برای اثبات صحت برگزاری این دهه به فرازی از خطبه ۲۷ نهج البلاغه امام علی(ع) استناد می‌کنند که فرموده است: «به من خبر رسید که مردی از لشکر حکومت خانه زن مسلمان و غیر مسلمان که در پناه حکومت اسلام بود وارد شد، و خلخال و دستبند و گردنبند و گوشواره‌های آن‌ها را به غارت برد... اگر برای این حادثه تلخ، مسلمانی از روی تأسف بمیرد، ملامت نخواهد شد و از نظر من سزاوار است.»

در میان آنچه مشخص است اینکه قطع به یقین شهادت حضرت محسن(ع) مورد تأیید اکثر علماست و ماجرای شهادت ایشان مورد اشاره و تصریح منابع شیعی و حتی سنی قرار گرفته است. در سایر منابع معتبر اهل سنت، مانند المصنف تألیف ابن ابی‌شبهه استاد بخاری (۸ج، ص ۴۹۰، شماره ۴۵۴۹)، انساب الاشراف، تألیف بلاذری (ج ۱، ص ۵۸۶)، الإمامه و السیاسة، تألیف ابن قتیبہ متوفای ۲۷۶ (ج ۲، ص ۱۳۰۱۲) تاریخ طبری (ج ۲، ص ۴۴۳) اسیتعاب، تألیف ابن عبدالبر متوفای ۴۶۳ (ج ۳، ص ۹۷۲) همگی ماجرای هجوم به خانه حضرت علی (ع) و هتک حرمت دختر پیامبر اکرم(ص) آمده است. به علاوه تعدادی از مولفان و مورخان بر اجماع مورخان بر این حادثه تأکید کرده اند.





آیت‌الله مکارم شیرازی

توسل به ذیل عنایت معصومین (علیهم‌السلام) و فرزندان آنها کار بسیار خوبی است ولی بهتر این است که برنامه‌های جدیدی که در میان شیعه سابقه نداشته است ترتیب داده نشود.



آیت‌الله شبیری زنجانی

افراط در عزاداری‌ها به تفریط می‌انجامد. جامعه عرفا نمی‌تواند نسبت به این همه عزاداری پیاپی مراقبت داشته باشد و سرانجام به انکار مجموع عزاداری روی می‌آورد. حدیث خاصی راجع به مدت زمان عزاداری‌ها نیست. اگر برپایی مجلس‌های شادی در زمانی باشد که در عرف آن را هتک حرمت عزای اهل بیت (ع) می‌دانند خلاف شرع است. البته این که چه کاری هتک حرمت است را خود افراد باید تشخیص بدهند. قول ما درباره اینکه آیا شادی در ایامی غیر از روز شهادت هتک حرمت هست یا نه، حجت نیست و جامعه مشخص می‌کند تا چه زمانی باید عزای نکه داشته شود.

با این حال در منابع قدیمی شیعه، روایاتی مبنی بر بزرگداشت ایام محسنیه نقل نشده است و تنها در منابع متأخر از ۲۰۰ تا ۳۰۰ سال پیش تاکنون چنین امری مطرح شده است و در مقابل، ماه ربیع‌الاول ماه شادی و سرور اهل بیت (ع) است که در روز نهم آن سالروز آغاز امامت حضرت ولی‌عصر (عج) و روز هفدهم هم سالروز ولادت آخرین پیامبر الهی (ص) و ذریه پاکش حضرت امام جعفر صادق (ع) است.

همچنین مخالفان برگزاری مناسبت‌های اینچنینی، به برخی بیانات مقام معظم رهبری استناد می‌کنند که «ایجاد اختلاف میان شیعه و سنی چه در سطح جهان اسلام و چه در داخل ایران، خط استراتژیک بیگانگان بوده است» و «تفرقه‌افکنی میان شیعه و سنی ابزار همیشگی دشمنان اسلام بوده است».

اصراری به این کار نداریم

«آیا برای سینه زدن برهنه شوند یا خیر؟»
این سوال هیأتی‌ها در دهه اول محرم ۹۳ بود

اما پس از اعلام این نظر، مداحان کشور در واکنش به فرمایشات مقام معظم رهبری چه گفتند:

حاج علی انسانی: «فرمایش داهیانه مقام معظم رهبری در باب سینه‌زنی را باید گوش کنیم. البته امسال این حرف وسعت پیدا کرده ولی باید بدانیم که رهبر معظم انقلاب خودشان حامی سینه‌زنی هستند مثل مرحوم امام خمینی (ره) ولی باید طوری لباس بپوشیم که بتوانیم در خیابان هم برویم سینه‌زنی کنیم تا رسانه‌ای شود و دنیا عشق ما را به سیدالشهدا (ع) ببیند. ما هم به سهم خودمان پیراهن‌های مخصوص سینه‌زنی تهیه کردیم تا در حد توانمان کاری کرده باشیم. با این پیراهن‌ها هم آداب سینه‌زنی انجام می‌شود و هم سینه‌زنی صورت می‌گیرد».

حاج منصور ارضی: «شما باید بدانید که چگونه به دستورات عمل کنید. مثلاً وقتی گفتند بهتر است استفاده شود و از قیود شرع جدا شد، اگر انجام دهید شما خلاف شرع نکرده‌اید ولی رعایت شرایط و جوانب شرعی آن لازم است. در رابطه با سینه‌زنی هم باید بگوییم نظر مقام معظم رهبری بر این بوده که فرموده‌اند بهتر است شما در مجالس امر و نهی بر لخت شدن برای سینه زدن نکتید».

حاج سعید حدادیان: «شرعاً برهنه شدن برای سینه زدن ایرادی ندارد ولی نظر شخصی مقام معظم رهبری برای من و امثال بنده خیلی خیلی مهم است و موضوعیت دارد. لذا ما بنای این را نداریم که عربان شویم و سینه بزنیم. حتی پارسال قبل از این قضایا تی‌شرت‌هایی را سفارش داده بودیم که تقدیم کنیم. اگر کسانی می‌خواهند سینه بزنند، از این تی‌شرت‌ها تن‌شان باشد. بنای من حدادیان، یاران من و همراهان من این است آن گونه که حضرت آقا گفتند عزاداری کنیم».

عبدالرضا هلالی: «برهنه شدن جهت عزاداری با رعایت جوانب و دوری از مفسده احتمالی جایز است و به لحاظ شرعی اشکالی ندارد اما ایشان نظر شخصی و قلبی‌شان برهنه نشدن در عزاداری است و این حالت را برای عزاداری بهتر می‌دانند. لذا تکلیف روشن است. ما در هیأت‌الرضا (ع) تلاش کرده‌ایم و به این مهم پایبند بوده‌ایم که هیچگاه برای نحوه و حالت عزاداران تکلیفی را نیافرینیم و حال شخصی را که زمینه‌ساز ارتباط معنوی است، تحت تاثیر قرار نداده و بر هم نزنیم».

«قلباً راضی نیستم در هیأت‌ها برای سینه زدن برهنه شوید.» از ایام فاطمیه چند روز بیشتر نگذشته بود که این نقل قول از مقام معظم رهبری نقل محافل و مجالس هیأتی‌ها شد؛ نقلی بر این روایت که حضرت آقا در دیدار با یکی از ذاکرین شناخته شده کشور فرموده‌اند.

برخی از سایت‌ها منبع این خبر را «میثم مطیعی» دانستند؛ مداحی که در هیأتش عزاداران برهنه نمی‌شدند و اینکه او تنها یک‌بار در پایان هیأت به اطرافیان خود گفته بود: «ما در هیأت برهنه نمی‌شویم چون رضایت قلبی آقا در آن نیست». بیان این عبارت ساده باعث شد تا حرف و حدیث و هجمه‌های بسیاری علیه این مداح جوان کشور انجام بگیرد. پاسخ مطیعی در مقابل این موج از حرف و حدیث و انتقادات فقط سکوت بود. از سوی دیگر حاج مهدی سلحشور نیز در قم سخنی را به‌صورت خصوصی با برخی از دوستانش بیان کرد مبنی بر آنکه می‌خواهیم برای آنکه رضایت قلبی رهبر فراهم شود، دیگر در مجالس مان برهنه نشویم. فشارها روز به روز روی مهدی سلحشور و میثم مطیعی بیشتر می‌شد و همه دوست داشتند تا بدانند دفتر مقام معظم رهبری چه نظری را به‌صورت رسمی اعلام می‌کند.

چند روز قبل از آغاز محرم بود که این بحث بالا گرفت و همه منتظر اعلام نظری رسمی از سوی دفتر مقام معظم رهبری بودند. تا اینکه حجت‌الاسلام فلاح‌زاده؛ کارشناس مسائل فقهی دفتر مقام معظم رهبری برای رفع هر گونه اختلافی نظر حضرت آقا را با صراحت بیان کرد: «حضرت آقا به برخی از مداحان توصیه فرمودند که در عزاداری‌ها برهنه نشوند اما این به‌عنوان یک فتوی فقهی نیست که ما بگوییم حرام است. اگر نامحرمانی نیستند و اگر مسئله سوئی بر آن مترتب نیست، دشمنان سوءاستفاده نمی‌کنند. خب ممکن است بگوییم حرام هم نباشد. مثلاً یک جمع محدودی هستند، فیلمبرداری هم نمی‌کنند و فقط مردان هستند، حالا پیراهن را از تن‌شان درآورده‌اند و سینه می‌زنند اما به‌طور کلی توصیه ایشان این است که در عزاداری‌های مردها برهنه نشوند. چون ممکن است هم در معرض دید نامحرمان باشند و هم دشمنان از این مسئله برای تبلیغ علیه مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) سوءاستفاده کنند».



#من عاشق محمد

ایا همزمانی حمله به «شارلی ابدو» و رونمایی از کتابی که اسلام هر اسی را تبلیغ می کند تصادفی بود؟



ابوالفضل الله دادی
مترجم کتاب همسر سابق
رئیس جمهور فرانسه

این هم از عجایب روزگار است. دقیقا در روزی که تعدادی تروریست سیاهپوش منتسب به القاعده یمن با ماشینهای سیاهنگشان خیابانی در پاریس را می بندند و مسلسل هایشان را به نام چیزی که آنها نامش را گذاشته اند اسلام، به سوی تحریریه یک نشریه فکاهی هتاک نشانه می روند، در گوشه ای دیگری از پاریس، نویسنده ای جنجالی در تکاپوی رونمایی از کتابی است که هدفش هراساندن فرانسوی ها از نفوذ اسلام در قلب اروپاست. با این حال لحظات عجیب پاریس از همین روز حمله به «شارلی ابدو» آغاز می شود. ۸۸ هزار نیروی پلیس فرانسه در جست و جو برای دستگیری دو مظنون حمله به شارلی ابدو به یک گروگان گیری در شمال شرقی پایتخت فرانسه می رسند. دو مظنون حمله به شارلی ابدو که به سلاح های سنگین مجهزند، در منطقه «دامارتن آن ژونل» در شمال شرقی پاریس چندین نفر را به گروگان می گیرند. «شریف کواشی» ۳۲ ساله و برادرش سعید ۳۴ ساله متهم هستند که با حمله به دفتر شارلی ابدو ۱۲ نفر را به قتل رسانده اند. این دوبرادر سال هاست در فهرست

تروریست های سازمان های اطلاعاتی آمریکا قرار داشته و حق پرواز به آمریکا را نداشته اند. سعید کواشی در سال ۲۰۱۱ در یک اردوگاه شبکه تروریستی القاعده در یمن دوره نظامی دیده و چگونگی استفاده از سلاح را آموخته است. چندی پیش روزنامه ای در یمن طی فراخوانی خواستار حمله به نهادهایی در کشورهای غربی شده بود که به مقدسات مسلمانان توهین می کنند. در این فراخوان نام رئیس مجله شارلی ابدو نیز آمده بود. در حالی که رسانه های خبری به صورت لحظه به لحظه اخبار مربوط به گروگان گیری در شمال شرقی پاریس را دنبال می کنند، ناگهان خبر می رسد که در جریان حمله به مغازه ای یهودی در شرق پاریس چندین زن و کودک به گروگان گرفته شده اند. گفته می شود که گروگانگیر به دو کلاشینکف مسلح است. شمار زیادی از نیروهای پلیس برای کنترل اوضاع به محل می روند. گروگانگیر به پلیس می گوید که او می خواهد دو مظنون به حمله به شارلی ابدو اجازه پیدا کنند که از محاصره پلیس در دامارتین خارج شوند. در همین حال تصاویری از سطح پاریس منتشر می شود که نشان می دهد نیروهای مسلح امنیتی در نقاط حساس شهر نظیر برج ایفل در حال گشت زنی هستند. با این حال در اتفاقی نه چندان غیرمنتظره، تروریست هایی

که فرانسوی ها می گویند در حمله به شارلی ابدو دست داشته اند در حملات پلیس کشته می شوند تا مهر سکوت برای همیشه بر لب های آنها بخورد؛ تا مشخص نشود حقیقت حمله به شارلی ابدو چه بوده است. این اتفاق اما سلسله حملاتی را به اسلام و مسلمانان کلید می زند که ابتدا از مساجد شروع می شود.

نارنجک ها مناره ها را نشانه رفتند

پس از یورش مسلحانه به دفتر شارلی ابدو، به تعدادی از مساجد و اماکن متعلق به مسلمانان مقیم فرانسه حملاتی صورت می گیرد. چند نارنجک به درون حیاط مسجدی در شهر «لومان» در غرب پاریس پرتاب می شود. در دو روز متوالی ابتدا به مسجدی در «پورت لانوول» در جنوب فرانسه شلیک می شود و فردای همان روز، ساعت شش بامداد در برابر رستوران کوچکی در شهر «ویلفرانس سور سن» واقع در شرق فرانسه انفجاری روی می دهد. این رستوران که کباب ترکی سرو می کند، «امپریال» نام دارد و در نزدیکی یک مسجد واقع شده است. در همین حال همزمان با حضور مسلمانان برای برگزاری نماز جمعه در پاریس، پلیس این کشور در ورودی مسجد مستقر می شود. «دگار مورن» فیلسوف



در این نظرسنجی پرسش دیگری نیز مطرح شده است: «فکر می‌کنید برعهده دولت است که با این وضعیت مبارزه کند یا وظیفه خود مسلمانان است که چنین دیدگاهی را تغییر دهند؟» آن‌طور که «لو پاریزین» نوشته است ۵۱ درصد از کسانی که موردپرسش قرار گرفته‌اند گفته‌اند وظیفه دولت فرانسه است که با اسلام‌هراسی مبارزه کند؛ دولتی که البته خود یکی از منادیان

اسلام هراسی
است. 66

اسلامیزه‌شده است، راوی ناچار تسلیم می‌شود. اتفاقات پاریس اما زمینه را برای فروش این اثر جنجالی مهیا کرد و به سرعت مورد استقبال فرانسوی‌ها قرار گرفت؛ همان‌طور که شماره ویژه شارلی پس از حمله، فرانسوی‌ها را به صف‌های بلندی برای خریدن آن کشاند! با این حال میشل اولیک اعلام کرد که به دلیل کشته شدن دوستش «رنار ماریس» در جریان حمله به شارلی ابدو، مراسم رومانیایی از کتابش را لغو و پاریس را ترک کرده است؛ به دوستایی نامشخص.

فرانسوی در تحلیلی از حوادث اخیر فرانسه که در «لوموند» منتشر شده حمله به شارلی ابدو را آغاز بر خوردی سخت در این کشور می‌داند. او با تاکید بر سخنان فرانسوا اولاند که گفته بود به قلب فرانسه حمله شده، می‌گوید به قلب لائسیسته شلیک شده است. مورن از کلید خوردن جنگ خاورمیانه در فرانسه حرف می‌زند: «از هم اکنون مشخص است که جنگ خاورمیانه با عملیات مرگباری که علیه شارلی ابدو آغاز شد، مانند نبرد فلسطین اسرائیل در فرانسه کلید خورده است.»

 افزایش اسلام‌هراسی

اکنون اما خود فرانسوی‌ها اعتراف کرده‌اند که پروژه اسلام‌هراسی به خوبی جواب داده است. نتایج نظرسنجی‌ای که به تازگی انجام و منتشر شده است نشان می‌دهد که بسیاری از فرانسوی‌ها معتقدند اسلام‌هراسی در فرانسه روبه افزایش است. در این نظرسنجی که به صورت اینترنتی و در تاریخ ۲۶ و ۲۷ فوریه انجام شده، هزار و ۳ نفر که بالای ۱۸ سال داشته‌اند شرکت کرده‌اند. ۷۱ درصد فرانسوی‌ها در پاسخ به این پرسش که «آیا احساس می‌کنید در سال‌های اخیر اسلام‌هراسی در فرانسه افزایش یافته است؟» پاسخ مثبت داده‌اند. نکته جالب توجه در این نظرسنجی که یک موسسه معتبر فرانسوی آن را انجام داده این است که کسانی که از طرفداران احزاب چپ در فرانسه هستند بیشتر اعتقاد دارند که اسلام‌هراسی روبه افزایش است. ۸۴ درصد آنها به این پرسش پاسخ مثبت داده‌اند در حالی که ۷۵ درصد از طرفداران احزاب راست با این پرسش موافقت کرده‌اند.

 اولیک وارد می شود

«شارلی ابدو» در آخرین شماره خود پیش از حمله، کاریکاتوری روی جلدش برد که کاملاً با موضوع کتاب تازه «میشل اولبیک» همخوانی داشت. در این کاریکاتور اولبیک نشان داده شده بود که در حال دود کردن سیگار می‌گوید: «من در سال ۲۰۱۵ دندان‌هایم را از دست می‌دهم و در سال ۲۰۲۰ در ماه رمضان روزه می‌گیرم.» اشاره‌ای مستقیم به آنچه اولبیک در کتاب تازهاش با عنوان «تسلیم» مطرح کرده است. داستان رمان جدید اولبیک، فرانسه‌ای را به تصویر می‌کشد که بعد از «تسلیم» شدن در برابر اسلام زمام امور خود را به یک رئیس‌جمهور رادیکال مسلمان واگذار کرده است. «مارین لوپن» رهبر نهضت ملی فرانسه باید در انتخابات سال ۲۰۲۲ ریاست‌جمهوری با «محمد بن عباس» رهبر حزب «برادری مسلمانان» رقابت کند. لوپن اما انتخابات را واگذار می‌کند و یک مسلمان رئیس‌جمهور فرانسه می‌شود. در پایان کتاب نیز می‌بینیم دفرانسه‌ای که همه‌چیز





تابستان سخت غزه

مقاومتی الهام گرفته از عاشورا



حسین وهابیان
نویسنده کتاب‌های
«دیوار» و «آریل شارون»

«خانواده‌ای برای دفن پیکر فرزندشان که در حمله به بازار محله شجاعیه شهید شده، دنبال جا در قبرستان المعمدانی غزه می‌گردند. به خانواده شهید گفته شده فقط قبرستان شرق غزه برای دفن شهدا جا دارد. اما تانک‌های اسرائیلی آنقدر به گورستان شرقی نزدیکند که رفتن اهالی به آنجا ممکن نیست. برای رفع مشکل دفن پیکر شهدا که هر ساعت بیشتر می‌شوند، اداره اوقاف غزه اعلام کرده که خانواده‌ها مجازند گورهای قدیمی بستگان‌شان را بشکافند و شهیدانشان را در قبرهای قبلی دفن کنند. خانواده «السلک» چهار فرزندشان که در بازار شجاعیه شهید شدند را در اتومبیل گذاشته و به محله‌ای خالی از سکنه در شرق غزه می‌برند. آنجا با عجله چهار فرزند خود را در دو قبر جا می‌دهند. فرصت ماندن نیست صدای انفجارهای مهیب و نزدیک، هر جنبنده‌ای را وادار به فرار می‌کند. تابستان ۹۳ هیچ جای غزه امن نبود، حتی گورستان‌ها.

بندر غزه، مهم‌ترین شهر باریکه‌ای در جنوب غرب فلسطین است که از گذشته‌های دور، محل رفت و آمد کشتی‌های تجاری در دریای مدیترانه بوده است. اگرچه از وقتی صهیونیست‌ها در سال ۱۳۲۷ بخشهایی از فلسطین را اشغال کردند، بندر از رونق افتاد. از آن زمان، غزه روزگارش را با اشغال و مقاومت می‌گذراند.

سال‌ها حضور چند هزار شهرک‌نشین در میان حدود دو میلیون فلسطینی، هزینه‌های زیادی برای اسرائیل داشت، احداث و محافظت از پادگان‌های ارتش و درگیری روزانه با اهالی، اسرائیلی‌ها را وادار کرد تا در ۲۰۰۵ نوار غزه را ترک کنند و ارتششان را در مرزهای باریکه مستقر کنند. آنها دور باریکه را با حفاظی چندلایه و امنیتی مسدود کردند و فقط پنج گذرگاه در طول حدود ۵۰ کیلومتر مرز با اسرائیل درست کردند تا رفت‌وآمدها زیر نظرشان باشد. گذرگاه‌ها هم محل رفت و آمد کارگران فلسطینی به مزارع و کارخانجات اسرائیلی است و هم راه تامین احتیاجات ضروری ساکنان. وقتی سال ۱۳۸۶ حماس در انتخابات فلسطین پیروز شد و به غزه آمد، اسرائیل گذرگاه‌ها را بست تا فشار

اقتصادی به مردم، دولت نوپای حماس را از پای درآورد. حماس هزینه پابندی‌اش به مقاومت در برابر اسرائیل را می‌پرداخت. باریکه غزه گذرگاه مرزی مهم دیگری دارد به نام رفح که مرز با مصر است. همزمان ارتش مصر هم گذرگاه مرزی رفح را بست. اینچنین داستان حصر کامل حدود دو میلیون فلسطینی آغاز شد. از آن تاریخ هیچ اجلاس و بیانیه بین‌المللی و فشار دیپلماتیک، نتوانست اسرائیل را از حصر غزه منصرف کند.

اهالی غزه با محوریت گروه‌های مقاومت حماس و جهاد اسلامی برای تامین نیازهای روزمره و البته شکست حصر غزه دست به کار شدند. علاوه بر عملیاتهای چریکی و موشکی، تونلهایی برای برقراری ارتباط به مصر کنده شد. از راه این تونل‌ها مواد غذایی و دارویی و مایحتاج دفاعی تامین می‌شد، اسرائیلی‌ها می‌گفتند، بیش از ۲۰۰ تونل، غزه را از زیر زمین به مصر متصل کرده است. آنها برای قطع تونلهای کم‌رسانی و از بین بردن توان دفاعی غزه، سه بار به این باریکه محصور حمله کردند. اولین حمله که به جنگ ۲۲ روزه معروف شد در واپسین روزهای سال ۱۳۸۷ انجام شد. چهار سال بعد و در آبان ۱۳۹۱ اسرائیل با ترور فرمانده شاخه نظامی حماس، ۸ روز با غزه جنگید. اگرچه همزمان ارتش مصر هم تونل‌ها را ردیابی و مسدود نمود، اما غزه تسلیم نشد. اسرائیل می‌خواست مطمئن شود که در مرزهایش هیچ گروه مقاومت مسلح به موشک وجود ندارد.

تابستان سال ۹۳ شرایط بین‌المللی فرصتی به اسرائیل داد تا کار غزه را تمام کند. تحرکات داعش در عراق و سوریه، مذاکرات هسته‌ای ایران، نابسامانی‌های اوکراین و از همه مهم‌تر آغاز جام جهانی فوتبال در برزیل پوشش خوبی بود تا در یک حمله سریع و با کمترین هزینه بین‌المللی، کار غزه خسته از سال‌ها حصر تمام شود.

تیر ماه ۹۳ به بهانه کشته شدن ۳ شهرک‌نشین، حمله گسترده اسرائیل به باریکه آغاز شد. همان روزهای اول توپخانه و جنگنده‌های اسرائیل زیرساخت‌های عمرانی باقیمانده در نوار غزه با خاک یکسان کردند. اسرائیلی‌ها امیدوار بودند در موج اول حمله سنگین موشکی و در پس سال‌ها رنج حصر، ساکنان غزه علیه حماس شورش کنند و نابودی مقاومت اسلامی به دست خود فلسطینی‌ها

صورت پذیرد. یا حداقل حماس مجبور شود در مذاکرات آتش‌بس توان دفاعی خود را تسلیم کند. اما مقاومت حماس و دیگر گروه‌ها و تاکید بر حفظ سلاح در پیشنهادهای آتش‌بس، اهالی غزه را همراه مقاومت اسلامی کرد. آنها مقاومت و شهات در بمباران‌ها را به مرگ تدریجی در محاصره اقتصادی ترجیح دادند. صهیونیست‌های افراطی طرفدار نابودی کامل غزه بودند. روز سوم جنگ، الی یشای، از رهبران صهیونیست راهبردها را به روشنی بیان کرد: «اسرائیل باید باریکه غزه را چنان بکوبد که آن را به حال چهل سال پیش، که سرزمینی سوخته بود، برگرداند».

هر ساختمان و خانه‌ای به بهانه حضور نیروهای مقاومت گلوله‌باران شد. بازارهای شلوغ و محله‌های پرجمعیت، با ادعای وجود آشیانه پرتاب موشک هدف قرار گرفت. تراکم جمعیت و نبود امکانات اولیه بیمارستانی، آمار شهدای فلسطینی را بالا برد. در مقابل جنبش حماس همه توانش را به میدان آورد. موشک‌های حماس و دیگر گروه‌های مقاومت، برای اولین بار شهرهای اسرائیل را هدف قرار داد. اگرچه این موشک‌ها قدرت تخریب محدودی داشتند. ولی شلیک روزانه آنها از جای جای نوار غزه و مدیریت نبردها توسط رزمندگان مقاومت اسلامی، امنیت را از اسرائیل گرفت. اسرائیل نمی‌خواست با ورود نیروی زمینی به جنگ تلفاتش بیشتر شود، اما یک هفته پس از بمباران وسیع باریکه، موشک‌های مقاومت هنوز بر شهرهای صهیونیستی شلیک می‌شدند. ۲۶ تیرماه ۱۳۹۳، وقتی گروه‌های مقاومت همراه رییس تشکیلات خودگردان فلسطین، برای رایزنی و نهایی کردن توافقنامه آتش‌بس در پایتخت مصر بودند، اسرائیل حمله غافلگیرانه زمینی‌اش را آغاز کرد. تانک‌ها از مرزهای غزه گذشتند تا محل پرتاب موشک‌ها را شناسایی و منهدم کنند.

جنگ سوم اسرائیل با فرزندان فلسطین در غزه ۵۱ روز طول کشید. دو هزار فلسطینی شهید شدند. ۵۱ روز هیچ جای باریکه امن نبود حتی مدارس سازمان ملل. ۵۱ روز اسرائیل بمب‌هایی روی سر مردم شجاعیه و الزیتون ریخت که ۴ محفظه داشت و هر محفظه‌اش پر از تیغ‌هایی بود برای بریدن و قطع عضو، برای همین بدنهای زخمی‌ها پاره پاره می‌شد و شناسایی شهدا مشکل^{۶۶}.

فرہنگ وہنر





آیین درویشی نبود!

در سالی که پروژه فیلم «محمد» مجیدی به سرانجام رسید، «روز رستاخیز» باز هم رنگ اکران را ندید و همچنان گرفتار حاشیه‌ها بود

✦ علی سیفالهی

«آخرین خاطره‌هایمان از «احمد رضا درویش» برمی‌گردد به سال‌ها پیش. به «شب شیشه‌ای» که آقای کارگردان از دست رضا رشیدپور دلخور شد چون روی آنتن زنده تلویزیون برای اولین اسمی از برادر شهید او آورد. درویش در سال‌های غیبتش بعد از پروژه ۵ میلیارد تومانی «دوئل»، مشغول ساخت «روز رستاخیز» بود که تا قبل از ساخته شدن فیلم «محمد(ص)» به آن لقب «عظیم‌ترین پروژه تاریخ سینمای ایران» داده بودند. فیلمی درباره حماسه عاشورا که درویش از یک دهه قبل تصمیم داشت آن را بسازد. در سال‌های میانی دهه ۸۰ سه سالی را صرف تحقیق و نگارش فیلمنامه‌اش کرد ولی ساخت آن تا سال‌های پایانی دهه به تعویق افتاد. فیلم، مقطع تاریخی مرگ معاویه تا شهادت امام حسین(ع) در روز عاشورا را با همراهی بکیر (فرزند حربن یزید ریاحی) روایت می‌کند و شهرهای مکه، کوفه، دمشق و بخشی از شهرهای مدینه، بصره و دشت کربلا، جغرافیای اصلی این فیلم را تشکیل می‌دهند. فیلمی ۲،۵ ساعته که پس از سال‌ها در جشنواره فیلم فجر ۹۲ روی پرده رفت اما هنوز رنگ اکران را ندیده و گرفتار حواشی و جار و جنجال‌هایی است که انگار تمام شدنی نیست.

✦ بهمن ۸۸: فیلمنامه «روز رستاخیز» بارها بازنویسی شد و سرانجام فیلمبرداری از ۱۶ بهمن ۸۸ همزمان با اربعین حسینی در بم کلید خورد. این مجموعه ۱۰۰ نقش داشت که حدود ۲۰ بازیگر، نقش‌های اصلی را برعهده داشتند.

✦ دی ۸۹: حساسیت‌های پروژه آن قدر برای درویش بالا بوده که زمان فیلمبرداری بین ۸ تا ۱۲ ساعت در روز طول می‌کشیده ولی فقط بین ۴۰ تا ۵۰ ثانیه زمان مفید این فیلمبرداری‌ها بوده. بالاخره پس از پشت سر گذاشتن بیش از ۲۵۰ جلسه، فیلمبرداری «روز رستاخیز» ۱۲ دی ۸۹ در لوکیشنی حوالی تهران به پایان رسید.

✦ دی ماه ۹۲: فیلم برای برخی از اعضای دولت و خانواده‌های آنها اکران شد و علی جنتی، وزیر ارشاد در سخنان کوتاهی درباره آن گفت: «این کار

برجسته‌ای است که ۹ سال به طول انجامیده و نشان از پتانسیل سینمای ایران دارد. اینکه فیلمساز جسارت

به خرج داده و در عرصه‌های جدی بخصوص موضوعاتی که مربوط به معارف دینی و تاریخ اسلام است ورود کرده اتفاق خوبی است. فیلمنامه این فیلم را بسیاری از شخصیت‌های برجسته و برخی مراجع و علما دیده‌اند و بر آن مهر تأیید گذاشته‌اند.»

✦ بهمن ۹۲: جنجالی‌ترین ماه برای «روز رستاخیز» و احمد رضا درویش. فیلم او در نهایت پس از سال‌ها کناره‌گیری از جشنواره (که به گفته وزیر ارشاد به خاطر دلخوری‌اش از دولت سابق بود) در سال ۱۳۹۲ و در سی و دومین دوره جشنواره فیلم فجر اکران و نامزد دریافت سیمرغ بلورین در ۱۱ بخش شد که در ۸ بخش از جمله بهترین کارگردانی سیمرغ‌ها را از آن خودش کرد. از همین روزها بود که جار و جنجال‌ها بیشتر شد و از مراجع تقلید تا مداحان به این فیلم اعتراض کردند. نمایش چهره شخصیت‌هایی مانند حضرت ابوالفضل(ع)، حضرت علی اکبر(ع) و اشتباهات تاریخی دلایل این اعتراض بودند. آیت‌الله مکارم شیرازی در نامه‌ای خطاب به سازمان سینمایی مراتب انتقاد خود به اکران این فیلم سینمایی را اعلام و آیت‌الله وحید خراسانی، آیت‌الله نوری همدانی و آیت‌الله علوی گرگانی از دیگر مراجعی بودند که به «روز رستاخیز» انتقاد کردند. حاج منصور ارضی، مجید بنی‌فاطمه و عبدالرضا هلالی از مداحان اهل بیت بودند که به اشتباهات فراوان تاریخی که در «رستاخیز» وجود دارد و همچنین نمایش چهره حضرت ابوالفضل(ع) اعتراض کردند. این اعتراض‌ها آنقدر جدی بود که مداحان برای اعلام نظر خود در مسجد ارگ تجمع و سخنرانی هم کردند. آنها حتی در صحبت‌هایشان به نوعی با درویش اتمام حجت کردند. با بالا گرفتن موج اعتراضات به ساخت این فیلم سینمایی و نمایش چهره حضرت ابوالفضل(ع)، آیت‌الله علم‌الهدی اوایل اسفندماه در دیدار با مسوولان و سینماگران حاضر در جشنواره فیلم بسیج هنرمندان «اختران» درباره فیلم «رستاخیز» گفت: «می‌بینید بعد از نمایش این فیلم، چقدر حملات به وزارت ارشاد آغاز شده و آن‌ها باید پاسخگو باشند، در حالی که فیلم ارزشمندی است و هنگام ساخت از مقام معظم رهبری استفتاء کرده‌اند و آقا نوشته‌اند اگر وهن نباشد، ایراد ندارد که تصویر نشان داده شود و فیلم ساخته شده و حالا همه

مداحان روی سر فیلم ریخته‌اند و بیچاره درویش کارگردان فیلم «رستاخیز» گیر افتاده است.» همین اعتراضات باعث شد تا حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی برای حل این مشکل به دیدار برخی از مراجع تقلید برود تا مشکلات «روز رستاخیز» را برطرف کند. چند روز بعد وزیر ارشاد با توضیحاتی درباره ماجرای نمایش چهره ائمه و شخصیت‌های مذهبی گفت: «در عین حال با توجه به واکنشی که مراجع عظام تقلید قم نشان دادند دغدغه‌ها و نگرانی‌هایی مطرح شده که طبیعتاً اگر این فیلم بخواهد اکران شود باید به نحوی باشد که بتواند این نگرانی‌ها را مرتفع کند.»

✦ اسفند ۹۲: ابراهیم حاتمی‌کیا در اختتامیه جشنواره فیلم فجر در شهر قم برای اولین بار نظرش را درباره فیلم «روز رستاخیز» اعلام کرد و گفت: «در تک تک پلان‌های این فیلم یک انرژی متراکم دیده می‌شود که قصد قربت داشته است و این عرصه، عرصه سختی است و نباید به گونه ای رفتار شود که کسی جرات ورود به این عرصه را نداشته باشد. نباید کاری کنیم که دیگر مجال ورود افرادی همچون درویش و کمال تبریزی به وادی‌های سختی همچون تاریخ تشیع و تاریخ معاصر تنگ شود. من مطمئنم که برادرم احمد رضا درویش با احترام به نظر علما و انجام اصلاحاتی «رستاخیز» را روانه اکران عمومی خواهد کرد و همه باید به او کمک کنیم و گر نه دیگران درباره ما شیعیان فیلم خواهند ساخت.» ایوبی هم که از دیدار با مراجع برگشته بود اعلام کرد: «سازمان نظری در خصوص فیلم «رستاخیز» نداشته و معتقد است که در این زمینه نظر علما و مراجع تقلید باید تامین شود، در خصوص فیلم نکات و ملاحظات بود که آقای درویش و دوستانشان آن را جمع‌آوری کردند و اعمال خواهند کرد. همچنین این اصلاحات قرار است زیر نظر یکی از مورخان برجسته تاریخی صورت گیرد.»

✦ خرداد ۹۳: ایوبی با همکاری‌اش به مشهد رفت و در دیدار با امام جمعه مشهد، آیت‌الله علم‌الهدی ضمن ابراز خرسندی از اعمال نظرات علما و مراجع توسط کارگردان فیلم یادآوری کرد در عین حال باید تلاش کرد اصلاحات به گونه‌ای انجام شود که ارزش‌های هنری فیلم

خداشه نبیند؛ چون این فیلم مهم‌ترین اثر عاشورایی ایران است و باید از جاذبه‌های هنری کافی برخوردار باشد.

۵ تیر ۹۳: رییس سازمان سینمایی در نخستین نشست رسانه‌ای‌اش اعلام کرد طی صحبت‌های انجام شده با مراجع تقلید، مشکلات فیلم سینمایی «روز رستاخیز» به کارگردانی احمدرضا درویش برطرف شده و پروانه نمایش این فیلم صادر می‌شود؛ «اصلاحاتی از سوی دفتر مراجع تقلید به فیلم وارد شده که خوشبختانه گروه تولید احمدرضا درویش این اصلاحات را اعمال کردند. در نهایت نیز با برطرف شدن مشکلات فیلم، پروانه نمایش این اثر سینمایی امروز صادر و زمان

اکران آن نیز به زودی مشخص می‌شود.»

۵ شهریور ۹۳: حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی از ابتدای تابستان ۹۳ از صدور پروانه نمایش فیلم سینمایی «روز

رستاخیز» خبر داده بود، اما هربار صدور پروانه نمایش این اثر در جلسه شورای صدور پروانه نمایش به هفته دیگر موکول می‌شد. اواخر تابستان ۹۳ اما مشکلات موجود سر راه اکران فیلم برطرف و بالاخره پروانه نمایش «رستاخیز» صادر و حتی قرارداد پخش آن هم بسته شد. قرار شد پخش این فیلم تاریخی-مذهبی بر عهده حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی باشد.

۵ آبان ۹۳: غلامرضا فرجی، سخنگوی شورای صنفی نمایش اعلام کرد: «هنوز با احمدرضا درویش برای زمان اکران فیلم سینمایی «رستاخیز» به توافق نرسیده ایم، اما امکان نمایش این فیلم سینمایی به زودی وجود دارد.» اما در نوبت‌های بعدی هم این توافق انجام نشد و فیلم در ماه‌های محرم و صفر هم روی پرده نرفت.

۵ دی ۹۳: ایوبی، رییس سازمان سینمایی در حاشیه بازدید اهالی رسانه و مدیران سینمایی کشور از لوکیشن‌های فیلم سینمایی «محمد(ص)» گفت: «مشکلات فیلم سینمایی «رستاخیز» احمدرضا درویش به پایان رسیده و همه چیز برای اکران خوب این اثر سینمایی آماده است. با حل شدن مشکلات «رستاخیز»، این فیلم سینمایی به زودی اکران عمومی می‌شود.» وعده‌ای که هنوز عملی نشده.

۵ اسفند ۹۳: «روز رستاخیز» در بخش ویژه نهمین جشنواره فیلم کوتاه دینی «رویش» در سینما آزادی باز هم برای مخاطبانی محدود اکران شد. در این اکران ۵ دقیقه از فیلم حذف اما همچنان از تصویر شخصیت حضرت عباس(ع) با بازی بهادر زمانی استفاده شده بود. اکرانی که بازهم احمدرضا درویش ترجیح داد درباره آن حرفی نزند: «موضع من برابر این فیلم فقط سکوت است.»





فرزند آسمان

جریان‌های وهابی و سلفی خواستار تحریم نمایش فیلم «محمد(ص)» شده‌اند

✦ علی سیف‌الهی

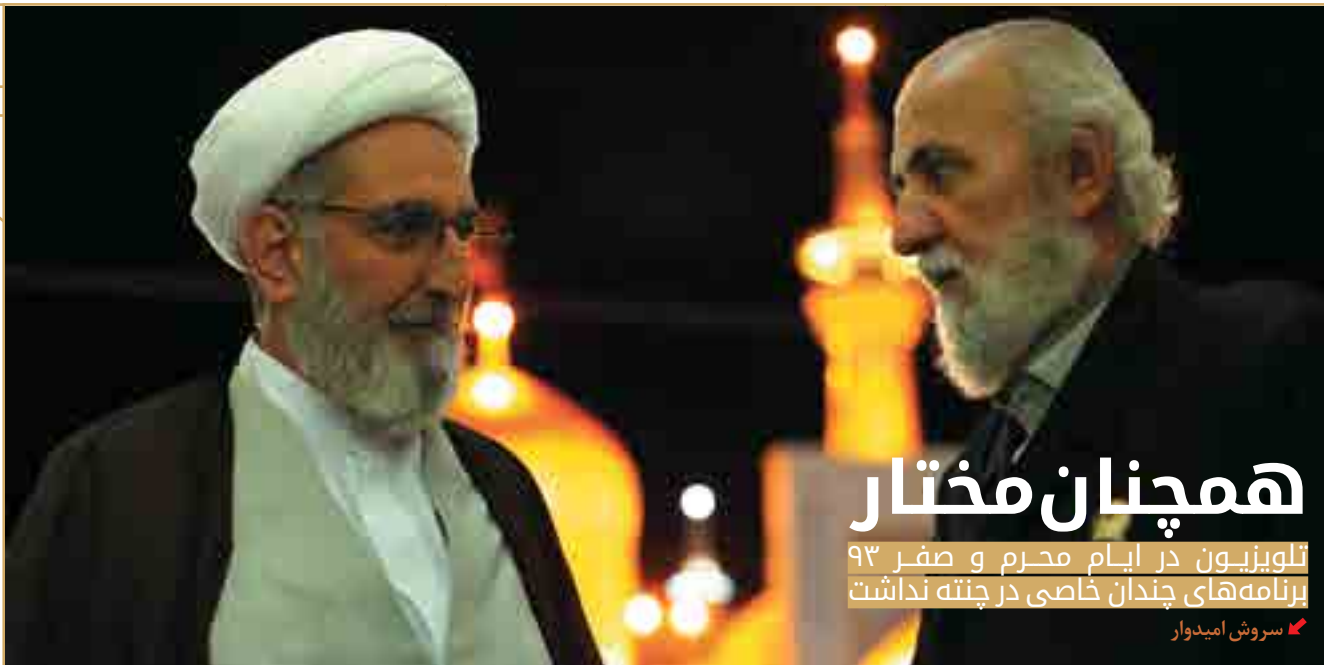
✦ «محمد(ص)» بهمن‌ماه ۹۳ برای اولین بار در جشنواره فیلم فجر روی پرده رفت. اولین قسمت از سه‌گانه‌ای که ساخت آن ۶ سال و ۸ ماه طول کشید. مجید مجیدی فیلمنامه ۲۰۰ سکانسی «محمد(ص)» را همراه کامبوزیا پرتوی و حمید امجد نوشته. قصه فیلم از روز آخر شعب ابی‌طالب شروع می‌شود و با فلش‌بک به قبل و به دوران کودکی پیامبر(ص) برمی‌گردد. بیست دقیقه تا نیم ساعت فیلم در زمان کنونی و شعب ابی‌طالب می‌گذرد و قسمت بیشتری از فیلم دوران کودکی پیامبر(ص) تا دوازده سالگی ایشان را روایت می‌کند. صحنه‌های وفات مادر رسول اکرم(ص) در روستای ابواء و صحنه‌های مربوط به دوران شیرخوارگی و خردسالی پیامبر(ص) در روستای سعدیه هم از دیگر بخش‌های فیلم است. فیلم مجیدی با اولین سفر پیامبر(ص) به شام و رسیدن به صومعه بحیرا به پایان می‌رسد. مجیدی در کنار خودش رضا میرکریمی را به عنوان مشاور و بیژن میرباقری و سیروس حسن‌پور را به عنوان کارگردان‌های یونیت دوم داشته و مهمترین بخش‌های پشت‌صحنه را به چهره‌های شاخص بین‌المللی سپرده. اکثر صحنه‌های فیلم در شهرک سینمایی پیامبر اعظم(ص) (نور) در حوالی قم و بقیه سکانس‌ها در کرمان و عسلویه و ژوهانسبورگ آفریقا فیلمبرداری شده و تمام مراحل پس از تولید فیلم هم از جمله تدوین، صداگذاری، جلوه‌های

ویژه و موسیقی در یکی استودیوهای مونیخ انجام شده. آقای کارگردان ۷ سال پس از «آواز گنجشک‌ها» با عظیم‌ترین و گران‌ترین پروژه تاریخ سینمای ایران بازگشته. با اولین قسمت از «محمد(ص)» که فعلا ترجیح می‌دهد درباره قسمت‌های بعدی‌اش توضیحی ندهد اما اعتقاد دارد فیلمش را باید با نمونه‌های مشابه جهانی مقایسه کرد.

از نخستین روزهای منتشر شدن خبرهای ساخت فیلم مجیدی حمله‌هایی از سوی جریان‌های وهابی و سلفی به فیلم «محمد(ص)» شروع شده که خواستار تحریم و ممنوعیت نمایش فیلم شده‌اند. شیخ الازهر به عنوان سرسخت‌ترین مخالف فیلم بارها به بهانه به تصویر کشیدن چهره پیامبر(ص) در این پروژه (که اصلا صحت ندارد)، از علمای ایران خواسته این اثر سینمایی را تحریم کرده و در برابر عرضه آن بایستند. مجیدی هم بارها به این مخالفت‌ها جواب مستقیم داده: «یک بار دیگر می‌گویم که در این باره در بخش تحقیق تلاش‌های زیادی صورت گرفت و تحقیقات مفصلی داشتیم که نزدیک به دو سال مفصلا در این خصوص انجام دادیم. در این زمینه به سراغ نوشته‌ها و آثار برجسته‌ترین تاریخ‌دانان شیعه و اهل سنت رفتیم و رایزنی‌های زیادی با علمای اهل سنت و شیعه داشتیم. کار تحقیقات کاملا کارشناسی شده جلو رفته و بر همین اساس مقطعی از زندگی ایشان را در این فاز انتخاب کردیم که هیچ‌گونه اختلافی درباره آن میان مراجع و گروه‌های مختلف شیعیان و اهل سنت وجود نداشته باشد. اتفاقا این فیلم با این نگاه و فلسفه ساخته شده است که وفاقی میان جهان اسلام به وجود بیاورد ... غیر از سریال‌های ضعیف و منطقه‌ای و بومی که در این زمینه ساخته

شده و به شدت هم ضعیف بوده و ظرفیت عرض اندام نداشته است اثر هنری دیگری نداشته‌ایم. با وجود این فضا دلیل این نگرانی شدید الازهر برای چیست؟ اگر نگرانی برای عدم نمایش چهره است که از نظر ما هم مورد قبول است و آن را می‌پسندیم اما می‌گوییم نگرانی خاصی نیست، چرا که شیعیان هم کمتر از آنان نگران این موضوع نیستند و من نگرانی آن‌ها را نمی‌فهمم که چرا در برابر این فیلم قرار گرفته‌اند و به جای کمک کردن برای اینکه این فیلم را تقویت کنند، از دور ایستاده و فیلم را تخطئه می‌کنند. نقدهایی در برابر این فیلم نوشته شده است در حالی که تمامی آنان همه این نقدها را بدون تماشای فیلم نوشتند و این بسیار غیر منصفانه است. همین‌جا از تمام علمای جهان اسلام به خصوص الازهر دعوت می‌کنم که ابتدا فیلم را ببینند و بعد درباره آن گفتگو کنیم. ما در حوزه کار فرهنگی در خصوص پیامبر اسلام به شدت جفا کردیم و کار خاصی نکرده‌ایم.»

مجیدی در نسخه‌ای که برای مسوولان، اهالی سینما و رسانه‌ها به نمایش گذاشت، چهره پیامبر(ص) را در فیلمش نمایش نداد تا درگیر حواشی نشود و این روزها مشغول مذاکره با کمپانی‌های پخش‌کننده جهانی است تا «محمد(ص)» را به طور گسترده اکران کند. ایوبی درباره اکران فیلم در ایران هم از تابستان سال آینده حرف زده: «با توجه به تمهیدات اندیشیده شده برای اکران مطلوب فیلم سینمایی محمد (ص) امیدواریم این فیلم تا اواخر تابستان ۹۴ اکران شود. فیلم محمد(ص) اتفاقی بزرگ در سینمای ایران است بنابراین ما نباید این فیلم را در فضای عادی و با همین تعداد اندک سالن‌های سینمایی و در لابلای دیگر فیلم‌ها اکران کنیم.»



همچنان مختار

تلویزیون در ایام محرم و صفر ۹۳
برنامه‌های چندان خاصی در چنته نداشت

سروش امیدوار

در ایام محرم شبکه تماشا سریال‌های «پریدخت»، «خون‌بها»، «یک تکه زمین»، «زمانی برای عاشقی» و «فرات» را برای مخاطبانش پخش کرد. اقدام خلاقانه تلویزیون در ایام محرم چند سال گذشته این بوده که دست به تقسیم وظایف زده و برای هر شبکه‌ای بنا به ماهیتش ماموریتی را تعریف کرده است. مثلاً شبکه دو چگونگی الگوگیری کودکان و نوجوانان از قیام سیدالشهدا را مطرح می‌کند و شبکه سه با هدف ارتقای سطح اخلاق و بصیرت جوانان برنامه می‌سازد. پخش مراسم عزاداری سنتی شهرهای مختلف نیز از جمله اقدامات جدید تلویزیون است که استقبال خوب مخاطبان را به همراه داشته است. شبکه یک برنامه‌های خود را از حرم امام رضا(ع) و استان یزد پخش کرد. شبکه دو مراسم عزاداری حرم مطهر شاهچراغ و حسینیه اعظم زنجان را پوشش داد و شبکه سه نیز دوربینش را در امامزاده حلال‌بن علی در آران بیدگل و استان کرمان مستقر کرد. در بین برنامه‌های گفتگومحور نیز «پن شب ها» که چند سالی است ویژه ایام محرم پخش می‌شود، به لحاظ نحوه اجرا، دکور و بهره‌گیری از کارشناسان معنوی وضعیت بهتری نسبت به دیگر برنامه‌ها داشت. این برنامه با زبانی امروزی به پرسش‌های مذهبی عامه مردم می‌پردازد و سعی دارد پاسخی قانع‌کننده برایشان پیدا کند.

روایت ساده زیستی روحانیون

سریال «پرده نشین» مهم‌ترین و کلیدی‌ترین اثر تولیدی تلویزیون برای پخش در ایام محرم بود. در سال‌های گذشته در ایام محرم آثاری را شاهد بودیم که یکی از عناصر اصلی قصه ارتباط مستقیمی با مفاهیم عاشورایی داشت. به عنوان مثال سریال‌های «یلدا» ساخته حسن میرباقری و «شب دهم»

اگر معیار ارزیابی عملکرد رسانه ملی در ماه محرم و صفر را تولید و پخش سریال‌های تلویزیونی قرار بدهیم باید بگوییم پارسال تلویزیون حرف چندان برای گفتن نداشت. در محرم سال ۹۳ هم تعداد سریال‌های تولیدی کمتر بود و هم سریال‌ها ارتباط مضمونی پررنگی با این مناسبت نداشتند. بیش از ده سال است که مسوولان تلویزیون برای ایام محرم سریال‌های مناسبی تدارک می‌بینند که مضمون این سریال‌ها متناسب با حال و هوای ایام عزاداری سالار شهیدان است. موفق‌ترین سریال مناسبتی ماه محرم در سالی ساخته شد که ایام عزاداری با نوروز همزمان شده بود. در آن زمان حسن فتحی «شب دهم» را روانه آنتن کرد که بعد از آن بارها و بارها از تلویزیون پخش شد. «معصومیت از دست رفته»، «روزهای اعتراض»، «پریدخت»، «بانو»، «خون‌بها»، «تا رهایی»، «فرات» و ... هم سریال‌هایی هستند که در دهه‌های محرم سال‌های بعد پخش شدند و توانستند از مخاطب تلویزیونی نمره قبولی بگیرند. تلویزیون با دو سریال «پرده نشین» و «سال‌های ابری» به استقبال ماه محرم رفت که البته سریالی دومی با اندکی تاخیر در ماه ربیع‌الاول روانه آنتن شد.

رجوع چندباره به آرشیو سریال‌های عاشورایی

آثار نمایشی دیگری هم در این ماه از تلویزیون پخش شدند که البته آرشیوی بودند و تازگی نداشتند. همچون چند سال پیش تلویزیون به پخش چند باره قسمت‌هایی از سریال «مختارنامه» از شبکه‌های مختلف پرداخت. وقتی تلویزیون نتواند هر سال سریال‌های جدیدی را وارد چرخه تولید کند؛ نتیجه‌اش همین می‌شود که مردم مجبورند محصولات سال‌های قبل را تماشا کنند. به گفته‌ی،

ساخته حسن فتحی هر دو از سنت «تعزیه» به عنوان یک موقعیت داستانی بهره بردند. در سریال شب دهم قهرمان قصه فردی بود که می‌خواست در شرایط خفقان رژیم پهلوی مراسم تعزیه اجرا کند. در سریال «یلدا» نیز شخصیت‌های مثبت و منفی و خاکستری با انگیزه‌های مختلف بسترهای اجرای «تعزیه» را فراهم می‌کردند. در سریال «پریدخت» ساخته سامان مقدم پدر شخصیت پریدخت یکی از دوستان حضرت امام حسین (ع) بود و پریدخت (با بازی لیلا حاتمی) خاطرات باشکوهی از مراسم عزاداری تاسوعا و عاشورا داشت. او در مقام زنی مظلوم و رنج دیده، فرهنگ حسینی را به خوبی درک کرده بود. به همین دلیل دوست داشت فرزندانش در مقابل ظلم بایستند و در فرو ریختن بنای ظلم دستگاه ستمشاهی سهیم باشند. در مقام مقایسه سریال «پرده نشین» بر روی موضوعاتی چون زندگی طلبگی، حق الناس، وقف اموال، نگرش سوء استفاده از موقعیت شغلی و ... متمرکز شده بود و خرده داستان‌هایش ارتباط مستقیمی با ماه محرم نداشت. این سریال حال و هوایی معنوی داشت؛ اما می‌توانست در هر ماه دیگری جز محرم هم پخش بشود. ویژگی مثبت سریال پرداختن به جزئیات زندگی روحانیون و طلبه‌ها بود که برای اولین بار در تلویزیون اتفاق می‌افتاد. کارگردان در انتخاب بازیگران نقش اصلی جسارت به خرج داد و نقش روحانی را به دو نفری که سابقه بازی در سریال‌های کمدی داشتند واگذار کرد.

حاج آقا شهیدی (فرهاد آبی‌ش) و حاج آقا مهدوی (هومن برق‌نورد) نماد دو روحانی مردمی و ساده زیست بودند که ارتباط صمیمانه‌ای با مردم شهر داشتند و مشکلات آنها را حل می‌کردند. در سریال‌های دیگر نیز نحوه زندگی شخصیت‌های



روحانی را دیده‌ایم؛ اما این بار بهروز شعبی (کارگردان) با نمایش یک شخصیت متفاوت راه جدیدی را گشود: «جوانی که از موقعیت دینی و جایگاه اجتماعی پدر روحانی‌اش استفاده می‌کند». قصه پردازی حول محور این شخصیت حکم راه رفتن بر روی لبه تیغ را داشت که سریال «پرده نشین» توانست این مسیر را با موفقیت طی کند.

سریالی که به آنتن محرم نرسید

سریال «سال‌های ابری» ساخته مهدی کرم‌پور قرار بود در ایام محرم و صفر مهمان خانه‌های عزاداران شود. اما به دلیل کندی روند تولید این اتفاق نیفتاد و سریال به آنتن محرم و صفر نرسید. کرم‌پور از کارگردانهای جوان سینمای ایران است که پیش از این یک بار دیگر به سریال‌های مناسبی هم روی خوش نشان داده و به تیکه زمین را برای محرم سال ۹۱ ساخته است. شبکه دو پس از آنکه سریال «سال‌های ابری» آماده پخش شد آن را بلافاصله از شنبه ۱۳ دی ماه ۱۳۹۳ روانه آنتن کرد. اگرچه «سال‌های ابری» از ابتدا به عنوان یک کار مناسبی کلید خورد؛ ولی مضمون محوری‌اش ارتباط چندانی با ماجراهای محرم نداشت. این سریال یک ملودرام اجتماعی درباره مسائل روز جامعه بود که بخشی از گذشته را نیز به‌نمایش می‌گذاشت؛ گذشته‌ای که در آن رویدادهایی در روز عاشورا در دهه ۵۰ رخ می‌دهد. در سریال سال‌های ابری، ماجراهای زندگی مردی به نام حسین سالار را می‌بینیم که معتقد به اصول اسلامی است و به‌عنوان مدیرعامل یک بانک خصوصی تلاش می‌کند به اصول بانکداری اسلامی وفادار بماند، اما فردی به نام جاسم، تصویری از گذشته سالار روایت می‌کند که باعث می‌شود اعتبار مادی و معنوی او مخدوش شود.

حاج غلامحسین سالار از خادمان و هیئت‌داران محله‌ای قدیمی در تهران بود؛ اما فیلمنامه خیلی به ویژگی‌های شغلی و کاری او نمی‌پرداخت و همین مساله وجه مناسبی آن را کمرنگ می‌کرد. در حالی که چنین سریال‌هایی به چاشنی تعلیق و کشمکش برای جذب مخاطب نیاز دارند؛ اما سریال «سال‌های ابری» پایان قابل پیش بینی داشت و از همان ابتدا مشخص بود که دیگران برای «سالار» پاپوش درست کرده‌اند. امتیاز ویژه سریال بازسازی عزاداری‌های دهه ۵۰ در ماه محرم است که نماهای مربوط به این بخش از سریال همزمان با روزهای تاسوعا و عاشورای در شهرهای آبادان و خرمشهر تصویربرداری شد.

این سریال اولین نقش جدی پژمان جمشیدی فوتبالیست سابق و بازیگر فعلی پس از نقش‌های کم‌دی‌اش محسوب می‌شود. حضور این بازیگر در یک سریال مناسبی توجیه چندانی نداشت و انگار کارگردان و تهیه‌کننده بیشتر به خاطر خبرساز بودن جمشیدی او را انتخاب کرده بودند. ۶۶

عاشورا با سه روایت

تحلیل محتوای برنامه‌های شبکه ۱ سیما در دهه اول محرم



نسیم کاهریزچی
پژوهشگر جامعه‌شناسی

«دین در طول تاریخ همواره در متن زندگی بشر حضور داشته واز عرصه‌های مهم حیات فردی و اجتماعی او محسوب می‌شود؛ بطوری که برخی از نهادهای اجتماعی حول محور آن ساخت یافته و می‌یا بند. نهادهای وابسته به دین و متولیان دین در جوامع امروزی، گستره و تنوع بیشتری نسبت به گذشته یافته‌اند؛ که به نظر می‌رسد تعامل دین با رسانه عمده‌ترین سهم را در ایجاد چنین گستره فرهنگی را به عهده داشته باشد چراکه «دین به عنوان جهانی نمادین یا عوالم معارف و ارزش‌های غایی و رسانه‌ها به عنوان واسطه ارتباطات، به سهم خود بوجودآورنده ابعاد ریشه‌ای و بنیادین فرهنگ به شمار می‌روند» (هور، ۱۳۸۷)

برخلاف تمام ادعاهای مدرنیته مبنی بر از بین بردن دین آنچه که عملاً «بوقوع پیوسته این است که دین خود را بازسازی کرده و به عنصری عاملی پر اهمیت در خدمت مقاصد و اهداف خویش است. پس آنچه که شاهد آن هستیم نزاع دین و مدرنیته نیست بلکه رجعت مدرنیته به راز و افسون، از طریق به هم آمیختن فن‌آوری‌های ارتباطی با عرق دین‌ورزی مردم است (هور، ۱۳۸۹). درواقع در دوران معاصر دین از ویژگیهای رسانه در جهت گسترش بیشتر حوزه نفوذ و اعمال قدرت خود استفاده می‌کند

به اذعان متفکرین وصاحب‌نظران درامداد قرن بیست و یکم؛ دین و رسانه روز به روز بیشتر با یکدیگر مرتبط می‌شوند. چراکه رسانه مدرن علیرغم اینکه در فضایی سکولار به رشد و بالندگی رسیده است، دردهه‌های اخیر عرصه بروز و ظهور گفتمانهای اجتماعی - سیاسی متأثر از دین و خلق آثار هنری و نمایشی دینی بوده است. نمادهایی که با هدف ابلاغ پیام دین به مخاطب، گسترش معنویت دینی و رواج مظاهر و مناسک مذهبی، در رسانه حضور پررنگی یافته‌اند.

در سالهای اخیر در ایران شناخت رابطه بین رسانه و دین از منظر ژورنالیستی، ارتباطات اجتماعی، جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی و سیاست فرهنگی و انجام تحقیق و تامل و بررسی بین‌رشته‌ای اهمیت خاصی پیدا کرده است که شواهد و آثار این نوع نگاه و رویکرد به صورت پراکنده و نامنسجم در میان نهادهای فرهنگی و تبلیغی مشاهده می‌شود. در این میان رسانه‌ها به ویژه رسانه ملی، سهم تبلیغی پررنگ تری را به عهده دارد. لذا آنچه که در ادامه و در نوشتار پیش رو ملاحظه خواهید کرد، نتایج

بررسی اجمالی پیرامون محتوای برنامه‌های مذهبی در یکی از شبکه‌های پرمخاطب رسانه ملی (شبکه اول) است که در دهه اول محرم سال ۱۳۹۳ بر روی آنتن رفته و به عنوان نمونه‌ای گویا، می‌تواند بیانگر محتوای دینی باشد که در این ایام به مخاطب تلویزیون ارایه شده است.

بر اساس بررسی صورت‌گرفته روی نمونه‌ها، این نتایج بدست آمد که ویژه‌برنامه‌های محرمی شبکه ۱ سیما، در یک دسته‌بندی کلی با محوریت: ۱- مجری ۲- مداح ۳- شاعر ۴- کارشناس و در قالب‌های ۱- ووله (نغمه‌ها، مداحی‌ها، ذکر احادیث برجسته، کلیپ)، ۲- مداحی (مجلسی)، ۳- سخنرانی، ۴- گفتگو، ۵- مستند ۶- گزارش ۷- مصاحبه پخش شده است.

برنامه‌های ثابت و ویژه برنامه‌ها

علاوه بر برنامه‌های معمول و روتین شبکه، مثل «آفتاب شرقی»، «امروز هنوز تموم نشده»، «تسبیح صبا» که قسمتهایی از زمان خود را به موضوع عزاداری محرم اختصاص داده بودند، برنامه‌های ویژه‌ای هم برای این ایام تهیه شده بود که از روز اول محرم پخش آن آغاز شد. البته در بین این برنامه‌ها، برنامه «آفتاب شرقی» به خاطر محتوای مذهبی‌اش و همچنین قالب تحلیلی آن، محتوای مناسبی قابل توجهی را در این ایام به مخاطب عرضه کرد؛ که به نوعی در فهرست برنامه‌ها قابل توجه است به ویژه

در سالهای اخیر شناخت

رابطه بین رسانه و دین

از منظر ژورنالیستی،

ارتباطات اجتماعی،

جامعه‌شناسی، مطالعات

فرهنگی و سیاست

فرهنگی اهمیت خاصی

پیدا کرده است

حسین (ع) برنامه‌های خود را آغاز کرد که به‌نوعی کمک‌کننده به ایجاد فضای مناسبی محرم بود.

ویژه‌برنامه‌های محرم شبکه ۱ از غروب ۱۳ آبان ماه ۹۳، مصادف با شب اول ماه محرم و با برنامه «بوریای شعر» روی شروع شد. این برنامه در مدت زمان حدود ۲۶ دقیقه، با محوریت شعر و شاعران آیینی تهیه شده و شامل شعرخوانی و دکلمه شاعران (وجاور، محمدحسین ملکیان، پیمان طالبی، حیدر توکل، محمد رسولی، سید محمد حسینی، محمدعلی کردی، حمید امینی محمد بختیاری، محمود حبیبی کسبی) بود که در قالب گفتگو قرار می‌گیرد. معمولاً در هر برنامه اشعار به‌طور خاص به یکی از یاران امام اختصاص داشت، مثلاً در شب اول اشعاری در مورد مسلم بن عقیل خوانده شد. این برنامه تا شب دوازدهم محرم هر روز شبکه ۱

سلحشور، محمدحسن طاهری، گنج خانلو، چینی، قربانی، سجاسی، قهار، بازوبند، سازور) که در تایمهای ۳-۴ دقیقه‌ای در خلال برنامه‌ها پخش شد. رویکرد آن تلاش برای روشننگری بیشتر در این عرصه است و در دستبندی، در قالب گفتگو قرار می‌گیرد.

قلب خورشید:

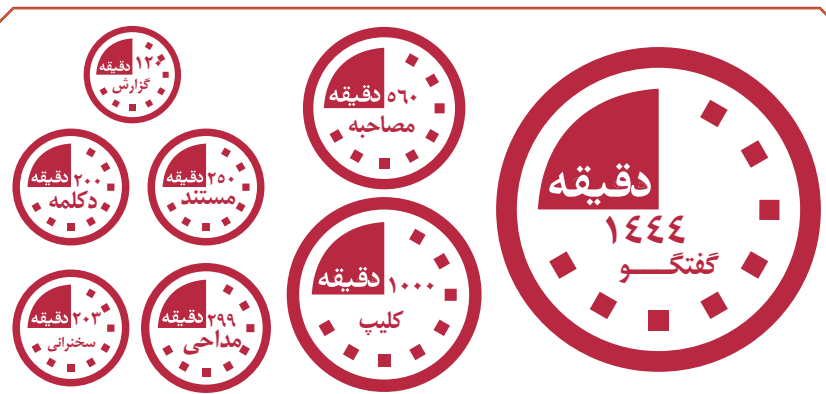
مستندهایی کوتاه و حدوداً ۱۵ دقیقه‌ای که در آن عزاداری شیعیان در

کشورهای دیگر به تصویر کشیده شده است. در این مستند شیوه خاص عزاداری در این کشورها با توجه به فرهنگ و آداب و رسوم خاص آنها مورد توجه قرار گرفته است و در طی مصاحبه‌هایی با اهالی این کشورها، سعی شده بود تا نگاه خاص آنها به موضوع عاشورا و عزاداری برای امام حسین(ع) انعکاس داده شود. هند، تایلند، مالزی، پاکستان، ترکیه، روسیه از جمله کشورهایی بودند که در این برنامه عزاداری در آنها به تصویر کشیده شد.

میراث مرثیه: مستندی ۵۰ دقیقه‌ای است که در آن به بررسی پیشینه تاریخی مرثیه و مرثیه‌سرایان برجسته ایران پرداخته شد. به طور مثال یکی از قسمتهای این برنامه اختصاص به بررسی سرگذشت حاج اکبر ناظم از مرثیه‌سرایان نام‌آشنا داشت.

روایت‌های عاشورا: مستندهایی حدوداً ۲۰ دقیقه‌ای که در خلال برنامه‌های شبکه ۱ سیما در روزهای محرم قسمت‌های مختلف آن پخش شد. این مستند در هر قسمت به سنت‌ها و آداب عزاداری یک منطقه خاص از ایران پرداخت و به نوعی درگیری افراد و قشرهای مختلف جامعه با عزاداری امام حسین(ع) را بررسی کرد، مثلاً در یکی از قسمتهای این برنامه شاهد روایت نوجوانان بزهکاری هستیم که درباره عزاداری و امام حسین(ع) صحبت می‌کنند. همچنین دربخش دیگری از این برنامه شاهد معرفی نوعی سینه‌زنی خاص بوشهری‌ها (چلاپ) و گفتگو با نوحه‌خوانهای مشهور این منطقه هستیم که از دغدغه‌های خود در نوحه‌خوانی و همچنین تاریخچه عزاداری در این منطقه سخن می‌گویند.

عاشوراییان لبنان: مستندی حدوداً ۳۰ دقیقه‌ای که پخش آن از هشتم محرم در شبکه ۱ شروع شد و همانطور که از عنوانش پیداست به عزاداری شیعیان لبنان پرداخته بود. این برنامه شامل گزارش‌هایی از عزاداری‌های مردم در شهرهای مختلف لبنان و همچنین گفتگو و مصاحبه‌هایی



میزان فرم‌های مختلف برنامه‌ها (برحسب دقیقه) در دهه اول ماه محرم شبکه ۱

راشدیزدی، شیخ حسین بازماندگان، حجت‌الاسلام سیدکاظم نور مفیدی) را شامل می‌شد. سخنان رهبری و مراجع از قسمت‌های قابل توجه این برنامه بود و در کنار آن پخش قسمت‌های کوتاهی از مراسم عزاداری در شهرها و روستاهای کشور و برخی کشورهای دیگر و همچنین پخش مستندهایی در ارتباط با بدعت‌ها و انحرافات عزاداری و همچنین معرفی کتاب از بخش‌های دیگر این ویژه‌برنامه بود. **نهضت سیدالشهداء برمدار عقل و عدل:** گزیده‌های ۱۰ دقیقه‌ای از بیانات آیت‌الله جوادی آملی پیرامون قیام امام حسین(ع) بود که در بین برنامه‌های دیگر شبکه ۱ پخش می‌شد و به لحاظ غنای محتوایی جلب نظر می‌کرد. **بامن حرف بزن:** مجموعه‌ای از حرف‌ها و دلگویی‌های مردم راجع به امام حسین(ع) و موضوع عاشورا که در نوبت‌های حدوداً ۵ دقیقه‌ای پخش شد و در دستبندی برنامه‌ها، در قالب مصاحبه قرار می‌گیرد. **پیرغلامان:** مجموعه مصاحبه‌هایی است که با پیرغلامان و ذاکران اهل بیت صورت گرفته بود و در تایم‌های ۵-۶ دقیقه‌ای در خلال برنامه‌ها پخش شد که رویکرد آن تلاش برای بیان حرف دل این پیر غلامان است و در قالب گفتگو قرار می‌گیرد. **خیمه:** مجموعه گزیده‌های کوتاه و جملات کلیدی که از زبان مداحان و ذاکران مشهور (ارضی، آصفی، آهی، سازگار، عابدی، علیزاده، حدادیان،

سیما پخش و در مجموع حدود ۲۰۰ دقیقه از کل برنامه‌ها را به خود اختصاص داده است.

سایر ویژه‌برنامه‌های شبکه ۱ در بازه زمانی مورد بررسی به این شرح بودند:

با کاروان: از دیگر ویژه‌برنامه‌های دیگر شبکه ۱ در ایام عزاداری محرم است که در زمانی حدود ۲ ساعت از ۱ بامداد اولین روز محرم پخش آن آغاز شد.

این برنامه با محوریت مجری و در قالب گفتگو، ووله، مداحی مجلسی و گزارش زنده تصاویر عزاداری عرضه شد. در طی برنامه از میهمانان مختلفی که غالباً مداح بودند دعوت شده و مجری برنامه با آنها گفتگو می‌کرد. در میان گفتگو گاه‌ها مداحان به صورت زنده در استودیو به ذکر مداحی می‌پرداختند. در خلال پخش برنامه، از ووله‌ها و مداحی‌های مجلسی هم استفاده زیادی می‌شد. در روزهای تاسوعا و عاشورا که اوج عزاداری است، به جای این ووله‌ها، بیشتر از گزارش‌های زنده از مراسم عزاداری شهرهای مختلف استفاده شد. اردبیل، آران و بیدگل، یزد، کرمان، زنجان و... جزء شهرهای بودند که بیشترین زمان پخش تصاویر زنده عزاداری را به خود اختصاص دادند.

مسیر سرخ: برنامه‌ای حدود ۵۰ دقیقه‌ای که در طول ایام عزاداری محرم هر روز از شبکه ۱ پخش شد. این برنامه کارشناس محور و در قالب گفتگو، سخنرانی، گزارش، مصاحبه و مداحی بود و به نوعی رویکرد تحلیلی و تبیینی داشت. در این برنامه به معرفی یاران امام حسین و مسائل تاریخی قیام عاشورا در کنار مسائل مختلف مبتلا به جامعه امروز مورد توجه قرار می‌گرفت.

شکوه نی: برنامه‌ای با رویکرد تحلیلی و انتقادی که در دهه اول محرم روزانه در حدود ۲۵ دقیقه از شبکه ۱ پخش شد. در این برنامه علاوه بر پرداختن

به موضوع عاشورا از جنبه ایجابی، به انحرافات و بدعت‌های مناسک عاشورا به شکل ویژه‌ای نگریسته شد. گفتگو قسمت عمده برنامه را به خود اختصاص داده که غالباً به صورت مونولوگ و پخش مصاحبه از افراد صاحب‌نظر در حوزه دین (آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله یزدی، آیت‌الله نوری همدانی، حجت‌الاسلام کاظم صدیقی، حجت‌الاسلام محمدجواد نفاذی، حاج شیخ غلامعلی نعیم‌آبادی، حجت‌الاسلام سید صدرالدین شریعتی، حاج شیخ کاظم





با فعالان فرهنگی و متولیان برگزاری مراسم عزای محرم است که محتوای این مصاحبه‌ها در ارتباط با تاریخچه عزاداری مردم لبنان و آداب و سنن خاص آنها در گرمیداشت این ایام است. در این میان پرداختن به مقوله تأثیرگذاری فرهنگ عاشورا در شکل‌گیری مقاومت مردم لبنان از محورهای اصلی محتوایی این برنامه بود.

پلاک ۱: گزارشهایی ۳ تا ۵ دقیقه‌ای از استانیهای مختلف کشور در ارتباط با عزاداری محرم بود. محتوای این برنامه بیشتر متکی بر بیان دیدگاههای مختلف مردم راجع به موضوع عزاداری عاشورا و همچنین اهداف چنین بزرگداشت‌های مذهبی است. در این میان بیان نظرات و موضع‌گیریهای سیاسی در ارتباط با موضوع عاشورا هم به چشم می‌خورد.

فرم و قالب برنامه‌ها

۱. گفتگو: گفتگو به عنوان یکی از قالبهای مهم ارائه برنامه در رسانه است که در ویژه‌برنامه‌های محرم ۹۳ شبکه ۱ هم بخش قابل توجهی (حدود ۱۴۴۴ دقیقه) را به خود اختصاص داده بود:

این شب‌ها، دکتر احمد جلالی، کارشناس مذهبی، ۸۵ دقیقه/ با کاروان، حاج مهدی آقابگی، مداح، ۴۰ دقیقه /امروز هنوز تموم نشده، سید جواد هاشمی، بازیگر و سید احمد حسینی، روحانی، ۳۵ دقیقه/ آفتاب شرقی، محمدحسن تبرائیان، مدیر شبکه ۱، ۳۵ دقیقه/ آفتاب شرقی، حجت‌الاسلام حسینی همدانی، ۳۰ دقیقه/ این شب‌ها، سیدمحمد خوبی، ۸۵ دقیقه/ با کاروان، حمید رضابرقعی، شاعر، ۳۰ دقیقه/ با کاروان، محسن شمس‌آبادی، مداح، ۴۵ دقیقه/ آفتاب شرقی، حجت‌الاسلام دکتر صادقی‌نیا، کارشناس مذهبی، ۲۰ دقیقه/ با کاروان، صابر خراسانی، شاعر، ۵ دقیقه/ با کاروان، میثم بتولی، مداح، ۱۹ دقیقه/ این شب‌ها، دکتر احمد جلالی، کارشناس مذهبی، ۸۵ دقیقه/ آفتاب شرقی، آیت‌الله حائری شیرازی، ۳۰ دقیقه/ این شب‌ها، دکتر حاج‌ابراهیم، کارشناس مذهبی، ۸۰ دقیقه/ با کاروان، رحیمی، شاعر، ۱۵ دقیقه/ این شب‌ها، دکتر محسن اسماعیلی، کارشناس مذهبی، ۸۰ دقیقه/ امروز هنوز تموم نشده، حجت‌الاسلام حائری، کارشناس مذهبی، ۱۲ دقیقه/ آفتاب شرقی، حجت‌الاسلام کلویانی‌راد، کارشناس مذهبی، ۴۰ دقیقه/ با کاروان، سعید پاشا‌زاده، شاعر، ۲۷ دقیقه/ با کاروان، محمدحسین پویان فرد، مداح، ۱۴ دقیقه/ این شب‌ها، حجت‌الاسلام فاطمی‌نیا، ۹۰ دقیقه / آفتاب شرقی، حجت‌الاسلام سیدمحمد موسوی، کارشناس مذهبی، ۴۰ دقیقه/ با کاروان، بادکوبی، مداح، ۲۳ دقیقه/ با کاروان، حامد جلیلی، هنرمند، ۱۲ دقیقه /با کاروان، حسین طاهری، مداح، ۴۴ دقیقه / این شب‌ها، دکتر احمد جلالی، کارشناس مذهبی، ۸۰ دقیقه/ آفتاب شرقی، آیت‌الله حائری شیرازی، ۴۳ دقیقه/ این شب‌ها، حجت‌الاسلام

آذربایجانی، کارشناس مذهبی، ۸۰ دقیقه/ این شب‌ها، سیدمرتضی خاتمی خوانساری، کارشناس مذهبی، ۸۰ دقیقه

۲. کلیپ: شامل انواع نغمه‌ها، مداحی‌ها، احادیث برجسته، جملات کلیدی چهره‌ها و سایر کلیپ‌های کوتاه: کلیپ‌های مداحی از مداحان مشهور مانند کریمی و ارضی و مداحان دیگر (۹۰۰ دقیقه)، مرثیه خوانی مرحوم کوثری در در محضر امام (جماران) ۶۶ دقیقه، **اگر چه منبر و وعظ رسانه سنتی شیعه محسوب می‌شود ولی در سالهای اخیر نقش کمرنگ‌تری را در تبلیغ رسانه‌ای به عهده دارد**

و عزاداری‌ها در حفظ اسلام ۴ دقیقه، سخنرانی و روضه خوانی از رهبری و چهره‌های سیاسی و دینی (آیت‌الله جوادی آملی، شهید مطهری، آیت‌الله حسن‌زاده آملی، حجت‌الاسلام انصاریان، سیداحمد خاتمی و...) ۳۰ دقیقه، که در مجموع تایمی حدود ۱۰۰۰ دقیقه را به خود اختصاص داده بود.

۳. مصاحبه: یکی از قالبهای دیگر ارائه محتوا، مجموعه مصاحبه‌های مختلفی است که براساس موضوع مورد بحث با افراد انجام می‌شود و با نظم خاصی در روند رساندن پیام به مخاطب در برنامه گنجانده می‌شوند. از جمله برنامه‌هایی که مصاحبه‌های هدفمند محور اصلی برنامه را تشکیل می‌دادند می‌توان به شکوه‌نی، خیمه، پیرغلامان، با من حرف بزن، میراث مرثیه، مسیر سرخ اشاره کرد. که در مجموع تقریباً ۵۶۰ دقیقه از برنامه‌ها را به خود اختصاص دادند.

۴. مداحی مجلسی: پخش تصاویر ضبط‌شده از مجالس عزا هم بخش عمده‌ای از برنامه‌های محرمی را تشکیل می‌دادند (۲۹۹ دقیقه) که معمولاً در فواصل ۳، ۴، ۵، ۶ دقیقه‌ای پخش شدند. عمده این مداحی‌ها مربوط به مجالس دو مداح مشهور پایتخت، حاج منصور ارضی (۱۰۷ دقیقه) و محمود کریمی (۱۰۰ دقیقه) می‌باشد. البته در کنار آن پخش مجالس مداحان جوان و نوظهوری مانند سید محمد بنی‌فاطمه نیز قابل توجه است، بویژه از این جنبه که این مجالس به لحاظ فضای برگزاری و همچنین ظاهر و نوع حرکات دست و سر مداح و همچنین استفاده از موسیقی زمینه‌ای برای مداحی، در رسانه ملی سابقه نداشته است. در مجموع ۴۱ دقیقه از مداحی‌های مجلسی پخش شده مربوط به مراسمی بود که در حسینیه امام خمینی و در محضر رهبری صورت گرفته بود. حاج علی انسانی، سلحشور، بهشت‌اش و عاصی از جمله مداحان مشهور این جلسات بودند.

۵. مستند: یکی از بخشهای مهم ویژه‌برنامه‌های محرم ۹۳، پخش مستندهای مختلف در ارتباط

با عزاداری و آداب و سنتهای متنوع آن در نقاط مختلف و همچنین پرداختن به مقولاتی مانند مرثیه‌سرایی و مداحی بود. قلب خورشید، میراث مرثیه، روایت‌های عاشورا، از جمله این مستندها بودند که در کل زمانی ۲۵۰ دقیقه‌ای از حجم کل برنامه‌ها را به خود اختصاص دادند.

۶. سخنرانی: قالب سخنرانی از جمله قالبهای مستقیم‌پردازی رسانه‌ای است؛ که در آن به‌طور مستقیم پیام به مخاطب ارائه می‌شود. اگرچه منبر و وعظ رسانه سنتی شیعه محسوب می‌شود ولی در سالهای اخیر نقش کمرنگ‌تری را در تبلیغ رسانه‌ای به عهده دارد. به‌طور مثال در محرم ۹۳ تعداد معدودی از منبرهای وعظ در ویژه‌برنامه‌های شبکه ۱ استفاده شد، از جمله سخنرانی‌های آقای رحیم‌پور ازغدی در دو نوبت ۶۸ و ۵۰ دقیقه‌ای، منبر حجت‌الاسلام سیداحمد خاتمی، روز عاشورا، ۴۱ دقیقه/ حجت‌الاسلام حمید میرباقری، یازدهم محرم، ۴۴ دقیقه که در مجموع ۲۰۳ دقیقه از زمان برنامه‌ها را به خود اختصاص داده بود.

۷. شعر خوانی: تنها برنامه‌ای که به طور اختصاصی به شعرخوانی شاعران پرداخت، برنامه بوریای شعر بود. قسمت عمده برنامه دکلمه اشعار عاشورایی توسط شاعران جوان آئینی بود که در مجموع حدود ۲۰۰ دقیقه از زمان ویژه برنامه‌های شبکه ۱ را تشکیل می‌داد:

۸. گزارش: گزارش زنده از عزاداری‌های مردم در میداین بزرگ شهرها، گزارش از حسینیه‌ها و هیئات و مصاحبه با عزاداران و بانیان در ارتباط با

برپا نمودن تکایا و آماده کردن مساجد و حسینیه‌ها برای برای برگزاری مراسم عزاداری، گزارش از تهیه و پخش ندورات نیز قسمت دیگری از ویژه برنامه‌های محرم را تشکیل می‌داد که در مجموع ۱۲۰ دقیقه از زمان برنامه‌ها را به خود اختصاص داده بود.

شاخص‌های مورد استفاده در تحلیل گفتگوی

یکی از مراحل کار تحلیل گفتمان، انتخاب شاخص‌های این تحلیل براساس اهداف تحقیق است. شاخص‌ها، خود براساس سطوح مورد نظر تحلیل گفتمان، متناسب با آنچه باید تحلیل شود، انتخاب می‌شوند که در این تحقیق سه شاخص زیرمحورهای اصلی در تحلیل متون نمونه‌اند:

۱- منظومه‌های واژگانی

۲- اپیزودهای اصلی معنایی

۳- جملات کلیدی

بعد از بررسی کلی نمونه‌هایی که به عنوان پرکتیس‌های گفتمانی در نظر گرفته شده‌اند،



خواب بر چشم‌ها حرام است

۲. عاشقانه‌ها با امام

به من مرده یه جون تازه دادی، برا نوکریت به من اجازه دادی/ بی سرو سامونتم بیا به من سامون بده، لیلای من یه خبری به مجنون بده، من که مردم کربلاتو نشون بده / خوشبختی یعنی حسین نکات کنه حسین سر برات کنه، دلگرمی یعنی یکی هواتو داره، تومال منی اربابم حسین/ من بی حسین معنی دیگر نمی‌دهم، از لطف توست که صاحب چشم ترم کنند/ سنگم اگر زنند به جایی نمی‌روم، آخر تو خود بگو به کجاروم حسین

۳. مدح امام

عالم به ادب نشستنه در محضر تو، تابیدن آفتاب هم بر پیکر تو/ در معرکه چون دید فلک صولت او گفت، نیروی علی در ید و بازوی حسین است، روشنگری مهر و مه از روی حسین است/ این چه رازی ست که با شوق تو برپاست حسین/ شهامت برای استواری به دیوار عشق توتکیه کرد، ای روشنایی حضور خدادار دیدگان بصیرت، کربلای تو قسم نامه پیامبران محبوب خداست

۴- ابوالفضل(ع)

ای ماه تابنده‌ای موج توفنده تودر پی آب و آب از تو شرمنده/ برگرد عمو دل هوس آب ندارد، امشب به خدا دیده ما خواب ندارد/ بعد از ابوالفضل زینب بیوشید رخت اسارت، بیرون بیارید گوشواره هارو چون می‌شه غارت/ ای تاب و توانم هرگز نتوانم بمانم بی‌تو، ای نور امیدم سردار رشیدم/ همیشه پشت و پناه من بودی، چه در خزان و چه در بهار کنار من بودی

۵. بی‌آبی و عطش و تشنگی

شیر بچه از عطش بی‌تاب شد، با لب خشکیده سوی

۹-عشق، دل، ارادت، محبت، احساس، شیفته، شور، یار، وفا، دوستی، معشوق، عاشق، جانان، دلبر، دلدار، مجنون، دل ستان، دل‌داده ۱۰- دلاور، پهلوان، شه، سردار، غیرت، مردانگی، شیر، سالار ۱۱- دشمن، شامیان، تیر، دشنه، روسیاه، ظلم، بیداد، عنود، عناد، کافردل، شقی، نمرود، غارت، جفا، جور، ظالم، ستم، یغما، حرمه، لشگر، ظلمت، سیاهی، فریب، غرور

ب. اپیزودهای اصلی معنایی

۱- ارادت و محبت به امام حسین(ع)، بی‌ارزش بودن بهشت در مقابل عشق به دیدار امام حسین(ع)
۲- مظلومیت امام حسین(ع) و اهل بیت ایشان، بی‌پناه ماندن و اسارت زنان و کودکان ۳- وصف حال رقیه در خرابه شام و گفتگو با سر بریده پدر ۴- بی‌آبی و عطش و تشنگی اطفال ۵- نمایش وفاداری یاران امام حسین در شب عاشورا ۶- وصف حال امام در حاضر شدن بر بالین شهدا بویژه ابوالفضل العباس و علی‌اکبر ۷- درد دل‌های زینب با پیکر برادر ۸- بی‌پروایی علی‌اکبر از مرگ ۹- بیان زبان حال اهل بیت امام در روبرو شدن با پیکر شهدا ۱۰- ادب حضرت ابولفضل العباس(ع) در مقابل برادر ۱۱- وصف صحنه‌های شهادت قاسم و عبدالله و علی‌اکبر و علی‌اصغر(ع) ۱۲- وداع با امام حسین(ع) و شهدا ۱۳- آزادی‌گری

ج. جملات کلیدی

۱. بیان احساس عاشورایی

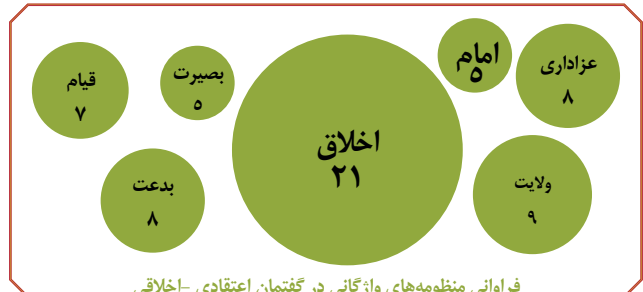
اگر چه قرن‌ها از عاشورای امام حسین می‌گذرد ولی انگار امشب در صحنه کرب و بلا حی و حاضریم، امشب می‌خواهیم با صدای خوش حسین هم نوا شویم و قرآن بخوانیم/ شب عاشورا شبی است که

گونه‌های گفتمانی مختلفی قابل تشخیص شد که می‌توان آنها را به سه نوع کلی تقسیم‌بندی نمود؛ این دسته‌بندی بر اساس توجه به سه شاخص بالا شامل گفتمان: ادبی، عقیدتی-اخلاقی و تاریخی-سیاسی است که در تحلیل‌های مشابه قبلی که در مورد محتوای ویژه برنامه‌های مناسبتی مذهبی تلویزیون انجام شده نیز نشان داده شده است.

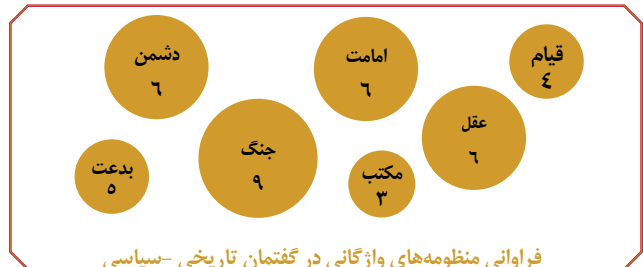
با بررسی و واکاوی نمونه‌ها براساس سه محور منظومه‌های واژگانی، اپیزودهای اصلی معنایی و جملات کلیدی نتایج زیر به دست آمد که بیانگر مفاهیم، مضامین و عناصر معنادار غالب بر این برنامه‌ها می‌باشد:

الف. منظومه‌های واژگانی (واژگانی که بیشترین سهم از بارمعنایی را در این گفتمان به خود اختصاص می‌دهند)

۱- امام، اباعبدالله، عزیز فاطمه، ثارالله، شاه دشت، سر خدا، نام آسمانی، سلطان کربلا، مظلوم کربلا، قتیل العبرات ۲- اندوه، غصه، حزن، ماتم، شیون، فغان، اشک، غمزده، سوگ، غمین، دریغ، مصیبت، حزین ۳- کربلا، نینوا، قربان‌گاه، کارزار، معرکه، نهضت، صحرا، غوغا، قیامت، علقمه، قتلگاه، گودال، ۴- ابوالفضل، برادر، پشت و پناه، تکیه‌گاه، علمدار، امید، پشتیبان، سقا، طلایه دار، عباس، بی‌دست، سقا، ماه، قمر بنی هاشم، میر، علمدار، شیرمرد، زاده مولی‌الموالی، غیرت‌الله ۵- اهل بیت، خیمه، علم، مشک، نخل، کاروان ۶- رنج، زخم، خون، مجروح، تب، اضطراب، بلا، نیزه، سربریده، تازیانه ۷- تشنگی، لب تشنه، عطشان، بی‌شکیب، عطش ۸- اسیر، غریب، بی‌پناه، طفل، قربانیان، بی‌یاور، یتیم



فراوانی منظومه‌های واژگانی در گفتمان اعتقادی-اخلاقی
(برحسب تعداد واژگان در هر حلقه معنایی)



فراوانی منظومه‌های واژگانی در گفتمان تاریخی-سیاسی
(برحسب تعداد واژگان در هر حلقه معنایی)



فراوانی منظومه‌های واژگانی در گفتمان ادبی
(برحسب تعداد واژگان در هر حلقه معنایی)

باب شد / از بهر عمو دل نگرانند، شاید برسد جرعهای از آب غم‌ها ز دل خسته برانند / ماهی تشنه لب مهر بتول علی اصغر / شه لب تشنه، ساقی لب تشنه، مشکش ز لب علقمه برخاک فتاده، دستش ز طلب روی به افلاک فتاده / واعطشا مادر بی‌تابه اما چشمای تر مادر پرآبه

۶. بی‌پناهی و اسارت زنان و کودکان

سردار لشکر تو ز جاحیز و خود ببین، دست عدو به سوی حرم در اشاره است، ای غیرت تمام به جان سه ساله‌ام در بین دشمنان سخن گوشواره است / خیمه‌ها سوخته اطفال همه در بدرند، باخبر از غم خود بی‌خبر از یک‌دگرند

۷. وصف زیبایی

رو به منظومه چشمان تو آرد خورشید، ماه شد آینه‌گردان تو یا ثار الله / چشمم دو چشم مست تورا در نظاره است / کی گفته من بابا ندارم، بابای من قشنگ‌ترین بابای دنیاست / ای ماه جهان تاب علی اکبرم / یوسف بابا خدانه‌دار / لطف کن ای یوسف آل رسول / ای زیاده‌سرو بالا بلند / ای دریغ‌آن هاشمی ماه منیر

۸. زینب

عمه سادات بی‌قراره، غصه و غم هاش بی‌شماره، تموم غصش غم یاره، تنها امیدش بی‌پناه، روزای سختی توی راهه، رو خاک سوزان پا می‌زاره / بیابانی سراسر نیزه و تیر، سفر کردیم با هم عمه زینب، من و داغ و سر بر نیزه و توهر چند پای بی‌رمق او توان نداشت، هر چند بین قافله جانش امان نداشت، بار امانتی که به منزل رسانده است، چیزی کم از رسالت پیغمبران نداشت، جز گیسوان غرق به خون روی نیزه‌ها، در آتش بلا به سرش سایه‌بان نداشت / خیزای خفته به صحرای پناگر محفل زینب

۹. حر

حر تکبیره الاحرام خون بست و آخرین حجاب را

درید و حر وارد در نماز عشق شد، این نماز، نماز دائم است هر که در آن وارد شود فارغ نشود، احرار از مرگ در بستر به خدا پناه می‌برند و مگر حر را مرگی جز شهادت سزاوار است، ادب حر بود که او را نجات داد.

الف. منظومه‌های واژگانی - اخلاقی

الف. منظومه‌های واژگانی (واژگانی که بیشترین سهم از بار معنایی را در این گفتمان به خود اختصاص می‌دهند)

۱- امام، حسین، ابا عبدالله، مولا، آقا ۲- ولایت، اطاعت، نائب، ولی فقیه، رهبر، مرجع، تبعیت، مقتدا، معیار ۳- حماسه، عظمت، مقاومت، نجات بخش، حق جویی، جانفشانی ۴- بصیرت، شناخت، هدایت، معرفت، روشننگری ۵- اخلاق، فضیلت، صبر، کرامت، عزت، شرف، آزادگی، وفا، اخلاص، عظمت، تقوا، شریعت، عقل، شعور، تفکر، منطق، اندیشه، معرفت، حجت، فکر، فهم ۵- بدعت، انحرافات، غلو، شبهات، آسیب، جهالت‌ها، افراط، ابتذال ۶- عزاداری، اشک، روضه، مداحی، ذکر مصیبت، مقتل خوانی، عزاء، مجلس

ب. اپیزودهای اصلی معنایی

۱- شهادت طلبی ۲- احترام و تواضع علما نسبت به عزاداران ابا عبدالله ۳- توقع امام حسین (ع) از شیعیان ۴- آسیب‌های مداحی ۵- معنا و مفهوم عزاداری، ۶- مقایسه مصائب امام حسین (ع) با سایر انبیاء و پیامبران ۷- محبوبیت امام حسین (ع) در بین تمامی فرق و صاحبان معرفت ۸- لزوم توجه به پیام اصلی عاشورا و متوقف نشدن در ظواهر مناسکی پیرامون آن ۹- ضرورت استفاده از زبانی فاخر برای بیان واقعه بزرگ عاشورا ۱۰- مهلت خواستن امام برای یارانش در شب عاشورا، ۱۱- روشننگری امام در شب عاشورا و آزاد گذاشتن یاران

برای انتخاب درماندن و کشته شدن و یا رفتن ۱۲- برخورد بزرگ منشانه امام با حر و تحقیر نکردن او ۱۳- اعتراض برخی افراد به امام در ارتباط با همراهی زنان و کودکان ۱۴- اشک بر عظمت و بزرگی‌های امام حسین (ع) ۱۵- ضرورت پرهیز از تعبیر مبتذل برای ذکر مصائب امام حسین (ع) ۱۶- لزوم توجه به قرائتهای مختلفی که می‌توان از عاشورا داشت ۱۷- انحرافات و بدعتهای عزاداری ۱۸- مزاحمت‌ها و تزیینات حقوق شهروندی در اثر بی‌مبالاتی برخی از برگزارکنندگان عزاداری‌ها ۱۹- تبیین لزوم برپایی عزاداری در مورد حادثه عاشورا و اشک بر امام حسین (ع) و یارانش ۲۰- عزاداری با معرفت ۲۱- ضرورت اصرار و مداومت بر شرکت در مجالس عزاداری برای قرار گرفتن در حالت بسط معنوی ۲۲- روشننگری و آگاهی بخشی یکی از ارکان اساسی نهضت ابا عبدالله ۲۳- آگاهی بخشی امام حسین (ع) تا آخرین لحظات برای هدایت مردم ۲۳- پرهیز از برخوردهای گزینشی و قهری با جوانان در مجالس عزاداری

ج. جملات کلیدی

۱. عاشورا

یوم الحسین روز تکرار ناپذیر تاریخ است، در عاشورا دو قرائت مختلف از دین روبروی هم ایستادند، دعا سر دو مکتب و دو ایدئولوژی و دو شیوه زندگی بود / جهان‌بینی امیرالمؤمنین (ع) در سلوک امام حسین (ع) تجلی می‌یابد و جهان‌بینی معاویه در سلوک یزید، جریان جنگ امویان علیه امام حسین (ع)، جریان دین‌زدایی بود / معنی شکست و پیروزی را باید بر اساس موازین قرآن تعریف کرد، حسین (ع) در شب عاشورا نشان داد که چگونه می‌توان در شکست پیروز بود

۲. اشک بر امام حسین (ع)

اگر چه ما با دانستن جنایات و ظلمی که بر ابا عبدالله



تلاش دشمن در کم رنگ کردن تأثیر فرهنگ عاشورا
۱۲- فلسفه قرمز بودن پرچم حرم امام حسین (ع)
۱۳- حملات هدفمند دشمن به فرهنگ عاشورا
۱۴- کوفه به عنوان یک پایگاه برای بسیج نیروهای نظامی در تاریخ اسلام

نقش عنصر امامت در حفظ دین، تلاش دشمنان برای دامن زدن به اختلافات میان شیعه و سنی، تأثیر اعمال انحرافی و بدعتیهای عزاداری ها در تخریب اذهان نسبت به شیعه از اپیزودهای اصلی معنایی در گفتمان تاریخی - سیاسی بود
۱۵- نقش زنان در انتقال در سهای عاشورا ۱۶- مذکر و مؤنث بودن بودن قیام عاشورا ۱۷- سیاسی بودن عزاداری امام حسین (ع) ۱۸- فلسفه اشک، گونه شناسی و مأموریت تاریخی آن ۱۹- تازگی غم عاشورا بعد از گذشت قرن ها

۲۱- رابطه عشق و محبت به امام حسین (ع) و اشک
۲۲- تحت فشار بودن شیعیان در نقاط مختلف
۲۳- تحسین شخصیت امام حسین (ع) از سوی دشمنان ۲۴- امام حسین (ع) متعلق به کل بشریت و تمام اعصار

ج. جملات کلیدی

۱- امامت زدایی از دین محور تمام فعالیت های دشمنان اسلام است
۲- کربلا دو فصل دارد؛ فصل اول خون و فصل دوم پیام، کربلا دور هیر دارد یکی حسین (ع) و دیگری زینب (ع)، نقش زینب (ع) مترادف و متوازی نقش حسین (ع) است، زینب کبری به خوبی پیام امام را دریافت کرده بود از این رو توانست آن را به این خوبی بیان کند
۳- قیام امام حسین (ع) آنگاه ضرورت یافت که در جامعه بدعت جای سنت و منکر جای معروف نشسته بود/ ابا عبدالله به شیعه سبک زندگی آموخت و می آموزد، سبک زندگی حسینی زندگی از نوع جهادی است، امام حسین (ع) به آزادگان جهان آموخت که زندگی واقعی زندگی با عزت است و الا زندگی نداشت، زندگی با حاکمیت حق معنا دارد، زندگی با ذلت و ستمگران سخت است/ شهادت با سربلندی و نپذیرفتن ذلت پیام دیروز و امروز و فردای حسین (ع) است
۴- نهضت سیدالشهدا بر مدار عقل و عدل بود زیرا جامعه سالم نیازمند همین دو عنصر است، جامعه با این دو بال می تواند مقصود را در مقصد مشاهده کند تا به کمال برسد/ امام حسین (ع) خورش را داد که جامعه را از جهل نجات دهد/ ما هر چه عقلانیت را در جهان بیشتر گسترش دهیم ندای ملکوتی حسین بن علی (ع) را بهتر اجابت کردیم، اگر عزاداران آن حضرت عقل مدار و عدل مدار نباشند از مکتب ایشان چندان طرفی نمی بندند
۵- گریه بر امام حسین (ع) گریه ای سیاسی - عبادی گریه بر امام حسین (ع) گریه سیاسی - عبادی است نه گریه ذلت بار/ عزاداری هرساله امام حسین (ع)

صورت می گیرد، مناسک، شعائر و آداب و رسوم مردم همچون لایه هایی در هم تنیده در اطراف هسته اصلی واقعه تاریخی عاشورا قرار دارند که هم از آن حفاظت می کنند و هم بعضاً در تضاد با پیام واقعی آن قرار می گیرند، انتخاب زبان نامتناسب و مبتذل در بیان وقایع عاشورا خود بزرگترین محل لغزش است/ نوعی استحکام و متانت و وقار در بیان مرثیه محتشم وجود دارد که آن را فاخر و ماندگار می کند

۶. مداحان و عزاداری

برخی از مداحان نه تنها خواندنشان، بلکه لباس پوشیدن و رفتارشان نیز برای مداحی آسیب محسوب می شود، مداحان بدانند مردم وقتی به مداح سلام می کنند یعنی می خواهند به امام حسین اظهار ارادت کنند، اگر مداحی اخلاص نداشت و ندانست نوکر کیست والله امام حسین (ع) را از نظرها می اندازد/ مداح و ذاکرین باید از روایات دارای سند محکم در مجالس خود استفاده کنند/ در اوایل انقلاب نوحه هایی خوانده می شد که یک بندش به اندازه ده منبر مطلب داشت.

گفتمان تاریخی - سیاسی

الف. منظومه های واژگانی (واژگانی که بیشترین سهم از بار معنایی را در این گفتمان به خود اختصاص می دهند)

۱- امامت، اطاعت، ستون، هدایت، رهبری، سفینت النجاه ۲- قیام، نهضت، انقلاب، کارزار ۳- جنگ، جبهه، سپاه، مبارزه، فرمانده، انتقام جویی، شکست، استراتژی، فتح ۴- بدعت، انحراف، تحریف، جهل، خرافات ۵- دشمن، قساوت، جنایت، بیرحمی، پستی، رذالت ۶- مکتب، شیعه، تشیع، ایدئولوژی، تفکر، ۷- عقل، روشنگری، فلسفه، عقلانیت، اندیشه، معرفت

ب. اپیزودهای اصلی معنایی

۱- نقش عنصر امامت در حفظ دین ۲- تلاش دشمنان برای دامن زدن به اختلافات میان شیعه و سنی ۳- تأثیر اعمال انحرافی و بدعتیهای عزاداری ها در تخریب اذهان نسبت به شیعه ۴- لزوم اطاعت از امام و ولی ۵- ضرورت عقل مدار و عدل مدار بودن عزاداران حسینی ۶- قساوت دشمن و بستن آب بر یاران و اهل بیت امام ۷- اولویت داشتن علائق دنیوی برای مردم کوفه ۸- ضرورت روشنگری در قبال فلسفه قیام عاشورا ۹- تأثیر عاشورا در پیروزی انقلاب اسلامی ایران ۱۰- الگو گرفتن امام از حرکت ابا عبدالله برای هدایت حرکت های سیاسی مردم در انقلاب ۱۱-

شهادت طلبی، احترام و تواضع علما نسبت به عزاداران ابا عبدالله، توقع امام حسین (ع) از شیعیان و آسیب های مداحی از اپیزودهای اصلی معنایی در گفتمان اخلاقی - اعتقادی بود

شده است راحت تر اشک می ریزیم ولی بر بزرگواری امام حسین هم می توان اشک ریخت این اشک، اشک تعظیم است/ اکثر روایاتی که در مورد ثواب اشک بر ابا عبدالله وارد شده است قید معرفت دارد یعنی اشکی که با معرفت ریخته شود/ هیچ چیز در عزاداری ابا عبدالله جای اشک و روضه را نمی گیرد گاهی شنیدن یک جمله عاطفی باعث می شود انسان قسمتی از مراحل رشد معنوی را به یکباره بپیماید

۳. امام حسین (ع) کوتاه ترین مسیر قرب الهی

مسیر امام حسین (ع) کوتاه ترین مسیر برای رسیدن به قرب الهی و سعادت بشر است، برای درک حضور امام و انضمام به ایشان شرط ایجاد سنخیت و خروج از ولایت شیطان لازم است/ امام حسین (ع) از ما توقع دارد که خودمان و خانواده مان را بسازیم تا بتوانیم بر جامعه تسلط پیدا کنیم/ آنچه داریم از رحمت رحمانی خداوند است اگر آنرا در راه رحمت رحیمی خدا خرج نکنیم آنرا به هدر داده ایم، ایام محرم را غنیمت بشماریم

۴. عزاداری

هر کس از عزاداری معنایی در دلش دارد و تمام این معانی قابل تبیین نیستند، گاهی در میان مجامع مذهبی ما این تصور وجود دارد که عشق به امام حسین (ع) اختصاص به شیعیان دارد، معروف ترین میدان قاهره به عنوان شهری سنی نشین میدان امام حسین است/ امام حسین (ع) و یارانش به عزاداری ما نیازی ندارند این ما هستیم که به این عزاداری ها محتاجیم، برخی ممکن است که این توهم را داشته باشند که با هیئت داری و عزاداری هایشان یاد عاشورا را زنده نگه می دارند حال آنکه قضیه برعکس است و این عاشورا است که ما را زنده نگه می دارد/ عزاداری نباید فقط تحریک احساسات باشد و دست آخر مستمع چیزی به معرفتش اضافه نشود، مجالس عزاداری نباید خالی از موعظه باشد/ عزاداری بر امام حسین (ع) برای اینست که شمر زمانه خود را بشناسی، اگر عزاداری ما احیای امر دین نباشد باید در نوحش تجدید نظر کنیم/ خیلی مواقع آگاهی های ما در عمل ما تأثیر ندارد چرا که با تعلقات قلبی ما عجین نشده است از اینرو عزاداری بر امام حسین (ع) به ایجاد این پیوند کمک می کند، آنچه که در مجالس ابا عبدالله برای افراد رخ می دهد نوعی تجربه دینی است که افراد را در خود ذوب می کند و با خود می برد/ ظرفیت افراد مختلف برای عزاداری یکسان نیست و هرگاه عادت جای بصیرت را گرفت باید مکثی کنیم، عزاداری وقتی قبول است که منشأ تغییر و تحول منشی و رفتاری ما شود

۵. ضرورت استفاده از زبان فاخر در بیان قیام امام حسین (ع)

شخصیت های تاریخی وقتی از بستر تاریخی خود جدا می شوند به مرور زمان در مورد آنها تبدیلهایی



باعث طرح مسائل و سؤالاتی می‌شود که جنبه سیاسی و تعیین‌کننده دارد، اگر اشک بر امام حسین (ع) نبود تا بحال اثری از مکتب تشیع نبود/ واقعه عاشورا بواسطه شعارهای سیاسی و ایدئولوژیک و آزادی‌خواهانه و انسانی‌اش از سایر فجایع تاریخی قابل تمایز است/ شیعه در طول تاریخ از اشک سلاحی ساخت برای مقابله با دشمنانش، دنیا از اشک شیعیان بر ابا عبدالله تعجب می‌کند چرا که در تاریخ نمونه‌ای ندارد/ عزاداری با اشک شروع می‌شود ولی با شناخت خط امام حسین و مکتب ایشان ادامه می‌یابد.

نتیجه‌گیری کلی

باتوجه به نمونه‌های انتخابی و گونه‌بندی صورت گرفته بر روی گفتمان‌های موجود که متأثر از محتوای مناسک عاشورا هستند؛ به نوعی تبیین نظام فکری و معنایی خاصی که هریک از این گفتمان‌ها در پی تولید و انتقال آن به مخاطب اند نیز امکان‌پذیر است؛ این گفتمان‌ها پیش از هر چیز دارای نقطه عزیمت مشترکی می‌باشند که همانا ضرورت بزرگداشت حادثه عاشورا است؛ که البته از زاویه دید خود و باتوجه به اولویتهای مورد نظرشان و همچنین با ادبیات و واژگان خاصی به بیان آن می‌پردازند. درمورد گفتمان ادبی که به لحاظ تعداد برنامه‌ها و حجم محتوای تولیدشده، گفتمان غالب این برنامه‌ها محسوب می‌شود، می‌توان گفت که تبیین گفتمان ادبی نوعی جریان هنری محسوب می‌شود؛ اگرچه نگرش ایدئولوژیک خاصی در آن قابل تشخیص نیست ولی غلبه وجود نگاهی کاملاً انتزاعی به موضوع عاشورا را می‌توان به وضوح در آن مشاهده نمود؛ که به شدت تحت استیلای مضمون غم و سوگ و متأثر از احساس و عاطفه است؛ بنابراین کمتر ناظر بر تفکر و اندیشه دینی ایدئولوژیک است و تا حدی تقویت‌کننده نوعی دینداری صوفیانه و محدود به فضای خصوصی فردی است. در این گفتمان افراد علیرغم تفاوت‌های بینشی و اندیشگی، به واسطه ارادت و عشق به مرادی

مشترک است که در یک فضای واحد به هم ارتباط می‌یابند. در واقع در این گفتمان تراژیک، زاویه دیدی اسطوره‌ای و نوعی گرایش به اغراق و غلو وجود دارد و «بیش از اینکه نسبتی با واقعه حماسی - عرفانی عاشورا داشته باشد، انعکاس اجتماعی سوگواری‌های شخصی و دردهای فردی - جمعی و بازخوانی آلام تاریخی و خشونت‌ها و ستم‌هایی است که بر خود افراد رفته است و در آن عاشورا به مثابه ملجأ و پناهگاهی است که تا در سایه اندوهبار آن با گریستن، برائت وجدان و سبکباری روحانی پیدا کنند. بدون اینکه تأمل و تفکری عمیق در بنیادها، ذات و آثار این واقعه داشته باشند».



در این میان، ارادت و محبت به امام حسین (ع)، وفاداری حضرت ابا الفضل (ع) مظلومیت امام حسین (ع) و اهل بیت ایشان، توصیف صحنه‌های شهادت امام و یارانش، بی‌پناه ماندن و اسارت زنان و کودکان، بی‌آبی و عطش و تشنگی اطفال و... از دستمایه‌های اصلی معنایی در این گفتمان محسوب می‌شوند. بعد از گفتمان ادبی، غلبه با گفتمان اعتقادی - اخلاقی است، که این گفتمان علاوه بر دارا بودن نقطه مشترک با عامه مردم در مورد ضرورت گرامیداشت حادثه عاشورا، به عنوان یکی از مظاهر اصلی شعائر دینی و برگزاری مراسم عزاداری امام حسین (ع)، از منتقدین جدی انحرافات و آسیب‌هایی است که متوجه این مجالس است. این گفتمان به واسطه پشتوانه نهاد دین و همچنین برخورداری از قدرت ناشی از وجود حاکمیت دینی، از موضعی هژمونیک و الزام‌آور نسبت به عزاداری عامه برخورداری باشد. در مقابل بیان لزوم اقتباس عملی از الگوهای عزاداری علما و مرجعیت از مواضع روشن و برجسته این گفتمان است. الگویی که متکی بر نص صریح قرآن و معارف آن و همچنین برگرفته از سیره پیامبر (ص) و ائمه (ع) است و علاوه بر لزوم گریستن به مصائب معصومین (ع)، به اولویت در پابندی به احکام فقهی و دستورات شرع در عملکرد مردم در مجالس عزاداری تأکید فراوان دارد که به نوعی اکتفا و اقتصار ورزیدن به بُعد کلامی واقعه و غفلت از ابعاد دیگر واقعه عاشورا است. لزوم توجه به قرائتهای مختلفی که می‌توان از عاشورا داشت و توجه به پیام اصلی عاشورا و متوقف نشدن در ظواهر مناسکی پیرامون آن، و در مجموع توصیه به عزاداری با معرفت از پیرودهای اصلی معنایی این گفتمان است. یکی از مهم‌ترین ارکان تولید

گفتمان ادبی نوعی جریان هنری محسوب می‌شود؛ اگرچه نگرش ایدئولوژیک خاصی در آن قابل تشخیص نیست ولی غلبه وجود نگاهی کاملاً انتزاعی به موضوع عاشورا را می‌توان به وضوح در آن مشاهده نمود

معنا در هر گفتمان دینی، مقوله تاریخ و ذهنیت تاریخی آن فرهنگ و مومنان بوده و ویژگی فهم پدیده‌های فرهنگی، وجه تاریخی آنها و تاریخمندی فهم از آنهاست.

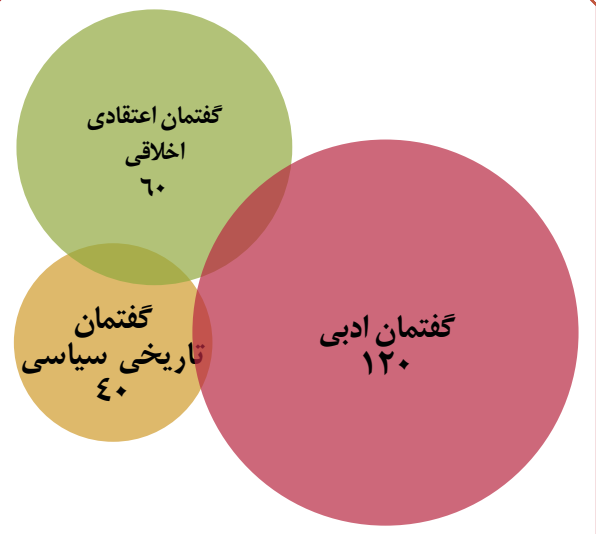
از مهم‌ترین ویژگیهای حادثه عاشورا، برخورداری از جوه بزرگ اجتماعی و سیاسی است. گفتمان تاریخی - سیاسی اگر چه به لحاظ تأثیر در نوع محتوا محوریت اساسی تولید برخی از برنامه‌های شبکه را تشکیل می‌دهد، ولی با این حال کمترین حجم محتوایی در بین برنامه‌ها را به خود اختصاص داده است. در این

میان علاوه بر حجم کم برنامه‌سازی، بیشتر شاهد مستقیم‌پردازی رسانه‌ای هستیم که از نقاط ضعف ارائه محتوا به مخاطب محسوب می‌شود؛ به‌طوری‌که برنامه‌هایی که قرار است محتوای تاریخی - سیاسی از حادثه عاشورا ارائه دهد اغلب در قالب گفتگو ارائه می‌شود و قالبهای رایج رسانه‌ای و هنری در این حوزه کمتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

نگاه علمی و آسیب‌شناسانه به تاریخ عاشورا و معرفی مطالب دروغ و گزافه، پرداختن به فرهنگ عاشورا و معرفی امام حسین (ع) به عنوان پیام‌دهنده به کل بشریت در طول تاریخ، ماندگارشدن پیام امام حسین (ع) در تاریخ، واکاوی شرایط اجتماعی و تاریخی قیام ابا عبدالله و پرداختن به کوفه به عنوان شهری با شرایط سیاسی - امنیتی خاص، همچنین پرداختن به مناسک عاشورا به مثابه ابزار تبلیغ و ترویج معارف دینی و رسانه قوی شیعه در طول تاریخ، صورت‌بندی‌های مختلف مناسک عاشورا تحت تأثیر فرهنگ و شرایط تاریخی - سیاسی، تلاش دشمنان برای دامن زدن به اختلافات میان شیعه و سنی، تأثیر اعمال انحرافی و بدعتهای عزاداری‌ها در تخریب اذهان نسبت به شیعه از محورهای اساسی این گفتگوها و از پیرودهای اصلی و تعیین‌کننده در این گفتمان محسوب می‌شوند.

منابع:

- هوزر، استوارت، لاندی، نات، ۱۳۸۹، بازاندیشی درباره رسانه، دین، فرهنگ، ترجمه مسعود آریایی‌نیا، تهران سروش
- هوزر، استوارت، ۱۳۸۷، بازاندیشی درباره رسانه، دین و فرهنگ، ترجمه مسعود آریایی‌نیا، تهران، انتشارات سروش
- کاهیرده، نسیم، ۱۳۸۹، تحلیل گونه‌های گفتمانی متأثر از محتوای مناسک عاشورا، دوفصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه» شماره پنجم، پاییز و زمستان ۱۵۷ - ۱۷۴



فراوانی کلی واژگان در حلقه‌های معنایی مربوط به هر گفتمان

هر کسی مثل خودش عزاداری می‌کند

سوگواره هنر عاشورایی به هشتمین

ایستگاه خود رسید ✨ حامد جبرودی



درباره کیفیت پرداختن به این موضوعات از نظر اجرایی در آثاری که به این سوگواره رسیده است، توضیح داد: «به عنوان دبیر این سوگواره و ناظر بر انتخاب آثار، شاهد آثار بسیار خوبی بودم که بارقه امیدی را نوید می‌داد، در آثار ارسالی قابلیت‌های خوبی به چشم می‌خورد و به نظرم افراد شرکت کننده با عشق قلبی و ارادتی که به موضوع عاشورا و امام حسین (ع) داشتند، هر کدام در اندازه بضاعت خود شرکت کرده بودند. شاید آثار ارسال شده به این سوگواره عالی نبود اما اخلاص و ارادت شرکت کنندگان در آثارشان نمایان بود و اگر چه آثار بسیاری به دلیل محدودیت ارائه آثار در بخش نمایشگاهی ریزش داشت اما آثار افراد برتر این سوگواره بسیار درخور بود و خلایقیت و نوآوری که از اهداف برگزاری این سوگواره است، در آثارشان دیده می‌شد.»

این بانوی نقاش درباره سرنوشت آثار برتر این سوگواره و استفاده از آن‌ها در هیئت‌ها، تکایا و مراسم‌های مذهبی بیان کرد: «برای آثار برتر این سوگواره، برنامه ریزی می‌شود که در محافل جمعی مذهبی در دسترس مردم جامعه قرار گیرد. به‌ویژه بخش پرچم‌های عاشورایی این قابلیت را دارد که می‌توان در هیئت‌ها، تکایا و مراسم‌های مذهبی به مناسبت عاشورا از آن‌ها استفاده کرد.»

سوگواره در مسیر بین‌المللی شدن

مرتضی گودرزی مدیر مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری با تشریح روند برگزاری این سوگواره در سال‌های گذشته، عنوان کرد: «این سوگواره ابتدا با موضوع پوسترهای عاشورایی آغاز به کار کرد و اکنون با عنوان سوگواره «هنر عاشورایی» هشتمین دوره آن را برگزار کردیم. این سوگواره بعد از توقفی یک ساله در سال گذشته، تصمیم گرفته شد که همچنان به صورت سالانه برگزار شود و امیدوار هستیم که موانع سر راه برگزاری این جشنواره‌های هنری هم برداشته شود تا ما هم بتوانیم به شکل بهتری کارمان را انجام دهیم. وی در بخش دیگری از سخنانش به تفاوت «سوگواره هنر عاشورایی» با دیگر جشنواره هنری که در سراسر کشور برگزار می‌شود، اشاره کرد: «سوگواره هنر عاشورایی مثل سایر جشنواره‌های

در بخش پوستر محمد صادق محمدپور، سید محمد هادی قادری و نصیر بشیری نفرات اول تا سوم شدند. در بخش مادر شهید نفربرتر انتخاب نشد و خانم‌ها سولماز جهانگیر و سمیه علیپور دوم و سوم شدند. در بخش تصویر سازی پرچم هم میثم نامدار، محمد تقی‌پور و مسلم علیزاده اول تا سوم شدند. در بخش حماسه عاشورایی نیز الهه امیر اصلانی، مهدی جوادی‌پور و راحله کریم بخش نفرات برتر شدند. جوایز بخش پوستر و پرچم این سوگواره، شامل دیپلم افتخار و مبلغ ۳۰ میلیون ریال به نفرات اول در هر موضوع، دیپلم افتخار و مبلغ ۲۰ میلیون ریال به نفرات دوم در هر موضوع و دیپلم افتخار و مبلغ ۱۰ میلیون ریال به نفرات سوم در هر موضوع خواهد بود.

همچنین جوایز اعلام شده در بخش تصویرسازی شامل دیپلم افتخار و مبلغ ۳۵ میلیون ریال به نفرات اول در هر موضوع، دیپلم افتخار و مبلغ ۲۵ میلیون ریال به نفرات دوم در هر موضوع و دیپلم افتخار و مبلغ ۱۵ میلیون ریال به نفرات سوم در هر موضوع بود.

پوستر اصلی و پوستر فراخوان سوگواره را محمد صابر شیخ رضایی طراحی کرده بود.

با عشق، با ارادت

صدیقه سلمان دبیر هشتمین «سوگواره هنر عاشورایی» با اشاره به بارقه‌های امیدبخشی که در آثار ارسالی به این سوگواره شاهد بوده است،



۲۲ هر ساله با فرا رسیدن ماه محرم، متولیان و برپاکنندگان خیمه‌ها و حسینیه‌ها، با استفاده از پرچم‌ها، عناصر، اشیاء و تصاویر مختلف آنها را تزئین می‌کنند که اغلب نمادینند و ساده‌ترینشان پارچه‌ای سیاه که سطوح بزرگ را می‌پوشاند و مقدم بر دیگر عناصر است. گروهی نیز هر ساله برای اماکن عزاداری، مشغول تهیه و تولید پرچم‌ها و تصاویر و عناصر تزئینی مذکور هستند تا به مراسم عزای محرم آن سال برسد. در این میان افراد با ذوق و هنرمندان نیز یا بر اساس ذوق و احساس درونی و انگیزه‌های اعتقادی و یا به سفارش نهادهای رسمی و حقیقی و حقوقی اقدام به خلق آثاری می‌نمایند.

اما حالا چند سالی است که با همت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، سوگواره‌ای با عنوان هنر عاشورایی برگزار می‌شود که باعث شده تا علاقمندان بسیاری در آن شرکت کنند و بطور مرتب آثار خود را درباره عاشورا ارائه می‌دهند. جشنواره‌ای که به خاطر موفقیتش نمونه‌های بعدی هم پیدا کرد. هشتمین دوره سوگواره عاشورایی حوزه هنری، آبان سال ۹۳ برگزار شد و شرکت کنندگان در بخش‌های مختلف آثار خود را ارائه دادند. آثاری که عشق به امام حسین (ع) در همه آنها نمایان بود.

این دوره در سه بخش پوستر، تصویرسازی و پرچم‌های عاشورایی برگزار شد که در بخش پوستر موضوعات «واقعۀ عاشورا»، «مادر شهید» و «المان‌ها و نشانه‌ها عاشورایی» مطرح و در بخش تصویرسازی نیز موضوعات «واقعۀ عاشورا» و «مادر شهید» در نظر گرفته شد.

از میان تعداد ۱۴۰۴ اثر رسیده به سوگواره که به تفکیک ۹۵۳ اثر در بخش پوستر، ۳۱۰ اثر در بخش تصویر سازی و ۱۴۱ اثر در بخش پرچم بودند، تعداد ۳۰ اثر در بخش پوستر، ۴۹ اثر در بخش تصویر سازی و ۱۳ اثر در بخش پرچم به نمایشگاه پایانی راه یافتند.

در بخش پوستر و پرچم محمد خزایی، احمد آقایی‌زاده و فرشته سعیدا و در بخش تصویرسازی نیز ابوالفضل همتی آهویی، محمدعلی بنی‌اسدی و عصمت افضل طوسی داوری آثار را بر عهده داشتند.



هنری بسیاری که برگزار می‌شود صرفاً یک همایش و نمایش نیست بلکه از همان ابتدا با نیت متفاوتی پایه گذاری شد و بنا داشته و داریم که آثار هنری را که مبتنی بر باورهای عاشورایی از سوی جوانان هنرمند متعهد و معتقد خلق می‌شود، در فضای عمومی کشور و اماکنی که مستقیم با مردم در ارتباط است، به نمایش بگذاریم و با نگاهی کاربردی و عملیاتی بتوانیم این آثار را در حسینیه‌ها، تکایا، خیابان‌ها و... شاهد باشیم.

وی درباره تلاش حوزه هنری در زمینه ارائه آثار برتر این سوگواره در اماکن عمومی مثل تکایا و حسینیه‌ها توضیح داد: «قصد ما این است که این آثار به میان مردم برود و در این زمینه تلاش‌هایی هم کرده‌ایم به این معنی که فایل‌ها و نرم افزارهایی این آثار را با کسب اجازه از هنرمندان آن به صورت رایگان در اختیار کسانی قرار خواهیم داد که طالب این آثار باشند و بخواهند آن‌ها را در ابعاد بزرگ تکثیر کرده و با کیفیت مناسب در اماکن مذهبی استفاده کنند.»

گودرزی دیباج درباره عنوان بین المللی شدن این سوگواره با توجه به موضوعی که به نظر می‌رسد، علاقه مندان آن در سطح دنیا فراگیر نباشد، بیان کرد: «ابتدا قصد داشتیم این سوگواره را سال آینده در سطح منطقه‌ای برگزار کنیم اما بعد تصمیم گرفته شد که بین المللی باشد چرا که حدود ۵۵ کشور اسلامی در سطح دنیا داریم و امام حسین (ع) نیز تنها مختص شیعیان نیست و اگر پیام عاشورا به درستی به مخاطبانش منتقل شود، علاقه مندان بیشتری نیز خواهد داشت، بنابراین ما نگران نداشتن مخاطب در سطح دنیا نیستیم، چرا که علاوه بر کشورهای اسلامی، در کشورهای غیر اسلامی نیز انسان‌های آزاداندیشی هستند و ما هم



پذیرای همه همدلان و همراهان با پیام عاشورایی امام حسین (ع) از سراسر دنیا برای شرکت در این سوگواره هستیم. در حال حاضر در اندازه بضاعت خودمان از کشورهای اسلامی روند بین المللی شدن این سوگواره را آغاز خواهیم کرد و امیدواریم که در سالهای آینده بتوانیم در سراسر جهان این موج پیام هنر عاشورایی را ایجاد کنیم.

موضوع عاشورا، موضوعی اخلاقی □ انسانی

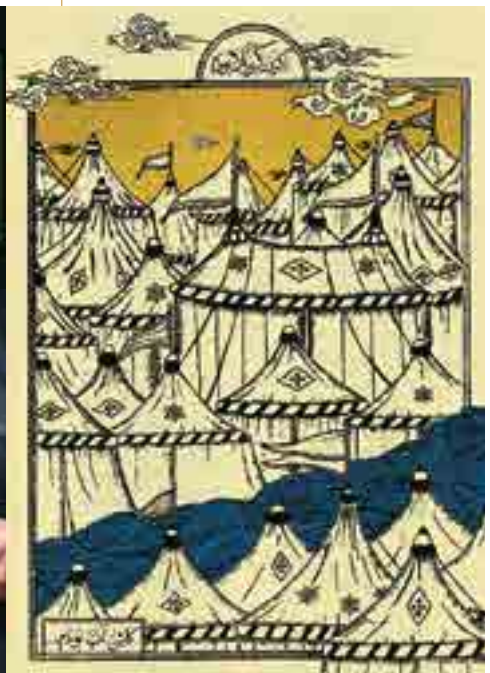
فرشته سعیدا از داوران هشتمین سوگواره هنر عاشورایی درخصوص این سوگواره گفت: «موضوع عاشورا یک موضوع اخلاقی - انسانی است. افراد اگر درک عمیق، شناخت و مطالعه مناسبی نسبت به واقعه کربلا و هر واقعه انسانی دیگری داشته باشند، آثار عمیق‌تر و هنرمندانه‌تری خلق خواهند کرد. اما اینکه چگونه باید این عمق اتفاق بیفتد، شاید کلید حل آن در دست رسانه‌ها و

پژوهش‌های خود هنرمندان است. مسائل انسانی مواردی نیستند که با آن ناآشنا باشند. با شناخت مسائل انسانی می‌توان آن‌ها را در قالب هنر متبلور کرد و این گونه به جامعه یاری رساند.»

جدا کردن مخاطب از مسائل زمینی

محمدعلی بنی اسدی از داوران هشتمین سوگواره هنر عاشورایی نیز درباره روند داوری این سوگواره گفت: «در یک جشنواره مرتبط با مسائل مذهبی دیگر این سوال برایم مطرح شده بود که یک اثر هنر دینی باید چه مشخصاتی داشته باشد. در هنر غربی پرداختن به مضامین دینی واجد نگاه زیباشناسانه خاص خودشان است اما حداقل انتظاری که از یک اثر عاشورایی و دینی می‌رود این است که حتی برای لحظه‌ای شما را از مسائل زمینی جدا کند. در آثار عاشورایی شیوه مقامی و جایگاه از یک سوی و یا ایده گرفتن از مراسم عزاداری به شکل نماد و آیکون برای به تصویر کشیدن سوگ و غم دو راه را پیش پای هنرمند جوان می‌گذارد تا دست به خلق اثر بزند. باید برای خلق اثر آدابی را رعایت کرد، ریتمی داشت و در فضای آن بود.»

عفت السادات افضل طوسی، یکی دیگر از داوران این سوگواره گفت: فرصتی نیکویی برای من پیش آمد، که در یک محیط متعالی مشغول به فعالیت شوم. امید دارم حضور افراد در چنین سوگواره‌ای این باشد که آن فرد حداقل فکر کند تا اثری خلق شود که با نام و حضور امام حسین (ع) متعالی گردد. خلق اثر در چنین فضایی مربوط به هنر مقدس است و تعارف پذیر هم نیست. به عقیده شخص من، نگاه کردن به این هنر مانند تابش نور





مدرس، درخصوص سوغواره هنر عاشورایی گفت: «بحث را باید از قالب‌ها آغاز کنیم. یک پژوهشگر غربی معتقد است که آثار دوران رنسانس آثار مذهبی نیستند، بلکه قالب مذهبی دارند. قالب بسیار مهم است، نمی‌توان با الفاظ و ریتم شعر سهراب سپهری، یک شعر حماسی سرود؛ زیرا لحن سپهری برای این کار مناسب نیست. نقاشی‌های دوران بیزانس و مجسمه‌های دوران گوتیک قالب‌های مناسبی برای طرح مسائل مذهبی مسیحیت هستند. باید قالب‌ها را شناخت و «حال» و «حضور» برای شرکت در یک سوغواره وجود داشته باشد. چاپ‌های سنگی که دانشجویان به دنبال آن می‌روند، روایت ساده و عام دارد که جامعه آن را درک می‌کند. هنر باید به طور ذاتی دنبال نوآوری باشد. اگر هنرمندی نوآوری نکند، پیشرفتی نداشته و چیز جدیدی خلق نکرده است. می‌توان زاویه نو، قالب نو و رویکرد جدید یافت و به آن پرداخت. حس، حال و وحدت اجزا مهم است. اقتباس درست حتی از یک تصویرگر غربی باشد، به شرط آداپته کردن درست، بسیار هم خوب است. می‌توان از هر چیزی ایده و وام گرفت.»

همان دوره‌های نخست برگزاری این سوغواره بود که باعث اعتراض شد که این گونه پیش نرود، چون نگاه سطحی کمک نمی‌کند. فاجعه از زمان تکثیر آموزشگاه‌های گرافیکی و نبود اساتید آموزش دیده که نمی‌توانند به مبانی فکری و تکنیک قوی جوانان کمک کنند آغاز شد.

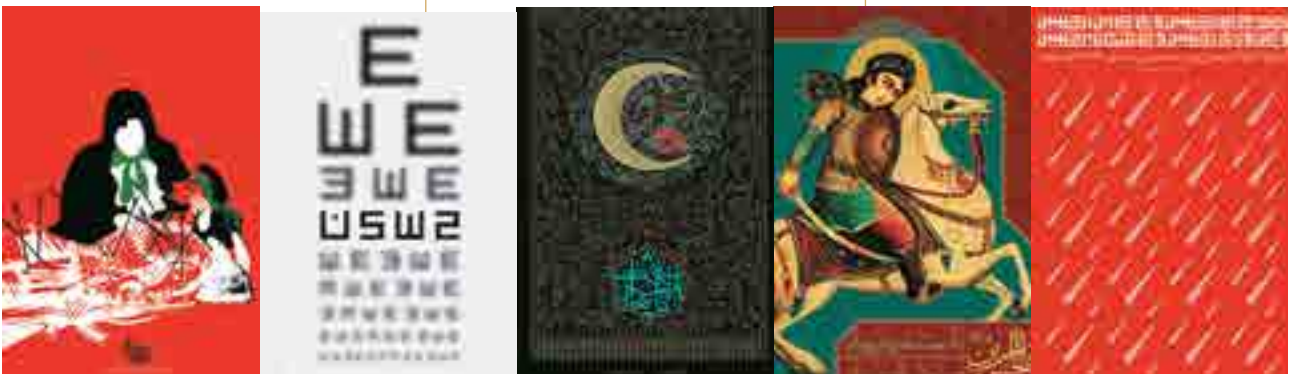
آقا قلی‌زاده افزود: «در موارد متعددی، در بسیاری از جشنواره‌ها شاهد کپی کاری آثار بودیم. خوشبختانه یا متأسفانه برای حضور در این سوغواره هیچ منبع خارجی وجود ندارد و تنها به آثار چاپ سنگی یا نقاشی قهوه خانه‌ای رجوع می‌شود؛ چون به دنبال طرح‌های تکراری قاجار می‌روند. باید مفاهیم را پیدا کنیم و با مصادیق مهم آن در جهان امروز مقایسه کنیم. باید ابتدا محتوا را بیابیم و سپس به روز کنیم. به طور مثال، لازم است بدانیم پوستر باید شبیه دوبیتی باشد نه غزل؛ یعنی گویا و موجز باشد. بهترین روش این است که پوسترهای تمامی دوره‌ها در یک کتاب چاپ شود تا برای آیندگان بماند.»

اینجا «حال» و «حضور» مهم است
مرتضی حیدری عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت

به منشور است که در چنین هنری مقدس و با موضوعی مقدسی است، مانند امام حسین (ع) که به اندازه خودش در معرض این نور قرار می‌گیرد.» این داور هشتمین سوغواره هنر عاشورایی درخصوص الگوبرداری در آثار نوین گفت: داوران با انتخاب‌هایشان شرایطی را به وجود می‌آورند که برای آینده الگو شود. به همین دلیل بسیاری از آثار رسیده به این سوغواره چاپ سنگی را الگو قرار داده بودند. شمایل نگاری دوره قاجار را به امروز می‌آورند، این مسئله شاید برای این است که مثلاً آمادگی نداریم.

خبر انتشار کتاب سوغواره

احمد آقا قلی‌زاده داور هشتمین سوغواره هنر عاشورایی درمورد این سوغواره گفت: «ابتدا باید به این نکته اشاره کنم که انگیزه تاسیس سوغواره هنر عاشورایی، دشمنان بودند. در خیابان‌های شهر شمایل نگاری‌های فجیع و نامناسبی می‌کشیدند که باعث بغض در هنرمندان متعهد و مذهبی می‌شد تا آن‌ها بروند دنبال الگویی مناسب و با ایجاد آن از انحراف جلوگیری شود. تا دوره پنجم دیدم که تغییرات خاصی صورت نگرفت. در اوج



هر روز عاشورا

تصاویری متفاوتی از تعزیه خوان ها به روایت یک عکاس



کردم اما توضیح دادن ماجرا برای آنها بخش دیگری از سختی کار بود. مدام درباره کار از من توضیح می خواستند و یا یک نفر به من گفت: رویم نمی شود با لباس تعزیه بروم داخل نانوايي؛ مردم چه فکرمی کنند؟ از این جهت توضیح دادن و توجیه کردن این افراد کار سختی بود هر چند که بعضی ها هم به خوبی مسئله را درک کردند و از این کار استقبال کردند. یکی از تعزیه خوانان که نقش شمر را بازی می کرد به من گفت: ایده شما خیلی جالب است، همه فکرمی کنند چون من نقش شمر را بازی می کنم آدم بدی هستم. خوب است که مرا در نقش اصلی خودم در زندگی می بینند و اینکه من به خاطر عشق و علاقه شخصی تعزیه اجرا می کنم.

روایت سوم/ استقبالی که شد

واکنش ها بعد از انتشار این عکس ها خیلی خوب بود و همه استقبال کردند. چون نگاه نویی به موضوع تعزیه به عنوان مراسم سنتی، آیینی و مذهبی ما داشت. خود تعزیه خوان ها هم از کار استقبال کردند و الان راحت تر می توانم کار را انجام دهم. این استارت کوچکی بود برای شروع و مطمئناً باید بسط داده شود و در فکر برپایی یک نمایشگاه یا انتشار کتابی در این خصوص هستم. عکس های تعزیه خوانان در نقش های واقعی کاملاً مستند است و هیچ دخل و تصرفی در آنها نشده. فقط آن آدم لباس تعزیه پوشیده و سر شغل خود حاضر شده و فکر می کنم مزیت آن به مستند بودن عکس هاست.

روایت چهارم/ تعزیه خوانان دوست داشتنی نجف آباد

این تعزیه خوان ها از شهرستان نجف آباد اصفهان و روستاهای اطراف آن هستند. برخی از این افراد خصوصاً اهالی روستاهای اطراف اصفهان با عشق و علاقه وهزینه شخصی خودشان و به عشق امام حسین (ع) لباس تعزیه را خریده بودند و به زیبایی نقششان را اجرا می کردند. گویی که این نقش ها با ذهن و روح و جسم آنها عجین شده بود. ۴۶

روایت نخست/ ایده ای که شکل گرفت

از وقتی کار عکاسی را شروع کردم همیشه ایام ماه محرم و صفر برای عکاسی از این مراسم ها به جاهای مختلف می رفتم. هر چند که از دوران کودکی نیز همراه پدر و مادرم در مراسم های عزاداری ماه محرم و تاسوعا و عاشورا حضور داشتم. اما از سال گذشته که از برخی مراسم های خیمه سوزی و کاروان های نمادین عاشورا و مراسم های تعزیه عکاسی می کردم، مدام به این موضوع فکر می کردم که ما می توانیم فضاهای متفاوتی را از آدم هایی که در این نقش ها حضور دارند، داشته باشیم. حدود یک سال ذهنم درگیر نحوه اجرای این ایده بود که هم متفاوت عکاسی کنم و هم اینکه یک سری عکس مستند از تعزیه خوانان داشته باشیم. برایم جالب بود که بدانم این تعزیه خوانان در لباس و زندگی شخصی خودشان اثراتی از نقشی که بازی می کنند دارند یا نه. به این فکر کردم که یک بچه مدرسه ای که در تعزیه نقش حضرت رقیه (س) را بازی می کند، در فضای مدرسه چه حال و هوایی دارد و ذهنش درگیر این نقش هست یا نه. این فضا را در ذهن خودم تجسم کردم که یک نوجوان دبیرستانی که نقش حضرت علی اکبر (ع) را بازی می کند، شاید در کلاس درس ذهنش متوجه نقشش در اجرای تعزیه می شود.

روایت دوم/ اجرایی که سخت بود

اجرای کار بسیار سخت بود، برای اینکه اول باید این آدم ها را پیدا می کردم و به آنها دسترسی نداشتم. از آنجایی که اصفهانی هستم و پدر و مادرم هنوز ساکن این شهر هستند، یک هفته قبل از شروع محرم سفری به اصفهان داشتم و آنجا با چند نفر از مسئولان هیات ها صحبت کردم و ایده ام را برایشان توضیح دادم، ولی متوجه منظور من نمی شدند. به هر سختی بود این آدم ها را پیدا



مرضیه موسوی
عکاس خبرگزاری ایرنا





گریه بر مقتل خوانی امروز ما

بررسی حواشی مقتل خوانی
بازیگران سینما و تلویزیون

صد یقه سادات بهشتی

بر آسمان می‌افشاند. آن گاه ستایش و سپاس خدا به جای آورد و گفت: خدایا، من شکوه به درگاه تو می‌آورم که بر سر فرزند پیامبرت چه می‌آورند!«
مطالب مقتل‌های قدیمی به همین سادگی هستند. نه شعری در کار هست، نه زبان حالی، نه توصیفی، یکی از مهمترین اتفاقات در حوزه مقتل نویسی، وقتی پیش آمد که ملا حسین کاشفی سبزواری (متوفی ۹۱۰ ق)، اولین مقتل به زبان فارسی را نوشت.

سلطان حسین بایقرا یکی از امیران تیموری از او خواست مقتلی به زبان فارسی بنویسد تا فارسی زبان‌ها هم بتوانند راحت مقتل بخوانند و ملا حسین کاشفی، «روضه الشهداء» را نوشت؛ کتابی که به خاطر نبود مقتل فارسی، نثر آهنگین خود کتاب و نیز حمایت دربار، بلافاصله در سرتاسر ایران رواج پیدا کرد و حتی باعث شد به همه مجالس عزاداری امام حسین(ع) «روضه خوانی» بگویند. در دوره صفویه، کتاب‌های متعددی به تقلید از «روضه الشهداء» نوشته شد که بیشترشان دارای منابع جعلی و روایات بی‌پایه و اساس بودند. اولین کسی که نسبت به تحریفات مقاتل جدید موضع گرفت، امیرکبیر بود که در زمان صدارتش، خواندن «اسرار الشهادات» در مجالس روضه رامنوع کرد. سید جمال الدین اسدآبادی هم دست به

نکردنی بوده که مردم بخواهند درباره جزئیات‌اش بدانند، ثانیاً این واقعه برای شیعیان اهمیت بسیار داشته و دارد و امامان شیعه(ع) تأکید بسیاری در مورد آن کرده‌اند. سومین دلیل این تعداد بالای مقتل هم به ممانعت‌های بنی‌امیه برای جلوگیری از انتشار اخبار عاشورا بر می‌گردد. مثل همیشه، ممنوعیت نتیجه عکس داده و شیعیان به جای حرف زدن درباره عاشورا که موجب آزار و اذیتشان می‌شد درباره آن، پنهانی نوشته‌اند.

راویان حادثه کربلا ۳ گروه هستند؛ گروه اول خود خانواده، گروه دوم از راویان عاشورا، خود دشمنان بوده‌اند. گروه سوم از منابع کتابهای مقتل هم آن دسته از شیعیان و دوستانشان امام حسین(ع) هستند که نتوانستند در روز عاشورا امام را همراهی کنند. یکی از این افراد، اصبع بن نباته بود؛ او یکی از اصحاب خاص امام علی(ع) بود که در صفین برای امام جنگید و در آخرین لحظات عمر امام(ع) هم بر بالین او بود. او در زمان عاشورا، در زندان به سر می‌برد. اولین مقتل را همین اصبع بن نباته(درگذشت ۶۴ ق) نوشت.

«حسین تشنه گشت. خود را به رود فرات رساند و خواست آبی بنوشد. حسین بن نمیر تبری بر او افکند که بر دهانش فرود آمد و آن را لبالب از خون ساخت. او خون دهان با دست می‌گرفت و

»مقتل خوانی سنت فراموش شده‌ای است که این روزها همه توصیه به آن می‌کنند. حالا این که این مقتل اصل چی هست؟ کی آن را نوشته؟ کجا پیدا می‌شود؟ چند تا مقتل داریم؟ بین مقتل‌های مختلف فرقی هم هست؟ اگر فرقی هست، کدامشان بهتر است؟ به کدامشان سر بزنیم؟ و کلی سؤال دیگر برای ما پیش می‌آید و در کنار همه این سؤال‌ها، اینکه آیا فرقی می‌کند که چه کسی این مقتل را روایت کند؟ این روزها برای ما مهم‌تر است.

مقتل خوانی، خواندن از روی کتاب‌های «مقتل» است؛ کاری که قبلاً به جای مداحی انجام می‌شد و حالا جایش را روضه‌خوانی، یعنی خواندن از روی یک مقتل خاص، (کتاب روضه الشهداء) گرفته است.

مقتل به معنای قتلگاه و محل کشتن است اما در فرهنگ ما، لفظ «مقتل» در مورد کتاب‌هایی به کار می‌رود که یک حادثه خونین را شرح بدهد و منجر به قتل شخصیتی شده باشد و معروف‌ترین مقتل خوانی، خواندن از روی کتاب‌های «مقتل» است. برای امام حسین (ع) بیش از ۷۰ مقتل موجود است. حادثه کربلا و شهادت نوه پیامبر(ص)، فقط ۵۰ سال بعد از رحلت آن حضرت به خودی خود آن قدر عجیب و باور





در شب نماز و وعده دیدار از او پرسیدند مرگ چگونه است و او به شیرینی لبخندهایی گفته است: شیرین تر از عسل.

در حین مقتل خوانی بهداد در خیمه ۱۰ حضور جمعیت به قدری زیاد بود که مسوولان برگزاری سوگ چامه‌ها، پرده‌های خیمه را کنار زدند تا جمعیت بیرون از خیمه شاهد مقتل خوانی بهداد باشند.

و اما مقتل خوانی بهاره رهنما که شب بعدش با انتشار متنی در صفحه شخصی‌اش در فیس بوک شروع شد:

«دیشب اجازه گرفتم و رورانس نمودم دقیقه نود رسیدم اما بالاخره رسیدم میان خیمه‌هایی که به تبرک نام حسین (ع) بر پاشده بود دعوت بودم به عنوان سفیر انجمن حمایت از کودک به خوانش مقتل خوانی حضرت رقیه (س) تمام طول راه

مجازی همراه بود.

در یکی از شب‌های این مراسم الهام پناه نژاد به مقتل خوانی پرداخت. او که مقتل حضرت زینب (ع) را در فضای معنونی خیمه خواند، گفت: من پیش از این نیز سابقه مقتل خوانی نداشته‌ام اما در زمینه تعزیه فعالیت کرده بودم و با این فضا بیگانه نبودم.

من نمی‌توانم برای کارهای دلی نامی بگذارم و معتقدم که کاری که برای دل انجام می‌شود، هیچ نامی ندارد و بی‌نام است.

الهام پناه نژاد معقد بود: گاهی اوقات نمی‌توان بهای و ارزش مادی برای کارهایی که انجام می‌دهیم قائل شد، چرا که آن کار را با دلمان انجام می‌دهیم. مقتل خوانی نیز از جمله این کارهاست.

حامد بهداد در شرایطی وارد خیمه ۱۰ سوگ چامه‌ها برای مقتل خوانی شد که تعزیه خوانان میناب

نگارش مقتل جدیدی زد. حتی پسر عباس میرزا هم مقتلی خالی از خرافات نوشت. شیخ عباس قمی (متوفی ۱۳۵۹ق) گردآورنده مفاتیح «نفس المهموم» را نوشت. و شهید مطهری هم بارها در کتاب‌هایش از کسانی که به تحریف وقایع عاشورا می‌پردازند به بدی یاد کرده است. این سال‌ها هم که مدام از مداح‌ها خواسته می‌شود دوباره از روی مقتل بخوانند؛ از روی مقاتل معتبر قدیم.

مقتل خوانی به سبک سلبریتی‌ها آذر ماه ۹۳ که مصادف بود با اواخر محرم برنامه‌هایی به نام «سوگ چامه‌ها» عزاداری آیینی در ۱۰ خیمه در محل برج میلاد تهران برگزار شد که به تنهایی بار حواشی زیادی را به دوش کشید. «سوگ چامه‌ها» عنوان اجتماع آیینی اصحاب فرهنگ و هنر بود که با هدایت و کارگردانی حسین پارسایی در برج میلاد برگزار شد. نقالی، پرده خوانی، چلووش خوانی، شروه خوانی و



گفتم اگر نرسم لابد لیاقت نداشتم اما بالاخره شکر رسیدم رسول نجفی‌ان عزیز با ساز دیوان همراهی ام کرد و اشک اما مکث‌های طولانی انداخت میان کلمات مقتل خوانی ام، حس می‌کردم موج قضاوت‌ها و نیز محبت‌ها را اما خواندم بی‌ترس از اینکه چقدر برجسب بخورم یا نخورم از عزیزترین و پر لذت‌ترین اجراهای عمرم بود این برنامه مقتل خوانی تا شنبه در محوطه برج میلاد ادامه دارد با برنامه‌های متنوع از دستش ندهید! و قسمتی از این مقتل خوانی که آممک و ابیید یاد کودکان غزه را زنده کرد این بود: مرز یک کودک است، اگر کودکی را دوست نداری از سپاه محمد نیستی که از یاد برده‌ای مصطفی آفرینش نمار جماعت را در گرو کودکانگی کودکی کرده بود بر شانه‌هایش به

مشغول اصغر خوانی بودند.

بهداد، قبل از شروع مقتل خوانی‌اش گفت: افکار عمومی بر این باور است که در چنین مجالسی صاحبان اصلی مجلس حضور دارند. من امشب از صاحب این مجلس سپاسگزارم که سعادت این مقتل خوانی را نصیب من کرد. قبل از آمدن یکی از هموطنان بوشهری از من خواست که در این مجلس برای شفای مریض او دعا کنم و من نیز از شما می‌خواهم که برای شفای آن مریض و شفای درون خود دعا کنید.

حامد بهداد ادامه جمله‌اش را با بغض قطع کرد و پس از چند لحظه سکوت بغض‌آلود گفت: من می‌خواستم از شما تقاضا کنم که برای شادی روح پدر من هم دعا کنید و مقتل را این‌طور خواند:

همچنین اجرای مراسم‌هایی چون فانوس گردانی، تشت گذاری و گهواره گردانی از جمله برنامه‌های خیمه‌های «سوگ چامه‌ها» بود.

در روزهای مختلف این برنامه آیین‌های عاشورایی شهرهای مختلف ایران در خیمه‌های این ویژه برنامه برگزار می‌شد. آتیلا پسیانی؛ در روزهای ۳۰ آبان و اول آذرماه نمایش «رخه بر رمل» را اجرا کرد. امیرحسین مدرس، بهاره رهنما، حسام الدین سراج، رسول نجفی‌ان، بهزاد فراهانی، فرزاد حسنی، حامد بهداد، الهام پناه نژاد و بسیاری دیگر از بازیگران تئاتر و سینما هم برنامه‌های مقتل خوانی و نوحه خوانی را در شب‌های مختلف به عهده داشتند که از این بین مقتل خوانی حامد بهداد و بهاره رهنما با حاشیه‌های زیادی در فضای



ولی این روزها، بازیگران خودشان انتخاب کرده اند که تمام مدت در کنار طرفداران شان باشند، شب و روز و گاه و بیگاه روی صفحه فیس بوک و اینستاگرام و سایر شبکه‌های اجتماعی از حال و روزشان گزارش می دهند و هواداران شان را در جریان ریز جزئیات روزمره شان قرار می دهند و این هواداران برای خودشان حقی قائلند. حق خودشان می دانند که روی صفحه های مجازی این بازیگران آن ها را قضاوت کنند و برای شان تعیین تکلیف کنند که این بازی را انجام بده و آن یکی را انجام نده، این کارت خوب بود و آن یکی خوب نبود و حالا در این شرایط بازیگران باید تصمیم بگیرند چطور می خواهند به زندگی حرفه‌ای شان در کنار این علاقه‌مندان که خودشان را محق می‌دانند ادامه بدهند.

البته بعد از انتشار همه این ماجراها در سایت‌ها و خبرگزاری ها، موضع مردمی که این بازیگران را نمی شناسند و فقط بر اساس نوع فعالیت‌های شان بررسی می‌کنند هم جالب است. مردمی که به این بازیگران اعتماد می‌کنند و با آن ها همراهی می‌کنند و نشان می‌دهند و دوستشان دارند و حرکت آن ها را زیر پرچم امام حسین(ع) می‌بینند. ۶۶

بازیگر را به باد تمسخر گرفته بودند و انتقاد کرده بودند که چرا این قدر متحجر است! دسته دوم هم کسانی بودند که این بازیگر را لایق چنین اجرایی نمی‌دانستند و به این اجرا خورده گرفتند. در همه دوره‌ها و زمان‌ها مقتلی که توسط فردی قابل اعتماد نوشته شده بود توسط فردی که معروف به صدایی خوب یا توانمندی اجرای مناسب بود خوانده می‌شد و مردم در هر دوره پای این مقاتل می‌نشستند و بر این ذکر مصیبت گریه می‌کردند. در این دوره اجرای این مقاتل بر عهده بازیگرانی افتاد که دو چهره دارند یکی چهره‌ای که ما از آن‌ها در فیلم ها و سریال‌ها و سینما و تلویزیون می بینیم و چهره دوم آن چیزی که این بازیگران سعی دارند از خود واقعی‌شان در فضای مجازی و بدون کنترل به مردم نشان دهند.

بنابراین برای این بازیگران دو نوع هوادار یافت می‌شود، هواداری که بازی این بازیگر را دیده و پسندیده است و بازیگری که به زندگی شخصی او علاقه مند شده است و وارد فضای سلبریتی شده است. شاید حضور یک بازیگر هیچوقت این میزان از حواشی را به دنبال نمی داشت اگر باز هم بازیگران به همان سبک و سیاق قدیم فقط روی صفحه تلویزیون و پرده سینما دیده می شدند و تا اجرای بعدی شان کسی خبری از آن ها نداشت

وقت سجده...»، بعد از این پست، کاربران دنیای مجازی او را به باد انتقاد گرفته و مطالبی را علیه ش نوشتند که باعث واکنش او شد: «من که جز یک فن پیچ صفحه‌ای در فیس بوک ندارم اما شنیدم تو فیس بوک حال خیلی‌ها خرابه سر مقتل خونی من از بی بی سی و نادر فتوره چی بگیر تا خیلی از روشنفکر نماهای دیگه جوابم فقط به این ادما اینه زیر پرچم حسین (ع) سینه زدن لیاقت می‌خواد افتخار میکنم که از بچگی این ارادت رو داشتم و دارم جالبه که حتی مصاحبه با تلویزیون رو بخاطر همین حواشی بعد برنامه حذف کردم و انجام ندادم اما نمیدونستم هنوزم ادمای هستن که بخاطر اعتقاد مذهبی که خیلی شخصیه توهین میکنن و به اسم دموکراسی فحاشی میکنن و آنقدر وقاحت دارن که علمداری امام حسین (ع) رو تحجر بدونن بازم تاکید میکنم من افتخار میکنم به خواندن مقتل حضرت رقیه در محرم سال هزار و سیصد و نود و سه شمسی و نذر کردم تا زنده ام برای همه کودکان مظلوم در جنگ و به عنوان سفیر انجمن حمایت از حقوق کودکان مقتل حضرت رقیه رو برای مردم بخوانم /یا حسین»

افرادی که به صفحه شخصی بهاره رهنما هجوم بردند دو دسته بودند، دسته اول کسانی که این کار یعنی مقتل خوانی را نقد کرده بودند و این



یادبود







عبدالجبار کاکایی از مرحوم مشفق کاشانی،
سبک او در شعر و منش و اخلاقش گفت:

سبیده مجبی

کس نیچیده از اشک زلال خویشتن پیرهن بر قامت آهی که من پیچیده ام

«یاد کردن از مرحوم مشفق کاشانی، فرصتی شد برای گفت‌وگو با عبدالجبار کاکایی که سابقه آشنایی‌اش با استاد غزل شعر ایران به سالهای قبل از انقلاب برمی‌گردد. کاکایی پیش از آغاز این مصاحبه، از این گفت که در این باره بسیار صحبت کرده و «انگار تنها کسی که درباره مرحوم مشفق صحبت می‌کند، من هستم». وی در این گفت‌وگو از ویژگی اشعار استاد مشفق کاشانی که غزل‌های عاشقانه وجه بارز و شاخص آنها است، گفت و البته گله کرد از رسانه‌ها که با نادیده گرفتن مشفق کاشانی به عنوان یک غزل‌سرای عاشقانه، می‌خواهند او را تنها به حوزه شعر آیینی و انقلابی محدود کنند. کاکایی تأکید کرد که: «مرحوم مشفق شعر آیینی و انقلابی هم دارد ولی اشعار عاشقانه‌اش هم زیاد است. ما اگر نگوییم که مشفق شاعر غزل‌سرای عاشقانه بوده، خیانت ادبی به او کرده‌ایم.» با این شاگرد استاد مشفق درباره وجوه مختلف شخصیت ادبی و فردی استاد عباس کی‌منش، که با اسم شاعرانه مشفق کاشانی معروف است، صحبت کرده‌ایم.

سابقه آشنایی شما و مرحوم مشفق کاشانی مربوط به چه زمانی است؟
آشنایی من با مرحوم مشفق کاشانی به سال ۱۳۶۲ برمی‌گردد که نزد استاد اوستا برای دعوت از او به منظور شرکت در مراسم شعرخوانی دانشکده خودم در شهرری رفته بودم و همانجا بود که استاد مشفق را از نزدیک زیارت کردم. تا قبل از آن اسم ایشان را شنیده بودم و برخی اشعارشان را هم خوانده بودم.

عمده شهرت مرحوم مشفق کاشانی به واسطه غزل‌هایش است. ویژگی و مشخصه خاص غزل ایشان چیست؟

معمولاً غزل‌های استاد مشفق غزل‌های پرتصویر بود، یعنی بسیار به خیال‌پردازی و ترکیب ساختن و تصویر ساختن علاقه داشت و بیشتر از اینکه مضمون‌یاب باشد، تصویرگر بود. بخاطر همین است که شعرهای او معمولاً در حافظه‌ها نمی‌ماند ولی وقتی خوانده می‌شود، جلوه‌های مختلف تصویری و رنگ‌آمیزی خیال آن نشان‌دهنده این است که ایشان برای زبان شعر ارزش و اهمیت قائل بود.

مرحوم مشفق کاشانی علی‌رغم اینکه به سرودن غزل شهرت داشت ولی در حوزه شعر آیینی و انقلابی هم اشعاری دارد. دلیل رویکرد ایشان به شعرهای مذهبی و آیینی چه بود؟

ایشان غزل‌سرایی بود که غزل عاشقانه کار می‌کرد، مانند نودز پرنک و هوشنگ ابتهاج که البته رویکرد اجتماعی در غزل‌های هوشنگ ابتهاج بیشتر است و یک انرژی اجتماعی پشت غزل‌های عاشقانه او وجود دارد، لذا وجه شعرش عاشقانه است، اما به متن که نگاه می‌کنی آن نگاه تند و تیز اجتماعی پشت آن پنهان است. مرحوم مشفق، نودز پرنک و بهزاد کرمانشاهی از جمله کسانی هستند که به سرودن



غزل‌های عاشقانه شهرت دارند و عمده دستاوردها و نوآوری‌هایشان در این حوزه اتفاق افتاده است. اگر شعری هم در زمینه انقلاب یا جنگ سرودند، بیشتر بر اساس اعتقاد و احساس تکلیف بوده و در واقع در تأسی از شیوه‌ای که رایج شده بود یعنی سرودن شعرهای اجتماعی برای مردم، آنها هم قطعاتی می‌سرودند ولی بنا به تکلیف، نه اینکه بگوییم سبکی ایجاد کردند و یا از سبک آنها شاعران انقلاب دنباله‌روی کردند. همه خلافت آنها در شعر تا پیش از پیروزی انقلاب اتفاق افتاده بود. البته به دلیل اینکه خاستگاه مرحوم مشفق شهر کاشان بود که شهری مذهبی اعتقادی و زادگاه محتشم کاشانی است، به طور طبیعی شاعرانی که در حلقه ادبی کاشان تربیت می‌شوند در واقع میل به آثار آیینی و مذهبی هم پیدا می‌کنند. مرحوم مشفق هم به این اعتبار، همراه با مرحوم اوستا در محافل و انجمن‌ها حضور پیدا می‌کردند و آثار مذهبی و انقلابی می‌خواندند. نکته دیگر اینکه استاد مشفق تا سن حدود ۵۰ و چند سالگی را پیش از انقلاب سپری کرد. یعنی دوره‌ای که دوره خلافت، جوانی و تجربه سبک‌های تازه و پیشبرد کار غزلش بود را پیش از پیروزی انقلاب سپری کرد و بعد از انقلاب دیگر توقع آنچنانی از او که سبک جدید و تازه‌ای در شعر بیافریند، وجود نداشت و از این جهت بیشتر فعالیت‌هایش در حوزه سرود و موسیقی متمرکز شد. چون عضو شورای موسیقی صدا و سیما بود که وظیفه‌اش تامین سرودهای حماسی برای صدا و سیما بود و چهره‌هایی چون مرحوم اوستا، مرحوم لاهوتی، مرحوم شاهرخی و حمید سبزواری و مرحوم سپیده کاشانی نیز عضو این شورا بودند که وظیفه‌شان ساخت آهنگ و سرود بود و بیشتر فعالیت‌های مرحوم مشفق روی سرود متمرکز شد و کتابی را هم در زمینه همین سروده‌هایش منتشر کرد.

بنابراین با این توضیح شما نمی‌توانیم مرحوم مشفق را در زمره شاعران آیینی و انقلابی به حساب آورده؟

ایشان در درجه اول شاعر غزل‌سرای عاشقانه بود، بعد شاعر آیینی و انقلابی. کسانی چون حسن حسینی و قیصر امین‌پور شاعر انقلابی و آیینی بودند. او را همانگونه که هست معرفی کنیم، متأسفانه رسانه‌ها و نشریات دوست دارند آدم‌ها را شکل دیگری معرفی کنند. مرحوم مشفق شاعر غزل عاشقانه بود و من نمی‌توانم بگویم که او تنها شاعر آیینی بود. ایشان شعر آیینی هم دارد مانند شعری که براساس ترکیب‌بند محتشم کاشانی برای حضرت اباعبدالله (ع) سروده است ولی حجمش به نسبت اشعار عاشقانه‌اش قابل مقایسه نیست. مرحوم مشفق شعر آیینی و انقلابی هم دارد، منتهی اگر بعد از ۵۵ سالگی شعر بگویی، دیگر نه سبکی به وجود می‌آورد و نه شکلی در شعر ایجاد می‌کند که قابل توجه باشد. محمدعلی مجاهدی شاعر آیینی است

نمونه شعر
عاشورایی استاد مشفق

از موج فتنه چشم جهان غیرت یم است
وز تندباد حادثه پشت فلک خم است
صبح امید چون شب تاریک مظلّم است
«باز این چه شورش است که در خلق عالم است»
«باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است»

هر جا به گوش می‌رسد آوای انقلاب
خلقی به ماتمند و جهانی در اضطراب
جان در تلاطم آمده دل را نمانده تاب
«گویا طلوع می‌کند از مغرب آفتاب»
«کاشوب در تمامی ذرات عالم است»

روشن به راه دید چراغ امید نیست
کس راه‌های شادی و گفت و شنید نیست
زین ابر تیره اختر شادی پدید نیست
«گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست»
«این رستخیز عام که نامش محرم است»

خلق جهان ز سوز نهن نوحه می‌کنند
از دست داده تاب و توان نوحه می‌کنند
هر جا ز دیده اشک فشان نوحه می‌کنند
«جن و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند»
«گویا عزای اشرف اولاد آدم است»

شاهی که افتخار بدو کرده عالمین
بابش علی و فاطمه راهست نور عین
از شرم روی او به حجابند نیرین
«خورشید آسمان وز مین نور مشرقین»
«پرورده کنار رسول خدا حسین»

و نمی‌توان این دو نفر را کنار هم و مثل هم معرفی کرد. ما شاعر آیینی کم نداریم که حالا بخواهیم مرحوم مشفق را نیز در زمره شاعران آیینی به شمار بیاوریم. دیوان ایشان موجود است، مرحوم مشفق، نودپرنگ و بهزاد کرمانشاهی شاعران غزل‌سرای عاشقانه‌گو بودند که همزمان با پیروزی انقلاب، بنا به علاقه‌ای که داشتند، شعرانقلابی و آیینی هم سرودند. آنها در کنار شعرای انقلاب که برخی از آنها سمت استادی و پدر معنوی داشتند، قرار گرفتند اما نباید آنها را جور دیگری تعریف کنیم. اگر نگوییم که مشفق شاعر غزل‌سرای عاشقانه بوده، خیانت



ادبی به او کرده‌ایم.

اما ایشان در عرصه شعر انقلاب هم بسیار حضور پررنگی داشتند و نشانه‌اش هم همین سوگواری‌ها که بعد از درگذشتشان شد و بیشتر هم از طرف شعرای مذهبی و انقلابی بود.

موضوعی که برای نسل شاعران بعد از انقلاب اهمیت دارد، حمایت معنوی مرحوم مشفق از شعر انقلاب و شاعران جوانی بود که تازه قلم به دست گرفته بودند و نیاز به تأیید آثارشان از سوی بزرگان عرصه سخن داشتند. آن هم در مقطعی که خیلی‌ها میدان را ترک کرده بودند یا قهر کرده بودند و کنار کشیده بودند. در این شرایط کسی باید نسل شاعران جوان انقلاب را حمایت می‌کرد. یکی از این افراد مرحوم مشفق بود که این‌قدر به مصداق اسمش مشفق بود که شاگردانش را با عنوان استاد خطاب می‌کرد و این جوانمردی، تواضع و فروتنی در ایشان مثال‌زدنی بود. برای خود من بارها پیش آمد که نزد ایشان شعر خواندم و او با یک پیشنهاد، کلمه، فعل یا جمله‌ای را جا به جا می‌کرد و شعر بسیار زیباتر می‌شد. خاطرم هست یک بار برای ایشان غزلی را می‌خواندم که در بیتی چنین آمده بود:

کس نیپچیده است از خون زلال خویشتن / پیرهن بر قامت آهی که من پیچیده‌ام
ایشان گفت، بگو: کس نیپچیده از اشک زلال خویشتن / پیرهن بر قامت آهی که من پیچیده‌ام
به جای خون کلمه «اشک» را گذاشت که با کلمه «آه» هم تناسب داشت. این نکته‌یابی‌ها که حاصل تجربه مرحوم مشفق بود، در شعر ما که تازه شروع کرده بودیم، بسیار موثر واقع می‌شد.

سوی ادبی، به لحاظ شخصیتی چه ویژگی‌های برجسته اخلاقی و رفتاری در ایشان وجود داشت؟

تواضع تقریباً مبالغه‌آمیزی در برخورد با شاعران جوان داشت و چنان‌این تواضع، با صفای دلش آمیخته بود که اصلاً فکر نمی‌کردید ایشان تظاهر می‌کند. شاید اگر در مجلسی ۵۰ نفر می‌آمدند، به احترام همه آن ۵۰ نفر با وجود سن ۸۰ سالگی با عصا از سر جای خود بلند می‌شد. ایشان ویژگی‌های منحصر به فرد زیادی داشت که شاید شاخص آنها تعبیر جوانمردی باشد که خیلی‌ها در وصف استاد مشفق گفتند. ایشان مصداق عیاری و جوانمردی بود.

مهم‌ترین میراثی که از مرحوم مشفق کاشانی بر جای مانده، چیست؟

مهم‌ترین میراث شاعران، دیوانشان است. مجموعه دیوان ایشان یعنی کتاب «آذرخش» مهم‌ترین میراث ادبی ایشان است و سبک او هم در غزل، سبک عراقی است و تمایلی به سرودن غزل نو نداشت چون ایشان در زمره شاعرانی بود که در مرحله غزل میانه بود و بیشتر میل به غزل سنتی داشت و تصویرپردازی و خیال‌پردازی جزء عناصر مهم شعر او بود. ۶۶



در میان شعله آتش

حاج مجید چمنی وداع غریبانهای داشت

جعفر پاکزاد

۹۳ سال برای اهالی فرهنگ چندان خوشایند نبود. چراکه با از دست دادن تعدادی از بهترین چهرها همراه شد. در میان همه این اتفاقات تلخ، حادثه‌ای که در تعطیلات نوروز ۹۳ برای حاج مجید چمنی از هیات‌های شناخته‌شده و پیر غلام سیدالشهدا، رخ داد هولناک بود و تبدیل به یک معمای پلیسی شد. معمایی که بخصوص برای هیات‌ها بسیار حایز اهمیت بود. چراکه مرحوم مجید چمنی برادر مرحوم محمدعلی چمنی استاد حاج منصور ارضی و پایه‌گذار حسینیه‌ای به همین نام بود و همسر ایشان نیز افخم السادات حسینی از کارشناسان دینی برنامه‌های صدا و سیما و همشیره استاد مجتبی حسینی است.

این گزارش، مروری است بر این حادثه دلخراش و نحوه حل معمای دجنایی شکل‌گرفته که با شرح و تفصیل ذکر شده است تا مشخص شود که حتی جنایتکاران هم در برخورد با اهالی هیات، سعی دارند تا حرمت نگه دارند.

ساعت ۵ صبح هفتمین روز فرودین ماه ۹۳ بود که اهالی روستای دزدک شهرستان نوشهر با صدای انفجار مهیبی از خواب

شیرین پریدند و وقتی هراسان از خانه‌هایشان خارج شدند با شعله‌های مهیب آتشی روبه رو شدند که به جان یک خانه ویلایی افتاده بود. خانه ویلایی که همه ساکنانش اهل تهران بودند و حالا برای گذراندن تعطیلات نوروزی به نوشهر سفر کرده بودند. هر لحظه به شعله‌های آتش اضافه می‌شد و صدای فریادهای کمک ساکنان ویلا که در میان دود و آتش گرفتار شده بودند شنیده می‌شد. ماجرای حادثه توسط اهالی روستا به آتش‌نشانی اطلاع داده شد؛ اما اهالی که مطمئن بودند افراد زیادی در میان شعله‌های آتش گرفتار شده‌اند تا قبل از رسیدن خوروه‌های امدادی دست به کار شدند و با شکستن یکی از حفاظ‌های ساختمان توانستند هفت نفر از ساکنان را نجات دهند.

با حضور آتش‌نشانان در محل حادثه عملیات اطفاء حریق آغاز شد و مأموران آتش‌نشانی توانستند پس از چند ساعت تلاش بی‌وقفه شعله‌های



آتش را خاموش کنند. پس از اطفای حریق وقتی آتش‌نشانان برای بررسی محل حادثه و جلوگیری از آتش‌سوزی مجدد وارد ساختمان شدند با جسد ۲ زن و ۲ مرد روبه رو شدند که به دلیل سوختگی شدید جانشان را از دست داده بودند.

کارشناسان آتش‌نشانی طی بررسی‌های اولیه محل حادثه اعلام کردند «به احتمال زیاد حادثه آتش‌سوزی عمدی بوده و فردی به دلیل نامعلوم این آتش‌مرگبار را افروخته است». اظهارات کارشناسان آتش‌نشانی کافی بود تا پای بازپرس ویژه قتل و کارآگاهان دایره جنایی استان مازندران نیز به ماجرا باز شود. در همان تحقیقات ابتدایی

پلیس مشخص شد که یکی از فوت‌شدگان افخم السادات حسینی، مجری تلویزیون و صدا و سیما بود و دیگری حاج محید چمنی، چهره معروف هیات‌های عزاداری تهران.

تحقیقات همچنان ادامه داشت و مأموران با بررسی صحنه جرم متوجه عمدی بودن این ماجرا شدند چرا که شواهد نشان می‌داد عامل این جنایت درب‌های ویلا

را از بیرون قفل کرده بود تا هیچ‌کدام از افراد داخل ساختمان نتوانند از مهلکه جان سالم به در ببرند. وی سپس شلنگ گاز را بریده و به داخل ساختمان انداخته بود تا فضای داخل خانه را گاز پر کند. عامل حادثه پس از این اقدام شروع به پاشیدن بنزین به داخل ویلا و نقاط مختلف آن کرده و در نهایت نیز آنجا را آتش زده و متواری شده بود. وجود گاز در داخل خانه باعث وقوع انفجار شده و همین باعث شده بود که ۴ نفر از ساکنان ویلا در همان لحظات اولیه جانشان را از دست بدهند.

با روشن شدن ابعاد ماجرا، تحقیقات شبانه روزی پلیس آغاز شد. کارآگاهان با احتمال اینکه عامل این جنایت با یکی از افراد حادثه‌دیده دچار خصومت شخصی بوده با بررسی روابط شخصی همه افرادی که در این حادثه بودند رد پای از همسر سابق زن جوانی که صاحب باغ بود پیدا کنند. به این ترتیب زن جوان توسط کارآگاهان مورد پرس و جو

قرار گرفت و به مأموران گفت: مدتی قبل به خاطر اختلافات زیادی که با همسرش داشتم از او جدا شدم به همین خاطر همیشه من را تهدید به مرگ می‌کرد اما من هیچ وقت حرف‌های او را جدی نگرفتم و حالا هم نمی‌دانم این آتش‌سوزی واقعا کار اوست یا خیر.

با این اطلاعات بود که دستور بازداشت او صادر شد و مأموران با نیابت قضایی راهی تهران، جایی که مرد جنایتکار در آنجا زندگی می‌کرد، شدند و محل زندگی وی را تحت محاصره قرار داده و در طی یک عملیات غافلگیرانه وی را چند روز پس از حادثه مرگبار دستگیر کردند.

مرد جوان پس از دستگیری به اداره آگاهی نوشهر منتقل شد و توسط کارآگاهان دایره جنایی آگاهی تحت بازجویی قرار گرفت. همه شواهد نشان می‌داد که مرد جوان عامل اصلی این جنایت است اما او در بازجویی‌هایی ابتدایی خود را بی‌گناه می‌خواند، بخصوص که حالا دیگر همه می‌دانستند مقتولان از چهره‌های مذهبی شناخته‌شده هستند. با این حال متهم عقابت در برابر شواهد و مدارک به دست آمده، مجبور به اعتراف شد.

او در اعترافاتش به مأموران گفت: «ویلای نوشهر متعلق به من بود که وقتی از همسر جدا شدم برخلاف میل باطنی‌ام آن را به عنوان مهریه‌اش دادم. چند بار از او خواستم وسایلی که در ویلا دارم را به من بدهد اما قبول نکرد. از طرفی خانواده‌اش را هم در جدایی‌مان مقصر می‌دانستم. برای همین تصمیم گرفته بودم هر طوری شده از آن‌ها انتقام بگیرم. می‌دانستم که آن‌ها در تعطیلات نوروز به همان ویلایی می‌روند که همسر من به عنوان مهریه گرفته بود. من قصد انتقام‌جویی از همسر و خانواده‌اش را داشتم اما در این میان خانواده مجری صدا و سیما که از بستگان آنها بودند به همراه پدرزن سابقم کشته شدند. برای اینکه همسر را بترسانم آنجا را به آتش کشیدم. تصور نمی‌کردم این کار باعث مرگ ساکنان ویلا شود.

با اعترافات مرد جوان و بازسازی صحنه، پرونده برای صدور حکم نهایی به مراجع قضایی ارسال شد و حالا همه منتظر هستند تا رای دادگاه مشخص شود. این درحالی است که متهم بارها تاکید کرده است که اگر می‌دانست آن روز یک هیات‌دار میهمان آن ویلاست، قطعاً این کار را نمی‌کرد. «

مرگ در صحنه

مرد موم احمد سبجانی، طوری رفت که آرزویش را داشت

❖ مرضیه صاحبی

«آن روز داشت تعزیه حضرت ابوالفضل (ع) می خواند، پس از مدتی سکوت در صحنه، ناگهان نقش بر زمین شد و آخرین پرده از زندگی عاشقانه خودش را اینگونه رقم زد. حاج احمد سبجانی، ۴۰ سال با شمشیری در دست و کلاه خودی بر سر، تعزیه خوانی کرد و حادثه صحرای کربلا را به تصویر کشید. آن مرحوم آنچنان عاشقانه تماشاگر را با خود همراه می ساخت که هیچ کس گمان نمی کرد، آنچه تماشا می کند، صحنه ای از یک نمایش تعزیه خوانی است طوری که سال های سال با به آتش کشیدن خیمه ها، طنین طبل ها و حرکت اسب ها، حادثه کربلا را در برابر دیدگان مردم این شهر مجسم کرد. حلیمی، تعزیه خوانی که صبح

۲۰ آبان ماه همراه با زنده یاد سبجانی مراسم تعزیه را اجرا می کردند، می گوید: «آن روز ناگهان آن مرحوم روی دو زانو نشست و من فکر کردم که شاید مثل همیشه تحت تاثیر قرار گرفته و دارد گریه می کند اما نقش بر زمین شد و وقتی اورژانس بیمارستان را خبر کردیم این هنرمند به علت سکته قلبی فوت کرده بود. به هیچ وجه برایم مرگ او باور پذیر نبود.»

چهره مرد هنرمند در جوانی

مرحوم سبجانی که اصالتا از اهالی روستای «بابل حکم» کاشمر بود، سال ها در مشهد سکونت داشت و در روزگار جوانی مجذوب و شیفته هنر تعزیه خوانی شد و زیر نظر اساتیدی همچون میرزا شاهرودی و امینی به آموختن این هنر اصیل پرداخت.

حاج احمد بسیار زودتر از سایر هم دوره ای هایش هنر تعزیه خوانی را فرا گرفت و همواره هم و غم خود را معطوف تعزیه کرده بود. طوری که تا آخرین روزهای زندگی اش لحظه ای از راهی که در آن قدم برمی داشت. دلسرد و ناامید نشد.

این تعزیه خوان هر سال با آغاز

ماه محرم در گوشه ای از این شهر، به همراه اعضای گروهش تعزیه خوانی می کرد و هر شب جوانان بسیاری که از شاگردان او بودند مشتاق برای تمرین و دیدن دورخوانی های تعزیه خوانان به خانه این عاشق خاندان اهل بیت (ع) می رفتند.

تعزیه خوانی بازنشستگی ندارد

سکینه دهقان، همسر مرحوم سبجانی می گوید: تعزیه خوانی حرفه و عشق همسرم بود و ساعت های بسیاری از روز را یا شاگرد تربیت می کرد و یا در حال تعزیه خوانی بود و به قول این مرحوم هنر بازنشستگی ندارد و باید خود را وقف این راه کرد. آن هم راهی که متعلق به خاندان اهل بیت (ع) است.

او درباره خصوصیات اخلاقی حاج احمد توضیح می دهد: همسرم به من و چهار فرزندش احترام می گذاشت و انسان دست به خیری بود. در روزهای آخر عمرش بیش از همیشه دوست داشت تا تعزیه بخواند. گاهی با من درددل می کرد، می گفت خیلی دوست دارم تا در راه امام حسین (ع) از دنیا بروم. روزی که خبر فوت او را به من دادند و گفتند که چگونه فوت کرده، خوشحال شدم که به آرزویش رسید و همان طور که دوست داشت این دنیا را ترک کرد.

همسر مرحوم سبجانی خاطره صبح

۲۰ آبان را اینطوری تعریف می کند: آن روز خودم به علت بیماری قلبی در بیمارستان بستری بودم که دخترم به همراه پسر خواهر آن مرحوم آمدند و گفتند حاج احمد در بیمارستان بستری است و خواسته تا شما به دیدنش بروید. من هم با اجازه دکتر از بیمارستان خارج شدم و وقتی به منزل رفتم از گریه و شیون جمعیت فهمیدم همسرم فوت کرده است.

خانم دهقان می گوید: حاج احمد هیچ گاه بیماری قلبی نداشت و در حقیقت سالم بود. وقتی فهمیدم بر اثر ایست قلبی در سر صحنه تعزیه خوانی، برای همیشه از بین ما رفته است، فهمیدم که قسمت و سرنوشت برای همسرم بهترین تقدیر را رقم زده است.

چنین مرگی برای ما افتخار است

جواد سبجانی، پسر مرحوم حاج احمد سبجانی هم حرف های شنیدنی دارد: مرگ پدرم روی صحنه و در هنگام اجرای تعزیه، افتخاری برای ماست ولی ای کاش همچنان زنده بود و به ما درس زندگی می داد. پدرم در تمام روزهای عمر خود عاشقانه هنر تعزیه خوانی را دنبال می کرد و هر سال با فرارسیدن ماه محرم، هر روز در نقطه ای از شهر مشهد به همراه سایر اعضای گروه، تعزیه اجرا می کرد.

هیچ گاه از زبان حاج احمد کلمه خستگی و ناشکری را نشنیدم و در تمام سال هایی که زنده بود درآمد خانواده را از راه همین تعزیه خوانی تامین کرد و دستش را جلوی هیچ کس دراز نکرد. صبور و مهربان بود و سفره دلش را با گلایه پیش کسی نمی گشود. امروز که دیگر در میان ما نیست، من نان آور خانه هستم، دوست دارم همانند او زندگی خود و خانواده ام را بسازم و مثل او مردانه در برابر سختی ها بایستم و زبان به گلایه و شکوه نگشایم.

پرده آخر، پرده عشاق

در پس نگاه های بزرگ ترین تعزیه خوان مشهدی، عشق و دلبستگی به خاندان اهل بیت (ع) موج می زد. دانه های دلش پیدا بود و ساده و بی آرایش در واپسین روزهای عمر خود، با چشم هایش، حرف هایی را به زبان آورد که سال ها زبان و کلام از توصیف آن عاجز است. شاید سخنی به گزاف نباشد اگر بگوییم، این هنرمند با پرواز خود، هنر تعزیه خوانی مشهد را یتیم کرد. این هنرمند تعزیه خوان در تمام سال هایی که زنده بود درآمد خانواده اش را از راه همین تعزیه خوانی تامین کرد. صبور و مهربان بود و سفره دلش را با گلایه پیش کسی نمی گشود. زندگی ساده ای داشت و به معنای واقعی کلمه مخلص و عاشق بود و عاشقانه هم زندگی کرد. ❖



در سوگِ مرزبان لفظ و معنای شعر آیینی

حاج علی آهی

از شاگردی بزرگان تا دغدغه شاگردان

جامعه مداحی و شعر آیینی این روزها در فقدان یکی از مفاخر بزرگ خود عزادار است؛ پیر دوست‌داشتنی موسیدِ روسپیدی که «عالم مداحان» بود و تا واپسین روزهای عمرش، دل‌مشغول وضعیت پیرغلامان و مداحان آل‌الله علیهم‌السلام. مردی دانشمند و صاحب‌نظر که در باب مقدسات و شعر آیینی دقیق و سخت‌گیر بود و در سلوک با مردم، متواضع و بی‌غل‌وغش. اگر کسی به او توهین یا جسارتی می‌کرد، سهل می‌گرفت و می‌گذشت؛ اما اگر در شعر یا مطلبی به ساحت مقدس معصومین علیهم‌السلام اهانت می‌شد، امکان نداشت، بگذرد. جمعیت خاطر و طمأنینه قلبی‌اش در آخرین لحظات عمرش مثال‌زدنی بود؛ می‌گفت: «هیچ‌گونه حساب کتابی در زندگی ندارم، هر چه داشتم صرف خدا کردم...».



شامگاه روز یکشنبه ۱۶ فروردین‌ماه، بعد از اذان مغرب، خبری جانکاه از بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان شهید هاشمی‌نژاد تهران در گوش شهر پیچید که آه از نهاد اهل هیئت برآورد؛ فخرالمادحین، حاج علی آهی از پرچمداران شعر آیینی کشور و از خواص ذاکران و مداحان اهل بیت علیهم‌السلام پس از عمری خدمت در دستگاه آل‌الله علیهم‌السلام در سن ۸۶ سالگی رخت سفر به دیار باقی بربست. دو روز بعد پیکر این پیشکسوت مداحی، رئیس هیئت مدیره خانه مداحان و عضو هیئت مدیره بنیاد دعبل از مقابل مسجد امیرالمؤمنین علیه‌السلام - که خود مرحوم آهی بانی آن بود - به سوی آرامگاه ابدیش تشییع شد و در قطعه ۳۰۱ روضه‌الحسین بهشت زهرا (قطعه اختصاصی مداحان اهل بیت علیهم‌السلام) آرام گرفت. نیک‌مردی که به فرموده رهبر معظم انقلاب «به معنای حقیقی کلمه متعهد، پایبند، خیرخواه و پرتلاش بود که به خصوص نسبت به جامعه مداح، دارای احساس تعهد و مسئولیت بود».

۸۰ سال نوکری در دستگاه

اهل بیت علیهم‌السلام

در زمانه ما کمتر کسی است که با شعر آیینی و بلکه با مداحی و ذکر و هیئت و روضه ارتباط داشته باشد و نام حاج علی آهی به گوشش نخورده باشد. پیر دوست‌داشتنی موسیدِ روسپیدی که بیش از ۸۰ سال عمر خود را در خدمت و نوکری دستگاه اهل بیت علیهم‌السلام و پیرایش و پالایش آن از گردها و زنگارهای جعل و تحریف سپری کرد و در این راه، هیچ‌گاه از پای ننشست. مرحوم آهی از وجوه مختلف ادبی، علمی و اخلاقی جزو نوابغ جامعه مداحی بود و حق استادی بر گردن جامعه مداحی و ستایشگری داشت. از لحاظ خلق و خو ساده، متواضع و مهربان و از لحاظ دانش و معرفت در واقع عالمی در کسوت شاعر و مداح بود و البته چنین دانش و سیرتی چندان غریب نبود از کسی که محضر جمع کثیری از نوادر علم و اخلاق روزگار معاصر را درک کرده بود.

تحصیل در محضر مراجع و علمای بزرگ عصر

در آبان‌ماه سال ۱۳۰۷ شمسی در محله پامانر تهران به دنیا آمد و در همان محله - که در آن زمان مقر اقامت و مبارزه آیت‌الله کاشانی بود - نشو و نما یافت؛ خودش زمانی گفته بود که از ۱۰ سالگی به تشویق مادر به مداحی اهل بیت علیهم‌السلام روی آورد و به تعبیر خودش «زیر دست آیت‌الله کاشانی» بزرگ شد. پس از گذراندن دوره ابتدایی، با

عقل، «شعر و شاعری از نظرگاه قرآن و عترت و سنت»، «درس‌هایی از علم کلام (نگرشی تحلیلی درباره تصوف و تأثیرات آن در ادبیات آیینی)»، «تنورالافکار» (در شعر و شاعری و مداحی اهل بیت علیهم‌السلام)، دیوان آهی (دو جلد)، دیوان آیین نور (دو جلد) و ... اشاره کرد. مشهور بود که بدون منبع و مأخذ چیزی نمی‌گفت و حرف‌هایش همه مستند به کتاب و عترت بود. شخصیت علمی‌اش چنان رفیع بود که از بزرگانی چون حضرات آیات امام خمینی (ره)، سید ابوالقاسم خویی، سید عبدالهادی شیرازی، سید محسن حکیم، سید محمود شاهرودی، سید محمدرضا گلپایگانی، سید عبدالله شیرازی، سید محمدهادی میلانی، سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی و سید علی حسینی خامنه‌ای اجازه در نقل حدیث داشت؛ همچنین از امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در امور حسبه (محاسبه خمس و زکات مردم) اجازه داشت.

اکثر مداحان جوان، شاگرد نشده استاد شده‌اند!

مرحوم آهی که خود از محضر مراجع عظام و چنین اساتید ناموری فیض برده بود، یکی از توصیه‌های ناصحانه و مؤکدش به مداحان جوان که در مواقعی حتی رنگ نقد تند و تیز و اعتراض‌گونه‌ای هم به خود می‌گرفت همین نکته بود که مداحان جوان باید از علما درس بگیرند. می‌گفت:

اشتغال به کسب، به تحصیل علوم حوزوی پرداخت و دروس را تا سطوح عالی‌ه از محضر اساتید بزرگ حوزه فرا گرفت. نام‌های بزرگی که برخی از آنان در زمانه خود، استوانه‌های حوزه‌های علمیه نجف، قم، مشهد و تهران بودند؛ مانند حضرات آیات و حجج اسلام: میرزا حسن لوائسانی، شیخ محمدجواد خراسانی، سید ابوالقاسم خویی، سید محمدهادی میلانی، میرزا جواد آقا تهرانی، میرزا محمدعلی شاه‌آبادی، سید محمدرضا گلپایگانی، شیخ علی نمازی شاهرودی، شیخ محمدجواد محلاتی خراسانی، سید محمد وحیدی، سید عبدالحسین دستغیب، سید علی اصغر میردامادی، شیخ احمد مجتهدی، سید محمد ضیاء‌آبادی، سید رضی شیرازی، سید محمود طالقانی، شیخ حسین وحید خراسانی و ...

عالمی در میان مداحان

همین سابقه تحصیلی و آشنایی با مباحث شاخه‌های مختلف علمی بود که باعث شد تا ایشان «عالمی در میان مداحان» لقب بگیرد. پیرغلامی که کتابخانه شخصی‌اش بیش از بیست هزار جلد کتاب را در خود جای داده بود و چندین تألیف قویم علمی نیز در حوزه‌های مختلف از خود به یادگار نهاد که برخی از آنها در نوع خود منحصر به فردند. از جمله آثار ایشان می‌توان به «فرهنگ اصلاحات قافیه»، «توصیف صنایع شعر کهن فارسی و پیرایش آن با کلک بدیع»، «فلسفه قیام امام حسین علیه‌السلام از دیدگاه



«لان اگر از مداحان جدید برسید استادان چه کسی است، پاسخی ندارند! چون سبک آنها «هن در آوردی» است و طوری می‌خوانند که رضای خداوند در آن نیست ... اکثر مداحان جوان استاد ندیده‌اند و شاگرد نشده، استاد شده‌اند.» به سبب همین استاد ندیدن است که «این شیوه‌های جدیدی که بعضی‌ها می‌خوانند، مورد رضای خدا نیست، چون هم شعرشان، هم روضه‌شان و حتی خواندشان غیر شرعی است.» به رغم این انتقادات تند به برخی اشعار و سبک‌های سخیف مداحی، مشهور است که این پیر جوان‌دل با آنکه به سبک‌های سنتی مدیحه‌خوانی تعلق خاطر داشت؛ اما هیچ‌گاه نسل جوان را نادیده نمی‌گرفت؛ به طرز تلقی و سلاطین آنان احترام می‌گذاشت و با برخوردی پدیده و پر از عطف می‌کوشید تا با جذب مداحان جوان، درست‌خوانی و چارچوب‌ها و موازین اصیل مدیحه و ذکر اهل بیت علیهم‌السلام را به آنان تبیین کند. مداحان و ذاکران اهل بیت علیهم‌السلام او را پدر خود می‌خواندند و پس از رحلتش، اغلب آن طایفه - حتی پیشسکونتانی چون استاد سازگار - اذعان می‌کردند که با فقدان آن دُرّ یتیم، یتیم شده‌اند. مرحوم آهی همواره به خواندن اشعار فاخر و اصیل در مجالس اهل بیت علیهم‌السلام توصیه می‌کرد و حساسیت و وسواس خاص ایشان نسبت به اشعار سروده شده در مدح و منقبت ایشان زبان‌زد بود.

دو بال یک شعر آیینی خوب: «ادبیات» و «عقیده»

این پیر غلام پیشکسوت فقید، که خودش در ۲۹ سالگی (سال ۱۳۳۶) سرودن شعر را آغاز کرده بود، اعتقاد داشت که شعر باید بر محور قرآن و عترت باشد؛ شعر دروغ نباید سرود و مدح و روضه دروغ نباید خواند. شاید از همین روی بود که اشعار خود را تا پیش از تأیید شرعی یا احیاناً اصلاح استاد نامدارش، مرحوم آیت‌الله میلانی در مداحی استفاده نمی‌کرد. معتقد بود یک شعر آیینی خوب دو بال مهم دارد: «ادبیات» و «عقیده» و مداح باید اشعار را با منظور داشتن این دو مؤلفه مهم - و به ویژه آشنایی با مسائل علم کلام - مطالعه و انتخاب کند. شعر خود استاد، مصداق کامل شعر آیینی است؛ شعری روان، قابل فهم، ساده و صمیمی و عاری از نازک‌اندیشی‌ها و خیال‌پردازی‌های پیچیده و نامتعادل که بتواند به بهترین وجه ممکن ترجمان آیات و روایات باشد. شعری که هم اصول ادبی و عروضی و بلاغی در آن رعایت شده و هم مبتنی بر عقاید صحیح کلامی و واقعیات و حقایق تاریخی است.

انجمن ادبی فراوان داریم اما انجمن عقیدتی نداریم

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های شخصیت آن استاد فقید، همین نقد و تهذیب شعر آیینی بود؛ از نقدهای صوری و زبانی و عروض و قافیه‌ای گرفته تا نقدهای معنایی و اعتقادی و تاریخی. همیشه به یک خلأ مهم اشاره می‌کرد و می‌گفت در کشور اهل بیت علیهم‌السلام و امام زمان (عج)، انجمن‌های ادبی متعدد و قابل استفاده‌ای وجود دارد؛ اما متأسفانه یک انجمن عقیدتی برای اصلاح اعتقادی اشعار وجود ندارد که در آن انجمن‌ها از مکتب تشیع دفاع شود؛ چون در برخی از اشعار آیینی، اصطلاحات و واژه‌هایی به کار رفته و می‌رود

که مبعوض اهل بیت علیهم‌السلام است و نه محبوب ایشان. حاج علی آهی، نقدهایش دقیق و متقن و صادقانه بود و به جوانان نیز شیوه نقد صادقانه و به ویژه جرأت نقد - حتی نقد بزرگان - را می‌آموخت؛ چه این نقد متوجه ابیات شهسوار نابغای چون محتشم باشد یا مربوط به اشعار و دو دمه‌های محبوب و ماندگاری چون «بر مشامم می‌رسد هر لحظه بوی کربلا». می‌گفت مراقب باشید سخن بزرگان مانع نبوغ فکری شما نشود. خودش هم به این قاعده ملتزم بود و بارها اشعار بزرگان ادب فارسی مانند سعدی، مولانا، حافظ و ... را به دلیل مطابقت نداشتن با ادله قرآنی و روایی مورد نقد و جرح قرار داد.

الفاظ سلطنتی باید از ادبیات آیینی حذف شوند

حاج علی آهی هم در سرودن شعر خود و هم در مواجهه با اشعار آیینی دیگران، مراقب لفظ و معنای آن بود. می‌گفت باید مراقب بود؛ چون مدموحان ما کسانی هستند که خداوند در قرآن آنها را مدح گفته است. استاد در باب شعر آیینی و واژگان و مضامین آن، گفتنی‌های بدیع و جالب توجه بسیاری داشت و برای هر مدعی خود نیز دلایلی داشت. از جمله معتقد بود برخی از الفاظ موجود در ادبیات آیینی و عاشورایی الفاظ سلطنتی هستند و باید از این اشعار زدوده شوند؛ مثلاً می‌گفت که لفظ «شاه» در ترکیباتی چون «شاه کربلا»، «شاه نجف» و «شاه خراسان» از ادبیات سلطنتی به ادبیات آیینی راه یافته است. چنین تعبیری برای وجود مقدس امام علیه‌السلام تنزل است و برای شاه، تقدم و ترفیع درجه. با آنکه در زبان و اشعار عربی کلمه «مَلِك» یا واژه‌ای مرادف آن درباره اهل بیت علیهم‌السلام به کار نرفته است و اگر بنیاست این لفظ را درباره ائمه علیهم‌السلام به کار ببریم؛ چرا مثلاً «شاه بقیع»، «شاه سامرا» و ... نمی‌گوییم؟! بنابراین استفاده از چنین لفظی برای آن ذوات مقدس اشتباه است که «آنکه عوالم ز طفلیش به پاست / شاه خطابش بنمودن خطاست».

مداح یا شاعر آیینی، حافظ اصول و فروع دین است

از دیگر وجوه جالب رویکرد مرحوم حاج علی آهی به شعر آیینی که در میان اهالی این گونه ادبی شهره شده، احتراز و اجتناب او از استعمال اصطلاحات رمزی عرفانی و صوفیانه مانند باده، می، میخانه، غمزه چشم و ابرو و ... در شعر بود. او که اصرار بسیاری بر انطباق مداحی اهل بیت علیهم‌السلام با سیمای حقیقی ایشان بر اساس آموزه‌های دینی داشت، نسبت به استفاده از این گونه الفاظ در شعر آیینی معترض بود و آنها را منشأ انحراف می‌دانست و بر آن بود که این واژگان مبعوض اهل بیت علیهم‌السلامند و نه محبوب ایشان. ستایش و مدح خاندان وحی باید در دایره ادب و خالی از هر نوع پیرایه ناخودآگاه باشد. اینجاست که خطری بودن کار مداحی روشن می‌شود. به قول استاد «مراجع تقلید، حافظ فروع دین‌اند، نه حافظ اصول دین ... ولی مداح یا شاعر آیینی حافظ اصول و فروع دین است ... پس کسی که مروج اصول و فروع دین است، باید خیلی حواسش جمع باشد تا مروج اصول و فروع صوفیه، عرفا و ... نباشد و اگر بخواهد با اصطلاحاتی از این و آن شعر خود را سامان دهد، این شعر، التقاتلی است نه آیینی».

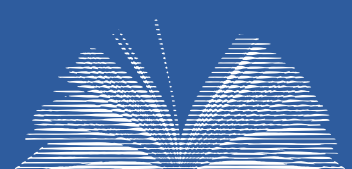
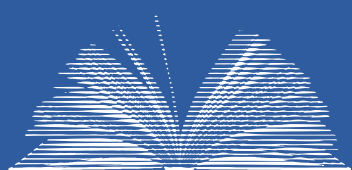
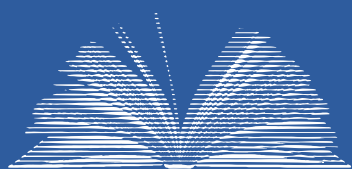
مبارزات و خدمات مرحوم حاج علی آهی

هر چند معدودی از اهالی وعظ و نوحه با ادعای بی‌ربط بودن دستگاه اهل بیت علیهم‌السلام با سیاست و به بهانه دوری از سیاست و اهل آن، عامدانه یا ناآگاهانه نسبت به مسائل سیاسی و آرمان‌های انقلاب بی‌اعتنا بودند، مرحوم آهی همواره و از همان آغاز، همزمان با تحصیلات حوزوی در مبارزات سیاسی علیه رژیم طاغوت مشارکت فعال داشت. زمانی در ایام جنبش ملی شدن صنعت نفت تحت امر مجاهد نستوه، آیت‌الله کاشانی بود و وقتی دیگر، هم‌قدم شهید نواب صفوی در جمعیت فدائیان اسلام. همچنین ایشان عضو هیئت مدیره «جمعیت اتحاد مسلمین» به سرپرستی آیت‌الله سید هدایت‌الله تقوی شیرازی علیه فرق ضاله بهائیت بود. پس از قیام امام خمینی (ره) نیز در تمام مراحل نهضت به همراه فرزنداناش، مشارکت گسترده و فعال داشت و یار و پشتیبان انقلاب بود و چندین بار از سوی ساواک دستگیر و شکنجه شد؛ پس از پیروزی انقلاب و در دوران جنگ تحمیلی در چند مسئولیت اجرایی منشأ اثر بود و پس از بازنشتگی، بخش عمده‌ای از تلاش‌ها و دغدغه‌های خود را مصروف شعر آیینی و به ویژه سامان دادن به امور معیشتی و رفاهی مداحان و بهبود وضعیت این صنف کرد. علاوه بر بنای چندین مسجد و حسینیه و کتابخانه در تهران و شهرستان‌ها، پایه‌گذاری خانه مداحان، همکاری در تأسیس بنیاد دجبل خزاعی، پیگیری‌ها برای اختصاص قطعه روضه‌الحسین علیه‌السلام در بهشت زهرا سلام الله علیها به مداحان و ذاکران و ... از اقدامات مهم ایشان بود.

آخرین دغدغه‌ها و سخنان حاج علی آهی

جامعه مداح این روزها عزاراد فقدان یکی از مفاخر بزرگ خود است؛ پیری که تا واپسین روزهای عمر خود دل مشغول وضعیت پیرغلامان و مداحان اهل بیت علیهم‌السلام بود. مردی دانشمند و صاحب‌نظر که در باب مقدسات و شعر آیینی دقیق و سخت‌گیر بود و در سلوک با مردم، متواضع و بی‌غل‌وغش. گفته‌اند اگر کسی به او توهین یا جسارتی می‌کرد، سهل می‌گرفت و می‌گذشت؛ اما اگر در شعر یا مطلبی به ساحت مقدس معصومین علیهم‌السلام اهانت می‌شد، امکان نداشت، بگذرد. اخلاص و محبت صادقانه‌اش در حق اهل بیت علیهم‌السلام را در جمعیت خاطر و طمأنینه مثال زدنی‌اش در آخرین لحظات عمر با برکت‌شان می‌توان دید، همچنان که فرزندش نقل کرده در آخرین شبی که حال‌شان وخیم شد و ایشان را به بیمارستان بردند، گفته بود: «همه اینها تقدیر خداست؛ زمانی که باید برویم، می‌رویم؛ اگر من از دنیا رفتم، شما ناراحتی نشان ندهید. من هیچ‌گونه حساب کتابی در زندگی ندارم، هر چه داشتم صرف خدا کردم، مسجد ساختم، حسینیه درست کردم، صندوق قرض‌الحسنه برپا کردم. برای من یک خرما هم ندادید، ندادید؛ من جلوجلو داده‌ام». فرزندشان تصریح کرده است که پدر از مال دنیا هیچ چیز باقی نگذاشت؛ آنقدر گذاشته بود که پول کفن و دفنش را به من داد و گفت این خرج مراسم است. ... خدایش رحمت کند و با صالحین محشور گرداند.

کتابنامه





نگاهی به مقتل ابومخنف

✦ محسن دریاپیگی

این فراگیری و بهره‌وری روشن نیست؛ چنان که وی قطعاً از محضر امام صادق علیه‌السلام استفاده کرده است؛^۱ اما چگونه و کجا به درستی آشکار نیست. چرا که امام صادق علیه‌السلام در مدینه می‌زیسته است و جلسه تدریس آن حضرت در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده و حال آنکه ابومخنف در کوفه بوده، آیا ابومخنف برای درک محضر امام صادق علیه‌السلام به مدینه آمده است؟ تاریخ آن را بازگو نکرده است. گویا در همان مدت کوتاهی که امام صادق علیه‌السلام برای زیارت و ... به عراق آمد و گروهی در کوفه از محضر وی بهره بردند،^۲ ایشان نیز از آن حضرت استفاده و سماع حدیث کرده است. آنچه احتمال دوم را تأیید می‌کند این است که ابومخنف از امام صادق علیه‌السلام بسیار اندک روایت نقل می‌کند. اینکه نجاشی گفته ابومخنف از اصحاب امام باقر علیه‌السلام نبوده است^۳ به سبب معاصر نبودنش با امام نیست؛ بلکه احتمالاً از آن لحاظ است که امام علیه‌السلام در مدینه می‌زیسته و اصلاً به عراق مسافرت نکرده است.

از شاگردان مبرز ابومخنف می‌توان این افراد را یاد کرد: مورخ شهیر و نسابة کبیر هشام بن محمد بن سائب کلبی (م ۲۰۴) مورخ نامدار

اما اغلب تاریخ درگذشت وی را سال ۱۵۷ هجری قمری نوشته‌اند. شاید معلوم نبودن تاریخ تولد وی موجب اشتباه بعضی از علمای رجال درباره او شده است؛ چنان که برخی او را از اصحاب علی، حسن و حسین علیه‌السلام برشمرده‌اند و برخی دیگر او را از یاران جعفر صادق علیه‌السلام می‌دانند. شیخ طوسی نقل می‌کند که ابومخنف از اصحاب علی بن ابی‌طالب و حسن و حسین علیه‌السلام بوده و خود ابومخنف، علی علیه‌السلام را ملاقات نکرده است؛ اما نجاشی او را از روایان جعفر صادق علیه‌السلام می‌داند و می‌گوید: «گفته شده است که او از ابوجعفر هم روایت نقل کرده است؛ ولی این مطلب صحیح نیست». پس بنا به گفته نجاشی، او فقط از امام جعفر صادق علیه‌السلام روایت می‌کرده است و از اصحاب ایشان به شمار می‌رود؛ حتی از امام محمد باقر علیه‌السلام هم روایت نکرده است تا چه رسد به نقل روایت از امام علی علیه‌السلام.^۴ وی به یقین در کوفه به تحصیل و فراگیری دانش پرداخته است. از استادان و چگونگی زندگانی علمی و تعلیم و تعلم ابومخنف اطلاع دقیقی در دست نیست^۵ می‌توان گفت وی از محضر جابر بن یزید جعفی، مجالد بن سعید و صعقب بن زبیر استفاده کرده است؛^۶ اما چگونگی

کهن‌ترین اثری که در تاریخ قیام امام حسین علیه‌السلام نگاشته شده کتاب مقتلالحسین از ابومخنف لوط بن یحیی بن سعید سالم آزدی غامدی کوفی است. خاندان ابومخنف از بزرگ‌ترین خاندان‌های شیعه و از یاوران با وفای امیرالمؤمنین علیه‌السلام به شمار می‌رفتند. مخنف بن سلیم جد دوم او از اصحاب رسول خدا^۱ صلی الله علیه و آله و سلم و از مدافعان و یاران علی علیه‌السلام و از فرماندهان بلند رتبه و کارگزاران شایسته حکومت وی بود. مخنف بن سلیم در نبرد صفین در سپاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرماندهی نیروهای قبایل ازد، بجیل، خثعم و خزاعه را به عهده داشت.^۲ آن حضرت پس از جنگ جمل، وی را به استانداری اصفهان و همدان منصوب کرد.^۳ برادران مخنف بن سلیم، صعقب و عبدالله از شهدای جنگ جمل در سپاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام بودند.^۴

درباره ابومخنف، اطلاعات تاریخی اندکی بر جای مانده است؛ چنان که حتی ترسیم طرحی ساده از احوال وی نیز دشوار است. همین موضوع موجب شده تا همگان توجه خود را به اخبار منقول از او معطوف دارند و در این اخبار نیز نکاتی که به روشن شدن زندگی او کمک کند، بسیار اندک است.^۵ تاریخ تولد ابومخنف بر ما مشخص نیست؛

تأثیر مقتل ابومخنف در آثار بعدی

دو مورخ بزرگ و معروف دیگر از معاصران وی نصر منقری: علی بن محمد مدائنی یا مدینی، (متوفی ۲۱۱ هـ) و هشام بن محمد نسابه کلبی (متوفی ۲۰۶ یا ۲۰۴ هـ) کتاب مقتل الحسین را با روایت مستقیم و بلاواسطه دریافت و با اضافه اخباری از سایر راویان نقل و روایت کرده‌اند که به اعتبار آن اخبار اضافی جزو آثار خود آنان نیز شمرده شده است.

مرحوم شیخ مفید گویا به مقتل ابومخنف دست نیافته، بنابراین این اخبار را در کتاب الارشاد خود از کلبی و مدائنی و متأسفانه با حذف اسناد ذکر کرده است؛ پس از کلبی و مدائنی محمد بن جریر طبری (متوفی ۳۱۰ هـ) نیز اخبار ابومخنف را در تاریخ خود از مقتل کلبی و با تعبیر حدثنی هشام بن محمد و با ذکر اسناد نقل کرده است.

علی بن الحسین اموی معروف به ابی فرج اصفهانی (متوفی ۲۸۴ هـ) نیز مختصری از اخبار مقاتل بنی هاشم در کربلا را در مقاتل الطالبین خود عمدتاً از ابومخنف ذکر کرده است.

بسیاری از اخبار بخش زندگانی امام حسین انساب‌الاشراف از احمد بن یحیی بلاذری (متوفی بین ۲۸۰ تا ۳۰۰ هـ) از ابومخنف است؛ همچنین بخش مقتل امام حسین الاخبار الطوال از احمد بن داود دینوری (متوفی ۲۸۲ هـ) از ابومخنف است. محمد بن حسن معروف به فتال نیشابوری حلی که در نیشابور به امر برادرزاده نظام‌الملک جوینی به سال ۵۰۸ هـ شهید شد فصلی از کتاب روضه‌الواعظین خود را به امام حسین علیه‌السلام پرداخته و این بخش را بنابر نقل ابومخنف تنظیم کرده است. مقتل الحسین خوارزمی، موفق بن احمد حنفی خوارزمی مکی، متوفی ۵۶۸ هـ نیز اخبار متعددی از ابومخنف را در بردارد.^{۲۴}

تحریف ابومخنف در روایت‌ها

کتاب مقتل الحسین ابومخنف پس از اینکه توسط طبری مضبوط شد به مرور ایام دچار تحریف شد تا آنجا که کتاب‌هایی با نام‌های مقتل الحسین و مصرع اهل بیت و اصحابه فی کربلا و ترجمه مقتل الحسین ابی‌مخنف و مقتل الحسین اولین تاریخ کربلا به صورت مستقل در نجف و قم به چاپ رسید. مرحوم شیخ عباس قمی در مقدمه نفس المهموم می‌نویسد: «نزد من ثابت و محقق شده است که این مقتل معروف به ابی‌مخنف که با عاشر بحار به طبع رسیده است از آن ابی‌مخنف معروف یا مورخ معتبر دیگری نیست و چیزی که در آن یافت شود و دیگری نقل نکرده باشد، اعتماد را نباید اما ابومخنف لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف ازدی از بزرگان اصحاب خبر بود و کتب بسیاری در سیره تألیف کرده از جمله کتاب مقتل الحسین که علما از آنها بسیار نقل کنند و اکثر بل

مستند و حتی‌الامکان دست اول آن روز را گرد آورده و گزارش کرده است؛ بنابراین او سرآمد مقتل‌نویسان بعدی است به حدی که کتاب او مصدر آثار تاریخی بعد درباره آن واقعه شد که هر کس هر گزارشی درباره آن حادثه عظیم نگاشته معمولاً از او گرفته است و بسیاری متن آن را روایت و حکایت و نقل کرده‌اند.^{۲۵}

ابومخنف هر کدام از اخبار مقتل را با نام راویان سند نقل کرده. مقتل الحسین فعلی شامل ۱۱۳ روایت کوتاه و بلند است که کوتاه‌ترین آن یک جمله و بزرگ‌ترین آن چند صفحه است. از مجموع ۱۱۳ روایت مقتل الحسین ابومخنف، ۲۷ روایت مربوط به خروج امام حسین علیه‌السلام از مدینه و استقرار وی در مکه، تحرک شیعیان در کوفه، آمدن مسلم به کوفه و سرانجام مقتل مسلم و هانی است و بقیه شامل مقتل امام حسین علیه‌السلام و سایر شهدا و سرانجام اسارت خاندان ایشان است.



ابومخنف اخبار مربوط به حادثه کربلا را از چند طریق مکتوب کرده است در اکثر موارد، وی حوادث مذکور را توسط دو یا سه واسطه از شاهدان عینی یا معاصران واقعه کربلا که از یاران و خانواده امام حسین علیه‌السلام بودند^{۲۶} یا از دشمنان^{۲۷} یا بی‌طرفانی که صرفاً واقف بر جریان کربلا بودند^{۲۸} نقل می‌کند هویت برخی از راویان مشخص نیست. وی پنج روایت را که از فرط اشتها، زبانزد خاص و عام بوده بی‌واسطه ذکر کرده است. در مواردی خود ابومخنف بی‌واسطه از برخی شاهدان عینی واقعه کربلا، حدیث نقل می‌کند و این مطلب نشان می‌دهد ابومخنف قبل از سن پیری اقدام به نگارش مقتل کرده یا آن ناقلان، عمر طولانی کرده‌اند.

نصر بن مزاحم منقری (م ۲۱۲ ق)، مورخ بزرگ ابوالحسن علی بن محمد مدائنی (م ۲۲۵ ق).^{۲۹} در مورد مذهب ابومخنف آنچه می‌توان گفت آن است که ابومخنف در نقلیات خود تصریحی بر مذهب‌اش نکرده است. در مورد مذهب وی برخی سکوت^{۳۰} و برخی بر عامی بودن^{۳۱} و بیشتر هم اذعان به تشیع وی دارند.^{۳۲}

ابومخنف برای نگارش تاریخ اسلام، حدود چهل کتاب نوشته بود که امروزه فقط نام آنها بر جای مانده و متن آنها از میان رفته‌اند؛ البته برخی از آثار وی توسط تاریخ‌نگاران بعدی مانند وقعه صفین و «الغارات» «کتاب الجمل» مورد استفاده قرار گرفته‌اند^{۳۳} به گفته یولیوس ولهاوزن، ابومخنف با علاقه خاص و به تفصیل، موضوعات مربوط به خوارج و قیام‌های شیعه و شورش عراقی‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد و بیشتر، روایات کوفی را نقل می‌کند^{۳۴} این‌ندیم در فهرست خود می‌گوید: «دست‌خطی از احمد بن حارث خراز خواندم [که نوشته بود] علما می‌گویند: ابومخنف به مسائل عراق و اخبار و فتوحات آن بر دیگران برتری دارد»^{۳۵}.

با توجه به آن میزان روایت تاریخی که از وی مانده می‌توان گفت که روایت‌های ابومخنف از حوادث صدر اسلام آن‌چنان دقیق، مفصل و با ذکر جزئیات واقعه است که خواننده را به زوایای مختلف حادثه راهنمایی می‌کند. علاوه بر این، نقل این روایات به دور از هرگونه تعصب دینی و قومی است؛ تا آنجا که مورخان اهل سنت و شیعه از کتاب‌های او استفاده کرده‌اند.^{۳۶}

مقتل الحسین

مقتل الحسین ابی‌مخنف که متن عربی فعلی آن برگرفته از نقل قول‌های محمد بن جریر طبری در کتاب تاریخ‌الرسول و الملوک است. اصل اثر نخستین مقتل از امام حسین علیه‌السلام است که دو نسل بعد از واقعه کربلا مکتوب شده و به دلیل شهرت گردآورنده آن به مقتل الحسین ابومخنف شهرت دارد. تا قبل از اقدام وی مقتل الحسین عبارت از اطلاعات شفاهی و پراکنده‌ای بود که در اذهان وجود داشت و احتمالاً سینه به سینه نقل می‌شد. مقتل ابومخنف را مورخان بعدی مانند ابوالفرج اصفهانی، هشام کلبی و به طور ویژه طبری در کتب خود نقل کرده‌اند. به احتمال قوی ابومخنف سال‌ها بعد از واقعه کربلا متولد شده است. وی آن هنگام که شروع به نگارش مقتل الحسین کرده هنوز تعداد انگشت‌شماری از شاهدان مورد اعتماد واقعه کربلا در قید حیات بوده‌اند.

أبو مخنف با جست‌وجوی گسترده به دیدار حاضران و ناظران و معاصران واقعه عاشورا رفته و با کسانی که به هرگونه از آن اطلاعی داشته‌اند شتافته و اطلاعات معتمد و گزارش‌های



کل منقولات تاریخ طبری در مقتل از ابومخنف گرفته شده است و هر کس این مقتل معروف را با آنچه طبری نقل کرده مقابله کامل کند، داند که این مقتل از وی نیست.^{۲۵}

آغاز پیدایش این اثر مجعول و بی پایه چندان روشن نیست؛ اما با توجه به برخی از قرائن می توان حدس زد این کتاب در دوران صفویه ساخته و پرداخته شده است.^{۲۶} ترجمه های آن این مقتل ساختگی گویا تاکنون یک بار به اردو و سه بار به فارسی ترجمه شده است.^{۲۷}

۱. علم الهدی رازی آن را «بحر الانساب» نامیده و مطالب بسیاری در مورد فرزندان ائمه علیهم السلام بدان افزوده است.

۲. به سال ۱۳۲۲ ق به قلم محمد طاهرین محمدباقر موسوی دزفولی و همراه با کتاب اخذ الثار فی احوال المختار، منسوب به ابومخنف در ۲۴۰ صفحه.

۳. ترجمه دیگری از آن به سال ۱۴۰۵ ق به ضمیمه اخذ الثار فی احوال المختار در ۲۱۷ صفحه انجام شده است. این ناشر عنوان «اولین تاریخ کربلا»^{۲۸} را نیز بدان داده است. در این ترجمه یک مقدمه سیزده صفحه ای بسیار سبک و بی مایه با عبارات و جملاتی سست آمده است.

بازآفرینی اثر

به سبب ارزش و اهمیتی که این کتاب داشته و پیوسته در طول تاریخ مورد توجه مورخان و محققان بوده، برخی از محققان با استخراج و جمع آوری این اخبار از تاریخ طبری و دیگر آثار به بازآفرینی این اثر پرداختند. برخی از این کوشش ها را می توان در این باب به ترتیب نشر اشاره کرد، عبارت است از:

غفاری، حسن، مقتل الحسین، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی، ۱۳۹۸ ق
قیام سیدالشهدا حسین بن علی علیه السلام، محمد سرور مولایی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۹ ش

سید جمیلی، استنشاء الحسین، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۶ ق

یوسفی الغروی، محمد هادی، وقعه الطف لابی مخنف، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۹ ق
جودکی، حجت الله، قیام جاوید، تبیان، ۱۳۷۷ ش^{۲۹}

حسینی جلالی، محمدحسین، شهادة الحسین فی تسلسلها التاریخ من المنطلق حتی المقتل، عمان، دارالباقوت، ۱۴۲۵ ق

علاوه بر این آثار تمامی منقولات از ابومخنف به اهتمام کامل سلمان جبوری در دو جلد ذیل عنوان نصوص من تاریخ ابی مخنف در بیروت توسط دارالمحجۃ البیضاء و دارالرسول الاکرم در سال ۱۴۱۹ ق منتشر شده است.^{۳۰}

پی نوشت ها:

۱. الاستیعاب فی اسماء الاصحاب (در حاشیه اصابه) ج ۳، ص ۵۰۳؛ اسد الغابه فی معرفه الصحابه، دار احیاء التراث العربی، ج ۴، ص ۳۳۹
۲. وقعه صفین، نصر بن مزاحم، تحقیق عبدالسلام هارون، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۱۷
۳. همان، ص ۱۱
۴. تاریخ طبری (ذیل المذیل)، مؤسسه علمی، بیروت، ج ۸، ص ۴۷
۵. بهرامیان، علی، «ابومخنف»، در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶
۶. تاری، همانجا، ص ۷۲
۷. میرشریفی، سید علی، «ابومخنف و سرگذشت مقتل وی»، آینه پژوهش، تهران، ش ۲، ص ۱۳۵، مرداد و شهریور ۱۳۶۹
۸. الجرح و التعديل، ابن ابی حاتم رازی، دارالفکر، بیروت، ج ۷، ص ۱۸۲؛ میزان الاعتدال، ذهبی، مصر، ج ۳، ص ۴۲۰؛ سیر اعلام النبلاء، ذهبی، مؤسسه الرساله، ج ۷، ص ۳۰۲-۳۰۱
۹. رجال نجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، انتشارات اسلامی، ص ۳۲۰؛ رجال علامه، تصحیح محمدصادق بحر العلوم، منشورات شریف رضی، قم، ص ۱۳۶
۱۰. شرح و توضیح مسافرت های امام صادق علیه السلام به عراق، گویا در منبعی به طور کامل و مفصل نیامده است، برای اطلاعات اولیه رجوع شود به کتاب الامام الصادق، محمدحسین مظفر، انتشارات اسلامی، قم، ص ۱۲۳ و ۱۳۰
۱۱. رجال نجاشی، ص ۳۲۰
۱۲. رجال نجاشی، ص ۳۲۰؛ فهرست شیخ طوسی، ص ۱۲۹؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۷، ص ۳۰۲-۳۰۱؛ لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی، مؤسسه علمی، بیروت، ج ۴، ص ۴۹۳-۴۹۲
۱۳. زرگری نژاد، غلامحسین، نهضت امام حسین علیه السلام و قیام کربلا، تهران: سمت، ۱۳۹۱، ص ۱۳
۱۴. رک: الجمل، شیخ مفید، تحقیق سید علی میرشریفی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ص ۴۲۳؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، تحقیق ابوالفضل ابراهیم، اسماعیلیان، قم، ج ۱، ص ۱۴۷؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، مؤسسه الوفا، بیروت، ج ۱، ص ۲۵
۱۵. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام، انصاریان، ۱۳۰۳، رجال نجاشی، ص ۳۲۰؛ همچنین رک: فهرست شیخ طوسی، ص ۱۲۹؛ معالم العلماء، ابن شهر آشوب، تصحیح عباس اقبال، مطبعة فردین، تهران، ص ۸۳؛ رجال علامه، ص ۱۳۶؛ رجال ابن داود، تصحیح محمدصادق بحر العلوم، منشورات شریف رضی، قم، ص ۷۷؛ نقد الرجال، تفرشی، انتشارات الرسول المصطفی، ص ۲۷۸-۲۷۷؛ جامع الرواة، اردبیلی، دارالاضواء، بیروت، ج ۲، ص ۳۳؛ رجال بحر العلوم، سید محمد مهدی بحر العلوم، منشورات مکتب الصادق، تهران، ج ۱، ص ۲۸۶؛ تنقیح المقال، مامقانی، نجف، ج ۲، ص ۴۴-۴۳؛ منشورات اعلمی، تهران، ص ۲۳۵؛ معجم رجال الحديث، آیت الله خوئی، منشورات مدينه العلم، قم، ج ۱۴، ص ۱۳۸؛ همچنین اهل سنت نیز بر تشیع وی صحه گذاشته و اکثراً از همین باب روایات وی را مخدوش می دانند. رک: تاریخ یحیی بن معین، تحقیق احمد محمد نور سیف، جامعه ملک عبدالعزيز، عربستان، ج ۲، ص ۵۰۰؛ الجرح و التعديل، ج ۷، ص ۱۸۲؛ الکامل فی الضعفاء الرجال، ابن عدی، دارالفکر، بیروت، ج ۶، ص ۲۱۱؛ دیوان الضعفاء و المتروکین، ابن عدی، دار القلم، بیروت، ج ۲، ص ۲۶۰؛ تاریخ الاسلام، ذهبی، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، حوادث و وفیات ۱۶۰-۱۴۱، ص ۵۸۱؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۲۰؛ لسان المیزان، ج ۴، ص ۴۹۳-۴۹۲؛ قاموس المحيط، فیروزآبادی، مؤسسه الرساله، بیروت، ص ۱۰۴۵ (خنف)؛ الوافی بالوفیات،

- صفدی، تحقیق گروهی از فضلا، بیروت، ج ۲، ص ۴۴۴؛ فوات الوفيات، ابن شاکر کتبی، تحقیق احسان عباس، دار صادر، بیروت، ج ۳، ص ۲۲۵؛ معجم الادباء، یاقوت حمدي، دارالفکر، بیروت، ج ۱۷، ص ۴۲؛ هدية العارفين، اسماعيل پاشا، (ضمن كشف الظنون) دارالفکر، بیروت، ج ۵، ص ۸۴۱؛ الاعلام، زرکلی، دارالعلم للملایین، بیروت، ج ۵، ص ۲۴۵
۱۶. میرشریفی، سرگذشت مقتل ابومخنف، ص ۱۳۸
 ۱۷. سزگین، تاریخ نگارش های عربی، ص ۴۳۷
 ۱۸. رک: کتاب هایی که در پاورقی شماره ۳۷ گذشت. در کتاب ریاض العلماء (ج ۵، ص ۵۱۲) آمده است که مقتل ابومخنف به محضر امام صادق و امام عسگری علیهم السلام رسید آن دو بزرگوار آن را نیکو شمردند و اشتباهاتی را که در مورد فرزندان ائمه علیهم السلام بود اصلاح کردند.
 ۱۹. تاری، جلیل، «ابومخنف که بود؟»، معرفت، تهران، ش ۶۵ (اردیبهشت ۱۳۸۲، ص ۷۱)
 ۲۰. شناخت توصیفی از کتب مقاتل، بصائر - شماره ۱۹، خرداد و تیر ۱۳۷۵، محمد هادی یوسفی غروی
 ۲۱. مانند امام سجاد علیه السلام، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین علیه السلام، فاطمه سلام الله علیها دختر حضرت علی علیه السلام، زید بن علی بن حسین، عقبه بن سمان، ضحاک بن عبدالله مشرقی، دلهم همسر زهیر بن قین، مرقع بن ثمامه اسدی، غلام عبدالرحمن بن عبد ربه انصاری، طرماح بن عدی، عبدالله بن خازم، عباس الجدلی
 ۲۲. مانند حمید بن مسلم مخبر سپاه عمر سعد را می توان ذکر کرد. ابومخنف از قول وی در روایت ۸۵ مطلبی را نقل می کند وی به رغم اینکه مخبر سپاه دشمن بوده در این حادثه کارهایی انجام داده که نشان می دهد احتمالاً از روی اجبار تن به این کار داده است؛ همچنین روایاتی از لشکر دشمن که برخی جزو قاتلان نامشان ذکر شده است؛ مانند مسروق بن وائل، روایت ۷۷؛ غیف بن زهیر بن ابی الاخنس، روایت ۷۸؛ یحیی بن هانی بن عروه، ایوب بن مشرَح الخیوانی، ربیع بن تیم، قره بن قیس التمیمی، کثیر بن عبدالله الشعبي، هانی بن ثابت الحضرمی
 ۲۳. عبدالله بن سلیم و المذری بن المشمعل از قبيله بنی اسد
 ۲۴. شناخت توصیفی از کتب مقاتل، بصائر - شماره ۱۹، خرداد و تیر ۱۳۷۵، محمد هادی یوسفی غروی
 ۲۵. نفس المهموم، حاج شیخ عباس قمی، انتشارات بصیرتی، قم، ص ۸؛ همچنین رک: مؤلف و الشیعه فی صدر الاسلام، ص ۴۰؛ الکنی و الالقاب، ج ۱، ص ۱۴۸؛ هدية الاحباب، حاج شیخ عباس قمی، امیرکبیر، ص ۴۵؛ دائرة المعارف الاسلامیه، دارالمعرفه، بیروت، ج ۱، ص ۳۹۹؛ تاریخ التراث العربی، التدوین تاریخی، جزء دوم، ج ۱، ص ۱۲۸
 ۲۶. اتان کلبرک احتمال داده که نویسنده این مقتل علی بن طلووس بوده که احتمالاً بی اساس است. ر د: کتابخانه ابن طلووس، اتان کلبرک، ترجمه سید علی قرائی و رسول جعفریان، کتابخانه آیت الله مرعشی، ص ۷۹
 ۲۷. ریاض العلماء، ج ۵، ص ۵۱۲
 ۲۸. مقتل الحسین اولین تاریخ کربلا، دارالکتب، قم (ترجمه محمدباقر و محمدصادق انصاری)
 ۲۹. اخیراً این اثر توسط انتشارات خیمه با تنظیم جدید به طبع رسیده است.
 ۳۰. اسفندیاری، محمد، کتاب شناسی تاریخی امام حسین علیه السلام، ص ۴۵

منظری معقول بر اولین مقتل مکتوب

انتشار ویرایش جدیدی از مقتل ابی مخنف جزو مهم‌ترین اتفاقات حوزه نشر در سال گذشته بود، گزارش از نشست بررسی این کتاب را بخوانید

رضا هواهای



همان طور که در بخش نظرسنجی ابتدای مجله دیدید، هم برگزاری سلسله نشست‌های نقد و بررسی کتابهای حوزه عاشورا توسط بنیاد دعبل خزاعی جزو اتفاقات مهم سال ۱۳۹۳ بود و هم انتشار ویرایش تازه‌ای از مقتل ابی مخنف کوفی. برای اطلاع خوانندگان از کم و کیف جلسات نقد و بررسی کتاب‌های عاشورایی، گزارش چهارمین جلسه این نشست‌ها که به نقد و بررسی ترجمه دکتر جودکی از مقتل ابی مخنف اختصاص دارد را عینا پیاده کرده‌ایم تا به هر دو موضوع مهم سال پرداخته باشیم.

دکتر محمدرضا سنگری: برای



شخصیت‌های مختلف مقاتلی وجود دارد؛ مثلاً مقتل حمزه سیدالشهدا یا مقتل حضرت علی بن ابیطالب علیه‌السلام و غیره ولی امروز وقتی صحبت از مقتل می‌شود عاشورا و کربلا را تداعی می‌کند.

از جمله ویژگی‌های مقتل ابومخنف این است که مشهورترین مقتل نسل اول مقتل‌نویسی است. این کتاب شهرت فراوان دارد و بر مقاتل دیگر نیز تأثیر بسیاری داشته است. همچنین قدیمی‌ترین اثری است که به دست ما رسیده است. مقتل ابومخنف از نزدیک‌ترین مقاتل به حادثه عاشوراست. ابومخنف ۹۶ سال پس از حادثه کربلا و در سال ۱۵۷ هجری درگذشت؛ بنابراین وی با بسیاری از کسانی که بی‌واسطه یا با واسطه در کربلا حاضر بودند، دیدار کرده و با آنها ارتباط داشته است. ابومخنف کوفی بود و به این سبب قرائن و شواهد و مستندات بسیاری در اختیار داشت. کوفه از کربلا فاصله کمی دارد و مرکز ثقل نیروهای حاضر در کربلا از کوفه بود؛ یعنی مجموعه نیروهای موجود در کربلا از کوفه آمده بودند. ابومخنف قاتلان امام حسین و اصحاب ایشان و کسانی که در صحنه حاضر بودند را دیده است چرا که از کسانی روایاتی نقل کرده است که از جانی‌تکاران کربلا هستند و وی موفق شده است که

بن سمان که یار امام حسین علیه‌السلام است، سازگار نیست. همه تلاش عمر سعد در کربلا این بود که جنگ رخ ندهد تا به آرمان و آرزوی خود یعنی رسیدن به ری و گرگان دست یابد. او روز سوم محرم به کربلا می‌آید و از مذاکراتش مشخص است که تلاش می‌کند تا جنگ صورت نگیرد و صلحی ایجاد کند تا هم او به نوایی برسد و هم برای حضرت ابی عبدالله علیه‌السلام اتفاقی نیفتد. وقتی روز تاسوعا شمر بن ذی‌الجوشن به کربلا آمد و نامه‌ای با این مضمون آورد که اگر عمر سعد جنگ را نپذیرفت، سر او را جدا کن و برای من بفرست و خود فرماندهی جنگ را برعهده بگیر؛ به سبب رقابتی که میان آن دو وجود داشت عمر سعد آماده جنگ شد. میل درونی عمر جنگ نبود اما وقتی در این شرایط قرار گرفت خود را برای جنایت آماده کرد و وقتی حر بن یزید ریاحی نزد او آمد و از او پرسید که تو با این مرد می‌جنگی؟ او گفت که من جنگی خواهم کرد که حداقل آن جدا شدن سرها و دست‌ها باشد. گاهی در برخی صحنه‌ها مشاهده می‌کنیم که هنوز باریکه‌ای در وجود عمر سعد وجود دارد؛ مثلاً وقتی حضرت زینب سلام الله علیها در تل زینبیه خطاب به عمر سعد می‌گوید که فرزند پیغمبر صلی الله علیه و آل و سلم را می‌کشند و تو تماشا می‌کنی؟ روی خود را برمی‌گرداند و گریه می‌کند.

عمر سعد با این فکر که شاید به تأخیر انداختن، گره‌گشا باشد نامه‌هایی برای عبیدالله بن زیاد می‌فرستاد و در آنها دروغ‌هایی می‌نوشت تا به گونه‌ای این اتفاق را به تأخیر بیندازد و آنها را سرگرم کند تا شاید راهی ایجاد شود. در یکی از این نامه‌ها که بسیار مشهور است، آمده که حسین گفته است که مرا مخیر میان یکی از این سه امر قرار دهید. من اگر به کربلا آمده‌ام سبب آن این است که مرا دعوت کرده‌اند و نامه‌های آن

جودکی: مقتل ابومخنف، نیز موجود است و **مقتل نسل اول است که** اگر اکنون مردم کوفه **می‌توان به آن صفتی** رأی‌شان تغییر کرده **اضافه کرد و عنوان آن را** است مرا میان یکی **مقتل معیار گذاشت. به** از این سه امر قرار **این معنا که مقاتل بعدی** دهید؛ یک؛ با یزید **را با این مقتل بسنجیم** بیعت کنم، دو؛ به مدینه بازگردم و سه؛

به یکی از دیار اسلامی بروم. در این کتاب روایتی در مقابل این روایت وجود دارد و آن اینکه عقبه بن سمان می‌گوید که من از مدینه تا کربلا با حسین علیه‌السلام بودم و عقبه بن سمان را امام حسین علیه‌السلام ظهر عاشورا از کربلا بیرون کرد و گفت که این اطلاعات باید به نسل‌های آینده برسد. روایتی از او در این کتاب وجود دارد و آن اینکه من هیچ‌گاه ندیدم که امام یک بار تقاضا کند که من برگردم یا دست بیعت به یزید بدهم.

بنابراین تقابل و تناقض میان این روایات وجود دارد و ای کاش در کتاب به تعارض و تناقض این روایات

اطلاعاتی از آنها به دست آورد. این مقتل ناقص است و همان ۱۱۳ روایت تاریخ طبری در آن جمع‌آوری شده است که دکتر جودکی ترجمه و شرح آن را برعهده داشتند. در تاریخ طبری ۱۲۶ روایت درباره امام حسین علیه‌السلام وجود دارد که ۱۰۰ روایت از ابومخنف است و ۱۰ روایت به واسطه از ابومخنف مطرح شده است و حدود ۱۵ روایت از روایات در تاریخ طبری از ابومخنف نیست. نکته دیگر که بعدها می‌توان به آن پرداخت اینک روایاتی از ابومخنف در کتب دیگر وجود دارد که مترجم باید آنها را مطالعه و آنها را نیز ذکر می‌کرد.

برخی روایات ابومخنف بر ساخته دیگران است؛ چون بافت آنها نشان‌دهنده آن است که به قرن‌های بعدی اختصاص دارند. طبری حدود ۱۵۷ سال بعد از ابومخنف می‌زیست و روایات او را در کتاب تاریخ خود آورده است. آیا در این فاصله بعضی از روایات از کسان دیگری نیامده است؟ برخی روایات از منظر ادبی، ساختار و زبان و بیان به یک الی دو قرن قبل بازمی‌گردند و زبان، عصر ابومخنف نیست. نکته دیگر اینکه در روایات تناقض وجود دارد؛ مثلاً روایتی از مجادله بن سعید و صعقب بن زهیر وجود دارد که پیشنهاد امام حسین علیه‌السلام به یزید را مطرح کرده است که این دو روایت با روایت عقبه



اشاراتی می‌شد. یکی از ارزش‌های فوق‌العاده این کتاب توضیحاتی است که در پانویس صفحات آن می‌بینیم.

به چند ارزش این کتاب اشاره می‌کنم؛ این کتاب معرفی بسیار دقیق و عالمانه دارد. مقدمه دیگری نیز از استاد سید محمد مهدی جعفری می‌بینیم که بسیار خوب است. مباحثی با عنوان پیشینه مقتل‌نگاری و دسته‌بندی مقاتل و به ویژه معرفی مقتل الحسین و از همه فراتر دسته‌بندی راویان و نقد و نظر نسبت به آنها در این کتاب بسیار ارزنده هستند که باید از دکتر جودی کی بسیار تشکر کنیم. نکته دیگر ترجمه منظم و مبتنی بر سیر تاریخی حوادث است؛ یعنی هندسه بسیار مناسبی به مجموعه ۱۱۳ روایت با بهره‌گیری از تاریخ طبری داده شده است. گاهی نیز اندک ذوقی در ترجمه به کار گرفته شده است که مصداق آن را می‌توان در صفحه ۵۳ درباره عبدالله عمر از قول مروان بیان کرد؛ «به شرطی می‌پسندد که بی‌خون و دل‌آید به کنار».

دکتر حجت الله جودی کی: این مقتل نخستین مقتلی است که باقی مانده به همین دلیل نام آن را نخستین مقتل مکتوب گذاشتیم.

طبری، ارشاد شیخ مفید، ابوالفرج اصفهانی و بسیاری دیگر این کتاب را نقل کرده‌اند و من همه آنها را مطالعه کرده‌ام؛ اما تنها کسی که ضبط دقیق از آن داشته طبری بوده است. بقیه افراد مطالب دیگری را در خلال روایات ابومخنف آورده‌اند. در جایی آورده‌ام که ابوالفرج اصفهانی در باب حضرت



عباس علیه‌السلام چیزی به روایت ابومخنف اضافه می‌کند که وحشتناک است و برای اینکه حق مطلب ادا شود مقاله‌ای با عنوان «عباس بن علی در کربلا» نوشته‌ام که با چاپ قبلی ابومخنف چاپ شد و در آن توضیح دادم که چرا روایت ابوالفرج اصفهانی در مورد حضرت عباس علیه‌السلام غلط است؛ گرچه راوی آن امام باقر علیه‌السلام است. طبری از عمار دهنی و مدائنی نقل می‌کند؛ اما به ابومخنف ربطی ندارند. روایاتی از ابومخنف در کتاب‌های دیگر آمده است؛ مثلاً در ارشاد شیخ مفید؛ اما مرزها در آن کتاب به حدی مخدوش شده است که نمی‌توان تشخیص داد

که این روایت از ابومخنف است یا شخص دیگر. چون شیخ مفید در ابتدا نقل می‌کند که این مقتل را از قول فلائی و فلائی نقل می‌کنم. گرچه با این مقتل که به چاپ خواهد رسید می‌توان آنچه در ارشاد شیخ مفید نیز وجود دارد نیز بیرون بکشیم؛ ولی اگر قبل از این کتاب به سراغ ارشاد شیخ مفید برویم، چنین چیزی امکان ندارد.

دو نکته را اشاره کردند یکی روایات دخیل در کتاب ابومخنف است که خودنمایی می‌کند که ادبیات

ابومخنف نیست و نکته دیگر پیشنهاد سه‌گانه است. در مقدمه در مورد پیشنهاد سه‌گانه توضیحاتی ارائه کردم؛ اما در پانویس در مورد آن توضیحی ندادم.

در صدر اسلام انتقاد و نقد وجود داشته اما با عنوان نقد و انتقاد نبوده است. این دو کلمه تقریباً جزو ادبیات مدرن محسوب می‌شوند و از فرهنگ غرب وارد شده‌اند؛ ولی مفهوم و موضوع در ادبیات اسلامی وجود دارد و اساساً در قرآن نیز وجود دارد. در قرآن انتقادات بسیاری وجود دارد. در ادبیات و کتاب ابومخنف نیز به همان شکل بوده است؛ حتی روایت عقبه بن سمعان نیز چنین حالتی دارد. اینها تناقض نیستند؛ بلکه به مطلب و آنچه شنیده‌اند وفاداری می‌کنند ولی در عین حال می‌دانند غلط است و قصد دارند تا آن را نقد کنند و با روایت دیگری بدون آنکه توضیحی اضافه کنند آن را نقد می‌کنند.

در کتاب ابومخنف مطلب دخیلی وجود ندارد. بعد از طبری روایات بسیاری وجود دارند که منسوب به ابومخنف هستند و بسیاری از بزرگان نیز آن را بیان کرده‌اند؛ مثلاً ضربه‌ای که شیخ عباس قمی در نفس المهموم به مقتل الحسین مجعول می‌زند که بسیار ارزنده است و در آنجا تأکید می‌کند که اینها باید با طبری سنجیده شوند تا اشکالات آنها مشخص شود. از دلایلی که باعث چنین ذهنیتی شده است که تصور می‌کنیم برخی چیزها وارد این کتاب شده‌اند تعریفی است که از ابومخنف در جامعه وجود دارد. روایات بسیاری وجود دارند که برگرفته از این کتاب نیستند؛ بلکه برگرفته از چیزهایی است که در طول تاریخ به آن اضافه شده‌اند.

مقتل ابومخنف، مقتل نسل اول است که می‌توان به آن صفتی اضافه

مظاهری: من به عنوان یک مخاطب که این موضوع در حوزه پژوهش و علاقه من قرار دارد، یکی از ویژگی‌های این کتاب را باورپذیر و قابل دفاع و بشری بودن آن می‌دانم. اینکه تعداد کشتگان از سپاه دشمن را ۸۸ نفر بیان می‌کند و اینکه بسیاری از سپاهیان برای جنگ نرفته بودند

به آن صفتی اضافه کرد و عنوان آن را مقتل معیار گذاشت. به این معنا که مقاتل بعدی را با این مقتل بسنجیم. این مقتل بسیار فشرده و خلاصه است و مقاتل بعد از آن با آن قابل قیاس نیستند؛ اما آنچه بعد از این مقتل نوشته شده است به لحاظ سند و اعتبار به پای مقتل ابومخنف

نمی‌رسد؛ اگر از من پرسند که زیباترین مقتل کدام مقتل است من قطعاً روضه‌الشهدا را نام خواهم برد؛ ولی می‌دانم که اعتباری ندارد. کتاب ابومخنف نه با زمان و نه با مکان حادثه تضادی ندارد؛ به این معنا که حوادث بیرونی و مربوط به آن زمان، روایات ابومخنف را خدشه‌دار نمی‌کنند. نکته دیگر، عقل‌گرایی است. در مجموعه کتاب ابومخنف نکته‌ای خلاف عقل نمی‌بینیم. در جایی ابومخنف را تحسین کردم به این دلیل که قبل از اینکه با عقل



دکتر سنگری: ای کاش نکاتی

که آقای دکتر بیان کردند در کتاب مطرح می‌شد. اگر این کار اتفاق می‌افتاد اثر گویاتر می‌شد هندسه و چینش روایات، معنادار و گونه‌ای از نقد است و می‌تواند منظر جدیدی نسبت به روایات پیش روی‌مان باز کند که مثلاً ابومخنف سه روایت را که پذیرفتنی است طرح می‌کند و سپس روایت عقبه بن سمعان را می‌آورد و به گونه‌ای روایت بعدی نقدکننده روایات پیشین است که خود یک نظر بسیار ارزنده و قابل تأمل است؛ اگر این توضیح در پاورقی می‌آمد، بسیار خوب بود.



دکتر محمد حسین ساکت: بنده

به تازگی دو جلد کتاب در حدود ۱۹۵۰ صفحه درباره طبری به وسیله خانه کتاب تهیه کردم. «طبری پژوهی، اندیشه‌گذاری

طبری، نابغه ایرانی» تقریباً چیزی درباره طبری نیست که در این کتاب نیامده باشد. از نکته‌های تازه‌ای که برای اولین بار در ایران مطرح می‌شود نکته‌ای است که درباره مذهب طبری در این کتاب نوشته‌ام. این صحبت‌ها من را به یاد نکته‌ای انداخت و آن اینکه اولاً اهمیت طبری برای دو مطلب بیشتر است؛ نخست دیدگاه غربیان درباره طبری است. چند سال پیش همایشی در اسکاتلند ویژه طبری برگزار شد که افتخار داشتم بخشی از کتاب «طبری، تاریخ‌نگار مسلمان و شاهکار او» را ترجمه کنم که بیشتر مربوط به تاریخ طبری است.

از دیدگاه غربیان و ایرانی‌ها طبری تنها نگهبان میراث شفاهی درباره تاریخ اسلام است و دیگری گزارش تراژدی و رخداد امام حسین علیه‌السلام است. خانم شوان کتابی به نام بوتیغای طبری دارد که درباره امام حسین علیه‌السلام و فاجعه کربلا بررسی بسیار خوبی از نوشته‌های طبری از ابومخنف انجام داده است؛ اگر نخواهیم جنبه‌های دیگر شاهکار طبری را برجسته کنیم این دو را باید از نظر علمی برجسته بدانیم. یکی نگهبانی و پاسداری از ایران باستان و دیگری نگاه بسیار عمیق و بی‌طرفانه به پاره‌ای از رخدادهای اسلام به ویژه آوردن گزارش و روایت ابومخنف.

طبری به سندشناسی نیاز دارد. تاریخ طبری روایت‌های مختلفی را مطرح می‌کند و خواننده گیج می‌شود که کدام گزینه و بهینه طبری است. بسیاری از پژوهندگان معتقدند که اولین روایتی که طبری بیان می‌کند، گزیده اوست؛ البته سند قطعی وجود ندارد و نیاز به پژوهش دارد.

یکی از مقالاتی که در این کتاب آمده است مقاله



اسطوره رفتن‌ها و شاخ و برگ افزودن‌ها در فرهنگ ایرانی سابقه داشته است. نکته دیگر اینکه شما با قاطعیت بعضی از مسائل را رد کرده‌اید؛ مثل شهادت دختر سه ساله یا مسئله اربعین (در سال اول).

به نظرم آوردن توضیحاتی در زیر روایات راهگشاست؛

البته حل این اختلاف که جناب دکتر ساکت فرمودند یک نظر است. آیا واقعاً ابومخنف در روایات متناقض همین روش را دارد یا خیر.

پیشنهادی دارم و آن اینکه اگر بعضی از مباحث مقدمه در متن کتاب توزیع شوند؛ یعنی در ذیل روایات، بسیار بهتر خواهد بود. خوب است وقتی کسی روایتی را می‌خواند، بعضی از این مسائل را در کنار روایت یا ذیل آن ببیند.

گاهی نیز اغلاط تایپی یا افتادگی‌هایی در متن وجود دارند؛ مثلاً افتادگی‌هایی در ترجمه وجود دارند؛

در صفحه ۸۱ از یزید بن نبط عبدالقیس روایتی آمده که بخشی از آن از قلم افتاده است.

در مقدمه به مسئله‌ای مانند اربعین و دختر سه ساله که موضوعات بسیار مهمی هستند، اشاره فرموده‌اید؛ اما به افترا و دروغی که در روایتی در صفحه ۸۳ به حضرت مسلم بن عقیل بسته شده،

آقای دکتر عبدالله تازی سفیر مراکش در ایران در دوران انقلاب است. ایشان در این مقاله پیوندهای دولت اسلامی در دوران طبری را مورد بررسی قرار داده و طبری را نقد می‌کند که چطور وی فقط به شرق جهان اسلام توجه کرده و از غرب غافل مانده است.



دکتر سنگری: چند نکته درباره کتاب بیان کنم؛ اول اینکه من روی نام «نخستین مقتل مکتوب امام حسین» که نوعی کج تابی دارد، حرف دارم. از یک سو به آن

می‌گویند مقتل ابومخنف در حالی که ما می‌گوییم مقتل مکتوب امام حسین و این عنوان کج تابی دارد. مثل اینکه این مقتل را خود امام حسین علیه‌السلام نوشته است. گرچه در این زمینه قرینه ذهنی داریم؛ اما این عنوان به گونه‌ای این مشکل را دارد.

نکته دیگر اینکه علت شاخ و برگ دادن به کربلا را نفرت از بنی‌امیه و دوستی شدید به اهل بیت علیهم‌السلام نوشته‌اند. این موضوع باعث این تصور می‌شود که این تنها عامل و علت بوده که به کربلا شاخ و برگ داده شده است و همان‌طور که دکتر ساکت نیز به نقل از

آقای اسفندیاری اشاره کردند؛ مثلاً تعداد سپاهیان را افزایش داده‌اند یا طول روز را ۷۲ ساعت انگاشته‌اند یا نسبت‌هایی که به حادثه کربلا داده‌اند؛ مانند آمدن شیر و غیره. آیا فقط همین عامل است یا گرم کردن محافل و مجالس نیز می‌تواند عامل دیگری باشد

یا اختلاف اقوال و اجتماع آنها مسئله‌ای است، آیا نسخ و کتاب مختلف و تأثیر ذوق آنها که در تمام متون وجود دارد، اثر گذاشته است. بنابراین شاخ و برگ دادن به کربلا فقط محصول نفرت از بنی‌امیه و دوستی شدید به اهل بیت علیهم‌السلام نیست. ایرانیان به اسطوره‌سازی گرایش دارند. از اسوه به

اشاره نکرده‌اید.

در صفحه ۸۵، در توصیف نعمان بن بشیر، بخشی از متن عربی در ترجمه نیامده است.

در صفحه ۹۳، در سطر سوم از آخر، «و انما معه بزه عشر رجلا» در ترجمه نیامده است.

در صفحه ۱۱۱، «حتی رأیته جالسا علی بابی» در ترجمه نیامده است.

در صفحه ۱۲۱، «و کنت اول اهل الدار دخل علی مسلم بن عقیل» در ترجمه نیامده است.

در صفحه ۳۸۱، یک پاراگراف حذف شده است.

در صفحه ۲۳۷، حدیث ۵۸ «فاطی الخلیل صدره و ظهره، فانه عاق مشاق» نباید صدره و ظهره وجود داشته باشد.

در صفحه ۲۳۱، در رابطه با روایت ۵۴ نکته بسیار مهمی وجود دارد و آن تعارض روایات است. «و ما بینی و بینه رأیه» اگر این قسمت را توضیح دهید بسیار کمک خواهد کرد.

حدود ۱۹ روایت از مجموعه ۱۱۳ روایت از قاتلین است. خواهش می‌کنم؛ اگر امکان‌پذیر است در ذیل این روایات توضیحاتی در این باره داده شود. در طرح و تبیین روایات باید شخصیت و جایگاه امام مورد توجه قرار گیرد و ذیل برخی از روایات که مربوط به شخص حضرت اباعبدالله علیه‌السلام است توضیحاتی داده شود تا شک و شبه‌ای ایجاد نشود.

این ترجمه بسیار زیبا و روان است؛ حتی برای کسانی که می‌خواهند مقتل خوانی کنند؛ هر چند مقتل به مفهومی که امروز به ذهن‌ها متبادر می‌شود، نیست؛ چون مقتل بعد عاطفی دارد؛ ولی این کتاب بعد عقلی دارد؛ اما می‌توان از آن به عنوان یک مقتل برای خواندن در محافل و مجالس استفاده کرد؛ البته باید در چاپ بعدی اعراب‌گذاری صورت گیرد.

محسن حسام‌مظاہری: واسطه ما برای دست یافتن به ۱۱۳ روایت، طبری است. جایگاه طبری، پرداختن به طبری و پرسش درباره او بسیار مهم است.

با توجه به سبک طبری و تاریخ‌نگاری او نقل‌ها مستقیم یا استنباط مورخ بوده است؟ احتمالاً یک کتاب مقتل‌الحسین وجود داشته که طبری به آن





مراجعه کرده است؛ اما امروز آن کتاب از میان رفته و واسطه ما و کتاب از میان رفته، طبری است. همچنین می‌دانیم که طبری گرایش‌هایی داشت و این گرایش‌ها، نگرشی نسبت به عاشورا ایجاد می‌کرد. این گرایش‌ها چقدر در گزینش طبری مؤثر بوده است؟ چرا از آن کتاب فقط ۱۱۳ روایت آمده است؟ آیا می‌توان به اصل کتاب که چه میزان بوده و چه مقدار از آن را طبری آورده است پی برد؟ و اینکه آنچه طبری نقل کرده است از نگرش خود اثر گرفته است یا خیر؟ این مقتل را مقتل معیار



می‌دانیم؛ اما مباحث بسیاری در این کتاب وجود ندارند و به نظرم مناسب روضه‌خوان امروزی نیست. من به عنوان یک مخاطب که این موضوع در حوزه پژوهش و علاقه من قرار دارد، یکی از ویژگی‌های این کتاب را باورپذیر و قابل دفاع و بشری بودن آن می‌دانم. اینکه تعداد کشتگان از سپاه دشمن را ۸۸ نفر بیان می‌کند و اینکه بسیاری از سپاهیان برای جنگ نرفته بودند و بسیاری از آنها که شهید شدند نوجوان بودند یا در سن جنگ نبودند یا بسیار مسن بودند و جنگجو نبودند که بخواهیم از آنها تصویر عجیبی بسازیم. روایت‌ها بسیار معقول است؛ اما خلأها و جاف‌اندگی‌هایی در این کتاب وجود دارد؛ مثلاً روایات مشهوری داریم که اصلاً در این کتاب دیده نمی‌شوند. آیا این روایات واقعاً وجود نداشتند یا وجود داشتند؛ اما متناسب با گرایش‌های طبری نبودند که آنها را بیان کند.

دکتر جودکی: سال ۱۳۶۳ قصد ترجمه این کتاب را داشتم و از همان زمان شروع به کار کردم. آن زمان دانشجو بودم و این مباحث را به اساتید مختلف عرضه می‌کردم و آنها نیز راهنمایی می‌کردند. همه آنها بدون استثنا به من می‌گفتند که این کتاب را منتشر نکن چون با باورهای امروزی بسیار فاصله

دارد. من درباره طبری مطالعاتی داشتم و کتاب «موارد تاریخ طبری» دکتر جوادعلی را مفصل خواندم و بعدها شنیدم که رساله خانمی آلمانی به نام سزگین درباره ابومخنف است. به هر شکلی بود با ایشان تماس گرفتم و کتاب او را دریافت کردم. در کنگره امل نیز مقاله داشتم؛ ولی به این دلیل که اعتقاداتم متفاوت بود در آن شرکت نکردم. طبری مانند

جودکی: تلاش و اعتقاد این بود تا از منظر عقل وارد این موضوع بشوم زیرا معتقدم که دین در کنار عقل نجات‌بخش است و عقل در کنار جهل همان سخن مارکس است

مستشرقین امروز، به آنچه نقل می‌کرد، وفادار بود. شاید فکر غالب آن زمان یعنی سیطره بنی‌عباس، فکر طبری را در بر گرفته باشد ولی آنچه او نقل کرده، دروغ نبوده است. برخلاف ما که نقل و به ویژه نقل شفاهی استناد می‌کنیم، طبری بسیار دقیق و مستند بود و باورم این است که آنچه نوشته دقیقاً از روی کتاب استنساخ کرده است و چیزی از خود ننوشته است. وی راوی صد در صد بوده است. دلیلی برای این ندارم؛ ولی مطالعات بسیاری در باب طبری داشتم و روایات مختلف او را دیده‌ام و به این نتیجه رسیدم. طبری انسان بسیار منضبطی بود؛ ولی اینکه بخواهیم باور او را نفی کنیم بحث دیگری است.

درباره اینکه چقدر نگرش او در گزینش او تأثیر داشته باید بگویم که به نظرم تأثیر بسیار کمی داشته است که چیزی را حذف کند.

در مورد طبری باید چند گزینه را در نظر بگیریم. ما نمی‌دانیم آنچه امروز از طبری به دست ما رسیده کامل است یا کامل نیست. من سعی کردم در این کتاب از نسخه محمد ابوالفضل چاپ مصر استفاده کنم و به نظرم این نسخه بی‌نظیرترین نسخه‌ای است که از طبری منتشر شده است و همه اعراب‌گذاری‌ها توسط ایشان صورت گرفته و ما هیچ دخل و تصرفی در آن نداشتیم.

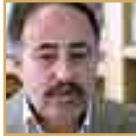
دکتر ساکت: این نکته که برخی

روایات با عقل ناسازگار هستند و ما باید آنها را بپذیریم در مورد روایات مربوط به احکام و عبادات صدق می‌کند؛ ولی در مورد روایات تاریخی این گونه نیست؛ اگر روایتی از امام حسین علیه‌السلام نقل شود و با سند دیگری منافات داشته باشد سندشناسی و رجال‌شناسی صورت می‌گیرد. در روایات تاریخی چنین قیدی وجود ندارد.



دکتر جودکی: دوستان

عنوان‌بندی را زحمت کشیده‌اند. انتقادی که به مقتل ابومخنف دارم و سعی کردم آن را جبران کنم موضوع حضرت



عباس علیه‌السلام است. در مورد کشته شدن حضرت عباس علیه‌السلام چیزی نمی‌گویم و فقط بیان می‌کند که ایشان آخرین نفر همراه امام حسین علیه‌السلام بوده است. در روایت ۱۱۲ قاتل ایشان را معرفی می‌کند که عباس توسط فلائی و فلائی کشته شد. برای اینکه این نقیصه جبران شود مقاله‌ای نوشتم در باب شهادت عباس بن علی علیه‌السلام که در این متن نیامده است و قرار شد که به صورت مجزا چاپ شود.

در ابتدا تشکر می‌کنم از دوستانی که آمدند و من را راهنمایی کردند. به ویژه در مورد مطالبی که جا افتاده بود بسیار ممنون هستم. در مورد مواردی که جناب دکتر سنگری فرمودند در مورد قضاوت‌هایی که در ابتدای کتاب صورت گرفته است در مورد همه آنها قبلاً مطالبی نوشته‌ام و بر اساس آنها قضاوت کردم.

در مورد امام حسین علیه‌السلام مطالب متنوعی در جامعه بیان و از جانب برخی تکرار و سپس نهادینه شده است که اگر انسان خلاف آن را بیان کند تصور می‌کنند که اشتباه گفته است.

در دوران کارشناسی ارشد استادی داشتم که از ما خواسته بود یک نکته تاریخی را مورد نقد و بررسی قرار دهیم. من موضوع دو طفلان مسلم را انتخاب کردم و آن را مورد نقد قرار دادم. استاد در پایان توضیحاتم به من گفت که این همه گریه کردیم بی‌خود بود و بسیاری اعتراض کردند؛ اما بعدها این موضوع مورد بررسی قرار گرفت و باز شد و مردم پذیرفتند. این موضوع تاریخی است من تلاش و اعتقاد این بود تا از منظر عقل وارد این موضوع بشوم زیرا معتقدم که دین در کنار عقل نجات‌بخش است و عقل در کنار جهل همان سخن مارکس است و چون بحث عاشورا نیز جزو مسائل دینی ما شده است این کارکرد را برای آن قائل هستم و معتقدم که نقض‌های فراوانی دارد که امیدوارم با راهنمایی دوستان و نقدهایی که می‌نویسند، برطرف شود. «

برای شش گوشه‌ها می‌دهم جان

حال‌وهوایی از کاروان ضریح امام حسین(ع) در گفت‌وگو با نویسنده کتاب «پنجره‌های تشنه»
✍️ **مرجان خسروی**

متوجه شدم می‌خواهم در چه موقعیتی قرار بگیرم این کار یک سفارش خودم به خودم شد. این طور نبوده که چیزی را آنها خواسته باشند و من نوشته باشم. همان روز اول هم طی کرده بودم که برای نوشتن تنها به امام حسین(ع) تعهد دارم و لاغیر. تعهد هم این است که راست بنویسم و حق بگویم و هر چه دیدم و شنیدم را نقل کنم. هیچ دروغ و فریبی در کار نباشد. برای همین می‌گویم اصلا این کار سفارشی نبوده است.

سخت نبود اینکه بخواهید سر عهدتان بمانید؟

خیر. اصلا. کار از جایی مانند گرده‌های آب رودخانه که به سمت پایین کشیده می‌شود، ما را به گرده جریان انتقال ضریح انداخت و به عمق فرستاده شدیم. اصلا آن چیزی را تصور می‌کردم با آن چیزی که در عمل اتفاق افتاد، زمین تا آسمان تفاوت داشت. ازدحام جمعیت، مشایعت و استقبال و بدرقه مردم آنقدر پرشور بود که دیگر انگار خودشان به عهده‌ی که داشتند عمل می‌کردند.

این ازدحام باعث شد تا پیش‌بینی کارها در انتقال ضریح از دست مسئولان خارج شود. یعنی لحظه به لحظه برنامه تغییر می‌کرد. به معنای واقعی کلمه ما در یک سفر قدیمی قرار گرفتیم. سفرهای زمان گذشته مانند حالا زیاد قابل برنامه‌ریزی نبود. کاروان در مسیر بیابان‌ها راه گز می‌کرد و نمی‌دانست که چند دقیقه بعد چه اتفاقی برایش می‌افتد. سفر انتقال ضریح هم همین روال را داشت. یعنی واقعا تصور و پیش‌بینی یک ساعت بعد هم امکان نداشت.

در راه یکباره می‌دیدیم که مردم چند روستا و آبادی یکجا جمع شدند و می‌گفتند امشب ضریح باید اینجا بماند. موارد اینچنینی باعث می‌شد تا جزئیات برنامه از دست مسئولان خارج شود و به دست ناخودآگاه مردم سپرده شود. این بی‌برنامگی و برنامه‌ریزی توأمان اتفاق خوبی را رقم بزند. اینکه بدون شخص ثالثی که مردم را تحریک کند یا بخواهد با پوستر و اطلاعیه و... مردم را جمع کند، خود مردم یک شور حقیقی به دیدار ضریح امام حسین(ع) می‌آمدند. این تجربه برای من بسیار ماندگار شد. امیدوارم بخشی از همین تجربه ماندگار را هم در اختیار همه مردم قرار داده باشم.

زمانی که طرح سفارش داده شد چه حسی داشتید. اینقدر مشتاق بودید که همان لحظه کار را قبول کنید؟

راستش در وهله اول خیلی رغبت نداشتم. کم‌کم

بیشتر شما را به نویسنده داستان کوتاه می‌شناسند. چطور شد که سراغ نوشتن سفرنامه آن هم با موضوع همراهی با کاروان انتقال ضریح امام حسین(ع) از قم به کربلا شدید؟
به نظرم هر چیزی براساس موقعیت شکل می‌گیرد. داستان کوتاه و سفرنامه‌های من هر یک با توجه به



موقعیت‌هایی که داشتم نوشتم. گاهی سفارشی بوده و گاهی هم دلی برای مطبوعات و مجلات و جاهای دیگر کار را انجام دادم. این سفرنامه هم به همین شکل بود. من در موقعیت آن قرار گرفتم. یعنی دست‌اندرکاران انتقال ضریح تصمیم گرفته بودند که راوی همراه کاروان بفرستند تا لحظه به لحظه این سفر را نقل کند و روی کاغذ بیاورد. در غیر این صورت من به تنهایی نمی‌توانستم چنین سفرنامه‌ای را بنویسم. یعنی اصلا امکان نداشت که کسی بتواند بدون هماهنگی با کاروان باشد و ماجرا را از نزدیک شرح دهد. به نوعی این کار به یک همکاری و هماهنگی کلی نیاز داشت.

پس می‌توان این کار را سفارشی دانست؟

مطمئن باشید این کار سفارشی نبوده. ببینید معنای حرفه‌ای کار سفارشی این است که پیش از انجام کار، مبلغ آن دریافت شود و هرچیز سفارش‌دهنده می‌خواهد کار جلو برود. بعد از صحبت‌هایی که با مسئولان کاروان داشتم و

«اطراف ضریح کاملا خلوت بود. مرد تعمیرکاری، که مغازه مکانیکی‌اش همان‌جا بود با تعجب بیرون آمد و مات مات کمی نگاه کرد و وقتی فهمید ماجرا چیست، دوید توی خیابان. صورتش را شش تیغه کرده بود و تمام لباس‌هایش روغنی بود. خواست دست‌هایش را بگذارد روی

شیشه‌های جلوی ضریح که خودش هم متوجه سیاهی و روغن روی دست‌هایش شد. دست‌هایش را پشت کمرش برد و صورت خیسش را گذاشت روی شیشه. آن‌طرف‌تر، دو آشپز از رستوران کنار خیابان بیرون آمده بودند، با لباس‌های سفید کار و یکی‌شان فرصت نکرده بود کلاهش را هم بردارد. کم‌کم مردم جمع می‌شوند. تعمیرکار برای این‌که

مردم به لباس‌هایش برخورد نکنند و روغنی نشوند، عقب‌تر ایستاده بود. حال خوبی پیدا کرده بود. روزی تعمیرکار از خیلی‌ها مثل من بیشتر بود آن روز». این جملات، حرف‌های مهدی قزلی در کتاب پنجره‌های تشنه است. کتابی که در ۳۸۰ صفحه‌اش آدم‌های بسیاری مانند تعمیرکار را نشان‌مان می‌دهد. هیچ‌یک از شخصیت‌های این کتاب تخیلی نیستند. افرادی حقیقی هستند که در شهرهای مختلف کاروان ضریح امام حسین بدرقه می‌کنند. واقعیتی از ارادت و عشق مردم ایران امام حسین(ع). در این میان مهدی قزلی هم هر آنچه را که می‌بیند ثبت و ضبط می‌کند. همین می‌شود که کتاب پنجره‌های تشنه به رشته تحریر در می‌آید و انتشارات سوره مهر هم در سال ۹۲ آن را چاپ می‌کند و رهبر معظم انقلاب نیز بر آن تفریط نوشتند. گفت‌وگو با مهدی قزلی، نویسنده پنجره‌های تشنه درباره همین حال‌وهوا است. ما را همراهی کنید.



وجه ماجراجویی این سفر برایم پررنگ شد. همین باعث شد تا به کار علاقه‌مند شوم. احساس کردم می‌تواند تجربه خوبی در نویسندگی برایم باشد. اما انصافاً کمی بعدتر از این حد و مرز گذشت. فقط به خاطر تجربه، دنبال کار نرفتم. ضرورت کار برایم نمود پیدا کرد. دیگر به چشم یک وظیفه و ادای تکلیف به آن نگاه می‌کردم. برای همین همه تلاش و هم‌وغم خود را به کار بردم تا ضبط و ثبت درستی داشته باشم. دیگر از برهه‌های مانند همان گرداب، درون ماجرا افتادم. تا جایی که دیگر خودم را بخشی از طرح می‌دانستم و هنوز هم می‌دانم و به آن افتخار می‌کنم. نکته دیگر هم که برایم اهمیت داشت، تاریخی بودن این اتفاق است. ساخت ضریح حرم سیدالشهدا هر صد سال یکبار اتفاق می‌افتد. برای همین این ماجرا تاریخی است. تا زمانی که به این دوره نزدیک هستیم و آن را درک می‌کنیم نمایان نمی‌شود. فکر می‌کنم پنجره‌های تشنه سال‌های دیگر بیشتر دیده و توجه می‌شود.

رضا امیرخانی یکی از نویسندگانی هستند که در سفرنامه‌نویسی هم شناخته شده هستند. از اینکه بین نویسندگانش انتخاب شدید و این کار به شما سپرده شد، چه حسی داشتید و دارید؟

البته الان دیگر با توجه به نوشتن سفرگردستان حضرت آقا در سال ۸۸، سفرنامه زلزله بم، جای پای جلال و آخرین هم پنجره‌های تشنه

می‌توانید نام مرا هم به عنوان سفرنامه‌نویس کنار اسم رضا امیرخانی بیاورید. امیدوارم آمادگی این را هم داشته باشم که سفرنامه‌نویسی ادامه دهم. اما قسمت دوم سوال‌تان را این‌طور می‌گویم که اتفاقاً قبل از من این کار به رضا امیرخانی سفارش داده شد. اما از آن جایی که آقای امیرخانی به دلایلی می‌دانست با آنها مواجه خواهد بود و نمی‌تواند به این سفر برود، من را به گروه پیشنهاد می‌دهد. مسئولان هم کارهای من را دیده و بررسی کرده بودند. بعد خود آقای امیرخانی تماس گرفت و برای صحبت مرا دعوت کرد. در نهایت با اینکه همان زمان داشتم کتاب جای پای جلال را می‌نوشتم و کارهای انتشار را انجام می‌دادم اما این توفیق نصیبم شد که حدود ۲۰ روز در خدمت ضریح امام حسین (ع) باشم.

بله. در ابتدای کتاب هم اشاره داشتید که قرار بود تا روایت‌گری این سفرنامه تیمی انجام شود. چرا نشد؟

ما می‌خواستیم کار را تیمی انجام دهیم تا تکراری و ملال‌آور نشود. چون به لحاظ داستانی گفتیم زمینه اصلی داستان جاده‌ای است و این تکرار وقایع شبیه به هم می‌تواند مخاطب را خسته کند. به همین دلیل فکر می‌کردم اگر هر مرحله‌ای از سفر را کسی بنویسد کار بهتر از آب در می‌آید. اما خب از لحاظ اجرایی اصلاً این کار میسر نشد. تا حتی بعضی از بچه‌های کاروان هم در مسیر راه از ما جدا بیفتند. حالا اگر می‌خواستیم در هر مرحله یک نویسنده‌ی جدیدی هم وارد کار کنیم، کار به مراتب سخت‌تر از این می‌شد. ما ابتدای کار تصور می‌کردیم خیلی راحت شهر به شهر رد می‌شویم و شب‌ها مثلاً در حسینییه یا مصلا‌ی شهر توقف می‌کنیم و مردم با مراسم سینه‌زنی و اشک ضریح را بدرقه می‌کنند. صبح روز بعد هم مسیر را ادامه می‌دهیم. ما اصلاً تصور



نمی‌کردیم که چنین ازدحام جمعیتی به‌وجود بیاید. در بعضی از شهرها ازدحام جمعیت تا سی، چهل کیلومتری بیرون شهر امتداد داشت! انگار تریلی داشت روی دست مردم حرکت می‌کرد. ما اصلاً روستاهای مسیر کاروان را حساب نکرده بودیم اما استقبال مردم این روستاها عجیب بود! در طول سفر، طبق برآوردها چندین میلیون نفر به استقبال ضریح آمده بودند.

فکر می‌کنید در «پنجره‌های تشنه» چقدر موفق بودید؟

اگر منظورتان رضایت است، راضی هستم. چون احساس کم‌کاری نمی‌کنم. اما اگر منظورتان توفیق است، نمی‌توانم درباره آن صحبت کنم. چرا که این اتفاق خیلی بزرگ بود. نمی‌دانم متوجه می‌شوید چه می‌گویم! ماجرا آنقدر بزرگ بود که نه تنها من بلکه یک مجموعه بزرگ رسانه‌ای قدرتمند هم نمی‌توانست از پس توفیق ارائه و انعکاس تصویر ناب آن برآید. بزرگی توفیقی که

من در این ماجرا دیده‌ام دیگر به نظرم کلمه یا جمله‌ای معنا ندارد که بخواهم بگویم. برای همین دوست دارم فقط درباره رضایت کار صحبت کنم که با توجه به همه ظرفیت، محدودیت و ضعف‌های خودم که به آنها واقف هم هستم از کاری که انجام دادم راضی هستم.

عکس نظر خودتان، دوست داریم اگر امکان دارد درباره توفیق بیشتر بگویید.

بینید، توفیق ۲ جنبه دارد که یکی قابل بررسی است و دیگری قابل بررسی نیست. در بخش قابل بررسی می‌توان تعداد نوبت چاپ، رونمایی کتاب، نحوه توزیع، تقریظ مقام معظم رهبری، نقد نویسندگان و شاعران مطرح درباره آن، نامزد جایزه جلال، کتاب مورد تقدیر نهاد کتابخانه‌ها و... را در نظر گرفت. اما توفیق دیگر این است که من با انجام این کار چه چیزی به دست آوردم. در این میان آبرو نصیب من شده. آدم گمنام و بی‌نام و نشانی مانند من به برکت

نام حسین (ع) به قدری آبرو پیدا کرده است که شما یا افراد دیگری به او زنگ می‌زنید. این آبرو بخشی از توفیق هست که امیدوارم امام حسین (ع) برای دنیای دیگر ما هم در نظر گرفته باشد. اینجا زیاد به آن احتیاج ندارم.

شخصیت‌ها و آدم‌های زیاد و متفاوتی در طول این سفر وارد ماجرا می‌شوند از فرشاد گرفته تا آن مرد تعمیرکار، تا

آن پیرزنی که عصازنان خودش را به ضریح رساند تا آن پسر ویلچری که روی دست مردم بلند شد و خودش را به ضریح چسباند و امثالهم، شما با کدامیک از این افراد ارتباط بیشتری برقرار کردید؟

با همه تفاوت‌هایی که آدم‌ها با یکدیگر داشتند اما جنس واکنش‌هایشان در این موضوع شبیه هم بود. بعضی اوقات وقتی بچه‌های کاروان این واکنش‌ها را می‌دیدند به گریه می‌افتادند. بعضی جاها فیلمبردارها و عکاس‌های ما که وظیفه ثبت این رخدادها را داشتند، دوربین‌ها را کنار می‌گذاشتند و زار زار گریه می‌کردند. مثلاً تصور کنید سر صبح که هوا به شدت سرد است و کسی جرأت ندارد در آن سرما قدم بزند، ما مشغول کارها برای حرکت کاروان به خارج از شهر بودیم که یک‌دفعه رفتگری جارو به دست، خودش را به ضریح می‌رساند و التماس می‌کرد که چند دقیقه بایستید تا زیارت کنم. به دلیل دیدن این صحنه‌های عجیب و فرامادی بود که وقتی کاروان



بِمُهْجَةٍ قَلْبِي اَنْتَ، وَ سِلَامِ اللهِ عَلَيْكَ يَوْمَ وُلِدْتَ وَ
يَوْمَ اسْتَشْهَدْتَ مَظْلُومًا وَ يَوْمَ تَبَعْتَ فَاحِرًا وَ مَفْخَرًا.
۹۳/۲/۲۹

بسیار خوب و با ذوق و سلیقه نوشته شده است؛
و بسا نگاه هنرمندانه و کنجکاو و نکته‌یاب. خواندم
تا ۹۳/۲/۲۸.

کوتاه درباره کتاب

اسفندماه ۹۱ بعد از پایان ساخت

ضریح جدید امام حسین(ع)،
کاروان حامل ضریح جدید حضرت
امام حسین(ع) از شهر قم حرکت
کرد. این کاروان از شهرهای تهران،
ساوه، اراک، بروجرد، خرم آباد،
اندیمشک، دزفول، شوشتر، اهواز،
آبادان، خرمشهر و مهران گذشت
تا سرانجام به شهر کربلا برسد.

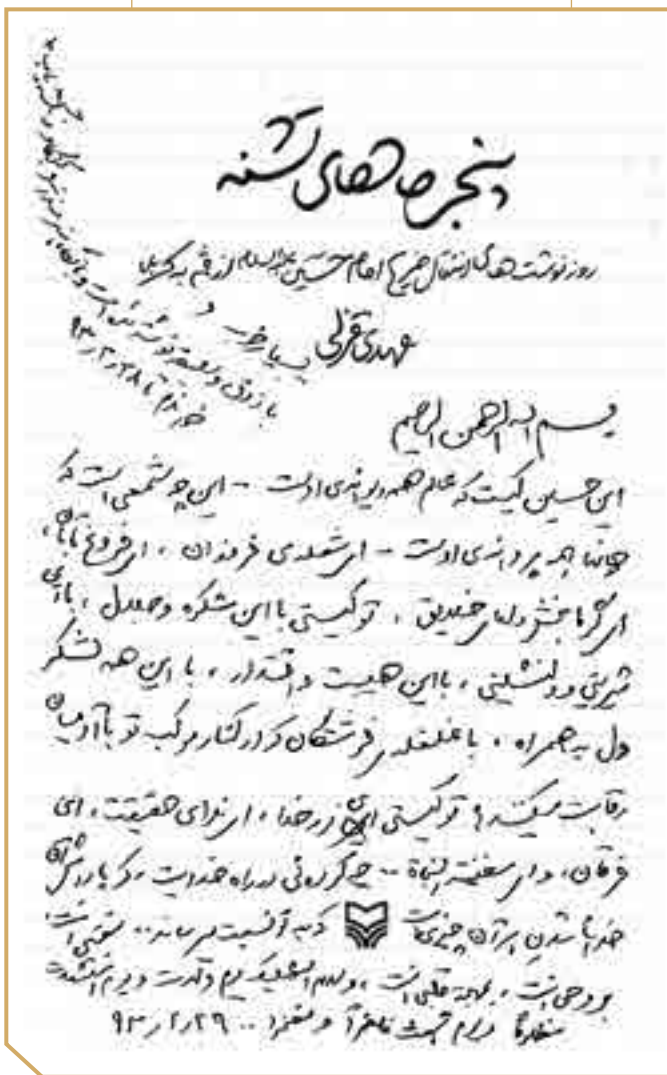
در این میان مهدی قزلی با کاروان
انتقال ضریح جدید حضرت امام
حسین(ع) از شهر قم تا کربلا
همراه شد تا به صورت روزنوشت
اتفاقات پیرامونی این حادثه را
گزارش کند. کتاب «پنجره‌های
تشنه» که اثری خواندنی با نثری
ساده و روان است، شرحی است
بر آنچه در جریان سفر ۱۸ روزه
انتقال ضریح مطهر حرم امام
حسین(ع) از قم به کربلا گذشته
است. رویکرد اصلی نویسنده در
این کتاب بیشتر گزارش نویسی
است که سعی کرده همه اتفاقات و
همچنین حواشی آنها ثبت کند. او
از احساسات شاعرانه دوری کرده و
برعکس، مانند یک گزارشگر ماهر
که قرار است از لحظه لحظه یک
اتفاق یادداشت برداری کند عمل
کرده و هر جا که تشخیص داده
نیاز به توضیح بیشتری است،
از این کار دریغ نکرده و با صبر
و حوصله به حاشیه‌نگاری آن
موضوع پرداخته است. همین مسئله

باعث شده، نوشته قزلی گاهی از حالت گزارش
صرف خارج شود و رگه‌هایی از روایت داستانی
به خود بگیرد.

با توجه به این که کاروان یادشده از شهر قم تا
کربلا به صورت منزل به منزل حرکت می‌کند،
در هر منزل یا همان شهر و روستا توقف کوتاهی
می‌کند و اهالی آن منطقه به استقبال کاروان آمده
و تا منزل بعدی کاروانیان را همراهی و بدرقه
می‌کنند. نویسنده جزئیات کامل این همراهی‌ها
را ثبت می‌کند که بسیاری از این اتفاقات همراه
با تصاویری است که در پایان کتاب آمده، تکمیل
می‌شود. ۶۶

تقریظ مقام معظم رهبری بر کتاب پنجره‌های تشنه

در اربعین حسینی و همزمان با حضور میلیونی
عاشقان ثارالله در راهپیمایی عظیم اربعین، در جوار
بارگاه ملکوتی حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام بود
که از تقریظ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر کتاب
«پنجره‌های تشنه» رونمایی شد. متن این تقریظ
به شرح زیر است:



بسم‌الله الرحمن الرحیم
این حسین کیست که عالم همه در پی اوست
این چه شمع‌ی است که جانها همه پروانه‌ی اوست
ای شعله‌ی فروزان، ای فروغ تابان، ای گرمابخش
دل‌های خلاق! تو کیستی با این شکوه و جلال،
با این شیرینی و دلنشینی، با این هیبت و اقتدار،
با این همه لشکر دل‌به‌همراه، با غلغله‌ی فرشتگان
که در کنار موبک تو با آدمیان رقابت میکنند؟ تو
کیستی ای نور خدا، ای ندای حقیقت، ای فرقان،
و ای سفینه‌النجاة؟ چه کرده‌ئی در راه خدایت که
پاداش آن خدائی شدن هر آن چیزی است که
به تو نسبت می‌رسانند؟ بنفسی انت، بروحی انت،

به حرم امام حسین علیه‌السلام رسید، حال
بچه‌های کاروان خیلی خوب بود. اصلاً گویا روی
زمین راه نمی‌رفتند! این را هم باید همین‌جا
اعتراف کنم که آن چیزی که من در این کتاب
ثبت و ضبط کردم، ۵ تا ۱۰ درصد آن چیزی بود
که اتفاق افتاد. آن اتفاقاتی که رخ داد، فراتر از
توان من برای نوشتن بود. اصلاً نانوشتنی بود.
البته من تلاش خودم را کردم که با همه‌ی

توانم آن چیزهایی را که می‌بینم
روایت کنم، اما بسیار فاصله دارد با
آن اتفاقاتی که در طول سفر افتاد.
**با این حساب تصویر خاصی در
ذهن تان ماندگارتر نشده؟**

همه تصاویر برایم ماندگار است.
اصلاً درباره این سفر نمی‌توان
گفت که کجا یا کدام روز و چه
استقبالی و اتفاقات پیرامون بهتر
یا خاص‌تر از بخش‌های دیگر بوده
است. البته این را بگویم که من در
ابتدای این سفر یک آدم بودم و در
انتهای آن آدمی دیگر. ما رفته‌رفته
مانند سنگی که در بستر رودخانه
است و آب از روی آن عبور می‌کند
با جریان بیشتر آب، صیقل
بیشتری داده می‌شدیم. هرچه
به پایان سفر نزدیک‌تر می‌شدیم،
ناخودآگاه دل‌نرم‌تر می‌شدیم. البته
این ربطی به آب ندارد. آبی که سر
ما می‌گذشت مانند همان ابتدا
زالال و احساسات پاک و ناب مردم
بود فقط استمرار آن باعث دل‌نرمی
ما می‌شد. فقط این تفاوت در ابتدا
و انتهای سفر را داشتیم.

**برای نوشتن کتاب بیشترین
مواردی که سعی می‌کردید، به
آن توجه داشته باشید و فراموش
نکنید، چه بود؟**

به همه چیز توجه کردم. بیشترین
یا کمترین نداشت. از غذا خوردن و
گرفته تا راه رفتن و خندیدن و
گریه کردن مردم را هم نوشتم.

اصلاً می‌دانید! اگر یک پژوهشگر حوزه طنز
این کتاب را بررسی کند می‌تواند خیلی نکات
پژوهشی حوزه طنز از آن درآورد. در صورتی که
اصلاً کتاب شبیه طنز نیست. اما به خاطر
اینکه زندگی کامل افراد در چند روزی که با
آنها در مواجهه با ضریح امام حسین(ع) آشنا
شدم، نوشته‌ام. قرار نبود روضه بنویسم یا اشک
مردم را درآورم. تنها واقعیت و هرچه از زندگی
مردم که در این چند روز اتفاق افتاد را نقل
کردم. اصلاً این‌طور نبود که به خودم بگویم
این موضوع را می‌بینم و دیگری را نمی‌بینم.

پاسخ به ۱۴ سؤال درباره انتشارات خیمه

از سال ۱۳۸۷ که کارمان را شروع کردیم تا امروز که خیمه دارد هفت ساله می‌شود زمان زیادی برای یک انتشاراتی طی نشده اما کرامت اهل بیت و تلاش محبت‌اش از نویسنده گرفته تا مسئول هنری و فنی باعث شده که امروز ما به یک نام در عرصه نشر دینی و آیینی تبدیل شویم. حالا برای اینکه مخاطبان به عنوان اصلی‌ترین پایه بقای این انتشارات، بتوانند با ما بیشتر آشنا شوند؛ به سائزده سؤال کلیدی و جدی در مورد خود پاسخ داده‌ایم.

است با صاحب‌نظرانی چون دکتر سیدحسین نصر، دکتر داوری اردکانی و دکتر دینانی در مورد عاشورا.

۵. واقعاً چنین آثاری مشتری دارد؟

سیاستی که داریم این است که با فرمول پنجاه پنجاه حرکت کنیم. یعنی نیمی از آثار، با عنایت به ذائقه و نیاز مخاطب منتشر شوند و نیم دیگر هم آثاری باشند که ما می‌خواهیم سرمایه‌گذاری کنیم تا منتشر شوند. با علم به اینکه مخاطب محدودتری دارند. سعی می‌کنیم ضرر مالی احتمالی این نوع کتاب‌ها را از کتاب‌هایی که مخاطب بیشتری دارند جبران کنیم؛ گرچه همین که ما ناشر را تعریف کردیم به عنوان ناشر تخصصی، خودش پذیرش این ریسک است. یعنی وقتی صرفاً روی موضوع عزاداری و عاشورا خودمان را محدود کردیم بالاخره تبعاتی دارد و این انتخاب آگاهانه بوده است.

۶. کتاب‌هایتان سفارشی است یا از نویسندگان این حوزه می‌خرید؟

هر دو مدل را داریم، یک مدل سفارش کتاب داریم. مانند همین مجموعه «صاحب‌دلان» که تا کنون ۹ عنوان از آن‌ها منتشر شده، جزو آثار سفارشی است. یعنی به سفارش و سرمایه انتشارات نوشته شده‌اند. مدل دیگر هم انتشار حق‌التالیفی است. نویسندگانی که در حوزه عاشورا آثاری داشته باشند برای ما می‌فرستند و در شورای نشر بررسی می‌شود و بعد اگر تصویب شد منتشر می‌شود.

۷. گفتید که خصوصی هستید. مگر ممکن است یک ناشر تخصصی بتواند به صورت خصوصی فعالیت کند؟

می‌دانیم که کمی باورش سخت است. ولی ما کاملاً خودگردان هستیم. خیمه کمک دولتی نمی‌گیرد، ولی فروش سازمانی دارد. شاید اگر کسی از بیرون به مجموعه نگاه کند، متوجه مشکلات و سختی‌های کار نشود. و فکر کند مجموعه خیمه مشکل مالی ندارد. ولی واقعیت این نیست. به عنوان ناشر خصوصی مشکلات ما گرانی کاغذ و بالا بودن هزینه چاپ و تولید و توزیع کتاب است.

۸. تاریخ عاشورا همیشه مورد بحث بوده است. چه کتاب‌هایی در این زمینه منتشر کرده‌اید؟

مهم‌ترین کتاب ما در این زمینه «مقتل الحسین» ابومخنف لوط بن یحیی است که با ترجمه دکتر حجت‌الله جودکی و مقدمه دکتر سیدمحمد مهدی جعفری منتشر شده است. این کتاب متن عربی و ترجمه فارسی نخستین

بزنید. این را باید در نظر داشته باشید که ما در ابتدا تمام نشرانی که در حوزه عاشورا فعال‌اند را شناسایی کردیم و رصد کردیم که هر یک در کدام حوزه کار می‌کنند. مثلاً در حوزه‌هایی مثل تاریخ عاشورا، مقتل و شعر هیئتی به اندازه کافی ناشر فعال داریم و دیدیم نیاز نیست دیگر خیمه هم به این موضوعات بپردازد. حتی در شعر هم که وارد شدیم شعر سپید عاشورایی را منتشر



کردیم و نه شعر هیئتی. پس این طور بگویم که حتی الامکان سعی داریم به حوزه‌هایی وارد شویم که مغفول مانده و باقی ناشران سراغشان نمی‌روند.

اگر بخواهیم یک نوع دیگر محصولات خیمه را معرفی کنیم باید بگوییم یک دسته آثار پژوهشی است که شامل آثاری با موضوع پژوهش فرهنگی (مثل «شبیه از نگاه فقیه» و «آیینهای سوگواری مذهبی شیعیان در هند»، پژوهش ادبی (مثل «کتاب مقدس» و پژوهش تاریخی (مثل «عاشورا در مصاف با استیلا») می‌شود.

دسته دوم آثار ادبی است اعم از نثر ادبی (مثل «جوشن کبیر»، شعر (مثل «هوای ماریه ابری ست»، داستان (مثل مجموعه «صاحب‌دلان») و مجالس تعزیه (مثل مجموعه «این رستخیز عام».

دسته سوم آثار هنری است که نمونه‌اش همین مجموعه «نوحه نواحی» است. دسته چهارم آثار تاریخی است (مثل «مقتل ابی مخنف»). و دسته پنجم هم «کتاب خیمه» است که باز نشر موضوعی مطالب گزیده آرشو ماهنامه خیمه است (مثل «خرد در خون» که گفتگوهای ناب

۱. انتشارات خیمه را معرفی کنید؟

برای شروع، سؤال خوبی است. انتشارات خیمه یکی از اجزای هیئت قرآنی احیاء است و از سال ۱۳۸۷ فعالیت رسمی خودش را آغاز کرده است. ما یک ناشر خصوصی هستیم و اگر می‌خواهید با ما ارتباط بگیرید باید کمی صبر کنید یا همین الان به سؤال شماره ۱۴ بروید. فکر می‌کنم با این سؤال حداقل یک سؤال دیگر در ذهنتان نقش بسته است و آن اینکه:

۲. هیئت قرآنی احیا چیست؟

خب ممکن است کمی از بحث اصلی مان دور شویم ولی عیبی ندارد که بدانید هیئت قرآنی احیا هم یک مجموعه خصوصی است که همانطور که از اسمش معلوم است قصد دارد فضای جدیدی در فعالیت‌های دینی باز کند. مجموعه انتشارات و ماهنامه و پژوهشکده و کتابخانه خیمه، همراه نشریه «جدید» - که برای مخاطب کودک منتشر می‌شود و رویکردی دینی دارد - و نشریه و محصولات «محیا»، زیرمجموعه‌های «هیئت قرآنی احیا» محسوب می‌شوند. همین جا هم این را بگوییم که برای دسترسی به این هیئت می‌توانید اسمش را در گوگل سرچ کنید یا مستقیماً به این آدرس مراجعه کنید: www.ehyaonline.ir

۳. بقیه مؤسسات خیمه فعالیتشان چیست؟

ماهنامه خیمه با عنوان هیئت مکتوب حسینی و مخصوص هیئات مذهبی منتشر می‌شود. و الان دوازدهمین سال فعالیتش است و بیش از ۱۱۰ شماره چاپ کرده است. ماهنامه، اولین بخش مجموعه خیمه است که زیرمجموعه هیئت قرآنی احیا قرار گرفت. پژوهشکده خیمه هم در همان حوزه عاشورا فعالیت می‌کند و کتابخانه تخصصی امام حسین هم بیش از چهار هزار عنوان کتاب تخصصی، در حوزه امام حسین و تاریخ اسلام، عاشورا و عزاداری‌ها دارد.

۴. انتشارات خیمه چه می‌کند؟

داریم به اصل مطلب نزدیک می‌شویم. انتشارات از اول این تعریف را داشت که یک ناشر تخصصی باشد و در سه حوزه فعالیت کند: اول آثار پیرامون امام حسین (ع)، خانواده و یارانش؛ دوم آثار پیرامون واقعه عاشورا و سوم آثار در حوزه ادبیات و هنر عاشورایی و پژوهش‌هایی که درباره آئین‌های سوگواری عاشورا انجام می‌شود. به عبارت دیگر خیمه خودش را ناشر تخصصی عاشورا تعریف کرده و الان هم با این رویکرد فعالیت می‌کند. پس اگر در هنگام محرم دنبال کتابی در مورد امام حسین یا ایام عزای ایشان می‌گردید حتماً باید به کتاب‌های ما سری



گزارش مستند از واقعه عاشورا است. «موسوعه مقتل سیدالشهدا» که فرازهای مربوط به تاریخ امام حسین (ع) و عاشورا در آثار محدثان و مورخان بزرگ شیعه و سنی (شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، مسعودی، ابن مسکویه، ابن اثیر، ابن کثیر، سبط ابن جوزی، سیوطی، شافعی و...) به زبان عربی است، دیگر کتاب ما درباره این موضوع است. کتاب مهم دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد «ثارالله: خون حسین در رگ‌های اسلام»، اثر حجت‌الاسلام حسین عندلیب همدانی است که موضوعش بررسی فضایل و شخصیت امام حسین (ع) و تاریخ قیام عاشورا است.

۹. هر وقت اسم امام حسین و عاشورا می‌شود بی اختیار یاد مداحان و پیرغلامان و سایر خادمان دستگاه اهل بیت (ع) می‌افتیم. در این حوزه تولیداتی داشته‌اید؟ بله. مجموعه دوجلدی «عشق، ادب، اخلاص» که مجموعه مصاحبه با مداحان سرشناس است و در آن‌ها به خیلی از مباحث مبتلابه جامعه مداحان پرداخته شده است در کنار مجموعه «صاحب‌دلان» که مجموعه‌ای با هدف معرفی و روایت زندگی چهره‌های مؤثر و ماندگار فرهنگ عاشورا در دوران معاصر است.

۱۰. درباره خود واقعه عاشورا کار علمی و آکادمیکی کرده‌اید؟



مجموعه پنج جلدی و ارزشمند «عاشورانامه» که جزو نخستین محصولات خیمه است و ۷۲ مقاله متنوع از نویسندگان و صاحب‌نظران مختلف درباره عاشورا و ابعاد مختلف آن را شامل می‌شد یک نمونه است. علاوه بر این، کتاب «از عاشورای حسین تا عاشورای شیعه» اثر استاد

محمد اسفندیاری هم هست که مباحثی در نقد و تحلیل فرهنگ عاشورا است و هم چنین کتاب «راه حسین» نوشته حجت‌الاسلام شیخ عباسعلی اسلامی که آن هم تحلیلی از واقعه عاشورا و قیام امام حسین (ع) است. کتابی هم حول موضوع تحلیل سیاسی واقعه عاشورا با عنوان «عاشورا در مصاف با استیلا» به قلم دکتر مریم روشنفکر منتشر شده است.

۱۱. شعور حسینی همواره با شور آمیخته است. از این رو بد نیست اگر درباره کتاب‌هایی که با موضوع هیئت‌ها یا آیین‌های عاشورایی منتشر کردید هم توضیحی بدهید.

کتاب اول مجموعه دوجلدی مجموعه مقالات جامعه‌شناسانه و انسان‌شناسانه مناسک عزاداری محرم است. کتاب دیگر مناسک و آیینهای شیعی در هند است به قلم دکتر جبار رحمانی. سومین کتاب، به قلم همین نویسنده، «آیین و اسطوره در ایران شیعی» نام دارد که مجموعه مقالاتی با موضوع بررسی انسان‌شناسانه فرهنگ عاشورا است. در همین حوزه «شبیه از نگاه فقیه» به کوشش مسلم نادعلیزاده منتشر شده که فتاوی ۱۳۰ تن از علما و فقه‌های شیعه درباره تعزیه را شامل می‌شود. در این زمینه دو مجموعه هم چاپ شده است. یکی مجموعه «نوحه نواحی» است که مجموعه نوحه‌های منتخب منطقه همدان و سمنان همراه با متن نوحه‌ها و آوانگاری آن‌ها آن هم به ضمیمه لوح فشرده صوتی نوحه‌ها است که با همکاری بنیاد دعبل خزاعی منتشر شده است. مجموعه دیگر «این رستخیز عام» است که مجموعه مجالس تعزیه سروده استاد غلامعلی نادعلی‌زاده است. «عاشورا، مناسک و معنا» و «مناسک مذهبی زنانه در طول تاریخ» هم دیگر آثاری هستند که به زودی منتشر خواهند شد.

۱۲. می‌دانیم که عاشورا با ادبیات و هنر ایرانی در هم آمیخته است. شما کتاب‌های ادبی یا هنری هم چاپ کرده‌اید؟

بله. سه مجموعه عکس با نام «جامه دران» اثر هادی لژی‌ری با موضوع صد عکس از مراسم عزاداری عاشورا در بازار تبریز، «آن سو» اثر سعید کیایی با موضوع مجالس مذهبی زنانه و مجموعه عکس عزاداری بوشهر جزو کتب هنری ماست. دو مجموعه شعر سپید عاشورایی هم داریم. سیداکبر میرجعفری با کتاب «چند مجلس از دهه اول» خود توانست اثر برگزیده جشنواره کتاب فصل و اثر تقدیر شده کتاب سال ۱۳۹۳ باشد و استاد محمدمهدی رسولی هم مجموعه شعر خود را با عنوان «هوای ماریه



ابری ست» به ما سپرده است. دیگر کتب ادبی ما «باران خلاف نیست» اثر کورش علیانی و «جوشن کبیر» اثر حامد صفایی پور است.

۱۳. آیا از بزرگان و افراد شهیر هم کتابی چاپ کرده‌اید؟

بله. آیتالله ابوالقاسم خزعلی کتاب «نگاهی به قطره‌ای از زلال جوشان حمد» که نکاتی تفسیری درباره سوره حمد و برخی دیگر از سوره‌های قرآن کریم است را به ما سپرده است. هم چنین ما سه کتاب حجت‌الاسلام محمدرضا زائری را چاپ کرده‌ایم. «زندگی حسینی» که مجموعه یادداشت‌هایی با موضوع فرهنگ عاشورا و سبک زندگی عاشورایی است، «پدر، پسر، روح‌القدس» که بررسی تجلی عشق علوی و شور حسینی در آثار شاعران و نویسندگان مسیحی است و «کتاب مقدس» که بررسی تجلی دلبستگی شاعران و نویسندگان مسیحی به قرآن مجید و رسول اکرم (ص) است.

۱۴. دست آخر بگویید که چطور می‌توانیم به شما یا کتاب‌هایتان دسترسی داشته باشیم. اول در مورد خودمان. آدرس ما هست:

تهران، خیابان سمیه، تقاطع خیابان استاد نجات‌اللهی، پلاک ۲۴۱، واحد ۹ یا صندوق پستی ۱۹۴۱-۱۵۱۸۱۵. تلفن ما ۸۸۹۳۴۹۷۲ و ایمیلمان nashrekheime@gmail.com. آگهی مراکز پخشمان را هم در نشریه خیمه ارائه می‌دهیم. تا یادمان نرفته بگوییم که به تازگی نسخه الکترونیکی کتاب‌هایمان را در سایت «فیدیو» عرضه کرده‌ایم. ۶۶

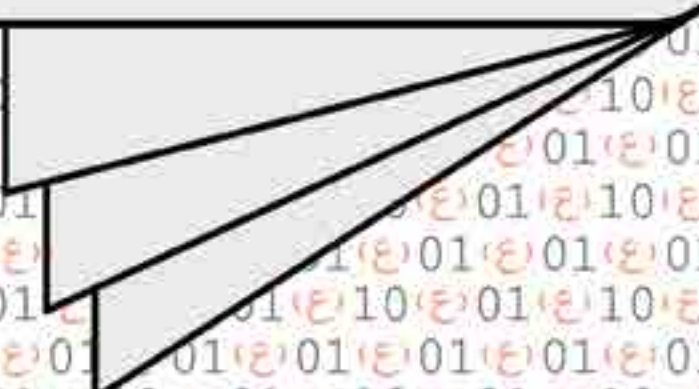


www.nashrekheime.ir

فروشگاه اینترنتی

نشر خیمه

کلیه کتاب‌های نشر خیمه را در ایام
نمایشگاه، با ۲۵ درصد تخفیف تهیه کنید





انتشارات خیمه از جدیدترین
اثر خود رونمایی کرد

آیت الله خزعلی: کتاب تفسیر سوره حمد حاصل عمر من است

مراسم رونمایی از کتاب «حمد» تألیف آیت الله ابوالقاسم خزعلی، عضو مجلس خبرگان رهبری که نگرشی بر تفسیر سوره حمد و برخی نکات تفسیری دیگر است، ۲۰ اسفند ماه ۹۳ با حضور حجج اسلام کاظم صدیقی، امام جمعه موقت شهر تهران، سعید مهدوی کنی، محمدرضا زائری مدیرعامل مجموعه فرهنگی سرچشمه و حسین ظریف منش، رئیس بنیاد بین المللی غدیر و جمعی از مسئولان فرهنگی و قرآنی در مجموعه فرهنگی سرچشمه برگزار شد.

آیت الله ابوالقاسم خزعلی، دبیر کل بنیاد غدیر خم در مراسم رونمایی از کتاب تفسیر حمد که بعد از ظهر چهارشنبه ۲۰ اسفند ماه در مجموعه فرهنگی شهدای هفتم تیر برگزار شد؛ با قرائت سوره حمد، یادآور شد: خداوند، رحمان و رحیم است و این با سخن کسانی که معتقدند همه انسان ها جهنم را تجربه می کنند، تناقض دارد.

وی یادآور شد: اگر طبق گفته مفسرانی که همه افراد، جهنم را تجربه می کنند؛ پس حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه سلام الله علیها هم از این مورد مستثنی نیستند؛ در حالی که اینگونه نیست.

دبیر کل بنیاد غدیر خم با اشاره به سوره مریم گفت: در این سوره آمده است که هیچ کس از شما نیست مگر [اینکه] در آن [جهنم] وارد می شود. این [امر] همواره بر پروردگار حکمی قطعی است؛ اما تعبیر مفسران چیز دیگری است و آنها معتقد هستند؛ همه افراد، جهنم را تجربه می کنند و با این گفته مخالفم چرا که انسان اهل فکر و تعقل است.

آیت الله خزعلی با بیان اینکه این کتاب حاصل تدریس وی در مدارس و حوزه های علمیه است، گفت: کتاب تفسیر سوره حمد، حاصل عمر و تلاش من است.

محمدرضا زائری، مدیر نشر خیمه هم در مراسم با اشاره به اینکه آیت الله خزعلی قبل از انقلاب جلسات تفسیر قرآن کریم را در حوزه علمیه قم برپا کرده بود، گفت: آیت الله خزعلی با کتاب «حمد» چکیده نگاه تفسیری خود را عرضه کرد.

متن کامل سخنرانی حجت الاسلام زائری، مدیر انتشارات خیمه در ادامه می آید:

برخی نکات اشاره کنم؛ ولی بیان آنها را وظیفه می دانم؛ هر چند می دانم که خوشایند ایشان نیست.

آیت الله خزعلی از مدرسین برجسته تفسیر در حوزه علمیه قم هستند. ایشان قبل از انقلاب حلقه درسی - تفسیری مهم و مشهور قم را اداره می کردند و شاگردان فراوانی داشتند. پس از انقلاب نیز این درس به شکل دیگری ادامه یافت و طلاب فاضل و برجسته تر درس

به انتشارات خیمه و هیئت قرآنی احیا افتخار دادند تا کتابشان را منتشر کنند. هیئت قرآنی احیا رسالت خود را بر اساس روایاتی که مضمون آنها «رَحِمَ اللهُ أَحْيَا» است، قرار داده تا معارف قرآنی را با احیای شعائر حسینی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام دنبال کند.

شخصیت آیت الله خزعلی بهترین نمونه و مثال برای این دو رکن است. برایم سخت است تا در محضر ایشان به

«... خیرمقدم عرض می کنم خدمت بزرگواران به ویژه حضرت استاد آیت الله خزعلی که قدم بر چشم ما گذاشتند. امیدوارم این جلسه مصداق روایت شریف «مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يَحْيِي فِيهِ أَمْرًا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ» محسوب شود و همه ما به دلیل شرکت در جلسه قرآن و تکریم یک مؤمن بزرگوار مجزی باشیم.

در ابتدا تشکر می کنم از حضرت آیت الله خزعلی که

و خدمت گزار داشتند.

ویژگی دیگر ایشان اینکه منبر را رسالت و تعهد خود می‌دیدند. در طول سالیان متمادی از سهم امام (ره) و حقوق شورای نگهبان استفاده نکردند. ایشان معتقدند که من خادم و روضه‌خوان امام حسین علیه‌السلام هستم و می‌خواهم با پول منبر زندگی کنم. یکی از مشکلات طلبه‌های بعد از انقلاب این است که به طلبه‌های کارمند و اداری تبدیل شده‌اند و جمعیتی که قبل از انقلاب از آخوند و منبری متأثر می‌شدند متأسفانه پس از انقلاب آنقدر تأثیرپذیر نیستند.

آیت‌الله مجتبی تهرانی همواره می‌فرمودند؛ دو نکته را فراموش نکنید یکی منبر و دیگری مسجدداری. این دو اصل، کار شماست. حضرت آیت‌الله خزعلی در اوج موقعیت‌های اجتماعی و سیاسی پس از انقلاب، زبان‌شان، زبان قال و حال‌شان این است که قبل از هر کاری روضه‌خوان امام حسین علیه‌السلام باشد. ایشان قبل از بازنشسته شدن از شورای نگهبان حقوقی دریافت نمی‌کردند. حضرت امام (ره) می‌فرمودند که

این مسائل را بگویید؛ چون گاهی مسئله ایجاد می‌شود. کل دارایی آیت‌الله خزعلی خانه‌ای بود در قم که آن را فروختند و حقوق بازنشستگی ایشان نهصد هزار تومان است که چون نمی‌توانند منبر بروند از آن استفاده می‌کنند؛ بنابراین الگوی من طلبه باید کسی باشد که خود را روضه‌خوان امام حسین علیه‌السلام بداند و از منبر کوتاه نیاید به رغم اینکه بسیاری به ایشان گفتند که در شأن شما نیست که منبر بروید. ایشان فرمودند که کار من منبر و روضه‌خوانی است؛

اگر ایشان به منبر توجه نمی‌کردند شاید تألیفات متعددی می‌داشتند؛ ولی ایشان می‌خواستند زندگی‌شان را با منبر اداره کنند.

از آیت‌الله اراکی به دلیل اینکه جایگاه منبر را حفظ کردند تقدیر به عمل آمد. یکی از مشکلات امثال من این است که تا وقتی منبرم مشهور می‌شود درس را کنار می‌گذارم یا یک عالم بزرگ وقتی درسش رونق دارد منبر را کنار می‌گذارد؛ در حالی که منبر یکی از مهم‌ترین ارکان نشر و احیای معارف است.

امیدوارم خداوند به حضرت آیت‌الله خزعلی سلامتی و عافیت عنایت کند. زندگی ایشان با دو چیز گره خورده است؛ اول قرآن کریم و تفسیر و دوم نام علی بن ابیطالب علیه‌السلام و غدیر. ایشان از یک طرف با بیان نکات تفسیری با قرآن ماندند و از طرفی امر «فَلْيَبْلُغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدَ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» را اطاعت کردند.

إن شاء الله خداوند امثال ایشان را بر ما فراوان و سلامت و عافیت به این شخصیت عظیم و ارزشمند و بزرگ عنایت کند و امیدوارم این جلسه مصداق روایت شریف «مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيِي فِيهِ أَمْرًا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ» محسوب شود و خداوند دل‌های ما را به معرفت قرآن و نام علی بن ابیطالب علیه‌السلام زنده بدارد. ...»

من می‌گویید؛ گمراه هستی، انتظار چه ارتباط، دیالوگ، تفاهم و گفت‌وگویی دارید. شما از ابتدا حکم مرا تعیین و مرا محکوم می‌کنید. من جوابی برای سؤال او نداشتم تا زمانی که آیت‌الله خزعلی این نکته را فرمودند که اگر «الْمَغْضُوبُ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» را صفت بگیریم برای «أَنْ أُنْعَمَ عَلَيْهِمْ» و «أَهْلَ بَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَام» این سؤال، پاسخ بسیار روایی می‌یابد.

پس از صحبت آیت‌الله خزعلی، حضرت علامه عسگری رضوان‌الله فرمودند که من بعد از این باید نمازهایم را دوباره بخوانم. این سؤال فقط مشکل من نبود؛ بلکه سؤال بزرگانی مانند علامه عسگری نیز بود. آیت‌الله خزعلی به جای تکرار اقوام مفسرین و نکات تفسیری رایج به سؤالات تعیین‌کننده‌ای پاسخ داده‌اند.

«و ان منكم الا واردها كان على ربك حتماً مقضياً» همیشه براین سؤال بود که آیا پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه‌السلام و صدیقه طاهره سلام‌الله علیها هم؟ کسی جرأت پاسخ صریح به آن



را نداشت؛ اما جوابی هم که دل را آرام کند، وجود نداشت. این سؤال از طرفی تعیین‌کننده و مهم بود و از طرفی برای آن جوابی که آبی بر آتش دل نباشاند، یافت نمی‌شد. روش آیت‌الله خزعلی تفسیر قرآن به قرآن است؛ بنابراین دست بر این آیه شریفه گذاشتند؛ «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ»؛ «نه اینکه داخل آب مدین شد»، «وَأَنْ مِّنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا»؛ «به آب مدین رسید و به آن نزدیک شد». آیت‌الله خزعلی به این سؤال بسیار زیبا و به درستی پاسخ دادند و این مشکل را حل کردند.

حضرت آیت‌الله خزعلی حافظ قرآن کریم و نهج‌البلاغه و الگوی طلبه‌های حوزه هستند یکی از نقایص طلبه‌های شیعه این است که حافظ قرآن نیستند. ایشان در تفاسیر خود از نهج‌البلاغه استفاده می‌کنند و آنچه ارادت من را به ایشان بیشتر می‌کند این است که با مفسری آگاه و خدوم و حافظ قرآن و نهج‌البلاغه که در عرصه انقلاب حضور داشته است، روبه‌رو هستیم. فرزند ایشان از شهدای ابتدای انقلاب هستند و قبل از افتخار آشنایی با ایشان نوارهای سخنرانی دختر بزرگوارشان را گوش داده‌ام ایشان خانواده‌ای انقلابی دارند که پسرشان به شهادت رسیده و دخترشان زینب‌گونه به میدان آمده است. آیت‌الله خزعلی در شورای نگهبان حضور انقلابی

خارج در خدمت ایشان بودند. این درس‌ها در اصفهان، مشهد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام و دانشگاه رضوی ادامه یافتند. شخصیت آیت‌الله خزعلی به عنوان شخصیت عالم حوزه تفسیر، شناخته شده است و دو جلد از دروس تفسیر ایشان به چاپ رسیده و امیدوارم که مابقی آنها نیز منتشر شوند.

حضرت آیت‌الله محمدی گیلانی فرموده‌اند که درس ایشان در تفسیر، درسی بود که همه را به آن ارجاع می‌دادیم و در قم، همه آن را مهم‌ترین درس تفسیر می‌شناختند.

آیت‌الله رسولی محلاتی فرموده‌اند که هر کدام از طلبه‌ها و مؤلفان هر زمان در مورد ادبیات عرب یا از لحاظ فنی عربی سؤالی داشتند به ایشان مراجعه می‌کردند.

چرا از چنین شخصیتی با چنین موقعیتی، کتاب مختصری مانند «حمد» رونمایی می‌شود؟ این نکته محل سؤال بسیاری از دوستان است چه بسا که بسیاری از آنان به ابعاد شخصیتی آیت‌الله خزعلی آشنایی ندارند.

مرحوم کلینی در اصول کافی نقل می‌کند که شخصی از امام صادق علیه‌السلام سؤالی پرسید و حضرت در پاسخ به او فرمود که «لَئِنْ كُنْتُ أَقْصَرْتُ الْخُطْبَةَ لَقَدْ أَعْرَضْتُ الْمَسْأَلَةَ»؛ «منبر کوتاهی رفتی، اما عجب سؤال و مسئله بزرگی». گاهی حجم، اندک است؛ اما عظمت محتوا آنچنان است که شاید مطالعه هر یک صفحه کتاب زمان زیادی لازم داشته باشد. بسیاری از کتاب‌های بزرگ معرفتی در میراث فرهنگی و علمی، کتاب‌هایی هستند که گاهی با خواندن آنها در یک جلسه، یک سطر یا دو سطر به نتیجه می‌رسیم؛ ولی کتاب‌هایی نیز هستند که صفحات بزرگ و فراوانی دارند.

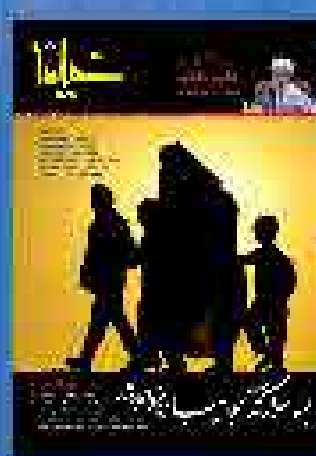
قصد اهانت ندارم؛ بسیاری از علما می‌فرمایند که بیهوده سخن به این درازی یا حرف حساب که به این بلندی نمی‌شود یا بسیاری از کتاب‌های مشهور چند جلدی را می‌توان در یک جلد خلاصه کرد. آیت‌الله خزعلی با کتاب «حمد» خلاصه و چکیده نگاه تفسیری خود را عرضه کردند؛ اگر قرار بود سخنرانی‌ها و منبرهای ایشان به شکل کتاب دربیاید در واقع یک موسوعه ۵۰ جلدی باید رونمایی می‌کردیم؛ اما هدف ایشان این نبوده است. آیت‌الله خزعلی کتاب «حمد» را که نام آن به زیبایی انتخاب شده است به استاد بزرگوارشان مرحوم امام (ره) هدیه کرده‌اند. ایشان در این کتاب به نکات بسیار مهمی پرداخته‌اند که به یک الی دو نکته از آنها اشاره می‌کنم؛ یکی از سؤالات بسیاری از مسیحیان و اهل کتاب و بعضاً نخبگان آنها این است که ما چگونه با شما ارتباط داشته باشیم؟ و چگونه برخی آیات قرآن را باور کنیم؛ وقتی شما از اول مصحف، ما را گمراه به حساب می‌آورید. این سؤال یکی از نخبگان مسیحی از من بود. او گفت که بسیاری از تفاسیر و از جمله تفسیر جلالین را مطالعه کرده‌ام؛ همه علمای مسلمان قاطعانه معتقدند که ما گمراه هستیم و تکلیف ما را از ابتدا مشخص کرده‌اند؛ وقتی از ابتدای خطبه و منبر به



جدیدترین آثار هیئت قرآنی احیاء



تہذیب معاصر و چهارده سالہ حکمت



بر بار معاصر و چهارده سالہ حکمت



بر بار معاصر و چهارده سالہ حکمت



بر بار معاصر و چهارده سالہ حکمت



بر بار معاصر و چهارده سالہ حکمت

بر بار معاصر و چهارده سالہ حکمت

بر بار معاصر و چهارده سالہ حکمت



ملفوظات مولانا محمد تقی عثمانی
hash ekheims
enyaonilms

